

## کدام معیار برای انتخاب همسر مناسب تر است ( قسمت اول )



اگر شناسنامه تان را ورق بزنید چهار واقعه زندگی در آن آمده است: تولد، ازدواج، طلاق و فوت؛ که فقط در ازدواج و طلاق مختارید، بنابراین ازدواج را نباید سرسری گرفت بلکه باید با مطالعه و براساس معیارهای حقیقی همسر را انتخاب کرد. قبل ازدواج حتماً با يك متخصص یا يك مشاور خیره در امور خانواده و برخوردار از اطلاعات امروزي مشاوره کنید.

این که می گویند «به هم عادت می کنید»، «علاقه بعداً پیدا می شود» در همه جا صحیح نیست. زمانی علاقه «بعداً» پیدا می شود که پایه و اساس ازدواج بر معیارهای عقلانی استوار شده باشد. با عنوان های «دعواهای پدر و مادرم مرا خسته کرده بود!»، «در تنگنای مالی بودم»، «همه دوستانم ازدواج کرده اند» و ... تن به ازدواج تحمیلی و ناخواسته ندهید. اگر از دعواهای والدینتان خسته شده اید دنبال فکر و چاره اساسی باشید، برای فرار از محیط پر آشوب خانه ازدواج نکنید که ممکن است شما هم به همین مصیبت دچار شوید! براساس نیازهای اقتصادی ازدواج نکنید اگر مهر و محبت که پایه و اساس يك زندگی مشترك است وجود نداشته باشد همه چیز براساس تصادف و شانس پیش می رود، شاید تصادفاً خوب پیش رود و شاید هم برعکس؛ و به علت این که دوستانتان ازدواج کرده اند تن به ازدواج ناخواسته ندهید. نباید بدون جهت اعتماد به نفستان را از دست دهید و نگران شوید که مبدا کسی به سراغتان نیاید.

در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان  
وي نیز ضرورت دارد بنابراین وضعیت دوستان و اقوام بخصوص  
بستگان نزدیک در همسر گزینی نباید نادیده گرفته شود.

### توصیه مشاوران به مراجعان

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس به خرج ندهید؛ سعی کنید با دیده اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری کنید.
- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده های وابسته، سختگیری کنند برای متقاعد کردن آنها از مشاور خانواده کمک بگیرید.

4- از ازدواج تحميلي خودداري كنيد.

5- در انتخاب همسر پس از بررسي معيارهاي طرف مقابل، وضعيت خود را با وي مقايسه كنيد و در صورت هماهنگي تصميم گيري نماييد. بدون توجه به شرايط خود انتخاب ايده آلي نكنيد.

6- در انتخاب همسر از پدر و مادر و خويشاوندان خود نظرخواهي كنيد ولي مواظب باشيد چون به علت عدم تخصص ممكن است نظر آنان تحت تأثير معيارهاي خاص مناسب نباشد. حتماً با مشاور واجد شرايط مشورت كنيد.

7- براي شناخت همسر از هر دو روش مستقيم و غيرمستقيم استفاده نماييد و حتماً قبل از خواستگاري، به طور مستقيم، از طريق مشاهده گفت و شنود، از او شناخت پيدا كنيد.

## معيار اصولي و متناسب براي ازدواج

### (كدام معيار براي انتخاب همسر مناسب تر است )



ضرورت چند نکته :

خانواده هر دو نفر از نظر فرهنگي و سنت هاي رايج نزديك به هم باشند.

تا سر حد امكان، تمكّن مالي دو خانواده متناسب با يكديگر باشد.

اگر هر دو نفر اهل يك شهر نيستند حداقل در ساير زمينه ها و آداب و رسوم نزديك به هم باشند.

ديدگاه هاي دو خانواده از نظر مذهبي - سياسي - اجتماعي و معاشرت نزديك به هم باشند.

در خانواده دو طرف پدرسالاري يا مادرسالاري به صورت مطلق وجود نداشته باشد.

تناسب جسمي - شکل - قیافه و اندام هر دو نفر به هم نزدیک باشد تا حدی که تفاوت های موجود خیلی چشمگیر نباشد.

از نظر سن و سال متناسب باشند و به اصطلاح عامه «به هم بیایند».

از نظر میزان تحصیلات، اختلاف فاحش نداشته باشند.

در انتخاب محل سکونت یا محل کار اختلاف سلیقه نداشته باشند.

از نظر طرز تفکر و اندیشه اجتماعی به هم نزدیک باشند.

دیدگاهشان نسبت به زندگی یکسان باشد.

تفاوت های شخصیتی و خصوصیت های رفتاری فاحشی نداشته باشند.

تا آنجا که مقدور است بهره هوشی آنها نزدیک به هم باشد.

دارای دیدگاه های سیاسی گرایش های اعتقادی و افق های فکری نزدیک به هم باشند.

هر دو نفر استقلال رأی داشته باشند؛ یعنی شخصاً در امور زندگی تصمیم بگیرند نه با دهن بینی و تقلید از دیگران.

از نظر تفکرات مذهبی در دو قطب مخالف هم نباشند که این مورد بسیار مسئله ساز است.

داشتن اختلافاتی در موارد اشاره شده گرچه زندگی را سخت می کند و امکان تفاهم را به حداقل می رساند ولی به شرطی که طرفین اهل تغییر، رشد، تکامل و پیشرفت باشند، همزیستی را غیر ممکن نمی سازد.

کسانی که در زندگانی خویش درجا می زنند و به فکر پیشرفت نبوده و اهل تغییر و تحول نیستند باید سعی کنند گرد همسری که با او اختلافات طبقاتی و فرهنگی زیادی دارند نگردند. آموخته های طول زندگی را می توان تغییر داد زیرا همه آنها اکتسابی هستند و کافی است غلط بودنش به فرد ثابت شود تا میل به تغییر آنها فزونی یابد ولی عوامل روان شناختی و ساختاری شخصیت افراد را به سختی می توان تغییر داد.

تغییر این گونه عوامل و مواردی که در شخصیت آدمهاست در صورتی حاصل می شود که هر دو طرف قبول کنند وجود تفاوت های فاحش مسئله ساز است، پس شخص باید تغییر کند.

این تغییرات نیاز به طول زمان، آموزش علمی، خواستن و به کاربردن تمرینات لازم دارد. تنها «خواستن» کافی نیست؛ گذشت آگاهانه در زندگی و پاکسازی ذهن از تعصبات، نقش اساسی در **تفاهم** و سازندگی دارد.

این همه تلاش زمانی ثمربخش است که **عشق** و علاقه در میان باشد. عشق و علاقه زمینه ساز گذشت می شود و نقش مؤثری در میل به تغییر آدمی بازی می کنند. اگر اینها نباشند هیچ کس برای هدفی این چنین سخت تلاش نمی کند و اگر مهر و محبت باشد و سازندگی هم در پی آن بیاید، آن وقت زندگی معنای واقعی اش را پیدا می کند و این مهم نیز میسر نیست مگر به لطف فداکاری هر دو طرف؛ که تغییر در يك طرف هرگز کافی نبوده و نیست .

### **روش های مطالعه برای انتخاب همسر**

#### **روش های مطالعه برای انتخاب همسر به دو گروه تقسیم شده است :**

##### **الف : روش های غیرمستقیم**

در ابتدا برای شناخت فرد مورد نظر باید از افرادی که با وی در تماس هستند اطلاعات لازم کسب شود .

##### **منابع کسب اطلاع به روش غیرمستقیم عبارت اند از:**

1- همسایگان

2- خویشاوندان و دوستان خانواده

3- همکاران پدر و مادر و سایر اقوام

4- محل تحصیل و شغل

5- همکلاس ها و...

معمولاً کسی که می خواهد ازدواج کند باید در اطراف و جوانب به تفحص و جستجو بپردازد و درباره خانواده و همکاران، همکلاسی ها و دوستان فرد تحقیق و بررسی کند و از بین افراد ذي صلاح برای تکمیل اطلاعات خود اقدام کند.

برای انتخاب باید در زمینه های اجتماعی - فرهنگی - تحصیلات - وضعیت مالی - اخلاق و سن و شغل اطلاعات لازم کسب شود و فرد از نظر تطبیق وضعیت طرف مقابل با شرایط خودش بررسی های کافی به عمل آورد.

##### **ب : روش های مستقیم**

دین اسلام بررسی های مستقیم زن و مرد را در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند مجاز دانسته است. پیغمبر اکرم (ص): در حدیثی فرموده اند: «وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد».

با توجه به مطالب فوق مطالعه حضوری از نظر دیدن و کسب اطلاعات قبل از ازدواج (اگر هدف ازدواج باشد، نه کسب لذت) مانعی ندارد.

##### **منابع**

- مشاوره ازدواج و خانواده، تألیف سید مهدی حسینی

- جوانان و ازدواج (روان شناسی رفتار زوج های جوان)، تألیف ا. کیهان نیا

- زناشویی راز خوشبختی، تألیف دکتر کاظمی خلخالی

## قبل از ازدواج در مورد مادیات هم صحبت کنید



پژوهش‌ها نشان می‌دهد «پول» یکی از عوامل اصلی سوء تفاهم‌های زوج‌هاست. اگر با صداقت و صراحت قبل از ازدواج در مورد مسائل مالی صحبت کنید، ازدواج با دوامی خواهید داشت.

پول تعیین‌کننده ثروت است. اما در ایجاد مساوات، امنیت، عشق، قدرت و آزادی زوج‌ها نقش دارد. احساس شما نسبت به پول به مراتب مهمتر از میزان دارایی تان است.

سوزان بایردر نویسنده «پرسش‌های مشکل؛ 100 سؤال مهمی که از نامزدتان می‌توانید بپرسید» می‌گوید: ازدواج امیدها، آرزوها و ترس‌های مالی خاص خود را به همراه دارد. بسیار مهم است که تصویر روشنی از توقعات، انتظارات و خواسته‌های خود داشته باشید. با نامزدتان در مورد مسائل مالی صحبت کنید. نظر او را نسبت به نحوه اداره مسائل مالی بپرسید. هر چه اطلاعات کامل‌تری از او و انتظارات خود داشته باشید، بهتر می‌توانید تصمیم‌گیری کنید.

نظر او را نسبت به بیمه درمانی، بیمه عمر، صرفه‌جویی در محدودیت‌های مالی موجود، محل اقامت، هزینه رهن، اجاره و وام، و هزینه ادامه تحصیل بپرسید.

ادامه تحصیل مستلزم فداکاری همسران است. زیرا باید مخارج اضافی را برای تحصیل شما اختصاص داد. از طرفی در صورت ادامه تحصیل، شاید فرصت کافی برای کار کردن نداشته باشید.

طرح چنین مسائلی بسیار مشکل‌است. ولی باعث می‌شود حالا و پس از ازدواج خیالتان راحت باشد و تصمیم‌گیری تان بر اساس واقعیات موجود باشد نه رؤیاهای و آرمان‌ها. اگر فرهنگ خانواده تان اجازه نمی‌دهد خودتان این مسائل را مطرح کنید، از والدین بخواهید آنها را بپرسند.

**پرسش‌های زیر به شما کمک می‌کند تا تصویر روشن‌تری از وضعیت مالی آینده داشته باشید:**

1 - درآمد ماهانه خواستگارتان چقدر است؟

- 2 - آیا کار کردن هر دوی شما لازم است؟
- 3 - اگر خانم کار نکند، آیا همسر، خانه داری را با ارزش می داند؟
- 4 - برای گذران زندگی چقدر درآمد کافی است؟
- 5 - چگونه باید خرج کرد؟ چه هزینه هایی در اولویت است؟
- 6 - آیا با نحوه خرج کردن یکدیگر توافق دارید؟ با چه مواردی موافق و با چه مواردی مخالفید؟
- 7 - اگر هر دو کار می کنید، پولتان را با هم خرج می کنید یا جداگانه؟
- 8 - چه مبلغی (هر دو) در بانک دارید؟
- 9 - اگر خواستگارتان شغل آزاد دارد، چه مقدار از درآمدش را پس انداز یا سرمایه گذاری می کند و چه مقدار را خرج می کند؟
- 10 - چه کسی مسئولیت برنامه ریزی مالی را در درازمدت برعهده می گیرد؟
- 11 - برای داشتن احساس امنیت، چه مقدار پول کافی است؟
- 12 - چند درصد از درآمد را پس انداز می کنید؟ آیا نامزدتان با پس انداز در بانک موافق است؟
- 13 - چه کسی حساب دخل و خرج را دارد؟ چه کسی قبوض آب، برق، تلفن و گاز را می پردازد؟
- 14 - در صورت بیمه نبودن نامزدتان، آیا با بیمه اختیاری (خویش فرما) هر دو شما موافق است؟
- 15 - آیا نامزدتان باید خرج والدینش را بدهد؟ در صورت پاسخ مثبت ماهانه چقدر از درآمدش را به این کار اختصاص می دهد؟
- 16 - اگر خدای نخواست از دواج تان به طلاق منجر شود آیا می تواند مهریه را پرداخت کند؟
- 17 - آیا او با خرید وسایل اضافی برای منزل یا کادو برای دوست موافق است؟
- 18 - آیا نامزدتان می پذیرد که دارایی قبل از ازدواج مثلاً زمین، خانه و ماشین به اسم خودتان باشد؟
- 19 - آیا خواستگارتان بدهی ندارد و ورشکست نشده است؟ در صورتی که بدهی دارد تا چه مدت پس از ازدواج چه مبلغی باید پرداخت کند؟
- 20 - آیا می توانید حساب جداگانه ای برای هزینه های منزل داشته باشید؟ یا هر کسی بخشی از درآمد خود را برای آن اختصاص دهد؟
- 21 - آیا موافقت می کنید که حساب پس انداز جداگانه ای داشته باشید؟
- 22 - اگر پس از ازدواج با پول کار هر دو شما خانه یا ماشین خریداری شود، آیا موافقت می کنید که سند آن به نام هر دو باشد؟
- 23 - اگر پس از ازدواج با بحران مالی یا ورشکستگی روبه رو شوید چه می کنید؟

24- آیا موافقید مبلغی را برای موارد غیره منتظره نظیر هزینه عمل جراحی یا بیمارستان پس انداز کنید؟

## زن بزرگتر از شوهر عیبی دارد؟

### نگاهی به چرایی کوچکتر بودن زنان از شوهران

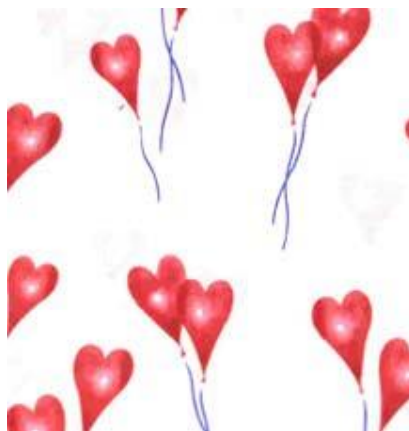


زمانی که علم جامعه شناسی آشکارا اعلام می کند ازدواج در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است، شاید بتوان تأمل زیادی در این خصوص داشت و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا بسیار شنیده شده که ازدواج، مظهر برخورد فرهنگ و طبیعت است. به این صورت که جامعه می کوشد طبیعت را مهار کند و آن را به فرهنگ تبدیل نماید و به دلیل همین ویژگی هاست که بیان می شود میثاق زناشویی با توجه به زمان و شرایط دوران خودش، دچار دگرگونی ها و تغییراتی شده ، ولی نفس آن از قدیم الایام یکی بوده است.

ازدواج ابعاد گوناگونی دارد و **انتخاب همسر** نیز گزینه های متفاوتی دارد که جدای از نزدیکی **فرهنگ ها**، جغرافیا، **تحصیلات** و... «**سن**» یکی از ویژگی هایی است که مورد توجه بوده و تفاوت سنی در همه اعصار به گونه ای بوده که نشان می دهد در **تفاوت سنی زوجین**، مرد چند سالی بزرگتر از زن بوده است. به طوری که در ایران پدیده گزینش همسر، پراکندگی خاصی داشته است؛ از این رو تفاوت سن زوجین در ایران امری طبیعی به نظر می رسد و میزان این تفاوت، تا آنجا مورد توجه قرار می گیرد که در بیشتر موارد میان 4 تا 12 سال است.

اما بسیاری از جامعه شناسان معتقدند در یک جامعه صنعتی یا رو به صنعتی شدن و پویا، معیارها نیز در حال تغییر و دگرگونی است. چه بسا هنوز وجود داشته باشند افرادی که به تفاوت سنی میان زوجین با تأکید بزرگتر بودن مرد از زن صحنه بگذارند، اما در جامعه ای که زنان دست به فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، هنری و حتی مطالعاتی و سیاسی می زنند، از نظر تحصیلات ارتقاء پیدا می کنند و جایگاه ها، موقعیت هایی برتر و یا همسان مردان به دست می آورند و همین باعث می شود مقوله سن در ازدواج آنان نیز دچار تغییر شود. مثلاً در جامعه امروز، بسیار دیده شده زنانی که از همسران خود بزرگتر هستند. با این حساب می توان گفت که نظریه همسر گزینی با توجه به شرایط

خاص هر جامعه مي تواند تغيير يابد و در نهايت موجب طرح اين پرسش مي شود که آیا بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان موجب بروز مشکلاتي مي شود؟ پاسخ هاي مختلفی شامل اين پرسش مي شود؛ پاسخ هاي مخالف و موافقي که بحث بر سر هر کدام مي تواند نظر عده اي خاص را پاسخگو باشد.



دکتر امان قرایي مقدم، محقق و استاد دانشگاه در این خصوص می گوید: «به نظر من این تفاوت سنی، منفی است زیرا با تحقیقاتی که روی 2 هزار و 167 پرونده طلاق انجام داده ایم، به این نتیجه رسیده ایم که یکی از مهمترین دلایل طلاق در میان زوجین، بروز همین تفاوت سنی است. یعنی بزرگتر بودن زن از مرد، زیرا این پدیده چه از نظر فرهنگی و چه از نظر اجتماعی در جامعه ما پذیرفته شده نیست.

فرهنگ سنتی ایران می گوید بزرگتر بودن مرد در ازدواج یک ارزش است و حتی در محافل و مناطق روستایی هم، شعرهایی در این خصوص سروده اند، بنابراین اینگونه به نظر می رسد که اگر این ازدواج ها محکم نباشد، در مدت کوتاهی با شکست مواجه می شود.»

جامعه شناسان دلایل گوناگونی را در این خصوص برمی شمارند. آنان معتقدند رشد علمی و فرهنگی زنان و به دست گرفتن بازار کار و کسب و دیگر موفقیت های اجتماعی در رشد آنان نقش داشته است؛ اما از سوی دیگر، افزایش سن ازدواج و بعد اقتصادی، از مهمترین عوامل چنین پیوندهای زناشویی است.

حمید اکبری- کارمند، می گوید: «دوستی داشتم که همیشه می گفت من با یک زن پولدار ازدواج می کنم. چند سالی از او خبر نداشتم تا این که هفته پیش او را دیدم. سوار خود روی آخرین مدل شده بود و از ظاهرش مشخص بود که وضع مالی خوبی دارد. برایم تعریف کرد که با خانمی 9 سال بزرگتر از خودش ازدواج کرده و از زندگی اش هم راضی است و به هر چه می خواسته، رسیده است. خوشحال شدم ولی نتوانستم باور کنم، چون آن دوست خیلی شاد و سر حال سابق نبود.»

ازدواج زن با مردی که از خودش کوچکتر است، از دید جامعه شناسان غیر از بُعد اقتصادی، به مسائل عاطفی و احساسی منوط است. مثلاً دکتر قرایي مقدم در این خصوص می گوید: «خام بودن جوانان و تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن، یکی دیگر از دلایلی است که موجب چنین ازدواج هایی می شود، زیرا باید در نظر داشت برخی



جوانان با توجه به بالا بودن درایتی که زن در برخی موارد دارد، ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرند. بخصوص که در یک سن خاص زن خیلی بهتر می تواند مرد را رام کند. اگر آن زن از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خوبی هم برخوردار باشد که این کار آسان تر انجام می گیرد، زیرا پسرانی که حداقل لوازم زندگی را دارند برای فرار از به دست آوردن این امکانات، ترجیح می دهند چنین ازدواج هایی داشته باشند.»

این در حالی است که دکتر نوید ابرانبور، پژوهشگر مسائل خانواده در یک طبقه بندی به چرایی و چگونگی این ازدواج ها اشاره می کند. **وی معتقد است این ازدواج ها را می توان در 3 طبقه مجزا قرار داد:**

الف- آن دسته از ازدواج هایی است که بنابر اجبار صورت گرفته و خانواده با انتخاب دختری بزرگتر از پسر بنابر از شرایط خاصی، پسر را به ازدواج مجبور می کنند.

ب- ازدواج هایی که بر پایه عشق و علاقه دو طرف بنا نهاده شدند.

ج- ازدواج هایی که بعد اقتصادی دارند.

وی در ادامه سخنانش نتایج چنین ازدواج هایی را این گونه بیان می کند: «با توجه به نوع چگونگی ازدواج، مسلماً رفتارهای متفاوتی نیز بروز پیدا می کند. در ازدواجی که مرد بر پایه عشق و یا ثروت خود را راضی کرده است که با زنی بزرگتر از خود ازدواج کند دو حالت پیش می آید: یا زن حاکم خانواده می شود و یا این مرد است که از قدرت برخوردار است. زیرا مردی که با توجه به شرایط اقتصادی زن ازدواج کرده است، برنامه ریزی می کند که چگونه از آن استفاده کند. در چنین شرایطی معمولاً جوان بودن خود را بهانه ای برای اخذی قرار می دهد و زن نیز کوتاه می آید.»

غیر از این، ازدواجی که بر پایه زور و اجبار است در نوع خود بدترین واکنش را داراست، زیرا زن و مرد بیشترین تنش ها را در خود خواهند داشت. در چنین خانواده هایی بیشترین تنش بر سر این موضوع است که چه کسی قدرت را در دست بگیرد، مرد یا زن؟ مرد به دلیل نگرش سنتی می خواهد مردانگی نشان دهد و حاکم خانه باشد و زن به علت بزرگتر بودن نمی تواند این نکته را تحمل کند و تنش بر سر قدرت، می تواند نهاد خانواده را دچار مشکل کند.

دوست می گفت: «با مدیر عامل شرکت کامپیوتری که در آن مشغول به کار بودم، ازدواج کردم. او 7 سال از من بزرگتر است و ما 5 سالی است که زندگی مشترکی داریم. راضی ام اما گاهی اوقات احساس می کنم همانند یک مهره هستم و هیچ اراده ای از خود ندارم. تنها این مورد است که ناراحتم می کند.»

در حالی که عده ای از کارشناسان با این کار مخالف هستند، گروهی دیگر توافق دارند که نمی توان یک حکم کلی برای چنین مسئله ای در جامعه ایران صادر کرد، زیرا هنوز تعریف مشخص و دقیقی از وظایف زن و مرد نسبت به هم تبیین نشده و یا اگر شده کمتر عملی می شود و به همین دلیل است که اختلاف ها روز به روز بیشتر می شود؛ بنابراین در حالی که در زندگی های عادی زناشویی تنش هایی را شاهد هستیم، طبیعی است میان خانواده ای که زن چند سالی هم از شوهرش بزرگتر است، شاهد حرف ها و حدیث هایی هم باشیم. به طور مثال به مرد می گویند هیچ کس را به او

نمی‌دادند و آمد این زن را گرفت و یا این زن سنش بالا رفته بود و مجبور شد با کوچکتر از خودش ازدواج کند، که تمامی این حرف‌ها در کنار مشکلات دیگر می‌تواند آسیب‌پذیری خانواده را افزایش دهد. عده‌ای از روان‌شناسان اجتماعی با نگاهی از بعد روان‌شناسانه و روان‌شناختی نیز سعی بر تحلیل این دسته از ازدواج‌ها دارند.

آنان معتقدند از نظر روان‌شناسی زن‌ها زودتر از مردها نسبت به مسائل زندگی عاقل‌تر می‌شوند و درکشان از مسائل درون‌خانواده و زندگی عمیق‌تر است؛ بنابراین مسئولیت‌پذیرند و یا بیشتر در این زمینه‌ها فکر می‌کنند. حال اگر زنی چند سالی بزرگتر باشد، به‌طور ناخودآگاه انتظار دارد که مرد هم همانند او فکر کند و مسائل را بسنجد، برای همین زمانی که انتظارش برآورده نمی‌شود، این تصور تداعی می‌شود که مرد نسبت به خانه و خانواده بی‌مسئولیت است و در نهایت تنش فضای خانواده را پر می‌کند. از سوی دیگر، مردی که با زن بزرگتر از خودش ازدواج می‌کند، ممکن است پس از چند سال زندگی، با فرسوده شدن جسم زن، احساس ضرر کند و احتمالاً به فکر جدایی و یا ازدواج دوم بیفتد و...

خانمی می‌گفت: «پس از 15 سال زندگی، شوهرم به من می‌گوید تو پیر هستی. من 6 سال جوان‌تر از تو هستم. می‌گوید اگر به خاطر ثروت و موقعیت تو نبود، با تو ازدواج نمی‌کردم. خیلی غصه دار شدم. من با عشق جلو رفتم و او با پول. حالا که به آن چیزهایی که می‌خواستی، رسیده، به من می‌گوید تو پیر هستی. پس از 15 سال زندگی این حرف‌ها دلم را آتش می‌زند.»

دکتر ایرانپور به نوع تفاوت در اختلافات سنی نیز اشاره می‌کند. به این معنی که اگر تفاوت سنی میان زن و مرد 3 تا 4 سال باشد، از یک حد معمولی برخوردار است. در این شرایط زنی که 3 یا 4 سال بزرگتر از شوهرش است، معمولاً در برابر موضع مرد کوتاه می‌آید و می‌کوشد مطیع باشد. در صورتی که هر چه این تفاوت سنی افزایش یابد، حس مادری، خواهرگونه و یا سرپرست در زن بیشتر می‌شود. مثلاً زنی که 15 سال و یا بیشتر از همسرش بزرگتر است، همواره همانند مادر یا خواهر بزرگتر با شوهرش برخورد می‌کند.

خانم کارمندی می‌گفت: «با کسی ازدواج کردم که 10 سال از من کوچکتر است. همه می‌گویند جای پسرت است و به او هم می‌گویند که با مادرت ازدواج کرده‌ای. شاید حق دارند. ولی ما با هم خوشیخت هستیم و 7 سال است که زندگی می‌کنیم. تمام خرج تحصیلش را خودم دادم و برای دکترای گرفتن فرستادمش خارج از کشور. می‌گفتند این کار را نکن می‌رود و دیگر بر نمی‌گردد؛ ولی همسرم رفت دکترایش را گرفت و برگشت و با هم زندگی می‌کنیم. الان حرف‌های مردم کمتر شده؛ ولی هنوز وقتی ما دو تا را با هم می‌بینند تعجب می‌کنند.» تمام این مسائل زمانی کنار هم جمع شده، باعث می‌شوند کارشناسان نظرات مختلفی را ارائه دهند؛ هر چند این نظرات در آخر به نقطه‌ای مخالف ختم می‌شود و گویی هنوز عُرْف جامعه و مردم آن را قبول ندارند.

دکتر قرایی مقدم در این خصوص می‌گوید: «شاید چنین ازدواج‌هایی نکات مثبتی هم داشته باشد مثل اداره زندگی از سوی زنی آگاه و مدیره. ولی کنار این نکات مثبت، این نکات منفی است که خود نمایی می‌کند زیرا اگر خود فرد پذیرای شرایطش باشد، تا

اندازه ای می تواند نگاه جامعه و مردم را تحمل کند و تأثیرات منفی این برخوردها همیشه در زندگی خانوادگی آنان بروز می یابد.» در هر حال، با نگاهی می توان خانواده هایی را یافت که با بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان، زندگی هایی شاد و زیبا دارند.

آقای که کارمند فرودگاه است می گوید: «روزی که مثل همیشه مشغول چک کردن یکی بودن شناسنامه ها با هویت مسافر بودم، دیدم زن و مرد مو سپیدی شناسنامه هایشان را دادند. مرد 5 سال کوچکتر از زن بود. با خنده گفتم: پدر جان خانم که 5 سال بزرگتر است. پیرمرد لبخندی زد و گفت: مگر چه عیبی دارد، عوضش خانم هنوز شاداب تر و جوان تر از من مانده، مگر نه؟!»

## موانع ازدواج دختران و پسران» از دید خود آنها چیست؟



مطالعات ملی نشان می دهد در حالی که «نداشتن ثبات شغلی»، پس از «بیکاری» از مشکلات و موانع اصلی ازدواج پسران از منظر کل جوانان است، «آزاد نبودن در انتخاب همسر دلخواه» پس از «پیدا نکردن فردی که به عنوان همسر دارای خصوصیات دلخواه باشد» مهمترین مانع ازدواج دختران جوان به شمار می رود.

کل جوانان «نبودن حس مسئولیت پذیری در فرد» را چهارمین مانع ازدواج برای دختران و «نداشتن توان مالی کافی» برای پسران می دانند و پس از آن پسران «پیدا نکردن فردی که به عنوان همسر دارای خصوصیات دلخواه باشد» را دارای اهمیت دانسته اند.

پس از این عامل در حالی که «عدم امکان تهیه مسکن مناسب» به عنوان یکی از مشکلات پسران برای ازدواج است «بی برنامه بودن در زندگی» برای دختران از مشکلات اصلی ازدواج مطرح می شود.

به گزارش ایسنا، «وجود ملاک های سختگیرانه خانواده در ازدواج» برای دختران، بیش از پسران تبدیل به مشکل شده است؛ چرا که این عامل در رتبه هفتم سلسله مراتب موانع ازدواج دختران قرار داشته و برای پسران در اولویت شانزدهم قرار دارد.

در حالی که از منظر پسران جوان کشور، برای پسران «شروط دست و پا گیر خانواده دختر» در رتبه نهم موانع ازدواج قرار دارد «سختگیر بودن در انتخاب همسر» برای دختر در این مرتبه قرار می گیرد.

گفتنی است «نقص جسمانی»، «عدم بلوغ شخصیتی کافی در فرد» و «ناتوانی والدین در راهنمایی برای ازدواج» در میان دختران در این سلسله مراتب دارای رتبه بالاتری است.

در حالی که «نداشتن کارت پایان خدمت وظیفه یا معافیت» برای پسران به عنوان مانع ازدواج مطرح است، دختران دارای مشکلی به نام «[ناتوانی مالی](#) والدین در تدارک ازدواج برای فرزندان» هستند؛ این در شرایطی است که با وجود مانعی به نام «اولویت دادن به ادامه تحصیل» برای ازدواج دختران، پسران به [ادامه تحصیل](#) به عنوان مانعی برای ازدواج نگاه نمی کنند.

به گزارش ایسنا این تحقیق بیانگر آن است که «شروط دست و پاگیر خانواده دختر» برای پسران در مرتبه نهم مشکلات ازدواجشان قرار دارد، اما در مقابل «فراهم نبودن جهیزه» برای دختران مطرح می شود.

در حالی که از سوی جوانان «فراهم نبودن وسایل زندگی» نوزدهمین مشکل پسران برای ازدواج نام برده شده است، دختران «محدود بودن دایره [انتخاب همسر](#)» را مشکل خود می دانند. این تحقیق نشان می دهد که دختران بیش از پسران به «بلوغ شخصیتی کافی در فرد» برای ازدواج اهمیت می دهند؛ چراکه نبود این ویژگی در میان موانع ازدواج دختران دارای جایگاه دهم و برای پسران دارای رتبه دوازدهم است.

### ازدواج مهارت می خواهد!



[زندگی مشترک](#) افقی است روشن و جلوه گاهی زیبا برای تولدی دوباره؛ مشروط بر آن که وجوه ضروری این اشتراک، یعنی توانایی ها و مهارت های خاص و سازنده، در تفکر، بینش و عملکرد انسان رؤیت و ملاحظه شود. زیرا این مهارت ها و توانایی های انسان است که در وقت لزوم، به یاری او می آید تا [مشکلات](#)، اختلافات و نقاط ضعف و کاستی های زندگی مشترکش را برطرف نماید. حال چنانچه زندگی مشترکی که براساس پیوندی مقدس از سوی زن و مرد، صورت پذیرفته، با عدم توانایی ها و مهارت های هر دو نفر و یا حتی یکی از آنها روبه رو شود، به طور مسلم، ادامه این زندگی با تلخکامی، ناراحتی و تنش و رنجش همراه خواهد شد. بنابراین باید در نظر داشته باشیم بقا و تداوم و شیرینی یک زندگی مشترک، همیشه در گرو توانایی ها و مهارت های خاصی است که در حقیقت تضمین کننده ای قابل اطمینان برای [خوشبختی](#) زوجین به حساب می آید.

به همین لحاظ در نوشتاری که پیش رو دارید سعی شده است تا به صورت اجمال به راهکارهای مهم و اساسی، پیرامون برخی از توانایی ها و مهارت های لازم برای ایجاد و برقراری يك زندگي مشترك ایده آل پرداخته شود.

### مهارت در خودآگاهی

آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خود، به انسان کمک می کند با توانایی ها و ضعف ها و سایر خصوصیات خود آشنا شود. همچنین در صورت برخورد با طرف مقابل و تشکیل **زندگي مشترك** بهتر و عمیق تر با مسائل روبه رو شود. این خودآگاهی به شخص نشان می دهد که چگونه می تواند احساسات خود را بشناسد، از وجود آنها آگاه شده و به وقت لزوم کنترلشان نماید تا منجر به هیچگونه ناراحتی نگردد.

خودآگاهی، موجب شناخت نیاز افراد و یافتن راه مناسب برای مواجهه با آنها می شود. همچنین اهداف زندگي را مشخص تر و واقع بینانه تر نشان می دهد و ارزش واقعی افراد و مسائل پیرامونشان را نمایان می سازد. خودآگاهی فرآیند سالم هویت یابی را برای انسان سهل تر می نماید، به زندگي او آرامش می دهد و احساس رضایت مندی اش را رونق می بخشد.

«خودآگاهی» تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

خودآگاهی تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

به جز موارد فوق، «خودآگاهی» شناخت و تنظیم احساسات، اهداف و برنامه زندگي، تفریحات و سرگرمی ها، توانایی ها، ضعف ها، ارزش ها، مسئولیت ها، شناخت فرهنگ، مذهب، علائق، آرزوها و استعدادها را به دنبال دارد.

کشف و درک و شناخت مهارت ها و توانایی های خود، به این دلیل مهم است که فرد قبل از ازدواجش بداند چه هدفی دارد تا برای ازدواج خود براساس هدف اصلی زندگي اش، برنامه ریزی نماید. مثلاً فردی که هدفش رسیدن به درجات عالی و معنویات است، اگر با کسی ازدواج کند که هدفش رسیدن به يك زندگي تجملی و سراسر مادیات است، به طور قطع پس از ازدواج، دچار مشکلات فراوانی در زندگي مشترك خواهد شد. امتیاز دیگری که می توان برای خودآگاهی منظور نمود آن است که موجبی قدرتمند برای شناخت و تشخیص تفاوت های بین خود و دیگران است. در این میان باید گفت شناخت تفاوت های میان زن و مرد، یکی از مهم ترین بخش های مربوط به مهارت خودآگاهی است.



### شناخت تفاوت های میان زنان و مردان

در يك بعد كلي مي توان گفت انسان ها، تفاوت هاي بسياري با يكديگر دارند كه دلايل شان نيز متنوع و متعدد است. اما **تفاوت هاي بين زن و مرد**، تفاوت هاي عمده اي است. برخي از اين تفاوت ها، ريشه در عوامل فيزيولوژيكي و زيستي دارند و بعضي، نشأت گرفته از عوامل فرهنگي و اجتماعي هستند. **بیشترین این تفاوت ها را که معمولاً شدید و قابل تعمق است، می توان در ازدواج و زندگی مشترک به وضوح احساس کرد، از جمله این که:**

#### 1 - دیدگاه زنان و مردان نسبت به ارتباط و مسائل جنسي كاملاً متفاوت است

این تفاوت که در واقع ریشه زيستي دارد، مهمترين اختلاف آنان در ارتباط با رابطه جنسي است. این رابطه در زنان با عواطف مثبت و احساسات گره خورده است در حالي که ارتباط جنسي در مردها، بیشتر جنبه هاي فيزيولوژيك دارد و بیشتر ارضاي يك غريزه به حساب مي آيد. ديگر آن که جنبه هاي عاطفي این احساس در مردها، بسيار کمتر از آن احساسی است که در زن ها وجود دارد. این تفاوت ها و يا عدم آگاهی از آنها، گاهي موجب سوء تفاهم و بر هم خوردن روابط میان مرد و همسرش می شود.

#### 2 - استقلال براي مردان اهميت بسياري دارد

استقلال مردها از موارد قابل توجه در زندگی مشترک است. چون آنها مایلند و مي خواهند در مورد مسائل مالي و معاملات و ساير موارد مشابه، مستقل عمل کنند. مخالفت همسر يا عدم توجه وي به این نکته، مي تواند مشکلات و موانعي در زندگی مشترک ایجاد کند زیرا مرد تصور مي کند که به احساس استقلالش، لطمه خورده است.

#### 3 - زنان مي خواهند مورد حمايت باشند و به این حمايت اهميت مي دهند

چنانچه زن حس کند از طرف همسرش مورد بي توجهي و بي مسئوليتي قرار گرفته، به شدت آزرده مي شود و واكنش هاي عاطفي شديد نشان مي دهد. زیرا آنچه براي زن ها اهميت دارد، آن است که حس کنند همسرشان به آنان احترام مي گذارد و به سلامت و عقیده و ... آنان اهميت مي دهد.

#### 4 - مدیریت خانه براي مردها بسيار مهم است

با مراجعه به فرهنگ های مختلف موجود در جوامع گوناگون، خواهیم دید که «مرد» به عنوان قدرت اول خانواده، شناخته شده است که البته این مسئله را باید جدای از تبعیض های جنسی میان زن و مرد، به حساب آورد. در خانواده هایی که زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره مسائل خانوادگی تصمیمی اتخاذ می نماید، یا این که قدرت اول خانواده است، معمولاً مشکلات گوناگون زیادی مشاهده می شود که آسیب دیدگی احساس مرد از خود را می توان یکی از این ناراحتی ها دانست. البته این که مرد، قدرت اول خانواده باشد بدان معنا نیست که مرد، در يك نقش دیکتاتوری ظاهر شود بلکه منظور از این مسئله، مدیریت است که باید بر عهده مرد قرار بگیرد.

#### 5 - صحبت کردن و ارتباطات اجتماعی برای زنان مهم است

زن ها با دور هم جمع شدن و صحبت کردن، بسیاری از نگرانی ها، استرس ها و ناراحتی های خود را تعدیل و تخلیه می نمایند. تمایل به ارتباطات اجتماعی و حرف زدن در زنان بیشتر از مردان است. به همین دلیل چنانچه درک و آگاهی زن و مرد، نسبت به این خصوصیت ضعیف باشد، مطمئناً آنان را دچار سوء تفاهات جدی در زندگی مشترک خواهد نمود.



#### 6 - نگاه مردان به مسائل، کلی تر است

مردها معمولاً وارد جزئیات و نکات ظریف نمی شوند، در حالی که زن ها به عمق مسائل و اجزاء ریز در ارتباطات و دیگر موارد، توجه زیادی دارند. معمولاً این خصوصیات زن و مرد، موجب می شود زن تصور کند مرد در باره بسیاری از مسائل بی دقت و بدون توجه است و مرد نیز همسرش را فردی حساس و ریزبین بداند که همیشه ذهن خود را برای موارد و مسائل پیش پا افتاده و کم اهمیت، درگیر و مشغول می سازد.

#### 7 - جذابیت های جسمی و آراستگی برای مردها بسیار اهمیت دارد

مردها بیش از زن ها تحت تأثیر جذابیت های جسمی و آراستگی زن قرار می گیرند که این نیز یکی دیگر از تفاوت های مهم آنهاست.

#### 8 - زن ها عاطفی تر از مردها هستند

يکي ديگر از تفاوت هاي عمده بين زن و مرد، عاطفي تر بودن زنان است و اين انتظاري است که زن ها، از مردها نیز دارند! مثلاً زني که همواره تاريخ دقيق روز ازدواج، تاريخ تولد همسر، مکان آشنايي و ... را به ياد دارد و چه بسا به مناسبت آنها، براي همسر خود، هديه هاي هم تهييه کند، وقتي با شوهري روبه رو مي شود که نسبت به اين مسائل بي اعتنا يا فراموشکار است، نخستين احساسش آن است که همسرش نسبت به او بي علاقه و بي اهميت است. بايد دانست ادامه چنين تفکرات منفي و برخورداري احساساتي در مدت زماني اندک، موجب بروز سوء تفاهم و دلسردی از زندگي مشترك مي شود. لذا آگاهي از اين نکات ضمن آن که از ناراحتي هاي بسياري جلوگیری مي کند، احساس مهارت در زندگي مشترك را در شخص رشد مي دهد و او را به موفقيت مي رساند.

### مهارت در همدلي با افراد

همدلي با افراد مهارت خاصي مي خواهد. همدلي به برقراري ارتباط عميق و صميمي به انسان ها کمک بسياري مي کند. گاهي اوقات افراد به اشتباه، تصور مي کنند تفاهم به اين معناست که ما با فرد مقابل، کاملاً همفکر و هم عقیده باشيم، در حالي که بايد گفت چنين تصوري از پايه و اساس اشتباه است، زيرا هيچ گاه نمي توان دو انسان را يافت که به طور کامل شبيه يکديگر باشند. اختلاف و تفاوت در دیدگاه ها، سليقه ها، آرزوها، عقايد و علايق، همه و همه، امري طبيعي و کاملاً عادي است. اما آنچه اين اختلاف و تفاوت را مي تواند براي ما، قابل درک و فهم سازد، همان «همدلي» است که به واسطه آن، مي توانيم بسياري از مشکلات ارتباطي خود با ديگران، خاصه شريك زندگيمان، را برطرف سازيم.



### اصول مهارت همدلي

#### 1 - به صحبت هاي ديگران خوب گوش کنيد.

هنگامي که کسي صحبت مي کند، کار ديگري انجام ندهيد. خوب گوش کردن يا به عبارت ديگر، گوش کردن فعال، پايه و اساس هر نوع ارتباط سالمی است. نمي توان هم کتاب خواند و هم به صحبت هاي طرف مقابل گوش داد. چون بين شنيدن و گوش دادن، تفاوت زيادي وجود دارد. همچنين توجه کنيد که هنگام صحبت کردن طرف مقابل، به صورت او نگاه کنيد تا مطمئن باشد نسبت



به صحبت هایش، هر چند معمولی و عادی، دقت، حرمت و حساسیت لازم را قائلید. حتی گاه با اظهار کلماتی چون بله! عجب! خوب! فهمیدم! پس این طور! به او نشان دهید که کاملاً به صحبت هایش و آنچه که می گوید، توجه دارید و برای این توجه تمرکز کافی داشته باشید.

## 2 - با احساس و عواطف طرف مقابل تان همراه و هماهنگ شوید.

هنگام همدلی، سعی کنید طرف مقابل خود را درک کنید. آن هم به طور حقیقی و دور از هرگونه نظاهر و تصنعی ریاکارانه یا از روی اجبار! بلکه از روی عاطفه و احساس هماهنگ با طرف مقابل. مثلاً هیچ وقت نمی توان با فردی که با صدا و حالتی حزن آلود، درباره مسئله یا موضوع ناراحت کننده ای سخن می گوید، با لحنی شاد و سرشار از سرخوشی سخن گفت. البته عکس این مثال نیز صادق است.

## 3 - به احساسات و هیجان های طرف مقابل تان توجه داشته باشید.

بیشتر اوقات، فردی که از شرایط و مسایل خود، سخن می گوید و به شرح مشکلات یا درد دل هایش می پردازد، قبل از آن که به دنبال راه چاره یا بند و اندرز و یا راهنمایی باشد، نیاز دارد تا مخاطب او، متوجه احساس و حالت و هیجان او شود و موقعیت های احساسی او را درک کند. شما باید با توجهی که نسبت به احساس و هیجان او می کنید، این خواسته را برای وی به اثبات برسانید.

## 4 - خود را به جای طرف مقابل بگذارید.

تنها در این صورت است که می توانید از دریچه چشم وی، به مشکلات نگاه کنید و احساسات و موقعیتش را دریابید تا بتوانید همدلی لازم را درباره اش داشته باشید.

## 5 - در همدلی با طرف مقابل، از جمله های قاطع استفاده نکنید.

معمولاً شدت ناراحتی و هیجان در فرد نیازمند به همدلی، به حدی است که موجبات آزرده گی و آسیب پذیری را در او، مستعد می سازد. بنابراین باید مراقب بود تا با چنین فردی، با کلمه ها و جمله های قاطع و بُرنده، صحبت نکنیم. چه بسا که در تشخیص احساس و معانی سخنان وی اشتباه کرده باشیم آن وقت به دلیل قطعیت نظر و صحبتی که داشته ایم، نه تنها همراه و همدل او نبوده ایم، بلکه به نوعی وی را آزرده خاطر و منزجر نیز کرده ایم.

## مهارت حل اختلاف

این مهارت نیز، همانند بقیه مهارت ها، برای ازدواج و تشکیل زندگی مشترک و اصولاً برقراری ارتباط درست با دیگران ضروری و واجب است. آنچه مسلم است، بروز اختلاف و تفاوت بین افراد، امری کاملاً عادی و طبیعی است. منتها مهمتر و طبیعی تر آن است که نسبت به حل این اختلافات، اشراف داشته باشیم و بتوانیم اختلاف یا سوء تفاهمات خود یا دیگران را به گونه ای حل کنیم

که رضایت همه فراهم آید؛ و این رضایت حاصل نخواهد شد مگر با کسب مهارت در حل اختلافات.



### اصول مهارت حل اختلاف

- صحبت کنید، اما بدون پرخاش و توهین و تندی.

حل اختلاف، در زمان عصبانیت، حاصلی جز تخریب بیشتر نخواهد داشت. پس بهتر آن است که همیشه بعد از آرام شدن محیط و افراد، اقدام شود.

- منفی سخن نگوئید.

اگر برای وصل کردن، قدم جلو می گذاریم، باید دقت کنیم از به کار بردن سخنان نومید کننده و تحریک کننده و در مجموع منفی، خودداری نمائیم.

- در اولین قدم اختلاف، آن را حل کنید.

به محض احساس اختلاف یا سوء تفاهم، درصدد حل آن برآئید. چون اگر شامل مرور زمان شود، تبدیل به کینه و رنجش می شود. به خاطر داشته باشید صحبت و بازگو کردن ناراحتی ها و سوء تفاهمات، کمک مؤثری برای رهایی از غم و اندوه است و حل اختلافات را نیز سهل تر می نماید.

- از طرف مقابل خود، یا طرفین اختلاف، درخواست کنید تا خیلی سریع، وقت مناسبی را با هماهنگی یکدیگر، برای حل اختلاف، اختصاص دهند.

- احساس شرم و گناه و خجالت را برای طرف مقابل به وجود نیاورید.

چنانچه ما با طرف مقابل خود، دچار مشکلی شده اید یا برای حل اختلاف دیگران، می خواهید اقدام نمائید، هرگز نباید به گونه ای صحبت کنید که دیگری یا دیگران را دچار احساس خجالت، گناه یا شرمندگی کنید. طعنه و کنایه را نیز باید از لحن و کلامتان حذف نمائید.

- نظر و عقیده خود را بیان کنید.

ناراحتی خود را عنوان کنید و درباره اش سخن بگوئید بدون آن که قضاوت یا سرزنش کنید و حکمی صادر نمائید.

- دیگری یا دیگران نیز حق دارند.

به طرف مقابل خود یا دیگری که با یکدیگر دچار اختلاف شده اند، اجازه کافی بدهید تا از ناراحتی‌ها و مشکلاتشان صحبت کنند. تخلیه روانی، فرد را برای طرح یا پذیرش مسائل متفاوت و سپس حل مشکلات، آماده تر می نماید.

#### - عذرخواهی مشکل نیست.

در زمان حل اختلاف، چنانچه فرد متوجه اشتباه خود بشود، بهتر است فوری با يك جمله که حاکی از ندامت و عذرخواهی اوست مسئله را ختم به خیر کند. «عذرخواهی» نه تنها فرد را کوچک نمی کند، بلکه دیگران را متوجه انعطاف و دقت نظر او نیز می سازد. حال چنانچه لزومی به عذرخواهی هیچ کسی مشاهده نشد، توافق و به قول معروف، کنار آمدن با هم، مسیری تازه برای رفع سوء تفاهات و برقراری ارتباطات جدید خواهد بود.

#### - هربار، فقط يك موضوع را مطرح کنید.

برای هر مشکل، يك جلسه مشخص را اختصاص دهید. چرا که در صورت صحبت و طرح همه ناراحتی‌ها و مشکلات در يك جلسه، نه تنها راه حلی حاصل نخواهد شد، بلکه به لحاظ یادآوری و تداعی یا درهم پیچیدگی ناراحتی‌ها، دامنه اختلافات وسعت بیشتری خواهد گرفت.

لازم به یادآوری است که مهارت حل اختلاف، در روابط خانوادگی، خاصه ارتباط میان زن‌ها و شوهرها، اهمیت بسیاری دارد. ضمناً باید در نظر داشت که در این روابط، حفظ احترام ادب و حرمت و همکاری و تعادل، برای همگان امری لازم و واجب است.

#### مهارت تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری نیاز به مهارت دارد. انسان‌ها به صورت‌های مختلفی تصمیم‌گیری می‌کنند، خواه این تصمیم درباره معامله‌ای باشد یا اشتغال به کاری یا انجام عملی یا ازدواجی.

#### انواع تصمیم‌گیری

**1 - تصمیم‌گیری احساسی؛** که تصمیم براساس يك احساس خاص (عشق، خشم، کینه، حسادت و کمک و...) گرفته می‌شود.

**2 - تصمیم‌گیری اجتنابی؛** تصمیمی که فرد به دلیل ترس و نگرانی که دارد، سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند آن را به تعویق اندازد. این گونه اتخاذ تصمیم، امکان آن را به وجود می‌آورد که فرد، فرصت‌های مناسب زندگی خویش را از دست بدهد.

**3 - تصمیم‌گیری اخلاقی؛** تصمیمی است که فرد، برای انجام آن به دلایل اخلاقی تکیه می‌کند. مثلاً ادامه دادن به يك زندگی مشترک مملو از تنش و پر تنش، به دلیل وجود فرزند.

**4 - تصمیم‌گیری تکانشی؛** این نوع تصمیم‌گیری، بسیار سریع و بدون توجه به عاقبت کار، یا ارزیابی و توجه به موقعیت‌ها و شرایط صورت می‌گیرد. مثلاً

فردی، فرد مقابل خود را برای کاری که در نظر دارد ترغیب به عجله می کند و قدرت تفکر در مورد یک عمل درست را از او می گیرد.

**5 - تصمیم گیری مطیعانه؛** سبک تصمیم گیری مطیعانه، می تواند صدمه زیادی به موضوع تصمیم و یا به عنوان مثال، به ازدواج فرد، وارد کند. در تصمیم گیری مطیعانه، دیگران برای یک یا دو نفر یا موضوعی، تصمیم می گیرند بدون آن که فرد یا افراد یا موضوعی که تصمیم بر روی آن اجرا می شود، نقشی در این تصمیم گیری داشته باشند. نمونه این تصمیم گیری را می توان در ازدواج های سنتی مشاهده کرد.

**6 - تصمیم گیری عقلانی؛** سالم ترین تصمیم ها، تصمیمی است که براساس تفکر، بررسی و مطالعه، ارزیابی و تحقیق صورت بگیرد. تصمیم گیری عقلانی، براساس واقعیات است و معمولاً خطا و اشتباه در آن به ندرت دیده می شود.

#### اصول تصمیم گیری عقلانی

تصمیم گیری عقلانی نیز مانند بقیه مهارت ها، دارای اصول مهارتی است که به ترتیب ذیل است:

- **مواجه شدن با یک تصمیم:** زمانی است که فرد متوجه می شود باید تصمیم بگیرد. بنابراین روی آن تمرکز کرده و ضمن روشن کردن موضوع تصمیم، اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری می نماید.

- **حق انتخاب و بررسی مورد تصمیم بر اساس اطلاعات:** با راه حل ها و اطلاعاتی که فرد به دست آورده، این حق را می باید تا تصمیمی درست برای انتخاب، ازدواج یا انجام کار مورد نظرش بگیرد.

- **ارزیابی پیامدهای پیش بینی شده حق انتخاب:** فرد پیامدهای متفاوت از انتخاب ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد تا معقول ترین آنها را انتخاب کند.

- **تعهد به تصمیم:** نسبت به تصمیمی که گرفته می شود باید پایبند بود و به آن اعتقاد داشت.

- **برنامه ریزی برای انجام تصمیم:** حتی تصمیم عقلانی نیز نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

- **اجرا یا انجام تصمیم:** در این مرحله، فرد به صورت عملی وارد مراحل برنامه ریزی شده می شود. مثلاً تصمیم به ازدواج که مرحلهی همچون **خواستگاری**، **نامزدی**، خرید و غیره دارد.

- **ارزیابی پیامدهای واقعی اجرا یا انجام تصمیم:** فرد به بررسی و ارزیابی تصمیمی می پردازد که یا ناموفق بوده یا آن موفقیت لازمی را که فکر می کرده نداشته است. در اینجا فرد مرحلهی را که از سر گذرانده، مورد بررسی قرار می دهد تا برای برنامه آینده اش، شروع به برنامه ریزی کند.

### زنان و مردان تفاوت ها ، شباهت ها



**روان شناسان در مورد بروز تفاوت زن و مرد، هر دو عامل محیط و وراثت را سهمیم می دانند. اما جامعه شناسان با روان شناسان اختلاف نظر فاحشی دارند. آنها معتقدند که تفاوت های زن و مرد معلول تفاوت رفتاری است که جامعه در مورد آنان پیش می گیرد و معتقدند که دو جنس در اساس با هم هیچ تفاوتی ندارند، بلکه اجتماع موجب می شود که آنها گرایش های متفاوت پیدا کنند و به زمینه های مختلف سوق داده شوند. از نظر جامعه شناسان تفاوت زن و مرد در جزئیات است نه در کلیات. زیست شناسان عقیده دارند که زن و مرد تفاوت های بنیادی دارند، بدین معنا که تفاوت های آنها در درجه اول ارثی است نه محیطی. آنها معتقدند که هر سلول بدن زن با هر سلول بدن مرد تفاوت دارد.**

آنها قبل از آن که به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند، کاملاً تمایز پیدا کرده و برای زن یا مرد شدن آماده می شوند.

ویژگی های ساخت و عملکرد اعضا و دستگاه های بدن دختران و پسران متفاوت است. این تفاوت طوری است که پسران را برای زندگی فعال و پرجنب و جوش، و دختران را برای زندگی آرام آماده می کند. در استعداد تجسم فضایی، تشخیص جهت و هدف گیری، پسران بهترند. از نظر کلامی دخترها برتری دارند، اما از نظر ادراک کلامی پسران برترند.

پسران ارتباط های مکانیکی را بهتر درک می کنند و استعداد ریاضی بهتری نسبت به دختران دارند، اما در کارهای دستی مخصوصاً کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارند دختران بهترند و چابکی انگشتان زنان به آنها اجازه می دهد که ماشین نویس خوبی باشند. یکی از ویژگی های جالب زنان این است که می توانند اطلاعاتی را برای مدت کوتاهی در حافظه خود نگه دارند که با هم هیچ ارتباطی ندارند و به خود آنها نیز مربوط نیست. بر پایه همین توانایی است که زنان بهتر می توانند به منشی گری و کارهای دفتری اشتغال داشته باشند. دختران از دوران ابتدایی تا دانشگاه آن هم تا سطح

لیسانس در مجموع بهتر از پسرها درس می خوانند و موفقیت های بیشتری به دست می آورند. اما بعد از فراغت تحصیل و به ویژه بعد از دوره لیسانس، معمولاً از رقابت دست برمی دارند و در صورت ازدواج، خود را کاملاً وقف خانواده می کنند. البته زنان شاغل، نویسنده، وکیل و پزشک هم وجود دارند اما کمتر به جاه طلبی و مقام پرستی روی می آورند و این امر به مقدار زیادی از شکوفایی استعدادهای آنها جلوگیری می کند. پس **می توان گفت که علت محدودیت زن ها مسائل عاطفی است نه کمبود استعداد.**

«ماتینا هورنر» می گوید زنان برای به دست آوردن موفقیت برانگیخته می شوند ولی در عین حال از موفقیت نیز می ترسند. هورنر می گوید: موفق شدن در دنیای رقابت طلب چیزی است که خیلی از زنها از آن پرهیز می کنند زیرا ویژگی هایی را منعکس می کند که به طور سنتی غیرزنانه به حساب می آید. کتاب «پرواز تنها، زنان مجرد در نیمه راه عمر» نوشته آسیب شناسان خانواده کارل آندرسون» و «سوزان استوارت»، با بررسی زندگی زنان و مردان قبل و بعد از تأهل، چنین نتیجه می گیرد که مردان معمولاً پس از ازدواج پله های ترقی را طی می کنند و کارآمدتر، عاقل تر و نهایتاً موفق تر می شوند.

«دیوید اسکوس» پروفسور علوم رفتار شناسی بیان می کند که کروموزم X پدري نه تنها از نظر وراثت خصوصیات زنانه نقش مهمتری را نسبت به کروموزوم X مادري ایفا می کند بلکه انتقال دهنده برخی مهارت های اجتماعی نیز هست و این بدین معناست که مردان باید مهارت های اجتماعی را بیاموزند، در حالی که زنان آن را در ساختمان ژنتیکی خود دارند و این امر با بسیاری از جنبه های بلوغ (روانی، اجتماعی، جنسی) در دختران و پسران نیز مطابقت دارد.



**محققان استرالیایی اعلام کرده اند:** آن قسمت از مغز که برای صحبت کردن مورد استفاده قرار می گیرد در زنان نسبت به مردان 20-30 درصد وسیع تر است. شاید همین موضوع سبب می شود که زنان در امتحانات بلاغت شفاهی، حافظه شفاهی و برخی مهارت های حرکتی ظریف بهتر از مردان عمل کنند. در مطالعه ای که با استفاده از فن رادیوگرافی و MRI صورت گرفت مشخص شد که مردان تنها از سمت چپ مغز خود برای حل مسائل زبان شناسی استفاده می کنند در حالی که زنان از هر دو نیمکره مغز سود می برند. توانایی زنان در استفاده همزمان از هر دو نیمکره مغز، آنها را قادر می سازد که به هنگام صحبت کردن به مراکز عاطفی نیز دسترسی پیدا کنند و در ارتباطات

عاطفی موفق تر عمل کنند. شاید این نکته را که خانم‌ها مددکاران اجتماعی، مشاوران، آموزگاران و پرستاران موفق و خوبی هستند بتوان به این موضوع نسبت داد.

تفاوت هورمونی بین مرد و زن، مسئول  
قسمت بزرگی از تفاوت‌ها در تو

تستوسترون ترشح شده در مردها اثر آنابولیکی پر قدرتی دارد؛ به این معنی که موجب افزایش تولید پروتئین در تمام بدن به ویژه در عضلات می‌شود. در واقع حتی مردی که فعالیت ورزشی زیادی ندارد اما تستوسترون زیادی دارد جنه عضلانی او 40 درصد بیشتر از زنان نظیر خود خواهد بود و قدرت او نیز به همین نسبت بیشتر است. هورمون جنسی زنان یعنی استروژن نیز احتمالاً مسئول قسمتی از اختلاف بین قدرت زن و مرد است، اگرچه اثر آن به همان شدت تستوسترون نیست. معلوم شده است که استروژن رسوب چربی را در زنان به ویژه در بعضی بافت‌ها افزایش می‌دهد. بدیهی است این موضوع مانعی در برابر تولید حداکثر قدرت در ورزش‌هایی ایجاد می‌کند که به سرعت یا قدرت بدنی بستگی دارد اما از طرف دیگر این موضوع می‌تواند در ورزش‌های استقامتی سخت که برای تولید انرژی نیاز به چربی دارند یک کمک مؤثر به شمار آید. چنانکه رکورد رفت و برگشت بین دو سوی کانال مانس در حال حاضر متعلق به زنان است.

پسرها در پرتاب کردن توپ و دیسک بهتر از دختران هستند. شاید علت آن در اغلب موارد این باشد که پسران برای بازی با توپ تقویت می‌شوند اما احتمالاً علت اساسی‌تری هم وجود دارد؛ شکل دست‌ها در دو جنس متفاوت است، مخصوصاً در دختران ساعد با بازو زاویه‌ای تشکیل می‌دهد که در دست پسران وجود ندارد. بنابراین دختران به دلایل ژنتیکی و تشریحی نمی‌توانند موفقیت پسران را در پرتاب به دست آورند. نکته قابل توجه دیگر آن است که اگر مرد و زنی را در جزیره‌ای دور افتاده رها کنید چگونگی وضعیت سوخت و ساز بدن در خانم‌ها منجر به آن خواهد شد که زن بیش از مرد زنده بماند.

### منابع

- بارنت، آنتونی: انسان، ترجمه محمد رضا باطنی و طلعت نفرآبادی، نشر نو، 1369
- گایتون: فیزیولوژی پزشکی، ترجمه محمدحسن عامری و همکاران، نشر اشارت، 1382
- گنجی، حمزه: تفاوت‌های فردی، نشر بعثت، 1380
- مید، مارگارت: بلوغ در ساموآ، ترجمه مهین میلانی، نشر ویس، 1375
- سیدمحمدی، یحیی: نظریه‌های شخصیت؛ شولتز، دوان، نشر دانشگاه آزاد، 1382
- ستوده، هدایت‌الله و همکاران: مفاهیم بنیادی در جامعه‌شناسی، نشر آوای نور، 1375

**عروس رفته ایمیل چک کنه!**  
**مصاحبه با مسئول سایت اردبیلی**



موهاي سرش را نه در آسياب بلکه در رفت و آمدهاي متوالي به خانه دخترها و پسرهاي جوان سفيد کرده است ، مي خندد و رديف دندان هاي نامرتب و افتاده اش را نمايان مي کند، دندان هايي که شايد بر اثر مصرف نقل و شيريني وصلت هاي بسيار صورت گرفته به دست او، به اين حال و روز در آمده است؛ تير ترکش همسريابي او طي اين سال هاي طولاني عمر به تمامي دختران و پسران دم بخت خانواده و اهل محل اصابت کرده و کمتر کسي در اين ميان وجود دارد که از اين هدف گيري در امان باشد مگر اين که در شعاع تيررس او قرار نگرفته باشد.

او ديروز مجهز به عصا و چارقد گلدار و ليخند شيرين و از همه مهمتر صبر و حوصله، نواي پيوند را در تمامي خانواده ها سر مي داد اما امروز او بيمار و رنجور در بستر آرميده است و نگران از آينده تمامي دختران و پسراني است که چند سال ديگر به گفته او به سن ازدواج مي رسند و...

تعجب نکنيد حتما اين يك گزارش اينترنتي است ، چرا که تا ديروز وصلت هاي فرخنده ميان دختران و پسران را خانم بزرگ هاي گيس سفيد و آقا بزرگ هاي ريش سفيد تقبل مي کردند اما امروز رفته رفته با حضور پررنگتر اينترنت در جامعه ما خصوصاً نزد جوانان، اين پا پيش گذاشتن جهت وصلت هاي فرخنده تا حدودي به عهده سايت هاي همسريابي اينترنتي گذاشته شده است.

همسر يابي اينترنتي از نوع سنتي

آدرس سايت [HTTP://WWW.ARDABILI.COM](http://www.ardabili.com) را که وارد مي کنم پيش رويم صفحه اي گشوده مي شود که در آن تصوير یک فرد روحاني نمايان است و بعد از آن اجازه رسمي از مراجع بزرگ تقليد و به ترتيب در صفحات ديگر فرم هاي که اختصاص به همسريابي دارد.

در قسمت فعاليت سايت مطلبي قرار دارد به اين شرح «سعي ما بر اين است که از طريق اينترنت و اين صفحات با ارايه دقيق راههاي بهينه سازي، يك زندگي سالم و بي آلايش براساس معيارهاي يك انسان مسلمان را پيش روي خواهان آن قرار دهيم به همين دليل آشنايي با نوع فعاليت هاي گسترده علمي و عملي جناب حجت الاسلام اردبيلي مي تواند شما را در انتخاب راهنما و مشاوره امين و دانا بيشتر کمک نمايد.»

آدرسي که مسئول اين سايت براي گفت و گو در اختيارم قرار داده است بار ديگر مرور کرده و با خود زمزمه مي کنم شايد اين آدرس دفتر کار باشد ؛ شايد هم يکي از مراکزي که به نوعي مرتبط با دانشگاهي است که او در آن تدریس مي کند ، اما وقتي به بن



بست يك كوچه قديمي پا مي گذارم و پلاك سر در خانه قديمي را با آدرس در دست خود مقايسه مي كنم اين شك در من به وجود مي آيد كه اين آدرس شايد متعلق به محل كار نباشد و اين شك زماني به يقين تبديل مي شود كه فرزند كوچك «جعفر اردبيلي» صاحب سايت همسريابي در خانه قديمي را با ليخنه و نوعي شيطنت بچگانه مي گشايد.

خانه پيش رويم بسيار سنتي است چرا كه هنوز در آن فضاي اندروني و بيروني را مي توان به درستي احساس كرد ، سجاده اش در كنار كتابخانه بزرگي كه انباشته از كتاب هاي مرتبط با فقه و اصول اسلامي است بر روي زمين گسترده شده و پرده اي ضخيم اتاق را به دو نيمه كرده است . ما با كتاب ها و سجاده و پشتي هاي ردیف شده در اين سو و كامپيوتري كه با روشن شدن آن فرم هاي پر شده توسط متقاضيان همسر يابي از تامامي نقاط كشور و حتي جهان به آن سرازير مي شود در آن سوي اتاق قرار دارد. شايد اين پرده مرزي باشد براي گذر از روش هاي سنتي و روي آوري به روش هاي نوين، در حاليكه هنوز به پرده ضخيم چشم دوخته ام سئوالاتم را آغاز مي كنم.



### چه طور به همسر يابي از طريق اينترنت علاقه مند شديد؟

تا همين چند سال قبل من با مقوله اينترنت نا آشنا بودم و در زمينه همسريابي و مشاوره ازدواج با شاگردانم در دانشگاه ارتباط داشتم و فعاليت هاي زيادي نيز در اين زمينه انجام دادم از جمله طراحي و تأسيس كانون مشاور پيوند دانشجويي در دانشگاه تهران و يا ايجاد و تأسيس صندوق هاي قرض الحسنه پيوند در دانشگاه تهران و محبان الزهرا در جمع برخي از دانشجويان دانشگاه امير كبير. به هر حال من كارم را با دانشجويان شروع كردم و اين احساس را داشتم كه اينترنت يك رسانه عام و عمومي براي دانشجويان محسوب مي شود هر چند لازم است كه در اين جا به اين نكته اشاره داشته باشم كه طيف وسيعي از دانشجويان ما از اينترنت فقط چت كردن و كنترل صندوق پستي رمزي شناسند اما با اين حال فكر كردم اينترنت مي تواند يك وسيله خوب براي ارتباط و كمك رساني به اين قشر باشد.

### چه كساني در تأسيس اين سايت فعاليت و نقش داشته اند؟

سايتي كه اكنون در زمينه همسريابي فعاليت دارد حاصل چندين سال فعاليت شخصي خودم و تعدادي از دوستان در كانون مشاوره دانشجويي و پيوند دانشگاه علوم پزشكي تهران است . ابتدا مشاوره ها و فعاليت هاي همسريابي اين كانون محدود به دانشگاه و

فقط در زمینه ازدواج های دانشجویی بود ولی از سال 79 با دایر کردن پایگاه اطلاعاتی همسریابی فعالیت های خود را گسترش دادیم.

### **طیف مخاطب شما برای همسریابی دانشجویان هستند؟**

خوب است بدانید علت اصلی روی آوردن من به این کار، دیدن مشکلات شدیدی بود که اکثر دانشجویان در زمینه همسریابی با آن رو به رو بودند، بسیاری از آنها بعد از فارغ التحصیل شدن قصد خروج از کشور را داشتند من از نزدیک با آنها در ارتباط بودم و مشکلات روحی آنها را درک می کردم بنابراین کار مشاوره با دانشجویان را از دانشگاه آغاز کردم. بنابراین طبیعی به نظر می رسد که طیف وسیعی از مخاطبان من دانشجویان باشند اما این حرف بدین معنا نیست که ما به افراد دیگر بی توجه هستیم.

### **چرا در صفحه اول سایت، تصویر خودتان را به عنوان یک روحانی گذاشته اید؟ آیا این کار علت خاصی دارد؟**

هدف من در درجه اول معرفی خودم و در مرحله بعدی به نوعی کسب اعتماد افراد بود به نحوی که مراجعه کنندگان در همان وهله اول ورود به سایت متوجه بشوند مدیریت سایت با چه شخصیتی است که اگر بعدا تمایل داشتند در مورد خصوصی ترین مسائل خود با من صحبت کنند.

شما برای شروع به کار در این زمینه و هم چنین راه اندازی این سایت از محل و شخص به خصوصی اجازه گرفته اید؟

همان طور که در سایت مشاهده کرده اید من مجوزهایی برای شروع به کار خود از مراجع و علمای تقلید دریافت کرده ام که از این مراجع می توان به آیت الله محمد فاضل لنکرانی ، سید علی سیستانی و ناصر مکارم شیرازی اشاره داشت. اما خوب است بدانید که هیچ کدام از این مجوزها مربوط به ازدواج اینترنتی نیست؛ من برای مشاوره دادن و ترویج فرهنگ ازدواج این مجوزها را دریافت کرده ام چون تا آن جا که من اطلاع دارم در مورد امور مشاوره و ازدواج اینترنتی نیاز به اجازه نداریم چون فعالیت های اینترنتی احتیاج به اجازه ندارد.

### **شما برای شروع به همسریابی از طریق اینترنت، چه اطلاعاتی را از متقاضیان دریافت می کنید ؟**

در بدو امر فرمی را از طریق شبکه اینترنت به متقاضیان عرضه می کنیم که باید تکمیل شود در این فرم اطلاعات فرد متقاضی شامل نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، شغل ، رنگ چشم، نژاد ، قد، رشته تحصیلی ، تعداد خواهر و برادر ، پدر و مادر در قید حیات هستند یا نه، منزل شخصی یا استیجاری ، ازدواج قبلی داشته اند یا نه ، طلاق گرفته اند یا نه ، اعضای خانواده تا چه حد به او کمک می کنند، ازدواج با کسی که قبلا همسر داشته یا متارکه کرده را می پسندند یا نه ، آرامش و صبوری همسر برای فرد تا چه اندازه اهمیت دارد و آیا فعالیت بیرون از منزل همسر موجب رنجش خاطر او می شود به صورت سوال مطرح شده اند که متقاضی باید به آنها پاسخ دهد و برای ما از طریق اینترنت ارسال کند که ما ظرف 24 ساعت به فرم ارسالی جواب می دهیم و اگر شخصی را مطابق فرم در جستجوی های خود پیدا کنیم قرار ملاقات حضوری را می گذاریم. البته این ملاقات در

حضور خودم صورت می گیرد و سعی می کنم در جلسه اول این افراد تا حدودی با خصوصیات یکدیگر آشنا شوند. به عنوان نمونه همین امروز من یک قرار داشتم که خانم دانشجو الکترونیک بود و آقا فروشنده لوازم ورزشی که احساس کردم حدود 60 درصد با هم تفاهم دارند ولی نیاز به مشاوره بیشتری داشتند.

### **خانواده ها تا چه حد از این ملاقات ها با اطلاع هستند؟**

در اولین جلسه ملاقات حضوری غیر از خود من به عنوان یک واسطه و دختر و پسر کسی دیگر حضور ندارد اما در همان جلسه اول سعی می کنم از دو طرف بخواهم که حداقل به یکی از اعضای خانواده مثل مادر یا پدر نیز اطلاع بدهند تا در جریان امر باشند.

### **آیا این ملاقات های حضوری در سایت انعکاس می یابد؟**

به هیچ وجه، ضمن آنکه اطلاعات ارسالی محرمانه تلقی شده و برای هیچ یک از متقاضیان دیگر نیز قابل رویت نیست و متقاضیان نمی توانند به مشخصات داوطلبان دیگر حتی اگر مطابق با خواسته آنها باشد دسترسی داشته باشند.

### **این نوع همسریابی اینترنتی خاص ایران است ؟**

این سایت اینترنتی نه ایران بلکه سرتاسر دنیا را در بر می گیرد. اگر برای سایت تقاضایی وجود داشته باشد مضایقه نخواهم کرد کما اینکه در کانادا مقدمات ازدواج یک جوان ایرانی را با یک دختر لهستانی که بعداً مسلمان شد فراهم کردم و خطبه عقد و ازدواج این دو را نیز قرائت کردم و ازدواجشان هم در سفارت به ثبت رسید. هم چنین یک دختر ایرانی مقیم دبی را از طریق همین فرم ها به عقد یک پسر شیرازی در آوردم و نمونه های بسیار دیگری.

### **میانسالان به خاطر فوت همسر یا طلاق می توانند از خدمات اینترنتی سایت شما استفاده کنند؟**

هدف ما کمک به افراد مجرد و جویای همسر در تمام سنین است ما منعی برای کمک به این گونه افراد نداریم و اگر تقاضایی وجود داشته باشد برای آنها همسریابی می کنیم. البته تاکنون بیشتر مراجعین ما دانشجویان بوده اند زیرا سایر افراد جامعه ظاهراً شناختی از خدمات این سایت ندارند و من هم شخصاً به تبلیغات اعتقادی ندارم.

### **از طریق این پایگاه اینترنتی علاوه بر تسهیلات همسریابی چه خدمات دیگری به مردم ارائه می دهید؟**

علاوه بر همسریابی، در ارتباط با هر گونه مسئله خانوادگی ، علمی ، تحصیلی و روان شناسی مشاوره های رایگانی را به درخواست کنندگان ارائه می دهیم. تعدادی از کتاب ها نیز در سایت وجود دارند که علاقه مندان می توانند آنها را مورد استفاده قرار دهند و طی هماهنگی هایی که با بهترین مشاوران روان پزشک کشور صورت گرفته افرادی که نیاز به متخصصان روان پزشکی دارند به آنها معرفی می شوند و با کمترین هزینه ممکن تحت مشاوره قرار می گیرند. در زمینه آزمایش های ژنتیکی احتمالی مورد نیاز هم تاکنون به افراد خدماتی ارائه شده است.



### **شما بابت خدماتي که ارائه مي دهيد وجهي هم دريافت مي کنيد ؟**

به هيچ وجه. ما بابت ارائه کليه خدمات خود که علاوه بر همسريابي گاهي شامل کمک به تأمين جهيزه نيز مي شود ريالي از متقاضيان نمي گيريم. به عبارتي اين خدمات رايگان عرضه مي شود و قصد ما نيز انجام کار نيک است نه سوداگري.

### **منابع مالي مورد نياز شما از چه طريقي تأمين مي شود؟**

براي تأمين پول مورد نياز از مراجع ، علما، افراد خير و نيکوکار کمک گرفته ايم و همانگونه که در سايت نيز آمده است ما مجوزهايي نيز از برخي آيات عظام دريافت کرده ايم که مي توانيم براساس اين مجوز يك سوم از محل خمس و زکات اشخاص را به اين گونه مصارف خيري برسانيم. در طي اين چند سال ما تاکنون مبالغ زيادي را بابت مشاوره و همسريابي هزينه کرده ايم بدون اينکه ريالي از کمک دولت استفاده کرده باشيم.

### **طي مدت فعاليتتان از طريق اينترنت تا کنون براي چه تعداد متقاضي همسر مناسب يافته ايد؟**

طي مدتي که در اين زمينه فعاليت فردي و يا دانشگاهي و اينترنتي داشته ام يعني حدود 6 سال بين 800 زوج پيوند برقرار کرده ام که خوشبختانه تاکنون هيچ کدام از اين ازدواج ها بد فرجام نبوده و به طلاق منتهي نشده است.

### **درخواست هاي ارسالي به سايت توسط چه کسانی مورد مطالعه قرار مي گيرد؟**

از آن جا که اين اطلاعات بسيار محرمانه است و جز خصوصي ترين مسائل هر فرد محسوب مي شود کسي ديگر جز خودم به اين اطلاعات دسترسي ندارد، من روزي چند بار به باکس سايت مراجعه مي کنم و اطلاعات ارسالي را مورد مطالعه قرار مي دهم و سعي مي کنم در کمترین زمان پاسخگو باشم.

### **در روز چه تعداد متقاضي به سايت شما مراجعه مي کنند؟**

متغير است، اما به طور ميانه بين 100 الي 150 نفر.

### **آيا سايت شما مورد حمله اينترنتي قرار گرفته است ؟**

در طي اين سال ها يك بار؛ اما مسئله بسيار جدي نبود. با اين حال من به کمک شاگردانم سعي کرده ايم سايت را به گونه اي تقويت کنیم که هر کسي قادر به نفوذ در آن نباشد.

## حمله به سایت ها اتفاقی است که هر لحظه امکان وقوع دارد و از آن جا که اطلاعات داخل سایت شما مربوط به شخصی ترین مسائل افراد است شما در این زمینه چه اقداماتی انجام داده اید ؟

من هر شب پس از مطالعه فرم ها و استخراج شان آنها را از روی سایت برمی دارم و اگر شما در سایت دقت کنید متوجه می شوید مطالب زیادی در آن وجود ندارد چون اکثر اطلاعات به طور پنهان در سایت قرار دارد که تنها خود من به آنها دسترسی دارم.

در مقابل اینترنت نباید خرافات گرایي بکنیم بلکه باید مجهز بشویم و روش درک اطلاعات را نیز به روز کنیم. ما همیشه جلوی پدیده های ورودی به کشور به نوعی عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که همیشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمین داشته ایم که به کسی برخورد نکنیم اما امروز باید قبول داشته باشیم که اینترنت راه گفتمان است و ازدواج از طریق آن نادیده گرفتن روش های سنتی نیست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اینترنت با خود مفاسدی را نیز به همراه دارد اگر افرادی به سوی سایت های خلاف کشیده می شوند این کار به علت عدم آگاهی و اطلاع است پس وظیفه ما آگاهی دادن به این افراد است.

### در روز چند ساعت به اینترنت اختصاص می دهید؟

شاید بیشتر از 9 ساعت؛ به طوری که همه خانواده از دست من کلافه هستند. حتی گاهی اوقات که به میهمانی دعوت می شوم لپ تاپ را نیز با خود همراه دارم. من آن قدر زمان برای اینترنت می گذارم که بعضی اوقات خانواده می خواهند از طریق اینترنت برای آنها زمان مشاوره بگذارم!

### از اینترنت در چه مواردی استفاده می کنید؟

در درجه اول اینترنت برای تمرکز روی کارم است اما بعد از کار به تمامی سایت ها مراجعه می کنم.

### به چت کردن نیز علاقه دارید؟

بله و تا آن جا که بتوانم در اکثر چت روم ها وارد می شوم تا با مسائل جوانان بیشتر آشنا بشوم دنیای چت دنیای جالبی است که همیشه افراد شخصیت دوم خودشان را در آن بروز می دهند. در کشورهای دیگر افراد از چت برای تبادل اطلاعات و دوست یابی استفاده می کنند که این کار خیلی سریع اتفاق می افتد اما در ایران جوانان ما ساعت ها با شخص دوم چت می کنند و آخر سر معلوم می شود طرف مقابل همسایه دیوار به دیوار خودشان بوده است.

### شما نیز در چت از همان شخصیت دوم بهره می گیرید؟

(می خندد) به خاطر اینکه بتوانم به جمع این افراد ملحق بشوم و نیازهای آنها را کاملاً درک کنم لازم است من نیز مثل آنها یکی غیر از خودم باشم.

### از طریق چت دوستانی را نیز یافته اید؟

چند نفر از دوستانی که در احداث و راه اندازی این سایت به من یاری رسانده اند جزو کسانی هستند که در چت روم ها با آنها آشنا شده ام.

به عنوان یک فرد روحانی که همسریابی از طریق اینترنت را برگزیده است فکر می کنید در مقابل اینترنت باید چگونه رفتار کنیم؟

در مقابل اینترنت نباید خرافات گرایی بکنیم بلکه باید مجهز بشویم و روش درک اطلاعات را نیز به روز کنیم. ما همیشه جلوی پدیده های ورودی به کشور به نوعی عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که همیشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمین داشته ایم که به کسی برخورد نکنیم اما امروز باید قبول داشته باشیم که اینترنت راه گفتمان است و ازدواج از طریق آن نادیده گرفتن روش های سنتی نیست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اینترنت با خود مفاسدی را نیز به همراه دارد اگر افرادی به سوی سایت های خلاف کشیده می شوند این کار به علت عدم آگاهی و اطلاع است پس وظیفه ما آگاهی دادن به این افراد است.

### شما که صاحب سایت همسریابی از طریق اینترنت هستید خودتان از چه طریقی ازدواج کرده اید؟

او می خندد. در حالیکه سینی چای از پشت پرده ضخیم به درون اتاق هدایت می شود و او باز با همان لبخند می گوید، 17 سال پیش و با روش بسیار بسیار سنتی با همسر ازدواج کرده ام ...

چند لحظه بعد همسر آقای جعفر اردبیلی با اصرار او با چهره ای مهربان از پشت پرده ضخیم قدم به درون اتاق می گذارد.

### همسر بای اینترنتی از نوع تضمینی

یادم هست بچه که بودم هر وقت پدر می خواست هندوانه بخرد اکبر آقای میوه فروش با اون هیکل به قول امروزی ها بادی بیلدینگ کارش بر سر هندوانه ضربه ای می زد و روی دست می گرفت و با صدای بلند می گفت به مولا قسم تضمینی تضمینی ببر و از شیرینیش صفا کن و به راستی که هنوز طعم شیرین آن هندوانه را به یاد دارم . بزرگتر که شدم برای درس هایم در کلاس های تقویتی شرکت کردم گفتند قبولی تضمینی. در کلاس کنکور باز هم تضمینی. شرکت در کلاس رانندگی باز هم تضمینی خلاصه از بدو تولد تاکنون شاید صدها بار با این کلمه تضمینی برخورد کرده ام اما هیچ کدام مرا تا این حد میخکوب نکرد وقتی صفحه اول یکی از سایت های همسریابی را گشودم و با این جمله رو به رو شدم «یافتن قطعی همسر دلخواه با تضمین صد در صد» و در ادامه خواندم « تعجب نکنید. به جز کنکور، ازدواج هم می تواند تضمینی باشد. پس از ثبت نام برای استفاده از خدمات ازدواج تضمینی کارشناسان موسسه برای ازدواج شما بسیج خواهند شد آن قدر متقاضی ازدواج به شما معرفی می شود که کلافه خواهید شد. به خودتان می گوید آه خدای من این همه خواستگار از کجا آمده؟ و این جاست که

موسسه ... ثابت می کند که قسمت و تقدیر در ازدواج بی تاثیر است. موسسه آن قدر مطمئن است که اگر شما تا زمان مقرر همسر دلخواه خودتان را پیدا نکردید 75 درصد هزینه ای که در زمان ثبت نام دریافت شده به شما مسترد می گردد. در ضمن این روش به آقایان سخت گیر و مشکل پسند نیز توصیه می شود.»

این تنها روش همسر یابی در سایت موسسه ... نیست چرا که این موسسه حداقل 6 روش دیگر را نیز پیش روی مشتاقان ازدواج می گذارد از جمله این روش ها شرکت در سمینار WHO FOR WHO ، انتخاب همسر با روش SS، یافتن همسر دلخواه با تکنیک COM FOR CHAT ، یافتن همسر از طریق گرفتن شماره تلفن های خیابانی، و یافتن و ارزیابی همسر آینده از طریق شرکت در سمینار 10،0 است.

در سایت این موسسه یکی از روش ها ، شرکت در سمینار FOR WHO WHO عنوان شده است که به همه افراد يك كد تعلق می گیرد ، نام و نام خانوادگی افراد قابل شناسایی نیست. هر شخصی که در جایگاه قرار می گیرد مشخصات خود و همسر دلخواهش را اعلام می نماید. اگر یکی از حاضرین علاقه مند باشد با یکی از کدها در رابطه با ازدواج مذاکره نماید کد را در فرم ویژه یادداشت می نماید. هر شخص می تواند حداکثر 3 نفر را یادداشت نماید؛ بعد از سمینار با استخراج نتایج توسط کامپیوتر از افراد تلفنی دعوت می شود تا در موسسه حضور یافته و با یکدیگر به صورت چهره به چهره مذاکره نمایند. افراد بعد از حداکثر 3 جلسه باید نتیجه را به موسسه اعلام کنند و در صورت مثبت بودن بعد از مشاوره مراحل بعدی توسط خانواده ها ادامه می یابد. ورود به سمینار تا اطلاع ثانوی 3 هزار تومان و هزینه جلسات مشاوره بین 3 تا 6 هزار تومان است

هم چنین این سایت برای مشاوره های حضوری به ازای هر نیم ساعت 5 هزار تومان حق مشاوره و 10 هزار تومان برای 3 تا 5 نوبت مشاوره تلفنی دریافت می نماید.

\*\*\*

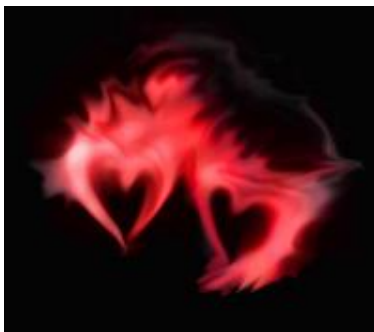
هر چند همسر یابی اینترنتی در کشور ما عمري کوتاه دارد اما در مقابل سایت های خارجی مشابه سال هاست روی اینترنت فعالیت و تبلیغ دارند، ظهور چنین سایت هایی در کشور نشان دهنده ترویج و گسترش اینترنت در حوزه های غیر تخصصی و خصوصاً اجتماعی است.

به هر حال این گونه بهره برداری از اینترنت در فعالیت های اجتماعی به نوعی نوید بخش افزایش تعداد کاربران و تنوع در استفاده از اینترنت می شود هر چند در این میان قطعاً سوء استفاده هایی نیز صورت خواهد گرفت.

## سي باور غلط در ازدواج



- ? ازدواج باعث درمان مشکلات رواني مي شود.
- ? اساس ازدواج فقط و فقط عشق است (عشق كافي است).
- ? عشق مال داستانهاست و در زندگي واقعي وجود ندارد.
- ? ازدواج راهي براي سعادت‌مند شدن است.
- ? ازدواج راهي براي تضمين زندگي فرزندان است (از ديدگاه والدين دختران و پسران جوان).
- ? ازدواج راهي براي پيشگيري از انحراف فرزندان است.
- ? ازدواج راهي براي فرار از مشكلات است.
- ? ازدواج راهي براي جلب رضايت والدين است.
- ? دوستي قبل از ازدواج، تضمين كننده يك ازدواج موفق است.
- ? حالا ازدواج مي كنم و بعد «او» را تغيير مي دهم.
- ? بايد با كسي ازدواج كرد كه از همه نظر كامل باشد.
- ? زن بايد وارد يك زندگي كامل شود.
- ? مهم اين است كه جوان ازدواج كند، بقيه مسائلي حل مي شود.
- ? يك ازدواج هرچند ناموفق بهتر از مجرد است.



? كسي كه به خانواده خود خيلي اهميت مي دهد پس حتماً در زندگي مشترك نيز موفق خواهد بود.



- ? ازدواج مي كنم و بعد طلاق مي دهم (مي گيرم).
- ? اگر با فلاني ازدواج كنم خوشبختم، ولاغير.
- ? ازدواج يعني خوشبختي و رفاه.
- ? ازدواج يعني اسارت.
- ? مهریه تعیین کننده موفقیت در ازدواج است.
- ? شاید اگر با دیگری ازدواج مي كردم موفق تر بودم.
- ? زن و شوهر باید کاملاً شبیه هم باشند.
- ? زن و شوهر باید همه مسایل خود به یکدیگر بگویند.
- ? زن و شوهر باید کاملاً وقتشان را با هم بگذرانند.
- ? زن باید تابع و مطیع محض مرد باشد.
- ? شوهر باید همسرش را به همه خواسته هایش برساند؛ شوهر باید همه مشکلات او را حل کند.
- ? به هیچکس نمی توان اعتماد کرد. («مردها غیر قابل اعتمادند» یا «زن ها فریبکارند»)
- ? چون خودم تصمیم گرفتم باید تا آخرش بروم؛ هر قولی که می دهی باید تا آخرش بایستی.
- ? زن و شوهر باید در همه مسائل اتفاق نظر داشته باشند. زن و شوهر باید تابع هم باشند. زن و شوهر باید همه فعالیت هایشان مشترک باشد.
- ? مرد باید جلوی زنش در بیاید. به زن نباید رو داد. نباید محبتت را نشان دهی. نباید طرف مقابلت بفهمد که دوستش داری چون آن وقت سوءاستفاده می کند.
- ? افرادی که طلاق می گیرند حتماً افراد مشکل داری هستند. کسی که طلاق می گیرد حتماً آدم بدی بوده است.
- ? والدین نباید در تصمیم ما دخالت کنند اما باید زندگی ما را تأمین کنند.
- ? هر نوع زندگی بهتر از طلاق است.
- ? طلاق یعنی بدبختی.
- ? رابطه جنسی پدیده ای گناه آلود یا زشت است.

## شرایط همسر شایسته و اهمیت آن



**بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش او را می نگرد، شاد و مسرورش گرداند . رسول خدا (ص)**

در مورد انتخاب همسر به منظور ایجاد و تولید نسل سالم و صالح ، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که بسیاری از آنها حاکی از اهمیت قانون وراثت و تأثیر عامل محیط است. پیامبر اسلام برای تولید نسل بهتر، دقیق ترین نکات را در امر انتخاب همسر گوشزد فرموده است که، به برخی از آنها اشاره می کنیم :

پیامبر فرموده: با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود. چون دانستن سلامتی اجداد غیر ممکن است باید ازدواج میان خویشاوندان نزدیک ، ممنوع گردد، زیرا بعضی از بیماری های مخفی در افراد وجود دارد؛ که در شرایط خاصی ظاهر می شود.

### شرایط همسر شایسته

**1- متدین بودن :** اولاً باید همسر انسان ، متدین باشد، زیرا دین می تواند انسان را از هرگونه انحراف های روحی و اجتماعی مصون دارد، و مسلماً **زن و مرد با ایمان مطابق موازین و برنامه های دینی فرزند خود را تربیت کرده** و احساس مسئولیت نسبت به این امر می نمایند، پیغمبر اسلام (ص) فرموده است:

«با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم ، او را طاعی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن».

**2- حُسن خلق :** که مبدأ اساسی پرورش نسل سالم است، و این اصل چه در دوران جنینی و شیرخوارگی ، و چه در دوران تربیت کودک در خانواده ، اثر مستقیم و یا غیر مستقیم دارد.

**3 - زیبایی و شادابی :** که این امر غالباً کمک به دین است و ضامن جلوگیری مرد از انحراف و خلاف عفت است ، به این معنی که زیبایی زن غالباً مردها را اعمال غیرمشروع باز می دارد. این موضوع نیز بیشتر با حُسن خلق توأم است. زیرا زن زیبا

غالباً دارای اخلاق ملایم و دلچسب است. پیامبر اسلام (ص) برای اطمینان خاطر مرد از زیبایی زن، اجازه داد پیش از ازدواج، مرد او را ببیند، تا خاطر وی از نظر زیبایی و دلپسندی زن مطمئن گردد. رسول اکرم (ص) می فرمود:

بهترین زنان شما، زیبا چهره ترین آنهاست .

و در حدیث دیگر آمده است که پیغمبر اسلام فرمود:

بهترین زن های امت من ، زیبا چهره ترین و اندک **مهربانترین** آنهاست .

و نیز ازدواج با زن زیبا معمولاً فرزندان زیبا را نصیب انسان می سازد.

**4- زن باید ولود باشد :** یعنی خوش زا و بسیار زا باشد . چون قهرآ، فرزند به کانون خانواده حرارت می بخشد .

**5 - اصالت خانوادگی :** همسر انسان باید از خانواده ی اصیل و تربیت شده و نجیب باشد، زیرا او بهتر می تواند کودکان را تربیت کند. اگر زن، خود فاقد تربیت باشد نمی تواند فرزند خوب پرورش دهد. رسول اکرم (ص) می فرماید:

از سبزه ای که در میان کثافات و پلید ی ها می روید بپرهیزید. ( مراد زن زیبایی است که در محیط پست و آلوده پرورش یافته باشد.



**6 - ازدواج با اقارب و آثار سوء آن :** اسلام ازدواج با عده ای از اقارب ، مانند: مادر، خواهر و خاله و عمه و امثال آنها را شرعاً ممنوع ساخته، در برخی موارد دیگر به منظور ارشاد مردم برای ساختن و پرورش نسل سالم، راهنمایی های کافی کرده است. و ازدواج با اقوام نزدیک را – که حرمت شرعی هم ندارد – صحیح نمی داند ؛ و پیامبر فرموده است:

با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم ، او را طاغی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن

از نظر علمی این طور است که اگر سلامتی طرفین تا چند پشت معلوم و صفات خانوادگی آنان شایسته می بود ازدواج با خویشاوندان موجب تقویت صفات خوب

خانوادگی می شد. ولی چون دانستن سلامتی اجداد غیر ممکن است باید ازدواج میان خویشاوندان نزدیک، ممنوع گردد، زیرا بعضی از بیماری های مخفی در افراد وجود دارد؛ که در شرایط خاصی ظاهر می شود. اگر فرض کنیم شخص سالمی (س) با شخصی که دارای بیماری ارثی نهفته (م) باشد، ازدواج کند، نتیجه از این قرار خواهد بود،  $S + M = S \times M$ ، یعنی: نیمی از این فرزندان سالم خواهند بود، و نیم دیگر از آنها به حسب ظاهر سالم هستند ولی نطفه ی بیماری ارثی در آنها نهفته می باشد. حال اگر یکی از این افراد که دارای بیماری ارثی نهفته است با یک شخص سالم ازدواج کند نتیجه به شرح زیر خواهد بود:  $M + S = S \times M$ ، دوم + س س، دوم =  $S \times M$ ، یعنی باز هم در اینجا نصف از عده ی فرزندان کاملاً سالم و نصف دیگر ظاهراً سالم خواهند بود؛ و نطفه ی بیماری ارثی در آنها نهفته است. ضمناً باید دانست که هیچ گونه تفاوتی ظاهراً بین این دو نوع فرزند دیده نمی شود. پس اگر افراد حامل نطفه ی بیماری با افراد کاملاً سالم ازدواج کنند هیچ وقت بیماری ارثی نهفته آشکار نخواهد شد. ولی هرگاه دو فرد که هر دو حامل بیماری ارثی نهفته باشند با هم ازدواج کنند بیماری ارثی نهفته ی آنان در بعضی فرزندانشان واضح خواهد شد از این قرار:  $M + M = 1 + 1$ ،  $S \times S = S \times S$ ، یعنی یک فرزند، سالم خواهد بود. ضمناً لازم است گفته شود که ظهور بیماری ارثی نهفته - در ازدواج بین اشخاصی که هیچ گونه خویشاوندی با هم ندارند- نیز ممکن است وقوع یابد. ولی این احتمال در ازدواج میان خویشاوندان، بسیار زیاد است.

### انگیزه های غلط برای ازدواج



بعضی اوقات افراد دم بخت به دلایل عجیب و غریبی ازدواج می کنند. گاهی نیز دلایل خوب و موجهی برای انتخاب فرد به خصوصی در سر دارند. آیا شما هم تحت فشار هستید که هرچه زودتر ازدواج کنید؟

**پس بهتر است نگاهی هم به این «دلایل بد» برای ازدواج بیندازید:**

#### 1- ازدواج کردن فقط به خاطر پول

فرض می کنیم فردی که شما شیفته و عاشقش شده اید شخص ثروتمندی باشد؛ که خوش به سعادتان. البته عاقلانه هم نیست که با آدمی که کاملاً بی پول

است و هیچ قصدي هم ندارد که در آینده در تأمین هزینه های زندگي سهمي داشته باشد، ازدواج کنید، مگر آن که حاضر باشید روزي 18 ساعت با کمال رضایت کار کنید تا قادر باشید مخارج سنگين زندگي را تأمین کنید. اما ازدواج کردن با یک نفر تنها به خاطر پول، صرفنظر از احساس شما نسبت به آن فرد، تقریباً همواره اشتباه است.

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گویم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن يك نامادري یا ناپدري بي رحم، براي فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط يك پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالای سرش باشد.

## 2- ازدواج به خاطر دور شدن از خانه والدین

وقتي وضعیت در خانه پدري، شوم و اندوه بار باشد، ازدواج يك راه گریز محسوب می شود. تعجبي ندارد که خیلی ها این راه گریز را انتخاب می کنند. اما معمولاً این مسیری است که شما را از چاله در آورده و به چاه می اندازد! یکی دو سال دیگر در خانه پدر و مادر ماندن، بهتر از آن است که با نخستین پیشنهاد ازدواج، تن به تأهل دهید، چون آن وقت ممکن است **شریک زندگي** تان تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

## 3- علاقه والدین شما به فرد مورد نظر

البته جای تعجب دارد که والدین شما واقعاً همسر آینده شما را دوست بدارند! اما دوست داشتن این فرد از سوي آنها دلیل کافي براي مد نظر قرار دادن ازدواج با آن فرد نیست. سال های آینده، زمانی که آنها درگذشتند و از میان شما رفتند شما کماکان باید اسیر فرد رؤیاهای آنان باشید. فردي که شاید مرد یا زن رؤیاهای شما نباشد.

## 4- عادت به رابطه دراز مدت

هنگامی که دو نفر پس از مدتي آشنایی، تصمیم ازدواج با یکدیگر می گیرند، اشکالي ندارد. اما چه وقت اجبار به دلیل «عادت محض» خطرناک می شود؟ زمانی که دو نفر که با یکدیگر ازدواج کرده اند و بعد از یکدیگر **طلاق** گرفته اند، ( و به هم عادت کرده اند) تصمیم بگیرند دوباره شانسی خودشان را امتحان کنند. مطمئن باشید هرگاه بار نخست کارساز نبوده باشد بار دوم نیز کارساز نخواهد بود.



### 5- خواهان فرزند بودن

بله. «بچه دار شدن» قوی ترین محرک برای بسیاری از افراد در ازدواج است - اما آیا شما حاضرید فرزندان خود را در شرایط نه چندان ایده آل پرورش دهید؟ موضوع اینجاست: زمانی که بچه ها بزرگ می شوند و دنبال زندگی خودشان بروند شما مجدداً با آن فرد خواهید بود. هیچ کس کامل نیست، اما حداقل کسی را برگزینید که بتواند برای فرزندان پدر یا مادر خوبی باشد؛ همچنین خود شما به وی علاقه داشته باشید و برایش احترام قائل باشید. در غیر این صورت گزینه دیگری را مد نظر قرار دهید مثلاً کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرید.

### 6- کسی که به خاطر شما همسرش را کنار گذاشته

معمولاً این گونه ازدواج ها زیاد دوام نخواهد آورد و پایه ای برای یک رابطه درازمدت نخواهد بود. این سناریو را در نظر بگیرید: فردی که شخصی را می یابد که حاضر است به همسر یا نامزد خود خیانت کند، مسلماً رابطه آنها استحکامی نخواهد داشت. زیرا کسی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

### 7- یافتن یک ناپدری یا نامادری برای فرزندان

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گوئیم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن یک نامادری یا ناپدری بی رحم، برای فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط یک پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالای سرش باشد.

### 8- فشار اجتماعی

تمام دوستان شما ازدواج کرده اند، اما شما هنوز مجرد هستید... اما مطمئن باشید که تا الان یکی دوتای آنها **طلاق** گرفته اند!

پس، خودتان باشید. هنگامی که مثلاً خاله شما در مورد این که آیا تصمیم به ازدواج دارید یا نه از شما سؤال می کند، توجهی نکنید. بهتر است تنها باشید تا این که با کسی ازدواج کنید که سبب بدبختی شما گردد. هیچگاه تنها به خاطر آنکه متأهل شوید معیارهای خود را پایین نیاورید.

## همسر ایده ال من معیارهای انتخاب همسر ( قسمت اول )



یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است . به جرئت می توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می آید به خاطر این است که دختر و پسر ، همسر مناسب خود را انتخاب نکرده اند و پس از چند سال زندگی متوجه می شوند این دو مناسب یکدیگر نبوده اند. پس جا دارد برای این انتخاب وقت بگذاریم و مطالعه کنیم.

### معیارها و ملاک هایی که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود دو نوع است:

الف - آنهایی که رکن و اساس اند و برای یک زندگی سعادت‌مندانه حتماً لازم اند.  
ب - آنهایی که شرط کمال هستند و برای بهتر و کاملتر شدن زندگی لازم اند و بیشتر به سلیقه افراد و موقعیت آنها بستگی دارند.

اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهاش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست.

یکی از معیارهایی که باید حتماً در ازدواج در نظر گرفته شود، **عامل مذهب و نگرش فرد مقابل نسبت به مذهب است.** اگر شما فردی هستید که به اصول و فرامین مذهبی معتقدید، ولی شخص مورد نظرتان ، نسبت به مذهب بی اعتماد یا بی تفاوت باشد، شما با هم زندگی خوبی نخواهید داشت. **انسان متدین، همسری متدین می خواهد،** اگر یکی متدین و دیگری بی دین و بی قید باشد، خوشبخت نخواهند شد. بنابراین از این لحاظ باید فردی را انتخاب کنید که همانند شما فکر کند.

یکی دیگر از **مسائل تناسب خانوادگی** است. ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده، فامیل و یک نسل؛ خانواده **دختر و پسر** باید با یکدیگر سنخیت و تناسب داشته باشند. در **انتخاب همسر** معقول نیست شما بگویید «من می خواهم با این فرد

زندگی کنم و کاری با خانواده اش ندارم» چرا که این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه ای از همان درخت است. این شاخه، از ریشه همان درخت تغذیه کرده؛ مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل از راه وراثت و تربیت و محیط به این فرد منتقل شده است، این فرد در دامن همان خانواده بزرگ شده است. باید موقع ازدواج ارزش های درون خانواده فرد را بررسی کنید و با ارزش های درون خانواده خودتان مقایسه نمایید. اگر این ارزش ها با یکدیگر تناسب داشته باشند، شما زندگی آرامی خواهید داشت. در مقایسه ارزش ها دقت داشته باشید. برای مثال اگر در خانواده شما تحصیل یک ارزش است، در خانواده فرد مقابل نیز تحصیل یک ارزش باشد، اگر در خانواده شما حجاب یک ارزش است، در خانواده طرف مقابل حجاب ضد ارزش نباشد.



آنچه در تناسب اجتماعی باید در نظر داشت، **ارتباطات و رفت و آمدهای خانوادگی** است. این که خانواده با چه افرادی رفت و آمد می کنند و دارای چه جایگاهی هستند، آیا شهرت اجتماعی دارند یا خیر، مهم است. همه اینها در جایی جمع می شود که به آن تناسب اجتماعی می گوئیم. در حقیقت مردم دوست دارند با افرادی رفت و آمد کنند که از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار باشند. دو خانواده باید از این حیث با یکدیگر تناسب داشته باشند. مسئله دوم **تناسب رفتار اجتماعی دختر و پسر** است. مثلاً اگر یک دختر لوس و جلف با مرد متین و موقری ازدواج کند، تحمل رفتار اجتماعی زن برای مرد مشکل است.

بنابراین از مسائل مهم انتخاب همسر **در نظر گرفتن تناسب اجتماعی دو خانواده است** و چقدر خوب است که پسر و دختر در یک ردیف اجتماعی با هم ازدواج کنند.

یکی دیگر از مواردی که باید در ازدواج در نظر گرفت **مسائل مالی و اقتصادی** است، هر چقدر دو خانواده از لحاظ مالی در یک سطح باشند ازدواج، ازدواج خوبی است. صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان از لحاظ مالی و ثروت تفاوت زیادی با هم داشته باشند، ازدواج دو طبقه متضاد اجتماعی همیشه مشکلاتی به همراه خواهد داشت. شما نمی توانید با فردی زندگی کنید که از نظر **اقتصادی** در ردیف شما نیست، هرگز این کار را نکنید. برای مثال کسی که از نظر اقتصادی در یک طبقه بالای اجتماعی است در ناز و نعمت بزرگ شده، همه چیز برایش مهیا بوده، هیچوقت مشکلات و تنگنای مالی نداشته است، حالا با فردی از خانواده بسیار پایین از نظر اقتصادی ازدواج می کند که سبک زندگی با این فرد متفاوت بوده است. فرهنگ خانوادگی متفاوت، نیازهایش



متفاوت. فرضاً قرار می‌شود این دو با یکدیگر به مهمانی بروند، شخص اول هر لباسی می‌پوشد خجالت می‌کشد، احساس می‌کند نازیباست، مورد تأییدش نیست، در عوض همسرش زمانی که به خانه آنها می‌رود احساس کدخدایی می‌کند. خانه سطحش پایین است. این احساسات در وی ایجاد تعارض می‌کند. عصبانی می‌شوند، با هم دعوا می‌کنند، دعوا بر سر یک قضیه بسیار ساده زندگی است ولی ریشه اش در عدم همخوانی و تناسب طبقه اقتصادی است، اکثر دعوای چنین زن و شوهرهایی بعد از میهمانی‌ها شروع می‌شود.

یکی دیگر از معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفته شود، **تناسب تحصیلی** است. بسیار خوب است که زن و شوهر از نظر معلومات و تحصیلات علمی، خیلی با هم فاصله نداشته باشند و در ردیف یکدیگر باشند تا تفاهم بیشتر در زندگی شان به وجود آید. مهم است که زن و شوهر سطح دانششان به هم نزدیک باشد، زنی که تحصیل کرده و دانشگاهی است نمی‌تواند همسر یک مرد بی سواد یا کم سواد باشد. اگر هم توانست مدت کوتاهی می‌تواند ولی در درازمدت خیر. ممکن است یک آدم بی سواد بسیار فرهیخته باشد، مهربان و سطح آگاهی هم بالا، کلاً شخصیت خوبی داشته باشد ولی در اینجا تشابهاتی وجود ندارد. بالاخص این که تفاوت یک زن تحصیل کرده با یک مرد تحصیل کرده بسیار زیاد است. غالباً خانم تحصیل کرده از تحصیلاتش در طول زندگی استفاده می‌کند ولی مرد تحصیل کرده کمتر. برای مثال خانمی که در رشته هنر تحصیلات دانشگاهی دارد، می‌تواند آثار هنری را در تمامی خانه ملاحظه کنید اما ممکن است آقای مهندس برق در سیستم برق خانه اش کلی اشکال داشته باشد! به نظر می‌رسد زندگی با زن تحصیل کرده راحت تر است. او خیلی زودتر مسائل را می‌فهمد و نیاز نیست که خیلی تکرار کنید. متقابلاً مردی که دارای تحصیلات عالی است نمی‌تواند با زنی که دارای تحصیلات پایینی است ازدواج کند. حتی بهتر است مردان یا زنان پزشک با هم ردیفان خود ازدواج نکنند. یکی از چیزهایی که باید در ازدواج رعایت شود **فاکتورهای حرفه ای** است. بنابراین سطح تحصیلات و سطح حرفه در **زندگی زناشویی** بسیار مهم است.



حالا که به مسئله تحصیل اشاره کردیم خوب است که به **مسئله تفکر** نیز اشاره کنیم. متأسفانه مردان ما بسیار مقیدند که همسر زیبا داشته باشند، در صورتی که زیبایی در آمار جهانی بهداشت فقط 25 نمره دارد در حالی که به تفکر 300 نمره داده اند. در مورد

عروس خانم همیشه می پرسند آیا زیبا هست یا نیست. زیبایی دوره محدودی دارد، ولی ما نمی توانیم تفکر و تعلیم و تربیت را انکار کنیم. بعضی از مردم ما در ازدواج جایی برای تفکر باز نگذاشته اند.

اولین چیزی که در تفکر جلوه گر می شود، **عامل هوش** است. زندگی با یک آدم کم هوش بسیار مشکل است. ممکن است بپرسید چگونه می شود هوش یک نفر را قبل از ازدواج تشخیص داد؟ پاسخ بسیار آسان است. افرادی که درجه هوشی خیلی پائین دارند کاملاً در رفتار و کردارشان مشخص است، پختگی لازم را ندارند، قدرت تشخیصشان ضعیف است. عامل دیگر تشخیص هوش، تفکر انتزاعی است. انتزاع کردن یعنی بیرون کشیدن، و **تفکر انتزاعی** یعنی **توانایی استنباط و درک مفاهیم از موقعیت های کلی**. این نوع تفکر ابعادش بسیار گسترده است، افرادی که تفکر انتزاعی دارند خیلی زود شما را می فهمند. لازم نیست که دائم برایشان تکرار کنید. بعد دیگرش، تفکر حل مسئله ای است، تفکری که در آن انسان می تواند مسائل خودش را حل کند. کسانی که این نوع تفکر را ندارند دائم دور خودشان می چرخند، گیج اند، دائم می پرسند چه گفتم، یعنی چه، منظورت چه بود... کسی که این نوع تفکر را ندارد به همسری برنگزینید. گاهی اوقات افراد از روی ترحم با فردی ازدواج می کنند که از نظر هوشی در سطح پایینی است، می خواهند ایثار کنند ولی سخت در اشتباهند. زندگی با افراد کم هوش بسیار مشکل است. **کسی که تفکر و هوش خوبی دارد کیفیت فراوان در مدیریت دارد**. یکی از ارکان اصلی مدیریت، تفکر خوب است.

یکی دیگر از **معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفت گذشته افراد** است. یعنی، باید تشابهاتی بین گذشته شما با گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید باشد. اگر این تشابهات بود، آن وقت شما به درک متقابل خواهید رسید. بسیاری از مردم می گویند همسر مرا درک نمی کند. درک چه موقع صورت می گیرد، زمانی که ما سرنوشت مشابهی داریم، شما کسی را درک می کنید که در زندگی تان باشد، یک غریبه را نمی شود درک کرد. اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهایش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست. گذشته بسیار مهم است. این فرد نمی تواند شما را درک کند. نمی تواند بفهمد موقعیت فعلی را به چه قیمتی به دست آورده اید؛ برایش اهمیتی ندارد. تمام آنچه با زحمت به دست آورده اید را جزء بدیهیات و لوازمات زندگی می داند، حتی گاهی اوقات اصرار می کند موقعیت فعلی را نیز از دست بدهید در حالی که موقعیت فعلی حاصل یک عمر تلاش شماست. در ازدواج به سراغ فردی بروید که گذشته ای مشابه شما داشته باشد و شما را درک کند.

یکی از مسائلی که در گذشته ماست، **عشق** و عاطفه در زندگی است. بعضی ها در گذشته، بسیار دوست داشته شده اند، مثل این که هیچکس به اندازه اینها مهم نبوده است، مانند عروسک در دست این و آن مورد نوازش و محبت قرار گرفته اند. عده ای دیگر اصلاً مورد توجه نبوده اند و کسی به اینها اهمیتی نداده است مثل این که اصلاً شناسنامه ای ندارند. حالا اگر این دو نفر با هم ازدواج کنند، نمی دانند چه اتفاقی می افتد. گاهی می گویند این شخصیت خلاء عاطفی مرا پر خواهد کرد. در صورتی که

چنین نیست. کسی که هیچوقت مورد محبت قرار نگرفته، تشنه محبت است، هرچه محبت کنید سیراب نمی شود. همیشه می پرسد مرا دوست داری، می گوید بله، باز می پرسد، قسم می خورید، ولی باور نمی کند. برعکس، شخصی که برایش همه چیز مهیا بوده سیراب است هیچ چیز چشمش را نمی گیرد، به زحمت هدیه ای را برایش فراهم می کنید اما جلب توجهش را نمی کند. گاهی اصلاً شما را تحویل نمی گیرد، آنها آدم های سردی اند، هر کاری کنید فایده ای ندارد، در مقابل آنها وضعیت شما مثل فردی است که می گوید نمی دانم چرا دستم نمک ندارد. می گویم دست شما نمک دارد اما این شخص سیراب است. پس بهترین حالت، تعادل است. باید دنبال کسی بگردید که گذشته معتدل داشته است **گذشته ما سرنوشت ما را تعیین می کند.** خب حالا چطور می توانید به این مسئله پی ببرید؟ کافی است از او سؤال کنید شما را چقدر دوست داشته اند. اگر گفت «تا حالا هیچکس را به اندازه من دوست نداشته اند و از ابتدای امر هر چه خواسته ام برایم فراهم بوده است.» قدری دست نگه دارید. یا مثلاً چنانچه مادر دختر خانم می گوید «اگر قسمت شد و داماد ما شدید این را بدانید که ما تا حالا بالاتر از گل به این دختر نگفته ایم.» بگویید «خداحافظ!» این دختر خیلی به درد شما نمی خورد. پدر و مادرها در محبت کردن به بچه ها، باید حد تعادل را رعایت کنند.



از دیدگاه دکتر مجد، یکی از مسائل بسیار مهم که باید در **ازدواج** مورد توجه قرار گیرد ردیف فرزندان خانه است. فرزند چندم خانواده باشد خوب است و یا چرا خوب نیست. به اعتقاد ایشان بچه های ردیف اول غالباً دارای وضعیتی هستند که عمدتاً معاون اند، دختر معاون مادر، پسر معاون پدر، بچه های ارشد خانواده غالباً مسئولیت های زیادی را قبول می کنند و مثلاً از دیگر فرزندان مراقبت می کنند، تکالیف اقتصادی و خرید به آنها واگذار می شود بسیاری از کارهای خانه را انجام می دهند. بچه های اول سنگ های زیرین آسیاب هستند. علاوه بر کارهای منزل و خرید و مواظبت از بچه های دیگر باید به عنوان قاضی، مجادلات بین پدر و مادر را نیز حل کنند. بچه های اول عمدتاً زندگی سختی دارند. این زندگی سخت، مزایا و معایبی دارد. از این جهت خوب است؛ افرادی که زندگی سختی تجربه کرده اند مسئولیت پذیرند، اتفاقاتی را تجربه می کنند که سبب می شود برای زندگی بعدی پخته شوند، غالباً نظرشان شرط است. اینها رأی شان نافذ است اگر پدر و مادر بخواهند با کسی مشورت کنند معمولاً با فرزندان ارشد است. روی دیگر فرزندان نفوذ دارند، اصلاً گاهی به جای پدر و مادر مهار زندگی را اینها به دست می

گیرند. از بعضی جهات هم خوب نیست. اینها معمولاً مظلوم واقع می شوند، حقشان خورده می شود. همیشه زمانی که دو بچه با یکدیگر دعوا می کنند به بچه بزرگتر می گویند تو بزرگتری تو ببخش، و غافل از این که اینها هر دو کودک اند و هر دو احساسات کودکان دارند.

بچه های آخری چه وضعیتی دارند؟ بچه آخر معمولاً هیچ مسئولیتی ندارد، ریلکس است خیلی راحت است. بعد از او دیگر بچه ای به دنیا نیامده و تاج پادشاهی همچنان بر سرش باقی مانده است. اگر در خانه مشکلاتی به وجود بیاید این قدر افراد هستند که مشکلات را حل بکنند بنابراین کاری به این فرد ندارند. به اینها سرویس زیاد داده شده و خیلی به آنها خوش گذشته است به کسی هم که زیاد خوش بگذرد خیلی بد عاقبت خواهد بود. تمام افرادی که به این ترتیب بزرگ می شوند تحمل اتفاقات عادی زندگی را ندارند. هیچ استرسی را نمی توانند تحمل بکنند.

حالا اگر بچه اول خانواده ( پسر ) با دختری ازدواج کند که فرزند آخر خانواده است چه اتفاقی می افتد؟ بیچاره پسر، عمری حقش ضایع شده بود و در خانه بچه داری کرده بود حالا هم بایستی از خانمش به عنوان یک بچه نگهداری کند! این دختر خانم هم به کوچکترین مطلبی قهر می کند. اینها همان افرادی هستند که دو ماه بعد از ازدواج چمدانهایشان را بسته اند و راهی خانه پدرشان می شوند.

اگر دختر فرزند اول باشد و پسر فرزند آخر، چه خواهد شد؟ خانم ها معمولاً تحملشان خیلی زیاد است معمولاً دندان روی جگر می گذارند، گاهی نقش مادر را برای همسر بازی می کنند و بعضی مردها نیز از این حالت استقبال می کنند. بچه های اول عادت کرده اند بگویند خب حالا مهم نیست و بعد می بینند که به دردهای روان تنی دچار شده اند.

مسلم است که تربیت خانوادگی بر شخصیت و نحوه رشد افراد اثر می گذارد. به نظر می رسد آنچه بیشتر از ردیف و جایگاه فرزندان خانه اهمیت دارد نحوه تربیت آنهاست. اگر در خانواده راه و رسم زندگی مشترک به افراد آموخته شود و آنها را برای پذیرش یک سری از مسائل و واقعیات زندگی آماده نمایند آخر یا اول بودن آنها چندان اهمیتی ندارند. نکته دیگر این که همیشه برای فرزندان آخر همه چیز مهیا نبوده است. گاهی فرزندان آخر بیشتر از دیگر فرزندان دچار استرس می شوند برای این که پدر و مادر در جوانی بیمار نبوده اند و حالا بیمار شده اند و این در حالی است که دیگر فرزندان خانواده ازدواج کرده اند و مسئولیت پدر و مادر بیمار بر عهده فرزند آخر است. گاهی نیز فرزند آخر خانواده نقش مربی **مهذکودک** را بازی می کند و خواهران و برادران جهت نگهداری فرزندانیشان از بچه آخر کمک می گیرند. از همه اینها گذشته اگر در یک خانواده دو فرزند بیشتر وجود نداشت، یکی اولی بود و دیگری آخری، تکلیف چیست؟ در اینجا است که می گویم نوع تربیت، نحوه برخورد و گذشته افراد مهمتر از جایگاه آنها در خانواده است.



### تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است. تفاوت سن بلوغ جنسی در دختر و پسر، یک امر طبیعی است، پسر حدود چهار سال دیرتر از دختر به بلوغ جنسی می رسد. پس خوب است که تفاوت سن آنها در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد ( پسر بزرگتر باشد) **بهتر است چنین باشد ولی الزامی نیست.** اگر در بقیه موارد گفته شده یعنی زمینه های اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، عاطفی، تناسب وجود داشته باشد ولی تناسب سنی وجود نداشته باشد مثلاً زن و شوهر هم سن باشند و یا حتی زن یک سال نیز بزرگتر باشد به شرط این که مرد وقوف و آگاهی کامل به این موضوع داشته باشد مشکل خاصی ایجاد نمی شود. اما ازدواج هایی که **اختلاف سنی زیاد** وجود دارد مثلاً یک نفر بیست سال از دیگری بزرگتر است اصلاً صلاح نیست.

### اخلاق نیک

یکی از ویژگی های اساسی و لازم برای زندگی شاد، اخلاق نیک است. منظور از **اخلاق نیک** تنها خنده رویی و خوش خلقی اصطلاحی نیست، زیرا خندیدن و ... در بعضی مواقع، نه تنها مطابق اخلاق نیست بلکه ضداخلاق نیز هست. منظور از اخلاق نیک، داشتن صفات و خلق و خوی های پسندیده از نظر عقل و شرع است.

### سلامت جسمانی و روانی

سلامت جسمانی و روانی در موفقیت و سعادت زندگی مشترک، نقش مهمی بر عهده دارد. بعضی از بیماری های جسمانی و روانی اهمیت چندانی ندارند و مانع زندگی نیستند و لطمه ای به آن وارد نمی کنند و با معالجه و مراقبت، درمان می شوند. آنچه باید در زمینه انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد بیماری ها و نقص ها و معلولیت های جسمی و روحی عمیق و غیرقابل درمان است که در طول عمر همراه انسان است و تحملش برای همسر سخت است. توجه نکردن به این امر و برخورد «احساساتی و غیرمنطقی» با آن ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی بزند.

### همتایی و هماهنگی فرهنگی و فکری

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پربار و سعادتمند، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک کنند و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل،

تصمیم مشترک و یکسان بگیرند و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی، یاور هم باشند و فرزندانشان را براساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند.

### چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند:

«العارفة لا توضع الا عند العارف».

زن عارفه ( فهمیده فرزانه ) باید در کنار مرد عارف ( اهل معرفت ) قرار گیرد نه غیر آن.

### تناسب سیاسی

دختر و پسر باید از لحاظ گرایش نسبت به مسائل سیاسی شبیه به هم باشند. اگر یک نفر علاقه شدیدی به مسائل سیاسی و شرکت در آن دارد و برای دیگری سیاست هیچ جایی در زندگی ندارد، در زندگی مشترک دچار مشکلاتی خواهند شد و آرامش لازم را از دست می دهند.

### تناسب شخصیتی

دختر و پسری که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، بهتر است تناسب شخصیتی داشته باشند و از نظر صفات شخصیتی با یکدیگر همسان باشند.

ادامه دارد ...

در قسمت بعد به مطلب نکات مهم در جلسه خواستگاری خواهیم پرداخت.

### منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی
- خانواده در اسلام - تألیف حسین مظاهری
- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

## نکات مهم در جلسه خواستگاری معیارهای انتخاب همسر ( قسمت دوم )



در قسمت قبل به مطلب **همسر ایده آل من** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...  
پس از مطرح کردن **معیارهای انتخاب همسر**، سؤالی که در ذهن همه افراد مطرح می شود این است که چگونه می توان قبل از ازدواج به **خصوصیات روحی و روانی همسر** پی برد؟ و آیا می شود با رعایت موازین شرعی و عرفی، شخصی را قبل از ازدواج شناخت؟

خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

جواب این سؤال تا حدودی مثبت است به شرطی که عاقلانه با موضوع برخورد شود. به پسران جوان توصیه می کنیم، دقت کنید شخصی را که برای ازدواج انتخاب می کنید، آیا شخصیت اجتماعی، یعنی مجموعه حرکات، رفتارها، آداب معاشرت و برخورد اجتماعی اش با عقاید شما همخوان هست یا خیر؟ اگر همخوانی وجود داشت تحقیقات جزئی در مورد خانواده اش به عمل آورید و خانواده او را با خانواده خود از لحاظ **اقتصادی**، اجتماعی مقایسه کنید، اگر در یک ردیف بودید به **خواستگاری** بروید.

دختر **خانم های جوان** باید ابتدا تحقیقات جزئی در مورد خواستگارشان به عمل آورند اگر در کلیات مانند وضعیت اقتصادی و اجتماعی، موقعیت شغلی و تحصیلی، فرد مورد نظرشان با آنها همخوان است، اجازه دهند خواستگار به خانه آنها بیاید.



تاریخچه خواستگاری به قبل از میلاد مسیح برمی گردد. خواستگاری از طرف مردان انجام می شده. به عبارت دیگر مرد به خواستگاری زن می رود، و این امر به خاطر تفاوت های **روان شناختی زن و مرد** است، خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

زمانی که به خواستگاری می روید و یا از شما خواستگاری می شود، زیباترین لباسهایتان را به تن کنید و پوششی شیک و مناسب داشته باشید. اولین دیدارها همیشه در اذهان باقی می ماند. عده ای با لباس های نامناسب و نه چندان تمیز به خواستگاری می روند و تصورشان این است که این شخص باید وضعیت زندگی مرا بداند در صورتی که این وضعیت خاطر خوشی به جا نمی گذارد. در تمام طول مراسم

خواستگاري متانت و وقار بايد از ناحيه هر دو خانواده مراعات شود و رفتارهاي نامناسب و جلف ، ذهنت هاي بدې را رقم مي زنند.

هنگام صحبت کردن فرد مورد نظران، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.

در هنگام صحبت کردن با فرد مورد نظر در اولین جلسه بنا را بر **صداقت** و یکرنگی بگذارید و متعهد شوید که آنچه می گوئید کاملاً از سر صدق و صفا باشد و به این تعهد خود نیز پای بند شوید. بهتر است به عنوان اولین سؤال از فرد مقابل بخواهید خودش را کامل معرفی کند؛ به عبارت دیگر از او بخواهید خلاصه ای از گذشته زندگیش برای شما بگوید خودتان نیز متقابلاً خلاصه ای از سرگذشت خود را مطرح نمایید. **سرگذشت و بیوگرافی شامل این موارد می شود:** معرفی کامل نام و نام خانوادگی، شغل، سن، شغل پدر و مادر، میزان تحصیلات هر یک از آنها، وضعیت شغلی و تحصیلی و سنی دیگر افراد خانواده، و این که شما در چه خانواده ای و با چه شرایطی بزرگ شدید و مسائل خاص زندگی شما در گذشته چگونه بوده است. در هنگام صحبت کردن فرد مورد نظران، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید **دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.** بپرسید نگرش شما راجع به مذهب چیست؟ مذهب چقدر در زندگی شما نقش دارد و تا چه اندازه به آن اهمیت می دهید؟ و بعد متقابلاً دیدگاه خودتان را راجع به مذهب مطرح نمایید و دقیقاً نگرش خود را در این مورد تشریح نمایید؛ اگر برای مثال در مورد احکام مقید هستید و علاوه بر واجبات، مستحبات را نیز رعایت می کنید، این مورد را حتماً تذکر دهید و با نگرش ها و احساسات فرد مقابل مقایسه نمایید.

مطلب دیگری که می توانید سؤال کنید نگرش مخاطب شما راجع به **مسائل اقتصادی** و نحوه درآمد است، در اینجا شغل خود و میزان درآمد ماهیانه خود را مطرح کنید؛ بلوف نزنید، آنچه واقعاً هست را بگویید.

خانم ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده آل چگونه فردی می تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شده، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظرها را راجع به



شاغل بودن زن چیست.

امکانات مالی خود را توضیح دهید، اگر توان مالی شما در شرایط فعلی بیشتر از امکانات موجود نیست این مورد را نیز تذکر دهید و سپس نظر دختر خانم را در این مورد بخواهید، ببینید ایشان چه مقدار پول را برای داشتن یک رفاه نسبی لازم می دانند، و اگر خواسته های ایشان با درآمد شما همخوان نیست موضوع را مطرح و روی آن تأکید نمایید، **و عده ها و قول هایی که با امکانات شما نمی خواند و امکان برآورده شدنش نیست ندهید.**

همیشه برای بهتر شدن زندگی تلاش کنید ولی قول های نابه جا ندهید. علاوه بر نگرش خود و فرد مورد نظر، در مورد مسائل مادی و اقتصادی باید موقعیت اقتصادی هر دو خانواده را با یکدیگر مقایسه کنید. فراموش نکنید بسیار مهم است که **دختر و پسر** از یک ردیف اقتصادی با یکدیگر ازدواج کنند و **ازدواج** طبقات متضاد اجتماعی اصلاً صلاح نیست.

یکی دیگر از مطالبی که حتماً باید در جلسه خواستگاری پرسیده شود، **ارزش های خانوادگی** است. باید بفهمید در خانواده فرد مقابل چه چیزهایی ارزش است. اگر در خانواده شما تحصیل جایگاه مهمی دارد و خانواده برای تحصیلات و فرد تحصیل کرده ارزش زیادی قائل هستند، ولی در خانواده شخص مورد نظر شما هیچ بهایی به تحصیل و تحصیل کرده داده نمی شود، جای تأمل دارد؛ باید اندکی دست نگه دارید. یا چنانچه در خانواده شما حجاب و رعایت کردن آن بسیار مهم است و یکی از ارزش های حساس در خانواده به شمار می رود ولی در خانواده طرف مقابل حجاب کم رنگ است و یا اصلاً جایگاهی ندارد و در عوض پول مهمترین ارزش است، در اینجا شما با یکدیگر همخوانی ندارید.



بعد از بررسی نگرش های فرد مقابل راجع به مذهب و مسائل اقتصادی و ارزش های خانوادگی، نوبت به بررسی **ارزش های درون فردی** می رسد. در اینجا افکار، عقاید، ایده آل ها و علائق را به طور کاملاً جزئی مطرح کنید. آقایان حتماً از خانم ها بپرسند، به نظر آنها یک مرد ایده آل چگونه فردی است، و چه شرایطی باید داشته باشد؟ اگر خصوصیتی را که خانم مطرح می کند در وجود شما نیست سریعاً اعلام نمایید این

خصوصیات فردی مورد نظر شما، در ما نیست و یا اصلاً نمی‌توانیم اینگونه باشیم. خانم‌ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده‌آل چگونه فردی می‌تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی‌ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم‌ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شود، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظرش راجع به شاغل بودن زن چیست. اگر خانم‌ها در شرایط فعلی شاغلند و به شغلشان نیز علاقه مند هستند و کار کردن برایشان اهمیت دارد، ولی احساس می‌کنند خواستگارشان نظر چندانی مساعدی نسبت به شاغل بودن زن ندارد باید به این نکته تأکید شدید کنند، حتی در صورت لزوم آن را شرط ضمن عقد قرار دهند.

فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید.

مسئله دیگری که باید در خواستگاری مطرح شود **برنامه‌های فعلی و برنامه‌های آینده** است. وضعیت فعلی‌تان را کاملاً مشخص نمایید، برنامه‌های آینده را نیز حتماً مطرح کنید. اگر قصد ادامه تحصیل دارید این نکته را تذکر دهید. اگر قصد جا به جایی و مسافرت خارج از کشور دارید، باید قبل از ازدواج مطرح نمایید. اگر بیماری‌های جسمانی خاص دارید، و یا قبلاً در زندگی شما اتفاقی افتاده است (احتمالاً **نامزدی** یا عقد داشته‌اید و ناموفق بوده است و یا مسائل مشابهی داشته‌اید) آنها را پنهان نکنید قبل از این که همسرتان از دیگران بشنود و نسبت به شما بی‌اعتماد گردد خودتان مطرح نمایید؛ در این صورت وجدان راحتی نیز خواهید داشت.

شاید همه این مطالب را در جلسه خواستگاری نتوان مطرح کرد، هیچ اشکالی ندارد تعداد جلسات خواستگاری را اضافه نمایید، مشروط به این که حسن نیت داشته باشید. بعد از این که طی جلسات خواستگاری اطلاعات لازم را دریافت کردید و نکته‌ای بر شما مبهم نماند، زمان ارزشیابی و تجزیه و تحلیل فرا می‌رسد. در اینجا فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید. گاهی اوقات یک مورد منفی به تمام موارد مثبت می‌چربد مثلاً فرد مورد نظر تحصیلات و شغل خوب دارد از خانواده خوب و نجیب و موقعیت اقتصادی‌اش نیز مناسب است، اخلاق خوبی هم دارد ولی معتاد است. در این شرایط باید دست نگه داشت و برای ازدواج

عجله نکرد و یا این که شرایط زندگی خوب است ولی شغل غیرقانونی دارد. مسلماً زندگی با چنین شخصی سراسر **اضطراب** خواهد بود.

پس از آنکه ارزشیابی انجام شد و وجوه اشتراک و **تفاهم** زیاد بود باید تحقیقات کامل، در محل زندگی و محیط کار در مورد چگونگی رفت و آمد با دوستانش و دیگر موارد به عمل آید عده ای معتقد به انجام تحقیق **قبل از ازدواج** نیستند و می پندارند افرادی که از آنها تحقیق می شود اگر گرایش و نظر خوب به فرد داشته باشند همه چیز را مثبت جلوه می دهند و اگر با فرد مورد نظر مشکل داشته باشند وی را آدمی منفی ارزیابی می نمایند و واقعیات را مطرح نمی کنند. در صورتی که در واقع چنین نیست. اگر از تعداد زیادی تحقیق به عمل آید حداقل نتیجه اش این خواهد بود که به شما می گویند آیا این فرد قبلاً ازدواج کرده است یا خیر؟ و آیا اینها خانواده جار و جنجالی هستند یا خیر؟ آیا برخورد اجتماعی خوبی با مردم دارند یا نه؟ بنابراین تحقیق بدون منفعت هم نیست؛ شناخت شما را نسبت به همسر آینده و فرد مورد نظر افزایش می دهد.



پشتوانه تمامی مسائل گفته شده، **توکل به خدای متعال و قادر مطلق** است. در صورتی که تشابهات زیاد و تحقیقات انجام شده، مثبت بود با توکل بر خدا ازدواج کنید. ان شاء... زندگی خوب و سرنوشت خوبی در انتظار شما خواهد بود.

در اینجا نکته ای قابل ذکر است و آن این که، هر ازدواجی علیرغم تمامی دقت هایی که برای آن به عمل آید و با رعایت کلیه ملاک ها و معیارهای گفته شده، باز هم حدود بیست درصد ریسک دارد. و این ریسک به خاطر جنبه های ناشناخته آن است یا پیش بینی هایی که به وقوع پیوسته است یا خلاف تصور بوده است و به خاطر مسائلی بوده که قبل از ازدواج سؤال و مطرح نشده اند و یا اگر پرسیده شده اند جواب صحیحی برای آنها دریافت نکرده اند. بنابراین رعایت کردن **معیارهای ازدواج**، تضمین صد در صد برای **ازدواج موفق** را همراه ندارد ولی در بسیاری از مواقع از به وجود آمدن مشکلات پس از ازدواج جلوگیری می کند و از تنش ها و ناراحتی های درون خانوادگی پس از ازدواج می کاهد.

### **سخنی با خانواده ها**

بعضی از خانواده ها مقیدند بلافاصله پس از یک جلسه خواستگاری، تکلیف دختر و پسر مورد نظرشان مشخص شود و موافق نیستند خواستگاری به چندین جلسه موکول شود. به این دسته خانواده ها متذکر می شویم **انتخاب همسر** و ازدواج نیاز به مطالعه و شناخت دارد و این شناخت در یک جلسه خواستگاری مثلاً یک ساعته مقدور نیست. بنابراین اگر دختر و پسر به قصد ازدواج می خواهند با یکدیگر صحبت بیشتری داشته

باشند، خانواده ها باید در این مورد قدری انعطاف به خرج دهند: **شناخت لازمه زندگی** است. نگرانی این نوع خانواده ها به خاطر قضاوت مردم و آشنایان است در صورتی که مردم، آشنایان و همسایگان هم نظر منفی راجع به خواستگاری کردن از دختران ندارند. پسری هم که به قصد خواستگاری وارد خانه شما می شود حریم خانه برایش اخلاق ایجاد می کند و این امر بسیار بهتر از آن است که دختر و پسر در خارج از محیط خانه و دور از اطلاع خانواده ها رفت و آمد داشته باشند و تصمیمات نسنجیده بگیرند و یا معضلات اخلاقی به وجود آورند.

### منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی

- خانواده در اسلام - تألیف حسین مطهری

- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

## ازدواج ترس ها و انتظارات



تصمیم گیری برای آغاز یک **زندگی مشترک** معمولاً با ترس و تردیدهای خاص خود همراه است که **آرامش** را از زوجین سلب می کند. تمرین زیر به شما و همسر آینده تان کمک می کند تا انتظارات خود را از **زندگی مشترک** بیابید.

همچنین این فرصت را به شما می دهد تا درباره بعضی از ترس ها و تردیدهای احتمالی تان با یکدیگر صحبت کنید. شما می توانید این تمرین را با هم ، یا جداگانه انجام دهید و سپس در مورد آن با یکدیگر صحبت کنید.

**چه باید کرد؟** ابتدا هر یک از شما شش برگ کاغذ تهیه کنید و موضوع اصلی را بالای هر صفحه بنویسید (اهداف واقعگرایانه که هم اکنون به دنبال آن هستید و چیزهایی که در آینده نسبت به آن اشتیاق دارید: امکانات زندگی، انتظارات، **مراسم ازدواج**، نگهداری از کودک و...)

شما فرصت کافی دارید تا هر عنوانی که به ذهنتان می رسد و به آن اهمیت می دهید در بالای صفحه بگنجانید. هر دو نفر باید هر چیزی را که به آن امید ، یا شک و بیم دارید صراحتاً با یکدیگر در میان بگذارید.

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم‌هایی است که در طول عمر خود می‌گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید.

### از سؤالات زیر می‌توانید برای کمک به خود استفاده کنید:

**داشتن و نگهداری کردن:** «زوج» بودن به چه معنی است؟ از نظر «وفاداری» شما در کجا قرار دارید؟ چه مدت زمان برای در کنار هم یا جدا بودن از یکدیگر در نظر می‌گیرید؟ چه چیزهایی را با هم در میان می‌گذارید و چه چیزهایی را باید مخفی نگه دارید؟

**از امروز به بعد:** در مورد «تعهد داشتن» چه احساسی دارید؟ نظرتان در مورد «طلاق» چیست؟ طی سال‌ها زندگی، روابط‌تان چگونه باید دستخوش تغییر شود؟ کودکان چه بخشی از زندگی شما را پر می‌کنند؟

**برای بهتر یا بدتر بودن:** «صمیمیت» در روابط شما چه معنایی دارد؟ اختلافات را چگونه حل می‌کنید؟ در صورتی که مشکل عمده‌ای بین شما و همسرتان پیش بیاید چه راه‌حلی را در نظر می‌گیرید؟

**برای پولداری و یا بی‌پولی:** از نظر اقتصادی ازدواج برای شما چه معنایی دارد؟ بعد از ازدواج شغل شما تغییر خواهد کرد؟ یک شغل در همه زندگی، یا تغییر شغل؟ محل کار، درآمد و ساعات کار؟

**در هنگام بروز بیماری:** وقتی مشکل، بیماری و غم وارد زندگی‌تان می‌شود چگونه از یکدیگر حمایت می‌کنید؟

**محبت ورزیدن:** محبت کردن به یکدیگر در ازدواج شما چگونه نمایان می‌شود؟



**خانه:** می‌خواهید در کجا خانه اجاره و یا خریداری کنید؟

وقتی این مطالب را کامل کردید، زمانی را برای علت دوست داشتن چیزهایی که فکر می‌کنید به آنها علاقه دارید، بگذارید. در درون خود چه چیزی حس می‌کنید که درصد **دستیابی** به اهداف خود هستید. مثلاً: آیا برای امنیت، محبوبیت و یا رضایت شخصی است و یا جهت دستیابی به اهدافی در زندگی شما مانند مواظبت از خانواده و یا اجتماع. در میان گذاشتن این اطلاعات با همسرتان به شما کمک می‌کند تا احساس صمیمیت و نزدیکی در شما به وجود آید.

اگر انجام این تمرین باعث بروز ناراحتی و نگرانی در مورد روابط فیما بین شما می شود، سعی کنید با همسر خود در این مورد صحبت کنید ، یا دوست مورد اعتماد خود را در جریان قرار دهید. همچنین می توانید با یک مشاور خانواده نیز صحبت کنید.

### هفت سؤال پرسیدنی قبل از ازدواج

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم هایی است که در طول عمر خود می گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید. **از خود**

#### این سؤالات را پرسید:

- آیا ما یکدیگر را دوست داشته و به هم اعتماد و احترام متقابل داریم؟

- آیا انتظارات هر دوی ما از ازدواج ، یکسان است؟

- آیا دارای سلیقه یکسانی هستیم که باعث سکوت، گریه کردن و یا خندیدن شود؟

- در مورد مسائل عمده زندگی مانند بچه، خانواده ، دوستان ، این که در کجا و چگونه زندگی کنیم توافق داریم؟

- آیا همانطور که امروز به یکدیگر علاقه داریم، بدون این که بخواهیم چیزی را از همسرمان مخفی کنیم در آینده نزدیک نیز **زندگی توأم با عشق** و محبت خواهیم داشت؟

شما لزوماً نباید با همه این سؤال ها موافق باشید. **مهم این است که شما و همسرتان این موضوعات را با هم در میان بگذارید و صحبت کنید و اطمینان داشته باشید که می توانید در کنار هم زندگی و کار کنید در حالی که از اعتقادات طرف مقابل خود آگاهی دارید.**

### سین جیمهای خواستگاری



مراسم خواستگاری یکی از زیباترین مراسم در زندگی هر جوانی است. این نکته در مورد والدین نیز صدق می کند. بدین خاطر که با **خواستگاری** رفتن برای فرزندان، به یاد خاطرات خوب دوران جوانی خودشان می افتند. والدین گاهی از به یاد آوردن گذشته احساس لذت و شادکامی می کنند و گاهی هم با آه و اندوه از آن زمان یاد می کنند و در دل می گویند ای کاش قلم پایم می شکست و چنان روزی در زندگیم پیش نمی آمد.

به والدین توصیه می‌شود که راه را برای فرزندانشان باز بگذارند تا آنچه را که بیرون از منزل برایشان اتفاق می‌افتد، با خیال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک دیگر اعضای خانواده تجزیه و تحلیل کنند. در آن صورت می‌توانند مطمئن باشند که به نتایج ایده آل هر خانواده ایرانی می‌رسند.

طبیعی است که در مراسم خواستگاری، نوعی **اضطراب** و دلشوره در ذهن اعضای خانواده وجود دارد، به خصوص اگر دو خانواده نسبت به هم شناختی نداشته باشند، این **اضطراب** بیشتر خودنمایی خواهد کرد.

در هر مراسم خواستگاری، احتمالاً یکی از دو حالت زیر وجود دارد:

### **1- مراسم خواستگاری بدون شناخت قبلی از خانواده های طرفین .**

### **2- مراسم خواستگاری با شناخت قبلی از خانواده طرفین.**

در **حالت اول**، خانواده های دو طرف نسبت به هم هیچگونه شناختی ندارند، بنابراین لازم است در صورتی که خانواده دختر کاملاً بی خبر هستند، توسط خانواده پسر به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از جریان خواستگاری مطلع شوند و با تعیین وقت قبلی به خانه آنان بروند؛ به دلیل آنکه ممکن است، خانواده دختر در شرایط نامطلوبی باشند و آمادگی پذیرایی از خانواده پسر را نداشته باشد. در چنین شرایطی ارزیابی دو خانواده از همدیگر نابجا خواهد بود و خانواده دختر خیلی عصبانی خواهند بود که همین وضعیت ممکن است در زندگی بعدی آنان تأثیر ناخوشایندی داشته باشد و به عنوان یک خاطره بد در ذهن ها بماند، پس بهتر است به خاطر حفظ حرمت خود و احترام به خانواده دختر، قبلاً در مورد رفتن به خواستگاری به خانواده دختر اطلاع داد. دلیل دیگر آنکه اصلاً ممکن است خانواده دختر به خانواده پسر اجازه ورود ندهند، و شاید بتوان گفت که حق هم دارند، چون شناختی نسبت به آن خانواده در دست ندارند.

گاهی هم ممکن است برای مرتب کردن خانه، از خانواده پسر بخواهند که مدتی پشت در و یا در سالن پذیرایی منتظر باشند. خلاصه این که در یک کار از قبل تدارک دیده نشده ، اتفاقاتی که ممکن است بیفتد و تأثیرات خوب و یا بد آن، که در هر صورت چندان مطلوب نخواهند بود.



**زمان خواستگاری بهتر است بعدازظهر و یا این که در ساعات اولیه شب باشد تا همه ی اعضای خانواده در منزل حضور داشته باشند ( البته در فصل های**

مختلف وضعیت متفاوت است.) در اولین جلسه خواستگاری، بهتر است که برای همراهی پسر، فقط از والدین او و کسی که معرف آنان است و احتمالاً با طرفین آشنایی دارد، استفاده شود و از همراه کردن اعضای دیگر فامیل، مانند: عمو، دایی، عمه، خاله، خواهران و شوهران آنان و یا برادران و همسران آنان خودداری کرد، زیرا خانواده ها نسبت به هم شناختی ندارند و نمی دانند با چه کسی باید حرف بزنند و تصمیم گیرنده کیست. به هنگام پذیرایی نیز، ممکن است زیر نگاه های تیز لشگری از طایفه داماد، اتفاقاتی بیفتد. ضمن آنکه خانواده دختر نمی دانند پذیرایی را از کجا باید شروع کنند. گاهی هم در خانواده دختر بیش از یک دختر وجود دارد و هیچ یک از دو طرف هم نمی دانند که دختر مورد نظر کدام است. البته در خانواده های چند دختری، ابتدا از دختر بزرگتر شروع می کنند که گاهی مورد پسند واقع نمی شود و بیشتر متوجه دختر بعدی می شوند که وضعیت او نیز وابسته به دختر بزرگتر خواهد بود.

پیشنهاد می شود که از واسطه جهت خواستگاری کمتر استفاده گردد. همچنین در صورتی که قبلاً به خانواده اطلاع داده شده و تعیین وقت گردیده است، بهتر است که از خانواده پسر در یک اطاق کوچک پذیرایی شود. اتفاقات بزرگ دنیا در اطاق های کوچک و در بسته، طرح ریزی می گردد. بهتر است که در روز خواستگاری از چراغ های رنگین، نورافکن ها و لوسترهای بزرگ استفاده نشود و از چراغ های ساده استفاده شود.

اجرای مراسم خواستگاری را که از مراسم لازم برای شروع زندگی است نباید سرسری گرفت و اگر می خواهید در خانواده همسران مورد احترام و دارای ارزش باشید، زندگی مشترکتان را حتماً از طریق خواستگاری شروع کنید.

بهتر است وسایل و مواد خوراکی مورد استفاده برای پذیرایی، خیلی ساده باشند. مثلاً از چای و نان شیرینی یا بیسکویت ساده استفاده شود که به راحتی در دهان جای بگیرد. ( از نان نخودچی یا شیرینی هایی که ممکن است در داخل گلو ببرد و ایجاد اشکال نماید استفاده نکنید.) برای پذیرایی از میوه های آبدار مثل انار و نیز شیرینی های بزرگ استفاده نشود که باعث زحمت می گردند، چون کلیه حرکات خانواده های طرفین زیر ذره بین قرار دارد و ثبت و ضبط می گردند.

ابتدا بهتر است که فردی از خانواده پسر که می تواند خوب حرف بزند، شروع به صحبت کند، چون معمولاً در این لحظه حواس همه حاضرین متوجه این شخص می شود. و اگر کسی باشد که نتواند خوب سخنرانی کند، ممکن است سبب لبخندهای تمسخرآمیز میزبانان گردد. بهتر است در مورد پسر ( داماد) هر آنچه واقعیت دارد بیان گردد. فقط واقعیت ها، زیرا مطالبی که برخلاف واقعیت باشد، به صورت پدیده ذهنی بدی در نظر خانواده دختر جلوه گر خواهد شد و به طور یقین در آینده، زوج جوان با مشکل رو به رو خواهند شد و حتی ممکن است کارشان به **طلاق** بکشد. از طرف خانواده دختر هم باید شرح حال مختصری از وضعیت دختر از نظر سن، تحصیلات و بعضی خصوصیات خاص ارائه گردد.



رسم ادب این است که اگر طرف مقابل مورد قبول واقع نشد، خانواده‌ها به هم اخم نکنند و قیافه عبوس به خود نگیرند، بلکه با لیخند و با رعایت احترام کامل و گفتن این جملات که «فعلاً رفع مزاحمت می‌کنیم و ان شاء...» به زودی همدیگر را خواهیم دید» و یا «به شما خبر خواهیم داد» و با روبوسی از یکدیگر و با این فرض که دوستی بر دوستانشان اضافه شده است، یکدیگر را ترک نمایند.

البته این گونه خواستگاری به هیچ عنوان را توصیه نمی‌شود و بیشتر شبیه به خرید کالا است. وقتی شناختی در بین نباشد، طرفین نمی‌دانند که طرف مقابلشان چه کسی است، چطور زندگی می‌کند، چه تحصیلاتی دارد، در چه محیط اقتصادی و فرهنگی رشد کرده است، چه عقایدی دارد و بسیاری از مجهولات دیگری که پاسخ به هر کدام احتیاج به زمان طولانی دارد.

**حالت دوم،** خواستگاری با شناخت قبلی طرفین از یکدیگر است و در این نوع خواستگاری که خانواده‌های پسر و دختر از قبل با یکدیگر آشنا شده‌اند و نسبت به هم اطلاعاتی دارند، بهتر است نکات زیر رعایت گردد.

تاریخ آن از قبل تعیین شود و بهتر است که در ساعت‌های عصر یا اوایل شب صورت پذیرد. افراد کمتری خانواده پسر را همراهی نمایند و بهتر است از وابستگی برای این کار استفاده شود که بتوانند خوب و منطقی صحبت کنند و تصمیم بگیرند. از نظر پوشش بهتر است که داماد یک لباس ساده و راحت بپوشد و احیاناً لباسی تهیه نکنند که نتواند در آن آرام بگیرد و در نتیجه مورد تمسخر واقع شود.



پوشش دختر خانم بهتر است مطابق با فرهنگ اسلامی و ایرانی، لباسی بلند و پوشیده باشد، به طوری که به راحتی بتواند در آن حرکت کند. خانم‌ها لازم است به این نکته توجه کافی داشته باشند که مردان ایرانی پوشیده‌ترین لباس را می‌پسندند. لباس نباید طوری باشد که از شدت تنگی رو به پاره شدن برود! نوع آرایش بهتر است که بسیار ساده و متناسب با چهره‌ی شاخص فرهنگ و مذهب ایرانی باشد. اگر آرایش تند و غلیظ باشد، قضاوت خانواده پسر (داماد) چندان مناسب نخواهد بود.

در مراسم خواستگاری بهتر است که پسر چند شاخه گل کوچک، زیبا و با رنگ‌های شاد تهیه نماید و به هنگام ورود به خانه دختر روی میز بگذارد. به همه دختران توصیه می‌گردد که به هنگام خواستگاری، چای یا شیرینی را به اولین سرنوشت ساز زندگی،

یعنی مادر داماد تعارف کنند، در کنار او بنشینند ، با او صحبت کنند، به سؤالات او پاسخ دهند و خلاصه آن که به او توجه کنند و چندان به پدر داماد نزدیک نشوند که ممکن است از همان اوایل باعث دردسر شوند.

لازم است که در جلسه اول خواستگاری فقط روی **مسائل ازدواج** صحبت شود و از بحث هایی که باعث اتلاف وقت می گردند و مسئله اصلی را به تعویق می اندازند، خودداری نمایند.

به خانواده داماد توصیه می گردد که در همان اولین جلسه ، بعد از توافق ، هدایایی به عروس بدهند. میزان **مهریه** بستگی به وضعیت فکری ، اقتصادی و اجتماعی طرفین دارد. بسیار دیده شده که ایراداتی در رفتار و شخصیت دختر وجود داشته است که باید به طرف مقابل، مبلغی هم دستی داده شود تا با او ازدواج کند؛ یک دختر وسواسی که شب و روز فقط مشغول تمیز کردن دستهایش است، ولی از خانه داری هیچ گونه اطلاعی ندارد و حتی طرز تهیه نیمرو را بلد نیست، آیا می توان با او زندگی کرد؟ و یا پسری که شخصیتی متکی به والدینش دارد و اصلاً رشد فکری و اجتماعی او در حد بسیار پایینی می باشد تا اخلاقی ناپسند است و فحاشی می کند، حتی اگر میلیاردها مهریه دختر کند آیا ارزش ازدواج کردن دارد؟ در مقابل دخترانی هم هستند که ارزششان اصلاً در عدد و رقم نمی گنجد با معیارهای عادی نمی توان گوشه ای از شخصیت و رفتار و صفات خوب آنان را که مطبوع طبع هر ایرانی مشکل پسندی باشد بیان کرد.

خلاصه آنکه در زمینه مهریه می توان گفت که این سنتی لازم است و باید اجرا گردد. پس باید آنچه را عقل حکم می کند، انجام داد و نیز ارزش مادی و معنوی طرفین در نظر گرفته شود و در نهایت تصمیم با طرفین و توافق آنان است.

به طور کلی اجرای مراسم خواستگاری را که از مراسم لازم برای شروع زندگی است نباید سرسری گرفت و اگر می خواهید در خانواده همسران مورد احترام و دارای ارزش باشید، زندگی مشترکتان را حتماً از طریق خواستگاری شروع کنید. همچنین مجدداً به والدین ارجمند توصیه می شود که راه را برای فرزندانسان باز بگذارند تا آنچه را که بیرون از منزل برایشان اتفاق می افتد، با خیال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک دیگر اعضای خانواده تجزیه و تحلیل کنند. در آن صورت می توانند مطمئن باشند که به نتایج ایده آل هر خانواده ایرانی می رسند.

**در طی مراسم خواستگاری نیز به نظرات و عقاید والدین دو طرف احترام گذاشته شود.** با رعایت نکات بالا زوجی با سعادت در کنار یکدیگر خواهید بود که هر لحظه از زندگی مشترک برایتان ارزشمند، شیرین و فراموش نشدنی خواهد بود.

## ازدواجی در شأن تو



در یک ازدواج سالم، زن و مرد مؤمن ، با عقدي آگاهانه ، و اعتقادي مستدل ، و مذهبي واحد ، و معشوقه مشترک براي تقرب به آن مقصد و معشوق واحد، سعي مي کنند با هم همدل، همسفر، همسو و هماهنگ در یک مأموریت مشترک و در یک کار، شریک و مکمل و حریف یکدیگر باشند. در این پیمان عقلاني و شراکت اسلامي، زوج با تمرین عشق ورزي به حق، هر کدام بخشي از یک کار را انجام مي دهند.

زن علاوه بر این که برآورنده نیازهاي عاطفي و معنوي و دروني خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلي ، افسردگي ، بي توجهي و غفلت را از همسرش به زیبایی مي زداید و او را با تشويق خود در انجام وظايف اجتماعي و پرهیز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگي خدا به وجد مي آورد.

تلاش خردمندان و بیروني مرد، تأمین کننده هزینه ها و نیازهاي مادي و بیروني خانواده است و نشاط هنرمندان و نَفَس مسیحابي زن، انگیزه مرد را براي سازندگي اجتماعي و صبر در ناملایمات و امید و نشاط در عبادات تقویت مي کند و جهت گیری مخلصانه او را در زندگی، مراقبت مي نماید.

در یک ازدواج طبیعی، زن علاوه بر این که برآورنده نیازهاي عاطفي و معنوي و دروني خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلي ، افسردگي ، بي توجهي و غفلت را از همسرش به زیبایی مي زداید و او را با تشويق خود در انجام وظايف اجتماعي و پرهیز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگي خدا به وجد مي آورد.

براي این زوج عاشق «خانه» جلوه اي از بیت خدا و مدرسه عشق ورزي، و «خانواده» محل بازسازي روح و روان و نشاط جسمي براي مبارزه در جهاد اصغر و اکبر در هر روز زندگی و محل ذکر، عبادت و بیتوته است.

چنین ازدواجي مي تواند بیشترین نیازهاي خانواده و جامعه را برآورد و بیشترین استعداد آنها را شکوفا سازد و سلامت و نشاط دنيابي و سعادت و لذت جاودانه آخري هر یک از آن دو و خانواده و جامعه را تأمین نماید.

زنان بیدار و مردان خردمند، امروز به روشني مي فهمند که «خانواده» ، تنها نهاد شایسته براي انسان سازي و انسان پروري است. بنابراین هر قدر خانواده بنیان محکم تري داشته باشد، به خاطر انگیزه و تعهد و نشاط افرادش، نقش اقتصادي و توليدي و اجتماعي بیشتری دارد.

فراموش نکنیم موفقیت خانواده در گرو سازمان پذیری و تقسیم نقش و تکلیف و کار زن و شوهر است.

## تأخیر سنی ازدواج در میان جوانان



از موضوعات مهمی که می توان در حوزه جامعه شناسی خانواده آن را به عنوان مسئله ای اجتماعی تلقی نمود پدیده **تأخیر سنی ازدواج در بین جوانان است**. این موضوع صرف نظر از این که یک معضل اجتماعی است می تواند به عنوان آسیب اجتماعی طرح گردد. واقعیت این است که **خانواده** در مفهوم کلی خود پدیده ای تاریخی و جهانی است و در همه جا وجود دارد چرا که به نیازهای افراد پاسخ می دهد و کمتر جامعه ای را می توان سراغ داشت که دارای نهاد خانواده نبوده باشد، گرچه باید اذعان نمود این نهاد در مسیر شکل گیری خود تحولات متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بنابراین می توان بیان نمود که خانواده به عنوان نهادی اجتماعی دارای مجموعه ای از الگوهای رفتاری است که به منظور برآورده ساختن نیازهای انسانی به وجود می آید. این نهاد به منظور برطرف نمودن بعضی از نیازهای انسانی دارای یک سری کارکردها است که از جمله آنها موضوع **ازدواج** و فراهم نمودن زمینه های وابسته بدان در بین اعضای خانواده است.

تحول در ساختار خانواده های «گسترده» به «هسته ای» نکته ای است که تأثیر آن در زمینه الزام یا اختیار اجتماعی در ژانویه ۱۹۸۱ مشاهده شد. به گونه ای که از الزام و اجبار هنجاری که از سطح جامعه در قبال ذوی ذیوهی بیوفیو چهره به چهره ه می گردید که فودت فشار هنجاری و سنتی مؤثری را بر زندگی زن به ازدواج دهد کاسته و تبدیل به اختیار و گزینش فردی شده شد. به عبارتی درخواست های بزرگانه تبدیل به درخواست های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است.

در واقع میل به ازدواج از اصلی ترین و مهمترین نیازهای نوع انسانی در جامعه بشری است و چه بسا **دختران و پسران** که امید و آرزوی خود را در زندگی فردا می جستند حالا آن را پیش روی دارند و درصدد بهره برداری صحیح و دلپسند از زندگی می باشند. با این تفاوت که خانواده های امروزی در مسیر تحولاتشان با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی در این زمینه درگیر شده اند. **تحول ساختاری** بر این مبنا که حوزه ساختاربندي قدرت در خانواده را تعیین می کند و **حوزه کارکردی** به وظایفی که خانواده در طول حیات خود بر عهده داشته است اشاره می کند. در راستای این تحولات است که جامعه شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده های «گسترده» به «هسته ای» شناسایی کرده اند. به گونه ای که خانواده ی گسترده متشکل از اشخاصی است که به علت بستگی های نسبی و خونی با یکدیگر مرتبط هستند و فرزندان همراه خانواده هایشان با پرداختن به حرفه و کار پدر در کنار هم به طور دسته جمعی زندگی می کنند؛

در حالی که خانواده هسته ای ( که فقط از شوهر، زن و فرزندان تشکیل شده ) دیگر توان نگهداری از فرزندان ازدواج کرده را ندارد و از طرفی فرزندان نیز تمایلی به سکونت در خانواده های پدری ندارند و زندگی مستقل و دور از خانواده را ترجیح می دهند. با این نگاه به خانواده و آسیب شناسی تحولات آن می توان مسئله تأخیر سنی ازدواج را در میان جوانان به شیوه نوینی تبیین نمود. چرا که آنچه در جامعه امروزی ما مشهود است صحبت از تحول خانواده به سوی خانواده های هسته ای و در برخی مناطق در مرحله ی گذار از این وضعیت می باشد. با این توضیح مسئله تأخیر سنی ازدواج و سایر مسائل از قبیل افزایش **طلاق** و ... را می توان در نوع ساختار و کارکرد نهاد خانواده آن هم در بعد هسته ای تشریح نمود. چرا که نگاهی به گذشته خانواده های گسترده در ایران بیانگر آن است که زودرسی سن ازدواج و منع اجتماعی طلاق و تکیه بر ازدواج های درون همسری از مسائل خانواده در آن زمان بوده است ولی امروزه در خانواده های هسته ای با تأخیر سنی ازدواج، تکرار و افزایش طلاق و تکیه بر ازدواج های برون همسری مواجه هستیم. در واقع حرکت از این مرحله ما را به سوی تطور در همسرگزینی در خانواده ها رهنمون می سازد و بر این اساس می توان محورهای عمده ای را که اقدام به ازدواج را در جامعه ممکن و مسئله ساز می نماید تشریح نمود .

**این محورها عبارت اند از:**

#### **1- الزام با اختیار اجتماعی در ازدواج**



تحول در ساخت خانواده های « گسترده » به « هسته ای » نکته ای است که تأثیر آن در زمینه الزام یا اختیار اجتماعی در ازدواج قابل مشاهده است. به گونه ای که از الزام و اجبار هنجاری که از سطح جامعه در قالب نیروهای بیرونی و چهره به چهره موجب می گردید که فرد تحت فشار هنجاری در سنین مقرر یا حتی زودتر تن به ازدواج دهد کاسته و تبدیل به اختیار و گزینش فردی شده است .

مفهوم واقعی ازدواج، پذیرش یک پایگاه جدید است. پایگاهی با مجموعه جدیدی از امتیازات و الزامات و نیز پذیرفته شدن از سوی افراد جامعه. این پذیرش از طریق نوعی تولید اجتماعی به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام می گیرد. مراسم ازدواج وسعت های هودت با آن در حقیقت ابزاری اند که این نقش را علنی می سازند و بزرگوار تبلیغ می کنند. هم از آن حیث که دو فرد در حال سرگیری ازدواج با یکدیگر هستند تا آنها را به جامعه معرفی کند و از حیث دیگر عده ای را به تدریج جامعه پذیر نماید تا آماده پذیرش این نقش در جامعه شوند .

به عبارتی بازخواست‌های بزرگانه تبدیل به درخواست‌های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است. این وضعیت موجب می‌گردد که براساس آن زوجین در آنچه به عنوان بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشت‌شان تلقی می‌شود حق تصمیم‌گیری و انتخاب به خودشان واگذار می‌شود (نقش والدین را) تا حد تأیید نهایی تقلیل می‌دهند. در حالی که در گذشته عمدتاً خانواده‌ها مبادرت بدین کار می‌کردند. در واقع در حال حاضر روی آوردن جوانان به ازدواج با فشار اجتماعی کمتر از سوی خانواده‌ها و نیز اختیار بیشتر خود آنها همراه است.

این کاسته شدن در الزام موجب به تأخیر افتادن سن ازدواج می‌شود. از طرفی دور ماندن جوانان از خانواده، زندگی در شهر و یا کشورهای خارجی و تحصیلات، به این تأخیر دامن می‌زند و بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می‌گردد.

### 2- تأیید یا عدم تأیید اجتماعی در ازدواج

نکته دیگر این که مفهوم واقعی ازدواج، پذیرش یک پایگاه جدید است. پایگاهی با مجموعه جدیدی از امتیازات و الزامات و نیز پذیرفته شدن از سوی افراد جامعه. این پذیرش از طریق نوعی تأیید اجتماعی به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام می‌گیرد. مراسم ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن در حقیقت ابزاری اند که این نقش را علنی می‌سازند و درباره آن تبلیغ می‌کنند. هم از این حیث که دو فرد در حال سرگیری ازدواج با یکدیگر هستند تا آنها را به جامعه معرفی کند و از حیث دیگر عده‌ای را به تدریج جامعه پذیر نماید تا آماده پذیرش این نقش در جامعه شوند. بنابراین در واقع شاید در وهله اول، ازدواج را بتوان موضوعی فردی دانست ولی واقعیت ازدواج در عین این که بین دو فرد صورت می‌گیرد می‌بایست مورد تصویب و تأیید جامعه قرار گیرد. در این باره «کلود لوی اشتروس» معتقد است که «ازدواج برخورد دراماتیک طبیعت با فرهنگ است» به عبارتی جامعه می‌کوشد تا نیاز زیستی انسان را مهار کند و بدان برجسب فرهنگ بزند و از طریق مراسم مختلف آن را تنظیم نماید. در این راستا تأیید اجتماعی جامعه به همراه مراسم ازدواج هنجارهایی را برای فرد در نظر می‌گیرد تا از این طریق زمینه پذیرش زندگی آنها را فراهم کند.

نکته مهم آن است که جوانان در رعایت هنجارهای مرتبط با مراسم و جشن‌های ازدواج با تفریط و ابهام روبه‌رو شده‌اند و یا برای گریز از آن به هنجارگرایی فردی دست می‌زنند. تغییر در معیارها و ارزش‌های خانواده موجب گردیده است افراد در طیف وسیعی از مراسم و جشن‌های ازدواج روستایی، شهری و مدرن گرفتار آیند که خود انتظارات متفاوتی را از سوی طرفین طلب می‌کند. بنابراین وجود جشن‌های اجتماعی زیاد، متفاوت و در برخی موارد متناقض و رعایت آنها از سوی جوانان، ازدواج را با تأخیر روبه‌رو می‌سازد که در قالب ایرادات و اشکالات خانواده‌ها خود را نشان می‌دهد که رعایت هر یک از آنها زوجین را متحمل هزینه‌های فراوانی می‌نماید.

### 3- حمایت یا عدم حمایت اجتماعی در ازدواج

در زمینه انجام ازدواج اگر پشتیبانی و حمایت خانواده از لحاظ فکری و اقتصادی صورت نگیرد بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می شود. به عبارتی هر چه هزینه های حمایت اجتماعی خانواده در قالب کمک هایی چون: فراهم آوردن زمینه های ازدواج، همسریابی، رفتن به مراسم خواستگاری و پا پیش نهادن و ... از سوی والدین و دیگر اعضای خانواده، بیشتر باشد فرآیند همسرگزینی زودتر و راحت تر صورت می گیرد؛ در حالی که به نظر می رسد در برخی موارد هر چه اقدام به ازدواج به صورت فردی و برخلاف نظر خانواده ها صورت گیرد، شخص می بایست هزینه اقتصادی بیشتری را از قبیل دادن مهریه بالا، گرفتن مراسم و جشن های فراوان در جهت جبران حمایت های خانوادگی قبول کند. در بعضی از موارد می توان گفت واگذاری بعضی از چنین حمایت هایی به سایر مؤسسات آموزشی و اقتصادی، عقب نشینی خانواده را در انجام این وظایف میسر نموده است. مانند جشن های ازدواج دانشجویی که به شیوه های حمایت های تشویقی، ترغیبی، مالی و حتی مشاوره ی همسریابی توسط برخی مؤسسات آموزشی و دانشگاهی به خاطر فقدان یا غیبت چنین کارکردی از خانواده است که پذیرای چنین غرامتی شده اند. پس در این باره می توان نتیجه گرفت هر چه خانواده فرزندان خود را از حمایت های اجتماعی محروم سازد می بایست منتظر به عقب افتادن ازدواج آنها باشد و فرزندشان از لحاظ اقتصادی با مشکل روبه رو شود.

در پایان می توان نتیجه گرفت تغییرات در ساختار و کارکرد خانواده ها در جامعه ما موجب گردید که در طول مرحله گذار یک سری از کارکردهای خود را از دست بدهد و به نهادهای دیگر بسپارد. در اینجا است که نباید دیگر انتظار داستان هایی را داشت که عقد دختر و پسرعموها را در آسمان می بندند، دیگر «خون بس» کارآمد نیست، مراسم خواستگاری مبتنی بر طایفه و اقوام نمی باشد؛ بلکه عواملی چون تحصیلات، استقلال مالی و فکری و باز شدن فضاهای اجتماعی و خانوادگی موجب شده است که اکثر ازدواج ها با تأخیر فراوان و به صورت مستقل باشد، دختران در زمان ازدواج بیشتر از پسران تحصیلات داشته باشند، پسرانی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین با دخترانی در طبقه اجتماعی بالا ازدواج کنند و ... اینها همه مؤید به هم ریختگی در نوعی از معیارهای همسرگزینی در جامعه است که نه راه بازگشت به معیارهای سنتی وجود دارد و نه معیارهای مناسبی با توجه به این وضعیت جدید قابل شناسایی هستند. ولی امید است در این به هم ریختگی و ابهام در معیارهای همسرگزینی، راهی برای خروج از این بحران پیدا شود تا در آینده سامان هنجاری ازدواج شکل نوینی به خود گیرد و از شدت آسیب های اجتماعی ناشی از تأخیر سنی ازدواج در جامعه بکاهد.

#### منابع:

- 1- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، 1375
- 2- غیاثی ند، احمد معیول هی همسرگزینی و لولچول بن داشهولنا، پاننا نامه دیره کاوله ملی، نلشگاه مازندران 1377.

### معیارهایی که برای انتخاب همسر باید در نظر گرفت



از زمان های خیلی دور همواره این سؤال بین روان شناسان خانواده مطرح بوده است که آیا شباهت ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق می شود یا تفاوت ها؟

پژوهش های به عمل آمده نشان می دهد که با ثبات ترین ازدواج ها آنهایی هستند که زن و شوهر بیشترین شباهت ها را با هم داشته اند. استفن وایت معتقد است: «با توجه به بررسی های بالینی، شباهت های اخلاقی و شخصیتی زن و شوهر روی موفقیت ازدواج آنها نقش تعیین کننده ای دارد.» میزان بی ثباتی و طلاق در زوج های به هم شبیه، کمتر مشاهده می شود. با توجه به نتایج به دست آمده، نداشتن شباهت با بی ثباتی و طلاق همراه است. بعضی از روان شناسان شباهت های موجود بین زوجین را در حکم سپرده بانکی تلقی می کنند و اشاره می کنند اگر میزان سپرده بانکی شما رقم بزرگی باشد و میزان بدهی بانکی شما کم باشد در آن صورت در مقابل بحران های اقتصادی بهتر می توانید مقاومت کنید و به نحو احسن می توانید احساس امنیت نمایید، ولی اگر میزان بدهی های شما نسبت به سپرده بانکی کم باشد به همان نسبت احتمال این که دچار مشکل شوید زیاد خواهد بود.

این تشبیه نشان می دهد که هر قدر تشابه بین زوجین بیشتر باشد به همان نسبت احتمال این که دچار بحران شوند زیاد خواهد شد، سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که وجود کدام یک از تشابهات مطلقاً برای ازدواج لازم هستند؟

**هوش:** اگر هوش زن و شوهر به یک اندازه باشد رابطه زناشویی با گرفتاری کمتری روبه رو می شود. توجه داشته باشید که «تحصیلات» ملاک نظر نیست چرا که بعضی از اشخاص بسیار باهوش به هر دلیل ممکن است به کالج و دانشگاه راه پیدا نکنند. منظور این است که زن و شوهر به لحاظ بهره هوشی باید در یک ردیف قرار داشته باشند، باید بتوانند اشیاء و امور را به یک شکل ببینند و درباره آنها به یک شکل صحبت کنند. اگر یکی از طرفین ازدواج اغلب گمان می کند که همسرش متوجه منظور او نشده است، شرایط خوشایندی بین آنها برقرار نمی شود.

بررسی های به عمل آمده نیز نشان می دهند، اگر بهره هوشی زن و شوهر در یک ردیف یا نزدیک به هم باشد ثبات ازدواج بیشتر می شود.

تست هوش 30 دقیقه ای



**ارزش ها:** لازم است که زن و شوهر درباره بسیاری از ارزش ها وحدت نظر داشته باشند. مثلاً مهم است که زن و شوهر درباره معنویات و یا زندگی خانوادگی اختلاف نداشته باشند. اگر در این زمینه ها وحدت نظری وجود نداشته باشد، بروز اصطکاک میان آنها حتمی است.

**علاقه:** اگر زن و شوهر در بسیاری از زمینه ها علاقه مشترک داشته باشند زندگی به کامشان شیرین می شود. در این میان هر چه تنوع علاقه مشترک بیشتر باشد بهتر است.

**توقع از نظامات خانوادگی:** زن و شوهر بایستی درباره وظایف و مسئولیت های یکدیگر در رابطه زناشویی وحدت نظر داشته باشند. طرز فکر افراد در این زمینه کلاً به دو نوع تقسیم می شود. بعضی از افراد در مورد وظایف و مسئولیت های زن و شوهر به طور سنتی فکر می کنند بدین معنا که مدیریت داخلی منزل به عهده زن است و مرد نیز به عنوان مدیر بیرونی منزل، یا نان آور خانواده تلقی می شود. فردی که در این زمینه به طور سنتی فکر می کند باید با فردی ازدواج کند که با او همفکر است. اما اکنون که **نقش های زن و مرد** دستخوش تغییرات زیادی شده است، عده ای معتقد به تساوی حقوق بین زن و مرد هستند و وظایف و مسئولیت های مشابهی نیز برای آنان قائل می شوند. افرادی که این اعتقاد را دارند باید با همفکران خود ازدواج کنند. سؤال دیگری که مطرح می شود این است، تفاوت های مسئله ساز کدام ها هستند؟ یا به عبارت دیگر، چه تفاوت هایی می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی آسیب برسانند.



**در پاسخ به این سؤال باید گفت وجود اختلافاتی که می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی لطمه بزنند عبارت اند از:**

**1 - میزان انرژی:** وقتی یکی از طرفین ازدواج پر انرژی باشد و در مقابل همسر او کم انرژی این افراد با مشکلات عدیده ای برخورد می کنند. اختلاف در میزان انرژی در زمینه های مختلف خود نمایان می شود که از جمله می توان به معاشرت های اجتماعی، فعالیت های مذهبی و غیره اشاره کرد. در انجام فعالیت های مربوط به خانه نیز سطح انرژی میان زن و شوهر اغلب مسئله ساز می شود، مثلاً ممکن است زن بخواهد کارهایی را در روزهای تعطیل آخر هفته در منزل انجام دهد و شوهرعلاقه مند باشد که پای تلویزیون بنشیند یا روزنامه بخواند.

**2 - عادات شخصی:** وقتی زن و شوهر عادت های شخصی متفاوتی داشته باشند، به تدریج وحدت میان آنها رو به نقصان می رود. از جمله عادت های مسئله ساز می توان به این موارد اشاره کرد: **وقت شناسی، نظم و ترتیب، وابستگی ، احساس مسئولیت ، ...** می توان به عادات شخصی متعددی اشاره کرد که زن و مرد باید قبل از ازدواج به آن توجه داشته باشند. مثلاً اگر یکی از آنها سیگاری باشد و دیگری نه ، این اختلاف می تواند در رابطه زناشویی آنها دردسر ساز شود. اگر یکی از آنها به خوردن غذاهای مقوی و مغذی علاقه مند باشد و دیگری به این که چه می خورد بها ندهد، مشکلاتی در زندگی زناشویی ایجاد می کند.

**3 - استفاده از پول:** بسیاری از زوج ها در اثر نداشتن توافق بر سر **مسائل مالی ،** دچار مشکل می شوند. یکی به فکر آینده است و می خواهد پولش را پس انداز کند و دیگری به خرج کردن پول و خوش بودن در لحظه حال علاقه مند است. یکی معتقد به ریسک کردن است و دیگری فکر می کند که باید به تدریج و با ضریب اطمینان بالا بر دارایی های خود بیفزاید. یکی می گوید درآمد را باید خرج فرزندان کرد و دیگری می خواهد پول را نگه دارد. اختلافاتی از این قبیل می تواند شیرازه زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، به همین دلیل لازم است که قبل از ازدواج در این موارد بیشتر موشکافی شود.

**4 - علایق و مهارت های کلامی:** اگر یکی از طرفین ازدواج زیاد حرف بزند و دیگری کم حرف باشد چه مشکلی پیش می آید؟ اگر زن یا مرد علاقمند به گفت و گو و دیگری خواهان سکوت باشد، **استرس فراوانی** ایجاد می شود.

اگر کسی به هنگام صرف غذا علاقه مند به صحبت باشد و همسرش بخواهد به هنگام صرف غذا سکوت کند و یا اگر یکی از طرفین ازدواج به صحبت تلفنی طولانی علاقه مند باشد زمینه های اختلاف را پایه ریزی کرده اند.

سؤالی که با توجه به مسائل فوق مطرح می شود این است اگر افرادی با هم ازدواج کنند که در موارد فوق اختلاف داشته باشند چه ویژگی را باید در خود بهروراند تا بتوانند به زندگی زناشویی ادامه دهند؟

در پاسخ باید اشاره کرد، **اگر زوجین دارای ویژگی انعطاف پذیری باشند می توانند به جای این که تحت تأثیر اختلافات قرار بگیرند با تفاوت ها کنار بیایند و برای حل مشکلات راه حل مناسب پیدا کنند.**

## دوران نامزدی



یکی از اموری که در زندگی مشترک نقش حساسی دارد، « دوران نامزدی» است. اگر با این دوران، با ظرافت و ماهرانه برخورد شود و به وظایف مخصوص آن عمل شود، می تواند در بالندگی و پرباری و استحکام دوران های بعدی، تأثیر عمیقی داشته باشد.

سخن عامیانه ای بین مردم هست که می گوید: « یک روز دوران نامزدی، بهتر از یک سال دوران بعد از عروسی است!» این سخن، هر چند مبالغه آمیز است، اما حقیقت مهمی را بیان می کند؛ واقعاً دوران نامزدی از جهاتی مهم تر و شیرین تر و پُر بارتر و لذت بخش تر و سازنده تر از دوران پس از عروسی است و می توان در این دوران، شالوده و پایه های زندگی آینده را بنا نهاد.

منظور ما از « دوران نامزدی»، فاصله ی بین عقد و عروسی است. یعنی عقد صورت گرفته باشد و یا اگر طرفین برای عقد دائم آمادگی ندارند و می خواهند در فرصت و مناسبتی خاص و با برپایی جشن، عقد کنند، می توانند عقد موقت بخوانند تا زمان عقد دائم فرا رسد. عقد موقت، قانون و شرایط مخصوصی دارد که باید رعایت شود و یکی از شرایط آن این است که: حتماً باید با اجازه ی پدر دختر باشد (مانند عقد دائم).

### وظایف دختر و پسر در این دوران

#### 1- افزایش شناخت نسبت به یکدیگر، برای تفاهم بیشتر

هر چند دختر و پسر، در مرحله ی گزینش، باید شناخت کافی نسبت به هم پیدا کرده باشند اما علاوه بر آن شناخت، باید در دوران نامزدی، آشنایی ملموس تر و محسوس تر و بیشتری از یکدیگر پیدا کنند و با روحیات و اخلاق و دیدگاه های هم بیشتر آشنا شوند. در حقیقت، این آشنایی و شناخت در دوران نامزدی، تکمیل کننده ی شناخت مرحله ی گزینشی است، آن گاه در پرتو این آشنایی نزدیک و کامل، خود را برای تفاهم و سازگاری در زندگی مشترک، آماده می کنند. آن شناخت، برای «انتخاب» بود و این شناخت، برای «تفاهم و سازگاری».

#### 2- اصلاح و تربیت

اگر کسی صفت و خصوصیتی را در نامزدش مشاهده کند که مورد پسندش نباشد و بخواهد آن را برطرف و یا اصلاح کند، یا صفت و حالتی را در او ایجاد کند، بهترین دوران برای این «اصلاح و تغییر و تربیت»، دوران نامزدی است. چون هنوز روابطشان عادی نشده و نسبت به هم احترام و محبت خاصی قائلند. در نتیجه پذیرششان از همدیگر

بیشتر است و زمینه ی تحول و تغییر و اصلاح ، مساعدتر. ( اما نباید از یاد برد که نمی توان فردی را که سال ها به شیوه و عادت خاصی خو گرفته ، اساساً و به طور کلی تغییر داد و متحول کرد؛ بنابراین ، منظور اصلاح و تغییر در اصول بنیادین فرد نیست)



### 3- افزایش محبت

از شرط های اصلی سعادت در زندگی زناشویی ، « محبت » است و زمینه ی آن باید قبل از عقد فراهم شده باشد. اما دوران نامزدی ، بهترین فرصت برای افزایش و تحکیم محبت است. رفتار و گفتار و تمام اعمال نامزدها، در افزایش محبت و یا کاهش آن ، مؤثر است.

بنابراین ، دختر و پسر باید کاملاً مواظب اعمال خود باشند و از هر عمل پسندیده ای که باعث افزایش محبت می شود، کوتاهی نکنند و از کارهایی که موجب دلسردی و کاهش محبت می شود، اجتناب کنند.

### 4- بها دادن به احساسات و عواطف یکدیگر

نامزدها باید مواظب عواطف و احساسات یکدیگر باشند و به آن بها و جواب مناسب دهند. بعضی از نامزدها، به عواطف و احساسات لطیف نامزدشان ، بهای لازم را نمی دهند و به او «بی اعتنائی» می کنند و خیال می کنند این کارشان باعث عزیزتر شدنشان می شود! حال آنکه کاملاً برعکس است و چنین رفتاری باعث جریحه دار شدن عواطف نامزدشان می شود و در نتیجه کینه ی او را به دل می گیرد و ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی شان بزند.

خاطرات دوران نامزدی – معمولاً – تا آخر عمر در ذهن می ماند و در زندگی آینده تأثیر دارد ( چه خاطرات شیرین و چه تلخ ).

بنابراین ، رفتار نامزدها باید کاملاً حساب شده باشد و از اعمالی که به غرور و شخصیت یکدیگر لطمه می زند، اجتناب گردد. بی اعتنائی و سرسنگینی و تکبر در مقابل نامزد، لطمه های سنگینی به عواطف و شخصیت او می زند.

متأسفانه فراوان مشاهده می شود که پسران جوان از بی اعتنائی و سرسنگینی نامزدشان گله و درد دل دارند و – مثلاً – می گویند : « هدیه ای برای نامزدم گرفتم و با

هزار امید و آرزو به دیدارش رفتم ، اما او بی اعتنایی و بی احترامی کرد و مرا تحویل نگرفت و با دلی شکسته و پر خون از منزلشان بیرون آمدم...»  
دختران متدین و با عفت بدانند که این کارها، لازمه ی تدین و عفت نیست ، بلکه حرام است.

معنا ندارد که دختر، در مقابل نامزدش که به او محرم است و در حقیقت شوهر اوست ، خود را مخفی کند و به او بی اعتنایی نماید ! بله، این را قبول داریم که : دختران عقیف و با حیا در اوایل دوران نامزدی ، خجالت می کشند و نمی توانند با نامزدشان رفتاری خیلی صمیمی و محبت آمیز داشته باشند؛ پسران هم باید رعایت حال آنان را بکنند؛ اما این حالت و خجالت باید به زودی برطرف گردد و رابطه شان صمیمی و پر محبت ، و در عین حال همراه با احترام متقابل باشد .



#### 5- هدیه دادن

« هدیه » در جلب دل ها و افزایش محبت ها ، نقش عجیبی دارد. بر نامزدها لازم است که از این نکته ی زیبا و مهم غفلت نکنند.

لازم نیست که هدیه ، گران قیمت باشد، بلکه لازم است زیبا و مورد علاقه ی طرف باشد و مهمتر آن که : « با ظرافت داده شود». هدیه دادن ، ظرافت و سلیقه ی خاصی را می طلبد!

این هم فراموش نشود که : هدیه دادن باید از دو طرف باشد، نه این که فقط پسر به دختر هدیه بدهد . البته پسر باید بیشتر بدهد!

#### 6- نامه نگاری های محبت آمیز

نوشتن نامه های پر محبت و با صفا ، تأثیر نکویی در افزایش محبت و استحکام رابطه ی بین نامزدها دارد. حتی اگر دو نامزد به هم نزدیک باشند و همیشه یکدیگر را ببینند، باز هم نوشتن نامه تأثیر خود را دارد. نامزدها می توانند نامه ها را بنویسند و پس از ملاقات و هنگام جدا شدن از هم ، نامه ها را به یکدیگر بدهند. البته هرگاه مسافرتی پیش آمد و از هم دور شدند ، نامه ها باید بیشتر و مفصل تر شود.

همسراني را مي شناسم که پس از گذشت سال ها از زمان ازدواجشان ، هنوز نامه هاي دوران نامزدي را نگه داشته و مطالعه مي کنند و براي شان خاطره انگيز و لذت بخش است !

### 7- ملاقات هاي صميمانه

دو نامزد بايد در اين دوران شيرين و به ياد ماندني ، ديدارهاي دوستانه داشته باشند. اين ملاقات ها ، اميد و شور و علاقه را درهر دو تقويت مي کند. اين کار نه تنها خلاف عفت نيست ، بلکه باعث تقويت عفت در هر دو مي شود. در اين ملاقات ها ، با يکديگر صحبت هاي محبت آميز داشته باشند و به هم عشق و علاقه و محبت نشان دهند و درباره ي زندگي آينده شان گفت و گو کنند ؛ به هم دل گرمي و اميد بدهند و باهم به گردش و تفريح و مسافرت بروند.

### در آستانه ي ازدواج ( قسمت اول )



این مطلب در 28 قسمت ارائه می شود.

**ضرورت مشاوره:** انسان و نوزادگی مواجبا شنگ ز بی می شود که بهطل مختلف قادر به تصمیم گیری و پیدا کردن مناسبترین راه حل نمی باشد. بنابراین یاری خواستن از افراد واجد شرایط می تواند در حل مشکل و تصمیم گیری مناسب کارساز باشد. نمونه هایی از مشکلاتی که افراد با آن مواجه می شوند؛ عبارت اند از:

-گزینهش يك راه از بين چند راه ؛

-وقوع حوادثي نظير مرگ پدر، مادر و ساير اقوام؛

-از دست دادن شغل يا موقعيت هاي ديگر؛

-مشكلات مالي؛

-مواجه شدن با شکست ها؛

-روبرو شدن و عدم پیشرفت در حد مورد نظر؛

-مسائل تربیتی فرزندان؛

-مسائل خانوادگی و ...

افسان وی مولجه با هر يك از مشکلات فوق و یا مشکلات مشابه دیگر، دچار اضطراب و نگرانی یا تشویش و تصدیه می‌گردد و نپذیرد و دیگران را نگاه خواهد کرد. هکند هذنگان مملکت بزرگان قوم، دوستان و یا همسایه ها باشند. هیچ کدام از افراد فوق الذکر صلاحیت خاصی و همچنین ندارند؛ آنکه می‌تواند با استفاده از روشها و فنون مشاوره و داشتن صلاحیت‌های دیگر به‌عنوان او ای‌هاک کند؛ مشاور است. بنابراین در برخورد با مشکلات، مراجعه به مشاوران و همکاران ویژه‌ای دارد که نتیجه‌اش تسکین ناراحتی، رفع مشکل و گزینش مناسب می‌باشد.

### مشاوره برای گزینش مناسب

فرآیند زندگی مواردی است که فرد باید از بین چند راه یک راه را انتخاب نماید. گزینش یک راه را در بین چند راه چنانچه با مطالعه و بصیرت انجام نگیرد؛ ممکن است نتایج مطلوبی در بر نداشته باشد. لذا کمک گرفتن از مشاوران و انتخاب مناسب می‌تواند در توفیقات بعدی اثرات مفیدی داشته باشد. مهمترین مواردی که فرد در انتخاب با آن مواجه می‌شود؛ عبارتند از:

-انتخاب مواد درسی ( برای دانشجویان و دانش آموزان ) ؛

-انتخاب رشته تحصیلی؛

-انتخاب شغل؛

-انتخاب در مواردی که چند راه جلوی فرد قرار دارد؛

-و از همه مهمتر انتخاب همسر برای ازدواج.

انتخاب همسر به اندازه‌ای که زندگی مهم است که انتخاب مناسب آن، بیمه‌کننده سعادت فرد می‌باشد.

### لزوم مشاوره در همسرگزینی

طغاً با خانواده‌هایی روبرو شده‌اند که پس از ازدواج با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند. گاه کسانی خانواده‌هایی را ترک کرده و متشنج است که تنها راه حل، طلاق و جدایی است و طلاق خود نیز عواقب نا‌بهنجار به دنبال دارد.

-زن و شوهری که از نظر فرهنگی فاصله دارند؛

-زن و شوهری که از نظر درجه تحصیلات اختلاف دارند؛

-زن و شوهری که معتقد به ادیان متفاوت می‌باشند؛

-زن و شوهری که از نظر اجتماعی در طبقات متفاوتی قرار دارند؛

-زن و شوهری که وضع مالی متفاوتی دارند؛

-زن و شوهری که توافق اخلاقی ندارند و ...

چنین افرادی روزگاری نمی‌توانند هدیه‌ای لاج‌نمایدند و نتیجه زندگی‌شان پشیمانی

خانوادگی بهره‌ای نمی‌برند.

شکلی خانواده و صورت موفقیت، سعادت و در صورت عدم موفقیت، ناراحتی و مشکلات  
زیادی به دنبال دارد که اهمیت مشاوره قبل از ازدواج را تأیید می‌نماید.

و مشاور هی ازدواج، به مراجع ( مراجع کننده ) کف می‌شود؛ تا منلد بتترین هسر را  
از تعبا کند؛ بنا و این مشاور بید نسبت به شناخت زوجین و خانواده های آنان و تمام عواملی  
که و زندگی زتنو پی دخلک دلند؛ اقام کند و مراجع را درجهتی که زوجین هماهنگی  
بیشتری داشته باشند؛ هدایت نماید. مشاور ازدواج باید صلاحیت لازم را داشته باشد تا از عهده  
این امر مهم بر آید.



### شرایط مشاور در امر ازدواج

مشاور ازدواج، باید اولاً شرایط مشاور راهنمایی را دارا باشد؛ ثانیاً در زمینه‌ی مشاوره  
ی‌خانواده مطالعه و تجربه داشته باشد؛ ثالثاً در مورد ازدواج که بهی از مشاور خانواده  
است؛ کارکرده باشد.

در زوج‌های و مدت‌ها؛ اما مشیر باید وجدشوا ط بدند. معمولاً کسی که می  
خواهد ازدواج کند، پدر، مادر و بزرگان فامیل را در جریان می‌گذارد و با آنان مشورت می  
کند. گاه نیز از روحانیون، و سالخوردهگان نظر خواهی می‌شود و بالاخره بعضی به استخاره



نیز روی می آورند. به هر حال چون ازدواج امر مهمی است؛ معمولاً مشاوره و کنکاش در آن مطرح است؛ و بی طرف مشورت غالباً واجد شرایط نیست. پدر، مادر، پسر بزرگ، مادر زیاده، خاله، زویگن و سایر نزدیکان و والدین هیچ کداً مشاوره ای طبعاً مشاوره و این امر مهم نیستند. مشاور زوج باید روش نسل، جامعه شناسی، تعلیم و تربیت و از همه مهم تر روش نسل جوان و فواید را بداند و به اصول و فنون مشاوره آشنا باشد و در زمینه مثل خانواده و به ویژه مشاوره ازدواج تجربه داشته باشد. چنین فردی باید حداقل درلی درجه فوق لیسانس و مشاوره با تخصص خانواده و زوج باشد همچنین صلاحیت های شخصیتی و اخلاقی لازم را واجد باشد؛ تا از عهده این امر مهم بر آید. بعضی از افراد ظاهراً می درند زوج یکساعت مهدی (ص) است؛ چه بهتر که بدون تشریفات و بررسی هلیو تکمیل انجام شود؛ و چنانچه ناسازگاری یا مشکلی وجود داشت؛ مشاوران خانواده در رفع آن اقدام کنند. پاسخ آن است که پیشگیری ساده تر از درمان است و علاج واقعه قبل از وقوع بلید کرد. چنانچه در امر ازدواج مطالعات و بررسی های لازم بر اساس اصول مربوط انجام گیرد؛ مشکلات و ناسازگاری های بعد از ازدواج به شدت کاهش خواهد یافت و در نتیجه روان درمانی های وقت گیر به حداقل خواهد رسید.

### نقش مشاور و مراجع در مشاوره ی ازدواج

جوئی که می خواهد زوج کند؛ معمولاً با افراد دیگر مشورت می کند. از مواردی که باید بیل توجه کند؛ آن است که برای مشورت، فرد واجد شرایطی را انتخاب کند. چنانچه مشاور انتخاب شد صلاحیت لازم را نداشته باشد؛ چه بسا که او را به سویی هدایت کند که نه تنها مشکلی از او حل نکند، بلکه مشکلات دیگری نیز برایش ایجاد نماید. موارد مراجعه در مشاوره ازدواج انواع مختلفی دارد؛ که به ذکر نمونه هایی مبادرت می شود:

- دخترانی که خواستگاران متعددی دارند و می خواهند با یکی از آنها ازدواج کنند؛ کمک مشاور به این گونه مراجعین انتخاب احسن است. انتخاب احسن زمانی صورت می گیرد که اطلاع لازم را مراجع و خواستگاران هر یک می توانند با هم مقایسه کنند. فردی که خصوصیات وی با مراجع هماهنگی بیشتری داشته باشد؛ انتخاب احسن خواهد بود.
- پدربانی هستند که دختری را به نظر گرفته و درباره ی وی بررسی ها و تحقیقات لازم را انجام داده اند؛ و به این نکته رسیده اند که او انتخاب ندرستی است؛ ولی می خواهند در این زمینه ظم بدان لازم را به دست آورند. مشاور باید ضمن کسب اطلاعات و بررسی های مورد نیاز به مراجع ظم بدان خشد که گزینش انجام شده مناسب است و در صورتی که نامناسب تشخیص دهد؛ آگاهی و اطلاعات لازم را به مراجع بدهد و او را در تصمیم گیری مناسب کمک کند. همین حالت می تواند در مورد دختر در رابطه با پسر نیز مطرح باشد.
- پسران و دخترانی هستند که می خواهند با کسی ازدواج کنند؛ و می خواهند عوامل فشار پدر و مادر یا سایر اقوام قرار دلزد؛ و کسی را می بینند که آنان را در مقابل عوامل فشار کمک کند. در این موارد مشاور

باید با پدر و مادر و سایر عوامل فشار دیگر، جلسات مشاوره ای داشته؛ آنان را در رابطه با عواقب ازدوچهایی که با اکراه همراه است؛ بصیرت دهد و بالاخره کار را به جایی برساند که آنها، به دختر و پسر در انتخاب همسر آزادی بیشتری بدهند.

- پسوا نی هستند که به بهانه ی ازدواج با دختری رابطه برقرار می کنند؛ ولی واقعیت آن است که آنها قصد زوج شدن دارند. این گونه پسران پس از مدتی دختر را رها کرده؛ به سراغ دختر دیگری می روند. در این مورد چون نگران از نظر آبرو و حیثیت آسیب پذیرترند؛ باید به آذوقه رابطه با این موارد آگاهی لازم داده شود تا با شناخت اولیه، این گونه پسران را ترک کنند و به آنان اجازه تماس های بعدی را ندهند؛ و به علاوه والدین خود را در جریان بگذارند. یکی از وظایف مشاوران، دلی آگاهی و پیشگیری از وقوع سوگندگوری و رابطه با جوانان و نوجوانان می باشد.

- دخترانی هستند که خواستگاران داشته اند؛ ولی به علی آنها را رد کرده اند؛ و به همین علت به سنی رسیده اند که دیگر خواستگار مناسبی ندارند و به اصطلاح پیر دختر شده اند. این گونه دختری به مشاور مراجعه می نمایند و راه چاره ای را برای خواستگار جدید طلب می کنند. مشاور و قبال این گونه مراجعان که احتمالاً در انتخاب همسر مناسب سختگیر بوده اند؛ باید راه های شوهریابی را ارائه دهد. (در این مورد در قسمت های بعد بحث خواهد شد) و به آنان تفهیم نماید که فکر ایده آلی هیچ گاه تحقق نمی یابد. همه چیز نسبی است و انتخاب باید با تعدیل و انعطاف انجام گیرد.

### آیا زن باید همیشه رب النوع زیبایی باشد؟ ( قسمت اول )



کاربر محترم این مطلب در دو قسمت ارائه خواهد شد.

گویی زان قل که کار بیرون از خانه دل ندهد، قتی به خله می آیند مشغول انجام کارهای خانه می شوند و گاهی انجام کارهای بیش از حد در خانه و خستگی بیرون از خانه باعث می



## چطور به نظر می آید

شاید بپندارند که عده ای از همتان و آشنایان می گویند: "اگر می خواهید زندگی زنده بماند، باید ظاهر خود را بهتر و زیباتر کنید." اگرچه ظاهر افراد می تواند اثر مثبت و منفی عمیقی و دیگران بگذارد، اما لزوماً همیشه این مسئله را بیشتر و عمیق تر بررسی کنیم.

گروهی از زنان که خارج از خانه کار می کنند، در مقایسه با زنانی که تنها در داخل خانه کار می کنند، نظر ظاهر مرتب تر هستند. شاید این امر به صورت عادت در آمده که هر روز مجبور به انجام آن هستند و اغلب ظاهر آراسته آنان موجب می شود، ناراحتی و گرفتاری های آنان به چشم نیاید. اما شما خانم هایی که خارج از خانه کار نمی کنید، چه وقت به سر و وضع خود می رسید. آیا تنها زمانی که برای انجام کاری از خانه خارج می شوید؟ آیا تا به حال از خود پشیمانی و وقتی شوهرتان از سرکار می آید، به نظر او چطور می آید؟ آیا تا به حال به ظاهر خود و آینه نگاه کرده اید؟ آیا دیدن تصویر یک زن نامرتب در آینه برای خودتان جالب است؟

مطلب ما این نیست که آرایش کنید و وقتی شوهر از راه می آید بگویید: "من همه این کارها را برایتان کرده ام." و یا با صدای بگویی که به خاطر نبودن این همه گرفتاری ندانم. یا این که به ظاهر خود بی توجه باشید، و بگویید: "به من چه که شوهرم شب می آید. من که نمی توانم هر روز خودم را برایش درست کنم." بلکه می خواهیم بگوییم اگر خواهان این گواهی گرفتن از شوهرتان و شادمانی و رضایت او با دیدن خودتان احترام قائل باشید، وظیفه خودتان برای "خودتان" هم مهم باشد. سعی کنید همیشه و در همه حال چه شوهر در خانه باشد یا نباشد مرتب باشید. وقتی خود به ظاهر خود توجه داشتید و سعی کردید نظر ظاهر شما خوب تر باشد و آن صورت است که دیدن شما در انتهای روز برایتان شگفتی و لذت خواهد بود. همانطور که قبلاً گفتیم، وی هرگز نیافتاد که روزی بیمار شود یا و اثر کار و مشغله بیش از حد، نتواند به وضع ظاهر خود برسد. یک شوهر باوقار و فهمیده و همه حال زن را درک می کند و محبت لازم را از او دریغ نمی کند. اما اگر قرار باشد همیشه شادمانه و نامرتب باشید، خودتان و رفتارهایتان برای شوهر خسته کننده می شوید. حتی اگر تهدید به خودکشی هم کنید برای او فرقی نمی کند! باید سعی کنید تا آنجا که ممکن است مرتب و آراسته باشید.



همه بطور که عده ای از صاحب نظران می گویند: بسیاری از زنان بعد از تولد اولین کودک خود " زن بودن " و یابه گفته دیگر " همسر بودن " خود را فراموش می کنند و می پندارند منظور از آن " زن بودن " بی توجه به وظایف همی و شلخه بون سلت ". اگر می خواهید، فرزندان خوب و زندگی موفق داشته باشید، باید سعی کنید علاوه بر یک مادر خوب، یک همسر وظیفه شناس باشید.

ممکن است کودک شما وقتی ما را دید بگریه درآید یا بیاید، شمارا هم به آن خواهد. اگر بخواهید و سلسا خواسته های کودکانه آنها پیش روید و نسبت به ظاهر و سر و وضع خود بی توجه باشید، طولی نخواهد کشید که وقتی کودکان بزرگتر می شود با وجود این که می دانند شما خود را وقف کرده اید و هر طور که او خواسته، بوده اید شما را به خطر نداشتن ظاهر راسته لامت می کند و به دنبال کسی می رود که بتواند راجع به نحوه لب لب پش پین و دیگر مسائل با او مشورت کند. پس سعی کنید در مسائل اجتماعی تا آنجا که ممکن است با زمان جلو بروید. زیرا کودک شما هرچه بزرگتر شود، به مشاورت، مصاحبت و هدف گیری شما بیشتر احتیاج دارد؛ پس فراموش نکنید که مادر و همسر خوب بودن مکمل یکدیگرند.

### نقش زن در زندگی مشترک

آیا زن باید همیشه رب النوع زیبایی باشد؟ ( قسمت دوم )



خو اده يك سازملى كوكچ و بيبى ل د قيق و حلس سلت كه به حضور كمل زن و مرد به غولبو فود كامل كه دراي رشدي و شخه بلسند نولمند سلت. هرگز مفهوم ر دو اج زندگي شتر ك، پهن شنيكي و نيل عنو ارف مشخت و له نف نگري نيست. آنچه كه لاره يك زندگي زندلويي موفق است احترام متقابل و تساوي حقوق زندگي بين زن و مرد سلت. حل لگز ني خواهد در هر مورد شانه از زير بار مسئوليت ها خالي كد هر گونه اكان رشد و پرورش فكري را از خود سلب كرده است. گروهی دیگر از زنان هم همواره مردان را مورد ستايش قرار مي دهند. آنچه كه لازم است در اینجا يادآور شويم اين است كه ستايش كردن بر بي محاسن اخلاقي وي، هم منطقي است و هم زيبا. اما اگر بخواهيم مردان را مورد ستايش قرار دهيم فقط به اين دليل كه آنها موجوداتي از نوع مخالف ما هستند نه تنها منطقي و پسندیده نيست بلکه ك لي سي لصفه مي باشد. اينگونه رفتارها يك وا بسنگي مداوم وسطه كل را بيل مامي و ينو سب مي شوهانند ليكودك در انتظار شدين يك كلمه سنتن لرن و بمانيم كشايد و هرگز به زبان هم نياورد. اگر زني بدون عك و بي هيچ شناخت شخه بتي زين به ستايش يك مرد گود بيگو مي تواند از حقوق مساوي و آزادي و سازندگي شخصيتي براي خودش دم بزند.

لام سلت بد نيد مردن هم ميعد اتي معالي زنان هستند، با كمي اختلافات جسمي كه لازمه تكامل زندگي بشو سلت. همانطور كه براي مردان لازم است قبل از دواج كاملاً رشد فكري و شخصيتي پيدا كنند و تخصصي را كاملاً بياموزند، براي زنان هم لازم است قبل از ازدواج كاملاً رشد فكري و شخصيتي پيدا كنند و يك تخصص را بياموزند. عده اي از زنان همواره مي پندارند كه هر آنچه و زندگي كم درند يك مرد قادر است به راحتی به آنها بدهد. گاهي كه بود مادي است از قبيل ماشين، مسكن، يا لوازم زندگي كه مرد مي تواند به راحتی براي زن فراهم نمايد. اما كه بود هيچ بتي از قبيل لقطيت، وقت انتظار و تقصاوت،

صلاحیت‌زنگی ، این انگ شخی و موارد دیگر را هرگز یک مرد نمی تواند یک جا به زن بدهد. لگو مرد ، شایسته و فدکار بلند تنها در مول بی قادر است زن را یاری دهد. اگر به دخترش بیاموزند که از هر مؤسسه و بی پرورش فکری و شخصیتی خود استفاده نمایند و زمینی کاملاً آمدگی قبلی سؤلتیرا داشتند اقدام به رواج نماید دیگر این چنین مشکلات و نهنج‌هایی و بیایان پیش نخواهد آمد. این گروه ر دختران ظاهراً و انتخاب همسر موفق تر بوده و بعد از قبول مسئولیت هم به نحو احسن از عهده انجام آن برمی آیند.



زواج ، بنانهانی یک‌خانواده یکتا می‌باشد و سیددقی و حساس است و به اولد بالیا قتی ختیج در دتا اموراتش را سازمان دهند. گروهی از زنان ازدواج را وسیله ای برای فرار از مله‌ب وجودی خود می دانند و اغلب می پندارند ازدواج سبب می شود تا همه چیز به ملی آنها پیش رود. این گروه از زنان همیشه به دنبال مردی هستند که آنها را در همه مسائل و مشکلات حمایت کند. گاهی هم از شوهر در ذهن خود یک قهرمان افسانه ای می سازند. می پندارند شوهر فوی سلت که می تواند یک معشوق و یک محبوب کامل باشد که با بازوهای آهنین مشکلات را یکی پس از دیگری از میان بردارد و جاده خوشبختی را برای آنان هموار سازد. مقلد فانه اینگونه زندگی هرگز نمی تواند فوی را به عنوان یک همسر واقعی بپذیرند. زیرا توقعات بیش از حد آنان همسرانشان را تبدیل به ماشین یا ابزاری می کند که باید دائماً در پی برآوردن خواسته های آنان باشند و در بسیاری از موارد مشاهده شده است که این گونه رفتار بی غلط زنان موجب از هم پاشیدن پیوند مقدس ازدواج می شود و هرگز نمی تواند سبب شادی و ایجاد کانون گرم پر از محبت در خانواده شود.

گروهی دیگر از زنان خود را حقیر و کوچک شده و دائماً فکری کتد که در چرخه زندگی ، مرد سلت که سلی بزرگتر و سلسلی تر را تشکیل می دهد و این احساس حقارت و بی شخصیتی و بی اهمیتیت نه تنها قبل از رواج ، بلکه بعد از ازدواج هم تلفاً آنها را هم می کند و سلی گشت چند ماهی از ازدواج ، از خود می پرسند ، چه اتفاقی افتاد؟ چرا رواج هم نفاقت مرخو شبک کند؟ چگونه این بیختی و بی وفایی می‌آید؟ کدام قسمت مسئله غلط بود؟ اگر شما هم جزء این گروه از زنان هستید ، چند لحظه مکث کنید و خود را بررسی کنید. هر چقدر درصد این توانایی در شما بیشتر باشد کارایی و استقلال شخصیتی

شما بیشتر خواهد بود و راحت تر درك خواهید كرد كه هیچكس سبب ساز شادي و كامل کننده شخصیت شما نیست غير از خود شما . هر چه بیشتر به خود متكي باشید راحت تر مي توانيد يك كنيد كه يك مرد شاید بعضي از احتیاجات شما را رفع كند ولي هرگز قادر نیست تمامی مشکلات شما را پاسخگو باشد. اگر فكر مي كنيد حتماً يك مرد بايد كامل كننده شخصیتتان باشد با همهي وكوشش في خود قبل نیستید این ك لی شخصیت را بخواه خود تزیین آورید؛ زو امدال سلت مردی علاوه بر شخصیت فردی خودش نیمه دیگر شخصیت زنی را يك كشد تا پس از ازدواج به او دهد و كاملش كند. اگر زنی این چنین راجع به خود و مردان فكر كند هرگز نمی تواند انتخابی صحیح و منطقی داشته باشد. زیرا مردی با ظاهری آراسته و اطو كشیده ، يك دسته گی ، يك انگشتری الماس و با لاف زدن از رشادت و مردانگی خود به راحتی می تواند او را مجنوب خود نموده و خیلی سهل و آسان با احساسات او بازی كند و سب ل متی او را ه مانندك الی هست دوم رها کرده و منجلا ب زندگی را برایش عمیق تر و دامنه بدبختی را وسیع تر كند.

## نقش عوامل سیاسی در ازدواج

### لرزم مشاوره در ازدواج ( قسمت سوم )



در قسمت قبل به نقش عوامل اجتماعی در ازدواج پرداختیم . اینك در ادامه می خوانیم...

#### منظور از عوامل سیاسی

یکی از عواملی که می تواند در محیط اخلاق و نسل ساز گلی و خانواده گردد، عقید سیاسی سلت. منظر رینش سبیلی ، طرز فکر فرد در مورد و ، ه یک حکمه مسئولان اجرایی و ظلم سبیلی کشور سلت. اختلاف طرز امر سبیلی بهدلی وجود زیر بنای عقیدتی ، حتی ممکن است بین پدر و مادر، فرزندان و خویشاوندان جدایی بیندازد. دیده شده است که در و مانی به عاظ اعتقید سیاسی با همه غله و حتی که نسبت به



فرزندی داشته‌اند، او را از خانه طرد کرده‌اند. در زمان انقلاب در ایران موارد زیادی از این قبیل وجود داشته است. علاوه بر این موارد مشابه دیگری نیز در مورد معرفی زن توسط شوهر یا معرفی و اثر توسط خواهر و معرفی پدر و مادر توسط فرزند و بالعکس (که عقاید مخالف با نظام حاکم داشته‌اند)، به مقامات حکومتی، دیده شده است.

### خط فکری و گروه‌های سیاسی در رابطه با ازدواج

افراد را در ارتباط با امور سیاسی به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

- 1- افرادی که دارای خط سیاسی هستند و در حزب یا گروهی فعالیت دارند.
- 2- افرادی که دارای خط پلیدی هستند و متوجه سبب حزب یا گروهی می‌باشند ولی فعال نیستند.
- 3- افرادی که دارای خط سیاسی نبوده و به هیچ گروه و دسته‌ای نه منتسب هستند و نه فعالیت دارند.

در مورد دو دسته اول باید گفت چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت (بخصوص که سیستم فکری تعصبی هم وجود داشته باشد) صورت گیرد، مشکلات بعدی وجود خواهد داشت و گامی استموضوع به نظر می‌آید که در گروه‌هایی که از لحاظ فکری تابع یک طلاق وجود نداشته باشد. در پاره‌ای موارد حتی در گروه‌هایی که از لحاظ فکری تابع یک مکتب می‌باشند اختلاف نظر در امور سیاسی به حدی است که ایجاد هماهنگی در مورد آنها می‌نویسد و نتیجه ازدواج در چنین شرایطی بی‌درد سر نخواهد بود. پیوند زناشویی دو نفر مسلمان که در بُعد فکری یکی معتقد به اصل خاصی باشد و دیگری اصلاً آن را قبول نداشته‌اند؛ ویژه‌زمانی که هر دو پیش‌خود و قالاً نطفه‌بند، حتماً مشکلاتی در زندگی ایجاد خواهد نمود. بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر از اهمیت خاصی برخوردار است.

مسئله دیگری که در مورد زناشویی در بُعد سیاسی مطرح می‌باشد، آن است که در درون یک گروه سیاسی، گاه ازدواج‌هایی با هدف سیاسی انجام می‌گیرد و چیزی نمی‌گذرد که به طلاق و یا به ناسازگاری و ناراحتی منجر می‌شود. بدیهی است هیچ سوداگری حاضر نیست، معامله‌ای که با آگاهی منجر به ضرر می‌شود، انجام دهد تا چه رسد به امر خطیری نظیر ازدواج که سودای عمر و باقی اقامت نداشت نتیجه‌ای که حاصل می‌شود، ناراحتی دنیا و گاه خسارت آخرت است. بنا بر این موضوع را باید با دقت نظر گرفتن همه ابعاد و عوامل نوظهور انجام داد و بررسی‌ها را به هدف‌های دیگر نباید پیوند زناشویی را به عنوان ابزار و وسیله، مورد استفاده قرار داد.



### مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل سیاسی

مراجعی که در جهت ازدواج به مشاور مراجعه می‌نماید، ممکن است خود پیرو مکتب یا خط سیاسی خاصی باشد و برعکس، احتمال دارد اصولاً فردی سیاسی نباشد. همچنین طرف مقابل ممکن است سیاسی باشد یا نباشد. بنابراین در مورد مشاوره ازدواج چند حالت اتفاق می‌افتد.

- 1- حالتی که هم مرد و هم زن دارای خط سیاسی هستند؛ این امر خود دو حالت دارد: یا خط سیاسی آنان مشترک است و یا خط سیاسی مخالفی دارند.
- 2- حالت دیگر آن است که هر دو یا زن دارای خط سیاسی است، و طرف مقابل خط سیاسی ویژه‌ای ندارد.
- 3- حالت سوم وضعیتی است که هیچ‌یک (نه زن و نه مرد) از نظر سیاسی، خط ویژه‌ای ندارند.

مشاوره از مرحله اولیه مشاوره و ایجاد رابطه حسنه باید به جایی برسد که بفهمد مراجع در کدام یک از حالت‌ها بی‌فوقی قرار دارد. چنانچه مراجع در عدد افراد حالت اول قرار داشته باشد و هر دو (نختر و پسر) دارای خط سیاسی متضاد باشد، مسئله بی‌فوقی از نظر ازدواج وجود نخواهد داشت؛ ولی در حالتی که هر دو دارای خط سیاسی باشند ولی عقاید سیاسی و حزب یا دسته مرتبط به آنها مخالف یکدیگر باشد؛ دو حالت اتفاق می‌افتد:

الف - زمانی که عقاید سیاسی آنان در جهت خلاف یکدیگر و در حدی است که آشتی عقیدتی غیرممکن است، و هر دو طرف شایع دهند، پیوند زودرس آن‌ها احتمالاً به نفع ندهد. بنابراین مورد مشور باید موانع را زایل نماید تا آگاه سازد و اطلاعات لازم را در جهت عدم سازگاری احتمالی در اختیار آنان قرار دهد.

ب - در حالت دیگری که اختلاف عقیدتی زیاد نباشد و هر دو نیز تعصبی نشان ندهند، احتمال دارد بابت مذهب و مذاهب اختلاف نباشد و یا مسأله عقیدتی سیاسی را در زندگی وارد ننمایند؛ در چنین وضعیتی مشاور با بررسی عوامل دیگر مؤثر در ازدواج (عوامل اجتماعی، تحصیلی، عوامل فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و روانی، سن و شغل و ...) چنانچه به جایی

بیرسد که اختلاف فقط و مورد عالی سیسلی و آن هم با اختلاف فکری قابل تحمل و دور از تعصب است و لاجر اضمن دادن آگاهی لازم به شرکت در جلسه ای همراه با طرف مقابل دعوت خواهد نمود، تا در یک جلسه سه نفری موضوع بررسی گردد و بینش و بصیرت لازم به آنان داده شود.

3- درحالی که مرد یا زن دارای خط سیاسی است و طرف مقابل خط سیاسی ویژه ای ندارد و خدای باعقاید بی‌نزد ندارد، و یا در حالتی که هیچ‌یک از دو طرف، سیاسی نیستند، در راجع مشکلاتی نخواهند داشت. ولی در وحل مشاور باید به همه مراجعان خود در زمینه عقاید سیاسی و خواه بیخورد آفتی باهمسو اطلاعاتی بدهد و خاطر نشان سازد که بحث به شلوه، کثوت و ناراحتی بی‌اخذ؛ هر وقت ز منی که بحث به مشاجره می‌رسد، طرفین آن را خافه دهند و ادامه آن را به زمان مناسب دیگری موکل نمایند تا بحث به بهترین وجه انجام گیرد.

خداوند در مورد مذاکره و جدل با اهل کتاب در سوره عنکبوت آیه 46 می‌فرماید:

و لا تُجادلوا اهل الکتاب ائنا بائتی هی احسن

و شما مسلمانی با اهل کتاب ( یهود و ضاری و جوس) جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید.

## نقش عوامل فرهنگی در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت چهارم )



در قسمت قبل به نقش عوامل سیاسی در ازدواج پرداختیم. اینک در ادامه می‌خوانیم...

مهمترین عاملی که در ازدواج نقش مؤثری دارد، عامل فرهنگی است.

چه بسیار خانواده هایی که به علت ناهماهنگی در زمینه های مختلف فرهنگی وضع نابسامانی دراز و لیعمر را تلاد و نا رنگا می گولند. عولک و هیک ابع لعت لفي درلکه مهمترین آنها عبارت اند از:

1- دین و مذهب؛ تشابه در اعتقاد و یا ...

2- آداب و رسوم؛ تشابه در مراسم مختلف

3- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر؛

4- سنت ها؛

5- اعتقادات و باور ها.

در این فصل نقش هر يك از عوامل مذکور در رابطه با ازدواج و همسر گزینی بیان می شود.

### الف: دین و مذهب در رابطه با ازدواج

اعتقاد دینی و مذهبی در ازدواج تقی می دارد. دخ تو پویکه بالعتقا سک دینی متفاوت ازدواج می کنند؛ پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه های مختلف اختلاف نظر و لاحقاً نسلزگار ی خولهند دشتت. از جمله زمینه های مورد بحث موارد زیر را می توان نام برد:

- **اختلاف تو بیتفرزندان:** زره شوهی که دللی دودن م تقی هدتند مسلماً در چگونگی تربیت و آموزش فرزندان خود و نیز انجام مراسم دینی با مشکلات و مسائلی مواجه خواهند شد.



### - اختلاف در عقاید:

- **اختلاف در انجام فرایض و مراسم دینی:** عدم هماهنگی در انجام فرایض و مراسم دینی می تواند زمینه ای برای ناسازگاری خانوادگی باشد.

- **اختلاف در مسافرت ها و گردش:** و ای و یا زن مسلمان مسؤیت هیلی زیارتی حج  
مورد توجه سلت؛ در حالی که مرد یا زن غیر مسلمان رغبت به چنین برنامه هایی ندارد و یا  
در مورد حج اجازه انجام اعمال را ندارد.

لبس پوشیدن ( به ویژه حجب و بی زنان ) ، مسئله طهارت و سایر احکام ، موارد دیگری  
برای ایجاد ناسازگاری و اختلاف در زندگی زناشویی است.

باتوجه به مورد بالا ، ازدواج دختر و پسر از دو دین متفاوت گرایم لوقوی  
شدته بشنند، زندگی زناشویی را به سوی ناراحتی و ناشادی سوق می دهد. فرضاً اگر فردی  
با انگیزه های خاص به طور صوری تغییری در دین یا مذهب خود بدهد ، چون اعتقادات او  
در دوران طفولیت ریشه دار شده رفتار او با همسرش هماهنگی کامل نخواهد داشت.

مسئله دیگری که قابل طرح است، موضوع مذهب و اختلافات مذهبی است. ازدواج یک دختر  
شیعه مذهب با یک پسر اهل تسنن نیز همان مشکلات اختلافات دینی را در پی خواهد داشت و  
گله چینی اختلافات در این زمینه با تعصب نیز همراه است، احتمال بروز مشکلات جدی تری  
را می تواند در پی داشته باشد.

### اختلاف در سطح ایمان و اعتقاد دینی

بدیل تفوق می افتد که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقاد، زندگی پر آشوب و  
ناراحتی رامی گذرانند. گوئی که دو مؤمن با یک پسر بی بند و بار ازدواج کند، از نظر  
لسلی پوشیدن، از نظر روزه گرفتن، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده  
شل ناراحت سلت. او می تواند به اعتقاداتی که بدان پای بند است، جامه عمل ببوشاند و گاه  
اتفاق می افتد که شوهرش او را به انجام اعمال خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست  
دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار کند و در صورتی که  
طلاعت نکند با او ناسازگاری کند و به او بر چسب هایی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه  
بسا که زندگی را بری و تلخ سازد. زوجین خانواده هلی با نزاع و جدال در مواردی که  
شوهر به دین و رلهی میگویند و بیو بی و طب و نگ ریلی شنن نور هلی میبقی  
مشغول است، وزن بارل مخالفت می کند، مواجه می شویم. هکی این حالت نیز صادق  
فت؛ پس مؤمنی که با دختر بی بند و بار و به اصطلاح متجدد ازدواج می کند ، از رفتار و  
اعمال و لبس پوشیدن و رنج می برد و اگر او را به اجبار به رعایت حجاب و سایر مسائل  
شوچی وادار کند، زندگی نزلت کننده ای خواهد داشت؛ چه بسا که خانواده های آنان نیز  
چنین اختلافی از نظر عقیده و رفتار داشته باشند و بالاخره پس از چند فرزند و سال ها تحمل  
ناراحتی، مجبور به طلاق و جدایی شوند.



### ب: آداب و رسوم در رابطه با ازدواج

در جوامع مختلف، آداب و رسوم متفاوتی را چسبندگی است. گاهی عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می‌باشد و این موضوع بخصوص در مسئله زناشویی قابل توجه است. در فرهنگ غرب اعتقاد به اصل آزادی جنسی آداب و رسومی را موجب شده است که با عقاید جوامع اسلامی مغایر است و با اعتقادات مسلمانان همخوانی ندارد. از جمله این آداب و رسوم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- دست دادن زنها و مردها اعم از محرم و نامحرم؛

- معاشرت زنان و مردان نامحرم؛

- تشکیل جلسات لهو و لعب مختلط مرد و زن؛

- جدا شدن فرزندان از خانواده از 18 سالگی و گسیختگی رشته‌های عاطفی آنان با والدین؛

- اهمیت ندادن به صلّه رحم؛

- عدم همیاری؛

- قطع ارتباط‌های خانوادگی.

با توجه به آداب و رسوم رایج در ممالک غربی و تضاد آن با سنن و آداب اجتماعی در ممالک اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج‌های بی‌پس و دختر ممالک غربی صرفنظر از سایر عوامل فرهنگی تنها از دید آداب و رسوم رایج، عواقب خوشایندی نخواهد داشت.

آداب اجتماعی اینچنینی که در فرهنگ غربی و سکون قدمتهای قلبیک

کشور متفاوت است و گاه در پیوندهای زناشویی مشکلاتی را ایجاد می‌نماید. آداب و رسوم ده‌ها شهر، و آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر فرق دارد. لذا ضرورت دارد، و زندگی همه این موارد مورد توجه قرار گیرد. خانواده‌های سنتی اجازه نمی‌دهند که فرزند در حضور آنان آزادانه عمل کند. داماد یا عروس خانواده، چنانچه در حضور مادر

شوهر یا پرشوهر و یا پدر زن و مادر زن پاي خود را دراز کند و یا احياناً نسنجیده سخن گوید ، ناراحت می شوند و گاه این گونه رفتار به اختلاف و گله گذاری منجر می شود.

خانواده هايي که به اصطلاح متجدد هستند و فرهنگ غرب تقلید می کنند با خانواده هاي سنتي نمی جویند. طبق کواکب و متضعف از آداب و رسوم خاص خود پیروي می کنند. و این گونه طبقات آداب و رسوم فني مطي ندارد. چهار زانو نشستن و استفاده از کلمات خصل و سخن گفتن و احياناً دراز کشیدن و لم دادن در مجالس از آداب رایج است که به هیچ وجه این گونه رفتارها برعلي خانواده هاي فرنگي مآب قابل تحمل نیست و در نتیجه ازدواج هاي که و چند خانواده ها با آداب و رسوم متفاوت صورت می گیرد، برای زوجین و خانواده هاي آنان خشايند نیست و گاه به صورت مشکل حادي خودنمايي می کند که حلوت زندگی را از زن و شوهر می گیرد و خانواده هاي وابسته را نیز ناراحت می کند و به عکس العمل هاي ناخوشايند وا می دارد.

### نقش ديگر عوامل فرهنگي در ازدواج

#### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت پنجم )



و قسمت قلی به مسئله عقاید بني و آداب و رسوم و لزوم باید مد نظر زوجین قرار گیرد پرداختیم . اینک در ادامه به ديگر عوامل مؤثر در زمینه هاي فرهنگي می پردازیم...

#### ج- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر

در از وچ مسئله سلیق پوشیدن و آراستن ظاهر در روابط آنها بسیار حائز اهمیت است. چنانچه يك زن مؤمن محجبه با يك مرد بي بند و بار ازدواج کند؛ زندگی برای يك عمر برای او زجر آور خواهد بود. برعکس يك زن آرایش کرده ي بد حجاب نیز چنانچه با مردی متدین ازدواج کند؛ زندگی او با ناملحتي و مجادله خواهد گذشت. خوشبختانه چون نحوه لباس

پوشیدن و آراستن ظاهر يك امر عيني است. بنابراین در این مورد بررسی و تصمیم گیری امر ساده يي است و هر سکی در نگاه اول مي تواند وضعیت خود را با طرف مقابل ارزیابی کند. قبل هر استکه در فرهنگ ایرانی مردن لم را مؤمن و پي بند و بار ، به ناموس خود اهمیت مي دهند و غیرت مردانگی آنان اجازه نمي دهد که بدن همسر آنان عریان در معرض دید دیگران قرار گیرد و بخصوص روابط عاطفی با مردان دیگر داشته باشد. بنابراین دختران چو باید این موضوع را در نظر داشته باشند و به خیال تجدد خواهی طوری عمل نکنند که وای جلب مردن و خودم ابي ، حرکت جلف انجام دهند و لباس های نامناسبی بپوشند. آنچه در کنه ذات مردان با تعدیل های متفاوتی وجود دارد آن است که همسر آنان را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

#### د- سنت های غیر معقول در زناشویی

بعضی از خانواده ها سنت های فرهنگی خود را حفظ کرده و آنها را به دیده احترام می نگرند و عمل می نمایند. از جمله سنت هایی ( خواه خرافی یا معقول) که در این زمینه مطرح است؛ عبارت اند از:

- مرد در خانه تصمیم گرفته ملت و زن باید ل و طاعت کند و به طور کلی مرد سالاری حاکم بر خانواده است.
- خانواده به دختر اهمیت نمی دهد و دختر داشتن يك نوع بدشانسی است. از يك مرد مخالف با دختر پرسیده شد که چند بچه داری گفت یکی، آن چهار دختر که به حساب نمی آیند!
- تحصیل دختران را ضروری نمی دانند و معتقدند که کار زنها بچه داری و خانه داری است.
- زنها را به صورت های مختلف تحقیر می کنند و آنان را به اسامی ضعیفه ، ناقص الایمان و نظایر آن می خوانند.
- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند.
- انجام ازدواج موقت برای مردان عیب نیست.
- زورگویی و دیکتاتوری به زن و بچه از مشخصات خانواده مرد سالاری است.
- بی بدنی و فساد و دیر آمدن شوهران به خانه چندان مهم نیست؛ ولی کوچکترین خطا از سوی زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می شود.
- زنها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند؛ می شناسند.
- مرد در ثروت زن و مصف آن خا تک می کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای زن قایل نیست.





- در بعضی از خانواده ها زن سالاری است و زن حاکم بر خانه است.

- او خانواده پدر سالاری که پدر بزرگ و پسران و دختران، عروسها و دامادها هر يك در يك یا دو اطاق ساکن بوده و همه با هم زندگی می کنند؛ استقلال عروس، داماد و بچه ها محدود و پدر بزرگ از موقعیت خاصی برخوردار است.

شوهرها یکی که هذکوشد بخشی از سنت های غیر معقول در خانواده هاست. دختر و پسری که بخواهند راجع کنند، بایستی در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت موافقت بیاشد به آنچه گفته شد جلی خود را و خانواده مضی و زیدایی کند و چنانچه حاضر به پذیرش آنها نیستند از قبول همسر از چنین خانواده هایی امتناع ورزند.

#### ه - اعتقادات و باورها

علاوه بر اعتقادات دینی و مذهبی جنبه های دیگری را نیز در بر می گیرد که از نظر زندگی خانوانگی اهمیت زیادی دارد؛ بر لبی خدتری که تمام هم و غمش توجه به لباس و تجملات و خودم لپی است، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می گذراند و توجهی به لباس او و خودش و وضعیت خانه ندارد؛ مشکل است.

و زندگی هر فرد ارزش ها و ضد ارزش های فرهنگی نقش مهمی دارد؛ باید توجه داشت که کدام ارزش و عقیده خوب یا بد است. در اینجا آنچه مطرح است، اختلاف اعتقادات و باورها و ذائق آنها در زندگی خانوادگی است. این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد همسری انتخاب کند که اعتقادات و باورهای او به اعتقادات و باورهای وی نزدیک باشد. در این صورت آنها خواهند توانست با روش های منطقی بر اعتقادات و باورهای یکدیگر تأثیر بگذارند و اختلاف های جزئی را حل و ایجاد تفاهم نمایند.

#### وظایف مشاوران در امر ازدواج در رابطه با عوامل فرهنگی

1- مهترن وظیفه مشاوران در مورد دختر و پسری که متدین به دو دین متفاوت می باشند و قصد راجع دارند، آن است که آنان را با پیامدهای چنین ازدواجی آشنا سازند. دختر و پسر ممکن است تحت تأثیر مسأله ای حوئی به اهمیت اختلاف عقاید دینی توجه نکنند. مشاوران باید

محيطي فراهم کنند تا آنان علل ازدواج خود و جنبه هايي را که بدان توجه کرده اند ، بيان کنند. سپس همري ديگر ز جمله لذت عقيده ديني را مطرح سازند و در اين زمينه آنان هشدار دهند.

2- مشاوران بايد دختر و پسري را که پيرو دو دين متفاوت مي باشند، از نظر سطح ايمان در ديني که به آن اعتقاد دارند، بررسي کنند و چنانچه اعتقاداتشان عميق و ريشه دار باشد ، آنان را به تغيير دين يا مذهب اميدوار نمايند.

3- مسئله ديگري که مشاوران بايد بررسي و اطلاعات آن را به چند دختر و پسر منتقل نمايند؛ مؤثر اختلاف عقايد بودن است. و بعضي ز دين ضد اختلاف عقايد آنها است. ولي بعضي اديان اختلاف جدي و حالت خصمانه نسبت به هم دارند؛ کمک مشاور در اين زمينه مي تواند در تصميم گيري آنان مؤثر باشد.



4- پوند هسران متدين به دين و مذهب با سطح اعتقادي يكسان ، بهترين حالت ازدواج است. بنا بر اين مشاوران بايد دختران و پسران را به اين امر توجه دهند تا آنان در زندگي زناشويي از نظر تفهيم و تفهيم مذهبي رنج نيند و توا نند فرط شويم ديگرا بطور مشترك انجام دهند.

5- و مورهي که پيرو دختر نظر ايماني و اعتقادي اختلاف دارند ، مثلاً يکي متدين و مؤمن و ديگري بي بند و بار و به صلح متجدد است ، وظيفه مشاور آگاهي دادن آنان به مشاكت بعد از زواج است. اين امر چنانچه کاملاً توجه و تفهيم گردد ، مطمئناً در تصميم گيري آنان در جهت همسر گزيني تأثير خواهد گذاشت.



کاربر محترم این مطلب در پنج قسمت ارائه خواهد شد.

میزان بهره‌ی هوشی برای توجیه تفاوت سرنوشت آدم‌هایی که از نظر تحصیلی، امید به آینده و فرصت‌های زندگی در وضعیت تقریباً یکسانی قرار دارند، معیار مناسبی نیست. هنگامی که نوبت پنج‌نفر از کسانی را که در دهه‌ی 1940 دانشجوی دانشگاه هاروارد بوده و اکنون به میان سال‌های رسیده بودند مورد بررسی قرار دادند، معلوم شد که تیزهوش‌ترین دانشجویان آن سال‌ها، و مقایسه با دانشجویان متوسط و قوی نبودند و به ویژه از لحاظ درآمد، پرکاری و ثمربخشی در وضعیت پایین‌تری قرار داشتند. آنها هم چنین از لحاظ رضایت داشتن از زندگی به‌تر از افراد نودندووار تپل با هوش، خانوار و روابط عاطفی و زندگی‌شان بدترین افراد محسوب نمی‌شدند.

بهره‌ی هوشی افراد هیچ‌گونه اطلاعی در این باره نمی‌دهد که آنها در فراز و نشیب زندگی چگونه عمل خواهند کرد و مسئله همین جاست. هوش و استعداد تحصیلی هیچ‌گونه آمادگی و مهارتی برای جدل با ناملازمات زندگی یا استفاده از فرصت‌های مطلوب به دست نمی‌دهد. اما به‌رغم آن که بهره‌ی هوشی بالا هیچ نوع تضمینی و بی‌رفاه و تأمین مالی، اعتبار و شهرت اجتماعی یا خوشبختی در زندگی نیست ولی باز هم مدارس و فرهنگ ما بر هوش و استعداد تحصیلی افراد تأکید زیاد دارند و از شعور احساسی (یا هشیاری احساسی - عاطفی) که مجموعه‌ای از خصوصیات شخصیتی است و به همان اندازه در سرنوشت فرد مؤثر است، غافل هستند.

احساسات و عواطف همچون دروس ریاضی یا ادبیات، دارای اصول و فونونی اند که برخی در آن تبحر دارند و بعضی هم و آن‌ها وضعی هستند. آن‌ها که شخص چقدر در این مهارت‌های عاطفی و احساسی خبره باشد، برای او سرنوشت ساز است. فردی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردار است (یعنی فاقد هشیاری عاطفی است)، تقریباً کلک‌ات‌تری است که آدم خردمند است. وی در قلمرو ذهن، چیره دست است ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف می‌باشد. این امر در مورد زنان و مردان، کمی تفاوت دارد. مردانی که دارای بهره‌ی هوشی بالا هستند، در هیئت‌های هیگسترده‌ی غلانی‌شان - نه احساسی - مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنها آدم‌های جاه‌طلب، سودمند، قابل پیش‌بینی، لجوج، انتقادگر، فروغ، نازک‌نوازی و کم‌رو هستند که در روابط ناشویی خود راحت نیستند و از نظر احساسی سرد و بی‌عاطفه‌اند.

برعکس، مردی که از نظر هوش عاطفی قوی‌اند از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده‌اند و هیچ‌گرایشی به ترس یا نگرانی ندارند. آنها ظرفیت چشمگیری برای تعهد و سرسپردگی به مردم یا اهداف خود، پذیرش مسئولیت و قبول چهارچوب اخلاقی دارند. آنها در روابط خود با دیگران، بسیار ملود و با ملاحظه‌اند و از زنگ‌های عاطفی‌شان و سوشال و متنبلی برخوردارند. آنها با خود، دیگران و دنیا بی‌اجتماعی طرف خود بسیار راحت برخورد می‌کنند.

زنانی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردارند، اعتماد به نفس خوبی داشته، در بیان موضوعات عطفی رهنمون و دلبسته‌ی خود دقت کافی دارند و در این عطفی زیباشناسانه و روشنفکرانه‌ی زیادی اند. آنها افرادی درون‌گرا، مستعد نگرانی، فکر و خیال و گناه هستند و در ابراز خشم خود تأمل می‌کنند، اگرچه معمولاً آن را به طور غیرمستقیم نشان می‌دهند.



برعکس، زنانی که از نظر هوش عطفی قوی هستند و نتوانند احساسات خود را به طور مستقیم بیان داشته، رنج به خود مثبت فکر کنند. زندگی برای آنها معنا دارد و همچون مردان هم‌نوع خود، آدم‌هایی اجتماعی و گروه‌گرا هستند. سلب خود را به گونه‌ای مناسب ابراز می‌کنند و به خوبی از عهده‌ی فشارهای روانی بر می‌آیند. توازن اجتماعی این قبیل زنان باعث می‌شود تا به آسانی با آدم‌های جدید کنار بیایند، با خود راحت هستند، شاد و سلوخته خیال بوده، همواره پذیرای تجارب احساسی و هیجانی می‌باشند. آنها برخلاف زن‌های درونی‌گرا (نوع خالص) به ندرت احساس نگرانی و گناه می‌کنند و کمتر غرق در اندیشه می‌شوند.

### مهارت‌های هیجانی عاطفی

هیجانی عاطفی را شامل پنج نوع مهارت دانسته اند:

#### 1- شناخت احساسات خود:

خودگویی یا شناسایی احساسات در هر لحظه از هر حال و موقعیتی، فهمیدن و درک هیجانی‌های ظریف را شکل می‌دهد. فرد خودآگاه توانایی کنترل و اداره‌ی لحظه به لحظه‌ی احساسات را که نشان‌دهنده‌ی درک خویش و بصیرت روان‌شناسانه است، دارد و در نتیجه

کشتی‌زنگی را با مهارت بیشتری می‌تواند یاد بگیرد و خواهد توانست، شناخت واقعی بیشتری نسبت به شغل یا ازدواجی که می‌خواهد انجام دهد، داشته باشد.

## 2- کنترل احساسات:

کنترل و اداره احساسات و منطقی و منطقی بودن آنها در هر موقعیت، مهارتی است که بر پایه‌ی خودآگاهی شکل می‌گیرد. یعنی فرد یاد می‌گیرد که چگونه خود را از شر اضطراب، افسردگی، کج خلقی و زودرنجی‌های شایع رهایی بخشد.

## 3- برانگیختن و به هیجان در آوردن خود:

ایجاد انگیزه و توجیه برای اهداف و به تأخیر انداختن آن‌ها و سرکوب کردن هوس‌ها، زمینه‌ساز هر نوع مهارت و موفقیت است.

## 4- شناخت احساسات دیگران:

یک مهارت مردمی محسوب می‌شود و ریشه‌ی وحدت و همدلی با دیگران است.

## 5- تنظیم روابط با دیگران:

هنر مراد و ارتباط با مردم، و مهارت کنترل و اداره‌ی احساسات دیگران است.

## نقش میزان تحصیلات در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت ششم )



در قسمت قبل به نقش عوامل فرهنگی در ازدواج پرداختیم اینک در ادامه می‌خوانیم...  
میزان تحصیلات علاوه بر شکل‌دهنده شخصیت و بصورتی که بر رابطه بین‌کننده وجهه اجتماعی است.

احتمالات زیر را می‌توان درباره میزان تحصیلات زن و شوهر در نظر گرفت:

1- مرد دارای تحصیلات عالی است؛ ولی زن دارای تحصیلات متوسط یا کمتر است.

2- مرد و زن هر دو دارای میزان تحصیلات یکسانی هستند.

3- زن دارای تحصیلات عالی و مرد از تحصیلات کمتری برخوردار است.

4- مرد دارای تحصیلات عالی و زن بی سواد است ، یا تحصیلات اندکی دارد.

در حالت 1 و 2 مشکلی ایجاد نمی شود؛ ولی در حالت 3 و 4 غالباً زندگی زناشویی مواجه با ناسازگاری و در پاره ای موارد با هم پاشیده می شود. زنی که دارای تحصیلات عالی بوده، پزشک یا مهندس است، از نظر تفاهم با مردی که حداکثر تحصیلات ابتدایی دارد و مثلاً راننده یا لوله کش است تفاهم ندارد. مرد دنیا را به گونه ای می بیند و زن گونه ای دیگر. زن در مجالس و مهمانی، زمانی که شوهر صحبت می کند و احتمالاً بیشتر کلمات را غلط ادا می نماید و به مطالب نهی یا نصحی را مطرح می نماید، احساس ناراحتی و حقارت می کند؛ و در نهایت زندگی برای هر دو تلخ خواهد شد.

در حالت دوم که مرد دارای تحصیلات عالی و زن بی سواد یا کم سواد نیز همان وضعیت اول برای مرد وجود دارد. این حالت وقتی اتفاق می افتد که مرد در روستای خود در سن 18 تا 20 سالگی زما نی که در دبستان هوش می خوانده با یکی از دختران بی سواد روستایی خود ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده است. سپس با توجه به استعداد و آمادگی نهی که داشته به شهر آمده و تحصیلات خود را تا مراحل عالی ادامه داده است. در چنین زندگی نیز فضای شادی و مسرتی حاکم نخواهد بود.



لزم به یاد آوری است که نوع تحصیل مهم نیست. آنچه در ازدواج مهم است سطح تحصیلات نیست. در عین حال ناچیز تحصیلات زن و شوهر بزرگ حوزه بلد؛ تفاهم زندگی بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال ازدواج یک پزشک با یک پرستار بیشتر موفق خواهد بود؛ تا ازدواج یک پزشک با یک مهندس. معذرت می خواهم که در وقت ازدواج در مقام مقایسه با سطح تحصیلات بسیار کم اهمیت است. اهمیت سطح تحصیلات در ازدواج به قدری است که چنانچه تفاوت زیاد باشد، می توان گفت به ندرت سازگاری وجود خواهد داشت.

**مشاوره در امر ازدواج در رابطه با عامل تحصیل**

میزان توجه پدر عمل مهمی در زندگی زناشویی است. بنابراین در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. مشاوران و رابطه با عامل تحصیل در امر همسر گزینی باید مراجعان را به اهمیت موضوع توجه دهند و در موارد مختلف به شرح زیر عمل نمایند.

1- با توجه به فرهنگ ایرانی چنانچه مرد تحصیلات بیشتری داشته باشد، در زندگی زناشویی مشکلی ایجاد نمی‌شود. معمولاً هدی‌انی که تحصیلات عالی دارند، میزان تحصیلات همسر خود را متوسط و متوسطه، و صورت هماهنگی سایر عوامل می‌پذیرند. بنابراین مشاوران و مورد مراجعان خود باید این نکته را مورد توجه قرار بدهند. مواردی دیده می‌شود که مرد با وجود دندون تحصیلات عالی همسر خود را با تحصیلات متوسطه انتخاب می‌کند و مایل نیست که او تخصصی داشته باشد و خارج از خانه شاغل گردد. تمایلات دختر و پسر در مورد سطح تحصیل، در مشاوره همسر گزینی باید مورد توجه قرار گیرد. ولی به هر حال پایین تر بودن سطح تحصیلات دختر در مقابل پسر غالباً مشکل اساسی ایجاد نمی‌نماید.

2- دختر دارای تحصیلات عالی و پسر دارای سواد ندرک و یا تحصیلات در حدود متوسطه سلت. در این حالت ممکن است در زمان ازدواج به علت نکات مثبتی که در پسر وجود دارد، پیوند زناشویی انجام گیرد؛ ولی این تفاوت احتمال دارد به تدریج به علل اشتغال اجتماعی زن و اهل و بی نسبت به شوهر و برعکس سطح حقیقی شوهر در مقابل زن موجب اختلاف شود و زگی شیرین زناشویی ممل به کشمکش و نگرانی و خلاقی گردد. بنابراین مشاور باید علق بچی این‌جانب را به پسر و دختر گوشزد کند و آنان را متوجه سازد که در تمام سطح تحصیل بالاخره ممکن است زمینه‌ای برای اختلاف باشد و آنان باید در انتخاب همسر به این نکته توجه نمایند.



3- حالت دیگر آن است که زن یا شوهر پس از ازدواج درس خوانده و اختلاف سطح تحصیل ایجاد شده باشد و این امر موجب از هم گسیختن و یا به هم خوردن محیط گرم خانواده گردد. در این موارد مشاور باید شوهر را به زندگی پس از ازدواج مجدد و وضعیت زن اول و احیاناً



فرزندان قبلي او توجه دهد و با مقایسه دو حالت عدم ازدواج و ازدواج دوم او را به نابسامانی های حالت دوم متوجه سازد. وانگهی زن را در جهت تطبیق دادن خود با شرایط زندگی جدید شوهر ترغیب نماید و بالاخره زوجین را در جهت این واقعیت که از هم گسیختگی زندگی آنان شرایط بهتری را ایجاد نمی نماید؛ آگاهی دهد.

4- حاکم دیگر موردی است که زن پس از ازدواج تحصیلات عالی می نماید و به فکر جدایی و طلاق می افتد. در این حالت نیز مشاور باید با تشکیل جلسات مشاوره ای با زن و شوهر، به ویژه زن را متوجه زندگی بعد از طلاق و شوهر را در جهت هماهنگ ساختن خود با همسرش توصیه نماید.

5- دخترانی هستند با تحصیلات عالی که به علل مختلف با مردی کم سواد یا بی سواد ازدواج می کنند. هم موردی نگونه دختران و بالعکس پسرانی با این حالت، مشاور باید در انتخاب همسر، آثار و اهداف ازدواج آشنا سازد و به آدنی بینش دهد که هدف ازدواج نه ترحم و ثوب اخروی است و نه افکار غریب و قبی درجهت جلب رضایت والدین و یا حفظ موقعیت آنان. در این صورت مسلماً این گونه دختران و پسران تن به چنین ازدواج هایی نخواهند داد و نتیجه بانواعی های بعد از ازدواج یا باطل و یا هم گسختگی خانواده مواجه خواهند شد.

### گفت و گوی دختر و پسر قبل از ازدواج



از مهم ترین و مؤثرترین راه های شناخت یکدیگر قبل از ازدواج صحبت و گفت و گوی رو در روی دختر و پسر است. لازم و ضروری است که دختر و پسر، " مذاکره ای مستقیم " داشته باشند و وظیفی را بر عهده بگیرند و قدری از طرف دیگر مسائل و ظرات خود را برسی کنند. این گفت و گو باید خونسردانه و با آمادگی قبلی باشد. بین تصمیم گفت و گو و انجام آن، باید فضله بلد را از طرفین بوانند خود را آماده کنند و آنچه را می خواهند مطرح کنند، یادداشت نمایند.

اگر این مذاکرات ، چند جلسه و با فاصله ی زمانی بین جلسات باشد ، بهتر است . به طور کلی ، هرچه " وقت " نیاز دارند ، باید در اختیارشان گذارده شود .

یکی از فایده های مهم این گفت و گوها این است که : از سخنان شخص و صحبت با او ، می توان تا حد زیادی به مکنونات درونی اش پی برد و از احوال و صفاتش آگاه شد .

### امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

" اشد هرچه را در لی و هوش پنهان کند ، از لثی هیز بان و حاک های چهره اش آشکار می شود! "

این یکی از اصول روان شناسی است که امام به این گونه بیان فرموده اند که : مسائل پنهانی و لول درونی انسان ، گاهی از زبان او می پرد و گاهی قیافه و حالات چهره اش به آن گواهی می دهد . و این دریچه ی خوبی برای راه یافتن به درون و ضمیر باطن اشخاص است .

پول و مادران - که سعادت فرزندان را می خواهند - باید آنان را در این مسئله ی مهم یاری کنند و زمینه ی انجام آن را فراهم نمایند و آرامش لازم را برایشان به وجود آورند . مبادا - خدای ناخواسته - از این کار جلوگیری کنند و تعصب بی جا به خرج دهند . این گفت و گو ، از نظر للام و عل ، پسندیده است . مبادا ل اسلام ، دفع توشیم و از پیمو کرم ، مدله ن تر! بسیل دیده ایم که پرو ما و نخو ، ل این گفت و گو ممانعت می کنند و این کوشش را به حسب للام و غیت می گذارند! در صورتی که اسلام و غیرت ، حکم می کند که وسائل سعادت و خوشبختی فرزندان را فراهم کنیم . و این گفت و گو ، در سعادت و تفاهم بین زن و شوهر ، تأثیر به سزایی دارد .

### دستور کار جلسه!

موضوعات قابل طرح در این گفت و گو و مذاکرات ، مختلف است ؛ زیرا افراد ، عقیده ها ، آرمان ها ، هدف ها و خواسته های آنان ، گوناگون هستند . اما بعضی از مطالب ، عمومی است و لازم است مطرح شود و روی آنها مباحثه صورت گیرد . بنابراین بعضی از آنها را بیان می کنیم تا جوان بتوانند از آنها به عنوان "دستور کار جلسه !" استفاده کنند:

### 1- بیان خط مشی کلی زندگی آینده



## 2- گفت و گو درباره اهداف آینده :

دین هدف هلی که قصد دارند در زندگی آینده شان دنبال کنند. هدف ها و آرمان های علمی ، اخلاقی ، اجتماعی ، شغلی و...

3- بیان صادقانه صفات و اخلاق و خصوصیات خود

4- بیان خواسته ها و انتظارات طرفین از یکدیگر

5- بیان نظرات خود درباره ی چگونگی برخورد و رفتار و رابطه با خانواده و بستگان و خویشان یکدیگر

6- طرح نظرات خود درباره ی شیوه ی تربیتی فرزندان آینده

7- بیان عیب ها و نواقص و بیماری های خود (دقت!)

گو نذ توپسر، بیموی اعب و نقدی دلرند صلفقنه و بون کوزیه به یکدیگر بگویند؛ زیرا:

اولاً: اینکار، و لجب است و پرده پوشی و مخفی کردن عیب ها ، " تقلب " و " تدلیس " و کلاه گذاری " و " خیانت " محسوب می شود و حرام است.

ثلیاً: اگر ل اول گفته شود، طرف مقابل ، یا او را با همان عیب می پذیرد و یا رد می کند . اگر پذیرفت ، خود ابروی خلی آن آمهی کند و اورا اندانیدادق و پت قلب و با شهک می بید و عشق را بهل می گود و خود را ه آینده " فب خورده " حساس نواهد کرد . لما اگر گفته نشود و بدون آگاهی طرف، وصلت صورت گیرد، در آینده از آن عیب و صفت بخر خواهد شد خود را " فریخورده " و " خسد لئیده " و هسر و خانواده ی او را " فریبکار " و " خیلتکار " می یند ... ورنه گاه مشکلاتی لوی بهبار خواهد آمد. محبت همسر از دلش بیرون می رود و کینه ی او را به دل می گیرد ؛ زیرا انسان نمی تواند فردی " فریبکار " را دوست داشته باشد. اگر همین عیب و ایراد را قبلاً صادقانه به او گفته بودند، ممکن بود بپذیرد ، اما حالا مسئله فرق می کند.

## توجه!

بعضی از عیبه‌ها و بیماری‌ها و اشتباهات گذشته، که هیچ ربطی به حقوق همسر و زندگی آینده ندارد، لازم نیست بیان شود.

اگر عیو و اشتباهی بوده یا هست و نمی‌دانید به حقوق همسر و زندگی آینده مربوط می‌شود تا بیان کنید، یا مربوط نمی‌شود تا بیان نکنید، در چنین حالتی با "راهنمایی دانا" مشورت کنید.

## شروط و خواسته‌های "ناحق" را نپذیرید!

گاهی مشاهده می‌شود که دختر و پسر قبل از ازدواج شرط‌ها و خواسته‌هایی را برای هم مطرح و بر یکدیگر تحمیل می‌کنند که نالحق است و طرف را از حقوق مسلم و حتمی خود محروم و از او سلب اختیار می‌کند.

این شرط‌ها و خواسته‌هایی را به هیچ وجه نباید بپذیرفت. اختیارات و حقوقی را که خداوند به هر کدام از مرد و زن داده است، نباید با پذیرفتن شرط از دست داد. با خود نگوئید: "غلامی بپذیرم اما جدا علی نمی‌کنیم." زیرا پذیرفتن شرط تعهد می‌آورد. "المومنون عند شروطهم" مؤمنان باید به شرط‌هایشان عمل کنند.

اختیار و حقوق مرد و زن به دو گونه است: "مسلم و واجب" و "غیر واجب". درباره‌ی غیر واجب‌ها می‌شود گفت که با شرط از آنها صرف‌نظر نمود. اما حقوق و اختیارات مسلم و واجب را نباید به کسی واگذار کرد. خداوند از روی حکمت و مصلحت آنها را واجب کرده است و دست‌انداز آنها را خلاصه‌گفت و مصلحت‌گفت و به زندگی لطمه می‌زند و زندگی را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند.

## اهمیت هوش عاطفی در حفظ پیوندهای زناشویی

### هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی (قسمت دوم)



در هفت قلب به بررسی تفاوت هوش علمی و هوش عاطفی و مهارت های هشیاری عاطفی پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

روند متداول ازدواج و طلاق باعث می شود هوش عاطفی بیش از پیش اهمیت پیدا کند. خطر افواش طلاق بیشتر متوجه زوج های تازه ازدواج کرده است. طی سال های اخیر، پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر و نیز مرزهای گدل عاطفی که می توانند بنیان زندگی را از هم بشکافند، با دقتی بی سابقه مورد بررسی قرار گرفته اند. شاید بزرگ ترین پیشرفت برای فهم عواملی که یک زوج را حفظ می کند یا آن را از هم می پاشد، با استفاده از ابزارهای دقیق فزونی و روشی حاصل شده است. این ابزار هلدیبه لحظه به لحظه تفکرها و نظریات حساسی میان زن و شوهر را میسر ساخته اند. اکنون دانشمندان قادرند کوچک ترین تغییر و تحول و میزانی آنرا با فشار خون یک شوهر را تشخیص دهند و جزئی ترین عواطف را و چهره های یک زن مشاهده کنند. این اندازه گیری های فیزیولوژیک، نوعی تفاوت بیولوژیک پنهان را به عنوان مثال بروز اختلاف میان زن و شوهر آشکار می کند؛ یک اختلاف سطح بحرانی و قلبی است که بر زن و شوهر ناخسوس است یا مورد بی توجهی واقع شده است. این اندازه گیری ها همان نیروهای عاطفی را که قادر به حفظ یا نابودی یک رابطه مشترک اند، در معرض دید قرار می دهند. مرزهای عاطفی، تفاوت میان دنیای عاطفی دختران و پسران را نشان می دهد.

و بدین روش تفاوت های زناشویی مشاهده می شود که مرد از خواست های « غیر منطقی زن شکایت می کند و زن از " بی تفاوتی " مرد نسبت به آنچه او می گوید ناله سر می دهد. ریشه ی این تمایزات عاطفی را، علیرغم آن که بخشی از آن ممکن است بیولوژیک باشد - می توان در دوران کودکی و تفاوت نیای عاطفی که دختران و پسران در آنها رشد می کنند، ردیابی نمود. چرا که به دختر و پسر در مورد کنترل عواطف خویش درس های بسیار متفاوتی داده می شود. به دختران راجع به عواطف اطلاعات بیشتری داده می شود تا به پسران و با پسران بیشتر در مورد نتایج احساساتی مانند خشم، صحبت می شود.

« لدی برودیم» و « جودیت هال» که در زمینه ی تفاوت های عاطفی میان دو جنس مذکر و مؤنث تحقیق می کنند اظهار می دارند که چون دخترها در به کارگیری زبان خیلی سریع تر از پسران سواهمه مت پیدامی کنند، بنابراین با فصاحت بیشتری می توانند احساسات خود را بیان کنند و همچنین بهتر از پسران می توانند واکنش های عاطفی را جایگزین جنگ های تن به تن کنند. برعکس، پسران چون هیچ تأکیدی بر توصیف احساسات خود ندارند احتمالاً از وضعیت عاطفی خود و دیگران بی خبرند. پسران انتظار می رود که در موقع زمین خوردن گریه نکنند و باخود خود رزمی بکنند اما دخترها بازی را برای کمک به فرد صدمه دیده متوقف می کنند.



کرد؟ درجه بقتضوعتاضل ملئت دادد فك راطه ي ز نثويي نو هيتربيت  
 وزندل، يامقدر سب لداز و قرض هيچ كدام نمي توانند باعث تحكيم يا متلاشي شدن پيوند  
 زناشويي شوند، بلكه عاملي كه سرنوشت يك زندگي مشترك را رقم مي زند اين است كه زن و  
 شوهر چگونه راجع به رنجش ها و دلخوري ها و مسائل آزار دهنده ي فيما بين ، بحث و گفت  
 و گو مي كنند. حتي توافق در مورد اين كه چگونه مخالفت خود را ابراز كنيم مي تواند راهي  
 بري بقرلي زندگي زناشويي باشد. زن و شوهر بايد در هنگام برخورد با احساسات و عواطف  
 سخت و انعطاف ناپذير يكديگر ، بر تفاوت هاي دروني مربوط به جنسيت خود غلبه كنند.

## تأثير عوامل اقتصادي در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هفتم )



در قسمت قبل به نقش ميزان تحصيلات در ازدواج پرداختيم . اينك در ادامه مي خوانيم ....  
 مدالی اقصيي مي تواند عالی اخلاف و زندگي ز نثويي بشلد . بعدا مختلفي كه در اين  
 زمينه مطرح مي شود؛ عبارت اند از:

1- مسكن؛

2- وسائل زندگي؛

3- هزينه هاي رفاهي و معيشتي.

هر يك را مكلت فوق برزديكي نشق مهني دارد كهنبودي اكهبود آه اي واند عمل  
 اختلاف و ناخشنودي گردد.

نكته مهمو اينجا آن است كه لختلاف سطح اقتصادي در دو خانواده كه قصد ازدواج دارند،  
 بايد مورد توجه قرار گيرد. پسر جواني كه در يك خانواده فقير بزرگ شده و فرضاً تحصيلاتي  
 هم دارد، مي تواند زياد خانواده مرفهراقناعند. ان نخر و يزندگيا  
 لكاذك زياد بزرگ شده و توقعاتي كه در خانه شوهر دارد در همان سطح است و چون چنين

ضعیتی در خانه شوهر خواهد داشت، تمایل هر زن و نواحتی وجود دارد. بنا بر این باید و زمینه ملکات مالی و عرفاً مخلوطه و زمانی انطباق هر توجه خاص مبذول گردد.

### 1- نقش مسکن در زناشویی

نقدن عملی که و مدله ازدواج مطرح می شود، عالی مسکن است. هر خانواده به یک واحد مسکن مستقل نیاز دارد. داماد یا عروس سرخانه شدن، یا زندگی مشترک با خانواده بود ماوند پیش از آنکه هی آنها و دیگر خویشاوندان، و در نهایت اختلاف و نگرانی است. از آنرو قبل از ازدواج، باید موضوع مسکن حل شود. بیشتر زوج های جوان و پسران ترجیح می دهند و لو بویک طاق، مستقل زندگی کنند. بنابراین منظور از مسکن، داشتن آپارتمان یا خانه بی مجلل نیست. البته اگر امکان مالی باشد، مانعی ندارد. اما در حالتی که وسیع مالی نباشد، آنچه مهم است استقلال در مسکن است؛ و لو بویک آپارتمان بسیار کوچک و یا به صورت استیجاری.

بعضی از همسران طرار دارند با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در یک خانه زندگی کنند و برخی از آنها حتی این مورد را جزء شرایط ازدواج خود قرار می دهند. در این مورد باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت چنین وضعی به ناراحتی و اختلاف منجر خواهد شد. بنابراین طرفین باید سعی کنند این سنت ها یا شرایط را بشکنند و از گام اولی چنین مشکلی بین پله ها بپوشانند و از نو باید از قبول چنین شرایطی، امتناع ورزد.

### 2- وسایل زندگی

در ابروم معمول دختر جهیزیه بی شامل ویالی زندگی بلخود بخانه بخت می پرد. چنانچه شوهری مددکم بونچه زیاده بقدری کند و آنرا وسیله ای بر بی تغییر هوش قرار دهد زمینه ناسازگاری را فراهم می آورد. باید از اولی با سادگی شروع کرد و صرفاً وسایل اولیه را تهیه نمود. آنچه مهم است صفا و صمیمیت و هماهنگی اخلاقی و فرهنگی است. درست است که اقتصاد در زندگی نقش مهمی به عهده دارد، ولی نباید اساس و پایه زندگی زناشویی قرار گیرد.

وسایل زندگی را می توان به دو بخش تقسیم کرد. وسایل اولیه و ضروری و وسایلی که جنبه رفاهی و تجملی دارد. بعضی خانواده ها با وسایل عادی نظیر یخچال و تلویزیون و فرش های ارزان یا متوسط قیمت و سایر وسایل مورد نیاز، زندگی را می گذرانند. ولی برخی دیگر زندگی لوکس و مرفه و وسایل مدرن و گرانبها در اختیار دارند و همیشه از آخرین مدل لباس، اتومبیل و مبل، فرش های گران قیمت و وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی استفاده می نمایند. دختر و پسر جوانی که در دو زندگی متفاوت بزرگ شده اند، سازش آنها در زندگی جنبه تصادفی دارد و احتمالاً با مشکلاتی مواجه خواهند بود. پسر جوانی که درآمد کافی



برای تهیه وسایل برای بزمی زندگی برلی خرق چنین خانواده ای ندارد؛ دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می گیرد و چه بسا که زن، خانه و کاشانه خود را ترک کند و شوهر را تنها بگذارد یا او را در فشار روانی یا عدم سازش قرار دهد و یک عمر زندگی را با او بگذرد و نشناسد. باوان قبل از ازواج و انطباق همباین شرایط زندگی او مورد توجه قرار گیرد.



### 3- هزینه های رفاهی و معیشتی

و جملهاً تماماً تأمین هزینه های زندگی به عهد شوهر است. بعضی از دختران ملاک ازدواج امر اول و آمدن پسر قرار می دهند تا بتوانند هزینه های زندگی را در یک سطح عالی تأمین نمایند. گاه توقع زیاده‌جویی شوهر کرده بوجود دانش اطمینان، از ازدواج ضد شود. بنا برین توقع دختری باید وحدت‌آمیزی پسرو وسع‌مندی او باشد و دختری بوقولی از ازواج، شرایط شغلی و آمدن و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم‌گیری نمایند.

### ریشه اقتصادی اختلاف های زوجین

- 1- نداشتن مسکن و ناراحتی زوجین از اجاره نشینی یا سکونت در محل های نامناسب.
- 2- بود زنی که بردنی بی‌صنعتی و یا نیمه‌صنعتی وارد بازار کار شده اند، برای خانواده مطرح است؛ و از آنجا که تأمین هزینه خانواده و نفقه زن بر عهده مرد است، اکثر اوقات بین زن و مرد در هزینه کردن درآمد زن اختلاف وجود دارد؛ و گاه مشاجره و ناسازگاری در پی می‌آورد.
- 3- چون زن به وقت خود را در خانه می‌گذراند و به علاوه کار آشپزی و نظافت و سایر امرخانه به عهده او است لذا رغبت زیادی به استفاده از وسایل مدرن نشان می‌دهد و فشار زیادی برای خرید آنها به شوهر وارد می‌کند و چون غالباً تهیه آنها برای شوهر میسر نیست، اختلاف و ناسازگاری پیش می‌آید.

- 4- بالا بودن هزینه های زندگی و احتمالاً مهمانداری از خانواده های وابسته.
- 5- شوهرانی که به خاطر ثروت زن با وی ازدواج کرده اند و در عمل زن ثروت خود را در اختیار آنان نمی گذارد.
- 6- رفاه طلبی یعنی زنی که بدون توجه به درآمد شوهر به خریدهای غیر ضروری می پردازند.
- 7- زدن بلد رفلکاری که قندک صوفه جیپو بی لئن طح نیت و در مهملی و صوفیل و ق و ترفوسایرو ل دویزه یاز بی به خانوله تخلی می کند، موجبات نارضایتی و در نتیجه ناخشنودی همسر خود را فراهم می کنند.
- 8- شوهری که زیر بار هزینه های خانواده، کمرش خم می شود؛ مجبور است به شغل دوم و سوم روی آورد و نتیجه ه شیخستو صبدانی سله ؛ وم مکن امتدخه بالمدک به انه بی بهر فتارهیل خدویت لمز متویل گردد. این امر اثرات سوء تربیتی روی فرزندان می گذارد. در خانواده های دو شغله اعم از این که زن شاغل دو شغل باشد یا مرد، مشکلات زندگی بیش از خانواده یک شغله است.
- 9- تعالی بوجه و کتول مخلج خانواده درز ندگی زندوپی نشق مهی ایفا می کند. زیاد خج کونو و گرفتاری های ناشی از آن، صمیمت را در خانواده از بین می برد و به لفت ل هم گدیخ خانواده می گردد. بدو ان باید هزینه ها تحت کنترل باشد. این که چه کسی این کار را انجام دهد، زن یا مرد، به توافق و قدرت مدیریت اقتصادی آنان بستگی دارد.
- 10- مخفی نگاه داشتن درآمد زن و شوهر از یکدیگر.

11- در کشور ما پدر و مادر تا پایان عمر به فرزندان خود وابسته اند. یکی از موارد وابستگی آن است که چنانچه در زمان پیری از کار افتاده و از نظر مالی در مضیقه باشند، از فرزندان خود توقع کمک دارند؛ و شرعاً نیز نفقه پدر و مادر نیازمند و از کار افتاده به عهده فرزند پسر است. در چنین حالتی پدر یا ختر مؤلف است هزینه زندگی پدر و مادر پیر خود را تأمین کند. گاه همسر زن تیره به دوران رسیده و یا کم ایمان، در قبال این کمک بنای ناسازگاری می گذراند و اظهار می دارند که همسرشان نباید از دهان بچه ها بگیرد و خرج پدر و مادر خود کند. در این موارد باید حد تعادل حفظ گردد و در صورت ضرورت برای قانع کردن و توجیه همسران از مشاوران و روحانیون کمک گرفته شود.

#### وظایف مشاوران در قبال مشکلات اقتصادی خانواده

شماره قبیل مشکلات ازدواج و مسائل اقتصادی خانواده پیش از هر چیز باید جنبه های روانی امر را و نظر بگیرند و واقعیتها و شرایط موجود را مورد توجه قرار دهند. اهم فعالیت هایی که مشاوران در این زمینه می توانند انجام دهند به شرح زیر است:

1- خ ترو پيوي كصق زو پو لرد ، بايد دجريان ملكه ماليه قوت قصادي يكدگر قرار گيرند. آنچه در وهله اول اهميت دارد وضع مسكن و ميزان درآمد ماهانه پسر مي باشد كه دختر بايد اطلاعات لازم را در اين مورد كسب كند. يكي از موارد دي كه دختران را به نسلزگاري مي كشاند، آن است كه پسر قبل از ازدواج ، خود را صاحب امكانات معرفي كند و بعد ز دو بلج مشغص مي شود كه پو آه و بدظندارد. از همان زمان، پايه ناسازگاري و عم ظمينل گذاره مي شود. زگي كهرد پو عدصداقت گدله شه فجام هي نو اهد دتلت. مشاوران بايد در مورد اهميت بررسي وضعيت مالي پسر و ميزان صداقت او طاعت لار را به دختر بدهند و به آنان متذكر شوند كه با تحقيق كافي در اين زمينه تصميم بگيرند.



2- خافي كه شاغل است و درآمد ماهانه دارد قبل از ازدواج بايد وضعيت خود را با همسرش روشن كند. او بايد مشخص سازد كه درآمد شخصي خود را در اختيار شوهر خواهد گذاشت يا خير. اين موضوع موجب خواهد شد كه همسرش سبب ازدواج وان مورد توقع بي جا نلدته باشد. جعي زا شوهران حطوبه ادامه تحصيل يا كار همسرشان در خارج از خانه نيستند. اين مسائل بايد قبل از ازدواج مشخص ، و جزء شرايط عقد ملحوظ گردد. در اين زمينه مشاوران بايد اطلاعات لازم را به مراجعان خود بدهند.

3- بي ضي از خانواده ها اولن عاملي اكه ه زنگي زناشويي مورد توجه قرار مي دهند، ميزان آمد و ثوت طومقالي سلت. توجه اف طي به اين عامل و نادیده گرفتن عوامل ديگر بذي ازدواج او ملد يك لدقور مي سازد و به احتمال زياد ناهماهنگي هاي اخلاقي و فرهنگي را پديد مي آورد و موجب اختلاف و ناشادي در زندگي زناشويي مي شود. ضيفه مشاوران اين است كه به مراجعان خود در مورد مسائل اقتصادي ازدواج ، آگاهي دهند

و در عین حل اهمیت عوامل دیگر را نزیبه آنرا تفهیم نمایند ؛ و متذکر گردند که مسائل اقتصادی نباید موجب شود که اهمیت عوامل دیگر را مورد غفلت قرار دهند.

4- مشاوران باید اطلاعات لازم را در مورد عوامل اقتصادی که موجب اختلاف و ناسازگاری می شود ، و رفتار زوجه را دهند . جمله مورایی که با بدخلمها بد آن توجه نمایند عبارت اند از :

- پایین آوردن سطح توقع در حد درآمد خانواده؛

- جلوگیری از اسراف و هزینه های غیر ضروری؛

- تنظیم هزینه ها بر اساس درآمد بدون تحمیل شغل دوم و سوم به همسر.

مشاوران باید قبل از ازدواج حدود توقعات و شرایط زوجین را از نظر مالی بررسی نمایند و قیده انجام ازدواج را محدود به توانایی نلیند که فاصله در این زمینه زیاد نباشد. در این حالت با تشکیل جلسات مشاوره ای و توجیهی ، امکان هماهنگی وجود خواهد داشت.

### تأثیر عوامل اخلاقی و روانی در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هشتم )



در قسمت قبل به نقش عوامل اقتصادی در امر ازدواج پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

عوامل مؤثر در ازدواج هر یک در جای خود مهم است؛ ولی مهمتر از همه، عوامل اخلاقی و روانی است. بسیاری از کسانی که ازدواج هایشان از هم گسیخته است؛ علت را عدم توافق اخلاقی ذکر می کنند. هر چند ممکن است این سرپوشی برای

پوشاندن سایر عوامل باشد ولی واقعیت این است که "عدم توافق اخلاقی" محکمترین ضربه را بر پیکر خانواده می زند.

عوامل اخلاقی و روانی که در ازدواج نقش مؤثر دارند ، به دو دسته تقسیم می شوند:

### **الف: عوامل توفیق و حفظ زناشویی**

عوامل اخلاقی و روانی متعددی در توفیق و حفظ زناشویی مؤثرند، و باید قبل از ازدواج در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرند. مواردی دیده شده است که خصوصیات اخلاقی افراد تحت تأثیر پیشآمدها و مشکلات زندگی تغییر کرده و زندگی شیرین خانوادگی به تلخی و تباهی کشیده شده است. بنابراین ثبات در ویژگی های اخلاقی و شخصیت از عواملی است که در ازدواج نقش مهمی به عهده دارد.

عوامل توفیق در زناشویی علاوه بر آن که در انتخاب مهم است ، در حفظ و تداوم زندگی نیز اهمیت دارد. از این رو فردی که همسر مناسبی اختیار کرده ، باید متوجه باشد که بزرگترین نعمت در زندگی نصیبش شده است. او باید در نظر داشته باشد که نگهداری و حفظ نعمت ، از به دست آوردن آن مهم تر و مشکل تر است.



### **مهمترین عوامل توفیق و حفظ زناشویی:**

**1- حوصله و بردباری:** حوصله و بردباری در زندگی زناشویی از اهمیت خاصی برخوردار است. کسانی که در قبال مسائل خانوادگی و اختلافات بین خود و همسرشان حوصله به خرج نمی دهند و پس از کوچکترین موضوع مورد اختلاف ، عکس العمل نشان می دهند ، زندگی زناشویی را به طرف ناسازگاری و ناشادی پیش می برند.

**2- صمیمت و صداقت:** پایه و اساس زندگی خانوادگی است. چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا به دروغ متوسل شوند، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و زندگی زناشویی با مشکل مواجه می گردد.

**3- خلوص:** منظور از خلوص ، سادگي ، پاكي و بي آلايشي است. اگر بين زن و شوهر ربا و تظاهر حکمفرما باشد ، زندگي صفا و صميميت خود را از دست خواهد داد. رباکاري و تظاهر به مهرباني و صداقت بدون آن که واقعيت داشته باشد ، بنياد زناشويي را سست خواهد کرد.

**4- مهرباني:** زن و شوهر بايد يکديگر را دوست داشته باشند؛ و نسبت به هم مهربان باشند؛ در غم و رنج يکديگر شريک ، و در همه حال ياريگر هم باشند.

**5- از خود گذشتگي:** در زندگي زناشويي چنانچه گذشت نباشد زندگي به سختي مي گذرد. بنابراین زن و شوهر بايد در مقابل يکديگر گذشت داشته باشند و وضعي پيش نياورند که با لجاجت ، زندگي را بر خود تلخ کنند. همسران خوشبخت سعي مي کنند در همه امور زندگي و باورهاي خود هماهنگ باشند. زن و شوهري که در موارد اختلاف ، از خود گذشت نشان مي دهند و خطاهاي يکديگر را تحمل مي کنند ، در جهت سعادت و زندگي شاد و شيرين زناشويي پيش مي روند. چنانچه روابط بين همسران صميمانه باشد، هيچ کدام از طرفين انتظار ندارد در ازاي از خود گذشتگي، چيزي دريافت دارد. اين امر نشانه عشق و صميميت زياد بين آنهاست. فقط زوج هاي ناموفق در اندیشه جبران خوبي هاي خود هستند.



**6- صميميت:** صميميت حالي است که بين زن و شوهر پرده و حجابي نباشد. آنچه در دل دارند بگویند و يار و غمخوار يکديگر باشند و در اين زمينه از صميم قلب عمل کنند. صميميت اينه اي است که آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعکس مي شود. صميميت هميشه با نرمي همراه است و حتي اعتراض و خشونت چنانچه با صميميت همراه باشد مشکلي ايجاد نخواهد کرد.

**7- اعتماد و اطمینان:** يکي از پايه هاي مهم زندگي شاد و خوشايند، اعتماد و اطمینان زن و شوهر نسبت به يکديگر است. زندگي زناشويي که در آن اعتماد حاکم نباشد

نتیجه اش اضطراب و نگرانی و بدبینی و بالاخره نابسامانی است. اگر پایه اعتماد و اطمینان در خانواده ای سست باشد؛ زندگی از نظر روانی وضع نامناسبی پیدا خواهد کرد. بنابراین رفتار و حرکاتی که ممکن است از طرفین سلب اعتماد کند؛ باید کنترل شود و ترتیبی فراهم گردد که زوجین از جمیع جهات نسبت به یکدیگر تفاهم کامل داشته باشند.

**8- نظم و انضباط:** یکی از عواملی که همیشه بین زن و شوهر منجر به بحث و گفتگوی اعتراض آمیز می شود، عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه است. زن یا شوهری که جوراب و لباسش وسط خانه افتاده باشد ، و یا نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند، مورد اعتراض قرار می گیرد. زمانی که هر دو طرف بی نظمند شاید مشکل کمتر باشد. ولی اگر یکی منظم و منضبط و دیگری بی قید و بی نظم باشد، مشکل بیشتر خواهد بود.

**9- همکاری:** بیشتر امور خانه نیاز به همکاری دارد. این همکاری ، ممکن است جنبه غیر ذهنی داشته باشد؛ مانند کمک در انجام امور خانه از قبیل شستن ظروف، خرید لوازم مورد نیاز، جارو کردن و ... ؛ و ممکن است جنبه ذهنی داشته باشد مانند همفکری برای رفع مشکلات و گرفتاری های مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان و مشابه آن. زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند تا مشکلات خانواده حل گردد. آنچه به بی سر و سامانی خانه و خانواده می انجامد ؛ خود رایی و عدم احساس مسئولیت یکی از طرفین است.

**10- سازگاری:** وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روانی و رفاه دگرگونی هایی داشته باشد. مثلاً نان آور خانه شغل خود را از دست بدهد و درآمد خانواده کم شود یا شغل او تنزل پیدا کند و یا با رویدادهای پیش بینی نشده دیگری مواجه گردد. در این مواقع چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند، بقای خانواده تضمین می شود ؛ در غیر این صورت احتمال از هم پاشیدگی خانواده می رود.

**11- تعهد:** زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند باید به تعهدات خود در طول عمر زناشویی پایبند باشند و همواره در نظر داشته باشند که عدول از تعهدات زناشویی از عواملی است که ریشه های این پیوند مقدس را سست می کند.

**12- سخاوت:** خست هر یک از طرفین از عواملی است که ادامه زندگی را برای آنها مشکل می کند؛ مرد باید در اقتصاد خانواده میانه روی را اختیار کند و همسر خود را در هزینه های زندگی بیش از اندازه محدود نسازد. زن و مرد باید بین اسراف و خست ، نقطه میانه روی و اعتدال را انتخاب کنند و در این زمینه با هم هماهنگ شوند. دادن کادو و چشم روشنی به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانوادگی را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد.

**13- وفاداری:** زن و شوهر آنچه لازمه همسری است باید تا آخر عمر، مورد نظر قرار دهند و حقوق همسر خود را رعایت نمایند. تعهد و وفاداری دو خصلت حمیده است که ستون های کاخ زناشویی را تشکیل می دهد. همسران متعهد به رعایت حقوق یکدیگر

تا پایان عمر به هم وفادارند و به هیچ وجه از وظایف و مسئولیت هایی که در این زمینه پذیرفته اند شانه خالی نمی کنند.

**14- احساس مسئولیت:** عدم احساس مسئولیت زن و مرد در امور خانه و زندگی یکی از عواملی است که می تواند زندگی زناشویی را با بحران مواجه سازد. بنابراین هر یک از زوجین باید در حدود وظایفی که در روابط با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت نمایند و نسبت به انجام آنها با جدیت اقدام کنند.

**15- مودت و حسن تفاهم:** یکی از عوامل حفظ و گرمی زندگی، مودت و حسن تفاهم بین زن و مرد است. زن و مرد برای آن که از لذایذ زندگی برخوردار باشند، باید نسبت به یکدیگر در حد اعلائی دوستی رفتار کنند و رفتار و روابط خود را براساس حسن تفاهم استوار نمایند.

**16- انعطاف پذیری:** گاه عواملی موجب اختلاف هایی بین همسران می گردد. در اینجا حل مشکل با انعطاف پذیری است. با انعطاف پذیری زن و مرد می توانند در جهات و ابعاد مختلف تنش های موجود را کاهش دهند ، و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند، زیرا گذشت حالتی از انعطاف پذیری است و این امر نقش مؤثری در استحکام بنای زناشویی دارد.

## **ایا نقص در هوش عاطفی ، زندگی زناشویی را دچار آسیب می کند؟**

### **هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی ( قسمت سوم )**



«گتمن»، روان شناس دانشگاه واشنگتن، موشکافانه ترین تحلیل ها را در مورد چسب عاطفی که زوج ها را به هم پیوند می دهد و هم چنین احساسات مخربی که زندگی



زناشویی را از هم می‌پاشد به عمل آورده است و این کار را از طریق گوش دادن و مشاهده نوارهای ویدیویی از روابط زوج‌ها انجام داده است.

او دریافته است که یکی از نخستین پیام‌های هشدار دهنده، در مورد در خطر بودن زندگی زناشویی، انتقاد تند و بیرحمانه‌ی طرفین از یکدیگر است. در یک رابطه‌ی زناشویی سالم، زن و شوهر به طور آزادانه از هم انتقاد می‌کنند. اما غالباً در لحظات خشم است که گلایه‌ها به روشی مخرب و به شکل تهاجم به شخصیت همسر بیان می‌شوند. در صورتی که می‌توان به جای حمله کردن به طرف مقابل، با اعتماد به نفس احساسات خود را بیان کرد.

بدتر از همه، انتقاد همراه با تحقیر و تنفر است که این را می‌توان از کلمات و حالات غیر کلامی مثل پوزخند زدن، کج کردن لب به علامت تحقیر یا گرداندن چشم‌ها نشان داد. بدیهی است که بروز هر از چند گاه تنفر، هیچ پیوندی را متلاشی نمی‌کند، ولی این گونه ضربه‌های عاطفی همانند سیگار کشیدن و افزایش کلسترول خون که عوامل خطرناک برای بیماری‌های قلبی‌اند، هر چه مدت و شدتشان بیشتر شود، خطر آنها نیز افزایش می‌یابد و در جاده‌ی منتهی به طلاق، یکی از این عوامل، به طور زنجیره‌وار، دیگری را به دنبال می‌آورد.



وقتی که حمله‌ای از جانب یکی از طرفین صورت می‌گیرد، طرف مقابل پاسخ «جنگ یا گریز» را در اختیار دارد. بدیهی‌ترین پاسخ، جنگیدن متقابل است که معمولاً به یک مسابقه‌ی بی‌حاصل داد و فریاد منتهی می‌شود. اما پاسخ دیگر - یعنی گریز - ممکن است مضرتر باشد، به ویژه وقتی که با حربه‌ی سنگین سکوت انجام شود. سکوت، پیامی سردکننده، پرقدرت و آمیزه‌ای از بی‌میلی، فاصله و برتری، و ویران‌گر سلامت رابطه است.

مکالمه‌های درونی و اندیشه‌های افراد که در پس‌زمینه‌ی ذهن جاخوش کرده‌اند بسیار قدرتمندند و سیستم هشدار دهنده‌ی عصبی را به اشتباه می‌اندازند. وقتی فرد خود را قربانی زندگی بداند، به سادگی فهرستی از اعمال و رفتار همسرش را به خاطر می‌آورد که تداعی‌کننده‌ی قربانی بودن اوست و کارهای محبت‌آمیز او را نادیده می‌گیرد. افکار مسموم، عواطف را در چنگال خود می‌گیرند و نگرش‌های بدبینانه باعث می‌شوند فرد، همسر خود را فطرتاً بدذات و غیر قابل‌تغییر بداند، اما نگرش‌های خوش

بینانه و مثبت، شرایط را قابل تغییر جلوه می دهند. نگرش بدبینانه، اندوه بی امان را به ارمغان می آورد و نگاه خوش بینانه آرامش و تسکین.

در بین زن و شوهرها گاهی مشاجره هایی پیش می آید که منجر به طغیان می شود. زنان و شوهران پرخاشگر آن چنان در بدبینی نسبت به همسرشان غرق می شوند که در باتلاق احساسات وحشتناک و غیر قابل کنترل فرو می روند. در این حالت نه می توانند حرف ها را بدون تحریف بشنوند، نه می توانند با فکر باز و روشن به چیزی پاسخ دهند و نه می توانند به افکار خود نظم دهند، در نتیجه به واکنش های بدوی متوسل می شوند. البته آستانه ی طغیان برخی از افراد بسیار بالاست و به راحتی در مقابل خشنوت و تنفر مقاومت می کنند (مثل یک انتقاد ساده از سوی همسر).

در هنگام پرخاش ( طغیان ) ، تعداد ضربان قلب به 10 یا 30 بار بیشتر از حالت عادی می رسد و در بدن مقداری آدرنالین و چند هورمون دیگر ترشح می شود که رنج و اندوه را برای مدتی افزایش می دهد؟ عضلات کشیده می شود ؛ تنفس مشکل می گردد؛ باتلاقی از احساسات مسموم، ترس و خشم ناخوشایند به وجود می آید که گریز از آن ناممکن است ؛ اندیشه به قدری مغشوش می شود که امکان حل و فصل منطقی مسائل از بین می رود. فرد در این حالت مشکلات را غیر قابل حل می بیند. وقتی زن و شوهر در چرخه ی تکرار شونده ی انتقاد و تنفر، دفاع و سکوت سهمگین، اندیشه های اندوهبار و طغیان عواطف گرفتار می شوند، در زمینه ی خودآگاهی عاطفی، همدلی و توانایی آرامش بخشیدن به یکدیگر و خود ، دچار ناهماهنگی شده اند.

شوهرها در مقایسه با زن ها آمادگی طغیان بیشتری در برابر انتقاد از سوی همسران خود دارند. در هنگام طغیان آدرنالین بیشتری در خون مردها ترشح می شود و آنها در مقایسه با زن ها در برخورد با سطح پایین تري از رفتار منفي شروع به ترشح آدرنالين مي کنند و به همین دلیل بهبود طغیان از نظر جسمانی در شوهرها بیشتر از زن ها طول می کشد.

## رابطه ی بین هوش عاطفی و سلامت روانی

### هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی ( قسمت چهارم )



یکی از عذر هوش منطقی، تفکر مثبت است. در مورد رابطه ی میمیدل خوشبینی و بهداشت روانی، پژوهش هلی انجام گرفته است. خوشبینی به آن لقب داده می شود که در زندگی فرد عموماً امور خوب (در

مقابل امر برد) اتفاق می افتد. خوشبینی موجب حرکت به سوی هدف، و بدبینی، موجب دور شدن فرد از هدف می شود. خود بینی و کنول آمدن با استرس، نقش واسطه ای مهمی دارد. زمانی که افراد سعی دارند با استرس به هورت یک مسئله مقابله کنند، خوشبینی بیشتری در مورد حل مشکل خود دارند. افراد خوشبین از شیوه های مقابله ای فعال استفاده می کنند. تحقیقاتی که در مورد رابطه ی بین روان رنجور (معادل Psychoneurosis که به ناراحتی روانی و حالت همدی پلاق می شود) که ای و حالت عاطفی مثل اضطراب، افسردگی، هم، نوتو ح قک انجام شده است، نشان می دهند که این حالت های عاطفی منجر به ایجاد دیدی منصفیت به دنیا و خود فرد می شود. همچنین میان رضایت شعلی و رضایت زناشویی و استرس و تعارض حسل شده توسط فرد رابطه وجود دارد. در بین افرادی که دچار حالات هیجانی منفی اند، گزارش های زیادی در مورد شکایت جسمانی وجود دارد.

توجه هایی و مورد برداری فکر ( یعنی سعی در فکر نکردن به بعضی مسائل، هیجانات و ...) و تأثیر آن بر سلامت روان انجام گرفته است که نتایج آنها نشان می دهد باز دلی، میب اف نل فکر کردن در مورد مسائل بزرگ شده می شود. لی احمد سل یا هیجان باز داری شده نسبت به حالت بیان آزاد، بیشتر تحریک کننده زبان بیگانه بزرگ را تقلید می - ج می تولد می لاد میا فنتروا کلس هله یجانی نولسته نلد. باز داری فکر مکن لمدت بخش ضروری ایجاد فیبا ( هراس) ، وحشت زدگی و اضطراب نامتد طلب نلد. بزرگ داری هیجانی ( چه خود آگاه و چه ناخود آگاه) در سلامت روانی مؤثر است. استفاده از حمایت های اجتماعی و سطوح مطقی تنظیم هیجانی عموماً برای سلامت روانی فرد، مفید و مثبت است. تلاش برای سرگرمی، وقفه یا انکار هیجان ها موجب تشویش درونی و تعارض می شود و بهداشت روانی فرد را به خطر می اندازد.

بنابراین وجود فضای آزاد در خانواده برای بیان احساسات و هیجانات و بیان افکار، موجب افزایش سلامت روان می شود زیرا بزرگ داری و ل مدت موجب گسترش بیماری های روان - تنی (1) می شود. تحقیقات نشان داده است که نوشتن تجارب دردناک در طول درمان، بر سطح سیستم ایمنی، سطح فشار خون و اندوه ذهنی افراد، مؤثر است.



شاید قطع کننده زن دله هادر مرد له میت عواهل، ل تحقیقات گسترده و عمیقی که بر روی چند هزار نفر مردون انجام گرفته است، حاصل شده است. نتیجه ی این بررسی ها باقی طبعی تأیید می کند که عواطف نگول کننده تا اندازه ای برای سلامت بدن مضرند. کسانی که دچار نگرانی مزمن، دوره های طولانی مدت غم و اندوه، بدبینی، تنش مداوم، یا تنفر و کینه توزی دائم و سوء ظن شدید هستند، دو برابر افراد عادی در معرض ابتلا به بیماری های قلبی، سردرد، زخم دستگاه گوارش و بیماری های قلبی قرار دارند. خطر عواطف منفی برای این نوع بیماری ها، مثل خطر سیگار کشیدن یا کلسترول بالا برای بیماران قلبی است.

این تحقیق آملی هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد که هر سکی در لی و ط مزن و یخیمی که بر شمردیم باشد، مستند ابلا به بیماری سلت. نگوا نی و ضلطراب - گفتاری نثلی از فشارهای زندگی - شاید احساسی است که بیشترین شواهد علمی در مورد ارتباط آن با بروز بیماری وجود دارد.

به نظر می‌رسد کیفیت روابط با دیگران به همان اندازه‌ی کمیت آن‌ها، برای مقاومت در برابر فشارهای روحی مهم سلت. روابط منفی، عواقب خل خود را بپی دارد. ویل متل بخت و جدل‌های زناشویی، بر روی سگ‌اه ایمنی بی تأثیر مقی و جی بی‌گذارد. تحقیقی که بر روی دانشجویان هم‌اتاق در یک کالج صورت گرفت، شیل داده‌ها فر آنها بیدتو ل همدیگر متنفر بودند، بیشتر در مقابل سرماخوردگی و آنفلوآنزا حساسیت داشتند و بیشتر به پزشک مراجعه می‌کردند.



جن کلسپیو ووشنل دانشگاه اوهایو که تحقیق فوق را انجام داده است می‌گوید: «آدم‌هایی که در زندگی روزه با آنها شفت و دخلت می‌کنید، شش مهمی در سلامت شما ایفا می‌کنند و هر قدر این روابط معنی دارتر باشد، تأثیر آنها بیشتر خواهد بود.»

1- روان - نی : (SomaticPsychic) یعنی گله بیدملی جسمی، روح و روان را یکدیگر پی‌سود و نگاه بر عکس. مفهوم ضمنی اصطلاح این است که اختلالات جسمی و روانی تأثیر متقابل بر هم دارند.

## مواردی که در زندگی زوجین سبب اختلاف می‌شود

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت نهم )



ب: ویژگی‌های فردی که در امر زناشویی نقش منفی دارد.

1- **خست:** یکی از مواردی که زندگی زناشویی را سخت و مشکل می سازد؛ خست است.

و این مورد سه حالت اتفاق می افتد؛ نخست وضعیتی که زن و مرد هر دو خسیس هستند که در این حالت مشکل روانی ندارد؛ ولی زندگی و فی خولند داشت. و حالت دیگر آن است که زن یا خسیس باشند. در این دو حالت زندگی هم از نظر روانی و هم از نظر رفاهی برای دو طرف شرایط سختی خواهد داشت.

2- **عصبانیت:** زن یا مرد صدبانی زندگی را و دیگری شواری سازد. حساسیت های بی مورد و پرخاش و تهن و بی احترامی صفات مذمومی هستند که علاوه بر آن که طرف مقابل را ناراحت می کنند، به خود شخص نیز زیان می رسانند. و چنین موافی باید آلمش خود را حفظ کرد، آنگاه خشم همسر را آرام و توجه او را به امور دیگری جلب نمود و برای پالایش روانی او گفتگویی دو نفره انجام داد تا وی با بیان ناراحتی ها آرام گیرد.

3- **دورویی:** زوویی که با او خنط با همو لجه شوند و در ظاهر و بطریق بگ نبشند؛ زگی طلویی خولند داشت. زندگی ای که در آن صداقت و صمیمیت نباشد؛ اعتماد و اطمینان از آن رخت بر خواهد بست و اضطراب و تزلزل روانی بر آن حاکم خواهد بود.

4- **دروغ:** فرد دو رو کسی است که تظاهر به نیکوکاری و پاکدامنی می کند ولی در باطن طور دیگری می باشد؛ اما و ریگ کپی است که و جا صلخ و قع خود را بسجدو لعت را خریف می کند و بنا به میل خود کرد ل و رفتارش را تنظیم می نماید. دروغ نیز مانند دورویی بنیان خانواده را متزلزل می کند و اعتماد را از بین می برد.



5- **پنهان کاری:** پنهان کاری عبارت از آن است که یکی از زوجین بدون نظر و اطلاع همسر خود و در غیاب او مدلت به انجام اصلي بنماید و این اعمال را چه خوب و چه بد از همسر خود پنهان دارد. چنین رفتاری ولو به نفع خواهد شد، اعتماد را از او می برد. گاه این گونه رفتاری را جهت لمتک و بیه قع خود بیا خوید و دل سنی و به ضرور همسر و زندگی مشترک انجام می دهد. این گونه اعمال بتدریج بنیان خانواده را به هم می ریزد، هر یک از زوجین را نتب به رفتاری دیگری بدبین و ناراحت می نماید و به عکس العمل و می دارد.

6- **پرخاشگری و خشونت:** پرخاشگری به رفتاری اطلاق می شود که " هدفش اعمال صدمه و رنج" باشد. مثلاً زنی که غنئی مور بطلاقه شوهرش را نمی پزد و یا آن را می سوزاند، یا شوهری که از زنش مرتباً انتقاد می کند و به او بی زنی می زند. هر یک از طرفین بخشی از عنصر یک رفتار پرخاشگرانه بوده و موجب از هم پشنگی بنیاد زندگی زندگی می گردد. خشونت و بی العملی زننده و شدید چه از طرف زن و چه از طرف شوهر و در تطرف مقابل را اعتقوب می نماید و زگی را ولی و دو مشک می سازد. در

خانواده ای که خفوت حکم است، عطف و رفتار انسانی یک بر می بندد و محیط تربیتی نامناسبی از نظر تربیت فرزندان ایجاد می شود.

**7- اجتناب:** از دیگر عواملی بنیان کن در خانواده لجاجت است. این حالت بین زن و مرد زیاد دیده می شود و گاه به جایی می رسد؛ که حرکت لوجا نه به شکست و سهواً خانه مذته می گردد. چنانچه این حالت، وضعیت افراطی به خود بگیرد، چه بسا به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده منتهی گردد.

**8- خود بینی و تقوی دیگری:** خود بینی یا تصویر ذهنی هر کس از شخصیت خویش، از مجموع تصورهای او درباره توانایی ها، احساس ها، اندیشه ها، آرزوها، داورها، و کوشش های وی تشکیل می شود.

مردان کسانی که خودکم بینند نگر فتنه فتنه حرکت اند، و خود کمتر، بی قدرتر و بی ارزشتر از دیگران محلی می کنند؛ افرادی که دچار خود بزرگی می هستند؛ مبتلا به تکبر، نخوت، خودستایی و جاه طلبی اند؛ چندان افرادی سعی می کنند با تحقیر دیگران، بزرگی فلی کنند. زن یا شوهری که بخواد همسر خود را تحقیر کند، و خود را بالاتر احساس کند و خوبی های خود را به رخ دیگری بکشد، با دست خود تیشه به ریشه زندگی زناشویی خویش می زند.

**9- بی انضباطی:** مرد یا زنی که اسیر فتنه خود را و بی انضباطی قرار دهد، مورد اعتراض همسر خود قرار می گیرد. گاه بی انضباطی منجر به بی اعتمادی می شود و گرمی و شلمه انی را از خانواده می گیرد. مری که شبد و به خانه می آید و زمانی را برای تفریح، مسافرت و معاشرت با زن و فرزندان خود در نظر نمی گیرد، موجبات نارضایتی خانواده خود را فراهم می آورد.



### وجوهی از اختلاف های زناشویی

تفاوت های فیزیکی قابل انکار است که برای نظام اجتماع و طبیعت ضروری است. به پیروی از این طبیعتی، بین زن و شوهر اختلاف وجود دارد و تا زمانی که این اختلاف ها فاصله زیادی نداشته باشند و با گفت و گو و چشم پوشی همگام شود، مشکلی را ایجاد نمی کند. **مورای از اختلاف هایی که ممکن است، منجر به ناهمخوانی و ناسازگاری شود، عبارت است از:**

**1- اختلاف در خویله ها:** یکی از عواملی که در انتخاب همسر و زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد، خویله های زن و شوهر است. زن یا شوهری که در لی خواسته های ایده آل و متفاوت از دیگری باشد و در تعدیل آن اقدام نکند؛ احتمال ناسازگاری در زندگی زناشویی از این جهت وجود خواهد داشت.

**2- اختلاف سلیقه ها و عهده ها:** وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد طبیعی است؛ ولی چنانچه در برنامه های زندگی، نوانگی، ناختدریج ها، همگنی بین زن و شوهر قابل توجه است؛ آن در که به ناسازگاری منتهی گردد.

3- **اختلاف در دیدگاه ها:** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود، او هر چه بیشتر داشته باشد؛ بیشتر هم می خواهد و بر آورد شدن هر نیوی به جلیک ملتن از آرزوهای اندلی، نیازهای تازه ای را هم بر می انگیزاند. چنانچه و شوپی بایدهاگاه ها و رزوهیامته و تکه ه لخلصولبه ن م بئلد؛ و تانند در زگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند، زندگی شاد و موفق را خواهند داشت.

4- **اختلاف در خلق و خوی:** بعضی افراد عصبانی، خشن، متکبر، خودخواه، از خود راضی، و بعضی دارای روحیه ای گرم، خشن بر خورد، متواضع و مردم دوستی باشند؛ بنا بر این توقع اخلاقی در صدر عوامل انتخاب همسر قرار دارد.

5- **اختلاف در میزان هوش:** اختلاف سطح هوشی همسران نسبت به یکدیگر، ممکن است در زندگی زناشویی این مشکلاتی ایجاد نماید. بنا بر این در نظر گرفتن بهره هوشی و اختلاف سطح معقول و ان زمین خالی از اهمیت نیست.

6- **اختلاف در بُعد معنوی:** فروزنی که از ظروایت و پایداری به طور معنی لختک سطح درند، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت. بنابراین در امر ازدواج بُعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

## توصیه هایی برای همسران

### هوش علمی و منطقی ( IQ ) یا هوش عاطفی ( قسمت پنجم )



در وقت قبل طایلی راجع به رابطه ی هوش عاطفی و سلامت روانی عنوان شد. اینک در ادامه می خوانیم...

با توجه به نحوه ی برخورد متفاوت زن و شوهرها با احساسات رنج آور در زندگی، این سوال مطرح می شود که زن و شوهر برای تحکیم عشق و علاقه ی خود چه می توانند بکنند تا پیوند زناشویی آنها حفظ شود؟

کوششکن امر زناشویی را سلی تحقیقاتی که روی زندگی زوج های موفق انجام داده اند توصیه یی خطی و پاوردها ون ها و همچنین پیشنهادی لیکلی بوا هر هی لها

دارند:



1- تصدیق به مردها این است که در مقابله درگیری ها عقب نشینی نکنند بلکه درک کنند که اگر همسوشیل اخلاقی را طرح می کند ممکن است این کار را از روی عشق ، و به خاطر سلامت رابطه شان انجام دهد.

2- وقتی نظمی امکن ووز نیابد، بر فندل هوونی فود اقوده می شود و بالاخره به صورتزبانه لی ر آش ختم هو می آید؛ اما وقتی که شخص بتواند ناراحتی خود را به هر نحو طرح کند و وای آن پاسخی بیابد فشارهای درونی اش فروکش می کند. شوهرها باید دك كند كه ختم یا ناخشنودی همسرشان به منزله ی حمله به شخصیت آنها نیست. عواطف زن ها و غلب و اقتدجلی تدید باقی نمی گد و قدرت درك آنها را در مورد موضوع مربوط نشان می دهد.



3- مردها همچنین نباید سعی کنند با ارائه ی يك راه حل عملی سر و ته قضیه را هم آورده، گفت و گو را خاتمه دهند. برای زن خیلی مهم است که شوهرش به گله های او گوش کند و با احساسات او در مورد موضوع ، همدلی نماید ( گرچه لزومی ندارد با او موافق باشد ). ارائه ی سوپرا راه حل بویزن ، به معنی نلید ه لگتنتن لجلسد نطق وسط هسر می باشد. در بیش از نیمی از موارد وقتی زن حس کند به نظریات و احساساتش توجه شده، آرام می گیرد.

4- مشکل اصلی مردها این است که همسرانشان در بیان شکایت های خود بیش از حد شدت و حرارت نشان می دهد، به همین دلیل زن ها باید مراقب باشند که شخصیت مردها را مورد هله قرار ندهند ، چن حمله به بی شخصیت مرد موجب جبهه گیری یا سکوت سهمگین او شده، حاصلی جز رنجش ندارد و فقط دعوا را حادثر می کند. يك روش سودمند برای زنان این است که انتقاد خود را با ملایف و در لا به لبی جملاتی که دل از عشق به همسرشان است، بیان کنند.

5- مردها تکام جث، افراد موفق سعی می کنند جهت بحث را به مسیری صحیح هدایت کنند تا موجی که نشن بشود. این عمل ساده همانند يك ترموستات عاطفی است که جلوی جوشش



شدید احساسات را می‌گیرد و به طرفین فرصت می‌دهد که بتوانند روی موضوع مورد بحث تمرکز کنند.



6- راه حفظ ازدواج تمرکز بر روی موضوعات مورد بحث فلتن هو شوهرها نیست، بلکه باید هشیاری عاطفی مشترک میان زن و شوهر را پرورش دهیم و بدین ترتیب امکان حل و فصل مشکلات را بهبود بخشیم. برخی از قابلیت‌های عاطفی مثل رفتارهای آرامش‌دهنده، هدلی و شونده‌ی خوب بودن، به گونه‌ای مؤثر می‌توانند اختلاف‌نظرها را از بین ببرند و آن را به «دعواهای خوب» تبدیل کنند.

7- یکی از مهارت‌های مهمی که زن و شوهرها باید بیوزند این است که احساسات را تبدیل‌کننده و آفوده‌ساز خود را تسکین بدهند و این به معنای ارتقای توانایی برای رهایی از طغیان ایجادشده و اثرات آن‌هاست. از آن‌جا که در لحظه‌های طغیان عاطفی، توانایی بخشیدن، اندیشیدن و درست صحبت کردن از میان می‌رود، آرام‌گرفتن بسیار مفید و سازنده خواهد بود.

8- گفتگو باید در بلندمدت و در فضایی انجام شود. گفتگو در به‌فوی هیجانی، مهارت‌هایی است که پیوند میان زن و شوهر را حفظ می‌کند. مؤثرترین شکل گوش‌دادن، هدلی با اطمینان قابل‌تک‌تک می‌کند تا احساسات پنهان در سخنان او را بفهمیم و این نیاز به آلمش دارد. نگر «هم‌گینوت» معتقد است بهترین فرمول در این زمینه (X Y Z) است: «و قتی تو کار X را انجام دای با ظا اچاد احساس Y در من شدی، ولی من توقع داشتم که تو کار Z را انجام می‌دای». عشق و احترام هرگونه خصومت را در زندگی زناشویی از بین می‌برد، بنا بر این با یبنی به عطف و احساسات مقلل احترام گ‌ت و موجب احساسات مثبت در طرفین شد.

9- بیست و پنج درصد اقرا شی هتوع طنی بُدید، زیرا 80% موف قنت برزندگی، ثلی از هوش عاطفی و 20% آن ناشی از هوش عقلانی است.

## رفتارهای اختلاف انگیز زوجین و واکنش های دفاعی آنها

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت دهم ).



در قسمت قبل به بررسی اختلاف های زناشویی پرداختیم.

- لیف که ویژگی های لگلاقی می مؤثر در لیزناشویی بیان شد؛ لا ملسا به فونه رفتارهایی که از سوی هر يك از زوجین موجب اختلاف و ناسازگاری می شود اشاره گردد:
- تبغیل و پذیرایی لحترا لخویشلوندان زن اتسو ی شوهر و بالعکس. این لرموجب اختلاف و ناراحتی طرفین می گردد.
  - کک های مالی زن به خویشاوندان خود از درآمد خانواده، بدون رضایت شوهر و بالعکس ( این کار باید با رضایت و مشورت انجام گیرد).
  - برخوردارهای سرد و خالی از عطوفت از سوی زن یا شوهر نسبت به یکدیگر.
  - ۱- نجلرف تراها و لها لی ل سوی زن یا شوهر بدون اطلاع و مشورت با دیگری بخصوص اگر این رفتار جنبه مالی یا ناموسی داشته باشد.
  - رفتا مستبدانه و تصمیم گیری های یک طرفه که بدون مشورت و هماهنگی با دیگری انجام شود.
  - خرید لباس یا خودآرایی بدون در نظر گرفتن ذوق همسر و حداقل نظرخواستن از دیگری.
  - بد زبانی و لجاجت و برتری طلبی از سوی یکی از زوجین نسبت به دیگری.

- همکلي نكودن و انجام كراهي خله. چنلچه مرددر انجلم گل هايخانه شرکت نكند، مكي لت ان لحسلل وزن پډ ا شود كه اوكللف خله است. وانگهي چون كارهاي خانه ډي فولت وخته كنده لتو به علاوه ل شوهر را شريك خود مي داند؛ اين سوال برایش پيش مي آيد كه چرا همسرش در كارهاي خانه كمك نمي كند.



- عدم توجه به علايق زن اختصاص دادن و اوقات فراغت به كارهاي شخصي.
- خست و حساب خواستن از همسر؛
- بي توجهي به ارضاي نيازهاي جنسي؛
- غيرتي بودن بيش از حد مرد و حسادت بيش از حد زن در مورد معاشرت ها؛
- بعضي از زنان مطالبتي اظهار مي دارند كه نشانه نارضايتي آنان از شوهر است. نمونه هايي از صحبت هاي آنها عبارت است از:
- نمي توانم با همسر م صادق باشم.
- نمي توانم خودم باشم.
- همسر م مرتب سر من داد مي كشد.
- شوهر م تنها به فكر خودش و كارش است.
- شوهر م به صحبت هاي من گوش نمي دهد.
- با هم صحبت مي كنيم ؛ اما صحبت هاي ما سرد و بي روح است.
- شوهر م دو شغله است و هميشه خسته به نظر مي آيد.
- همسر م در تصميم گيري ها به من فرصت نمي دهد.

- درآمد و مخارج را از من پنهان می کند.

- او ولخرج است و پس اندازی ندارد.

- در تعیین اولویت های زندگی توافق نداریم.

- اوقات فراغت خود را با من نمی گذراند.

این اظهارات نشانگر آن است که مشکلاتی در زندگی زن و شوهر وجود دارد و باید علت یابی شود.

مشاوران باید درصد و لجه ی هسران به آنها با تشکیل جلساتی با اعضای خانواده و درصد و تضررت جلسات فردی، علل مشکل را مشخص و با استفاده از فنون مشاوره در جهت رفع معلول اقدام نمایند.



### واکنش های دفاعی زن و شوهر

زن و شوهر بر وار دلخاف و موجهه با مشکل ، هکی الهطی هلیی از خود نشان می دهند. این عکس العمل ها به صورت های مختلف اعمال می گردد:

- گریه کردن - هژو اثلخانهر انکستن - سد روصد اراه اذهلتن - سد کوتکردن -
- قهر کردن - خود را ضرر و کردن - به همسو خودمهله کردن - مقبله به مثل کردن -
- تلافی کردن - عکس العمل قبل از عمل ( نظیر فردی که خلافي مرتكب شده، ایراد می گیرد و به طرف مقابل حمله می کند).

رفتارهایی فوق موجب کاهش اضطراب و تنش فرد می شود؛ ولی بعضی از این عکس العمل ها مشکل را حادتر می کند و گاه جنبه های غیر اخلاقی به خود می گیرد.

عکس العملی که در ازدواج جنبه منفی دارد به صورت یک وسیله ویرانگر عمل می کند ، غالباً جنبه ای در حالت مقابله به مثل دارد. این وضعیت گاه به رفتارهایی غیر شرعی و خلاف اخلاق منجر می شود. مثلاً مرد بی بند و باری که دیر به خانه می آید و به دنبال روابط نامشروع با زنان ناهرم است؛ همگی به دلیل عکس العمل تلافی جویانه و مقابله به مثل از طرف همسرش مواجه گردد.

نظران و پسرانی که می خواهند ازدواج کنند ، باید همسر آینده خود را از این جهات آزمایش کنند و شرایطی را به وجود آورند که عکس العمل وی را در مواجهه با این امور مشاهده کنند. چنانچه وی در مقابل این گونه رفتارها، رفتارهایی ویرانگر و خشونت آمیز و یا خلاف اخلاق را خود نشان دهد، مطالعه بیشتر در مورد ویژگی های شخصیتی و میزان تعهد وی ضرورت دارد.

## مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل اخلاقی و روانی

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت یازدهم )



و قسمت قابل توجه رفتارهایی اخلاقی انگیز زودین و واکنش هیجانی آنها پرداختیم . ایک و لاسمی

خوانیم...

پسر و دختری که قصد ازدواج دارند و مشکل آنها "عامل اخلاقی" همسر آینده آنان است ، نیاز به مشاوره دارند.

یاری ها و توصیه های مشاور برای راهنمایی آنها می تواند به شرح زیر باشد:

1- مشورت باید مراجع ( مراجع کننده ) را به خصوصیات اخلاقی که در زندگی مشترک خانوادگی نقش سازنده دارد و هیول بدین سبب عاقلان را بی ریزی می کند ، آشنا سازد؛ تا مراجعه کننده با توجه به توصیه های مشاور نسبت به انتخاب همسر خود اقدام کند.



- 2- خصوصیات منفی که موجب از هم گسیختن خانواده و اختلاف زن و شوهر می شود، باید برای مراجع تشریح گردد تا او در صورت وجود چنین ویژگی هایی در فرد مورد نظر، در تصمیم گیری خود تجدید نظر کند.
- 3- او را تخریب هوسوارانه می شود که روحی قلیل گذشت است و احتمالاً قابل اصلاح؛ مواردی هم هست که نهی و نواها را نادیده گرفت. مثلاً چنانچه فردی کمرو، مستبد و لجوج باشد، متفاوت است. کمرویی در امر ازدواج مشکل ایجاد نمی کند؛ ولی استبداد و لجاجت، ریشه سعادت خانوادگی را قطع می نماید.
- 4- بغض و لطمه مؤثر در زوج عینی مانده مشغول، نوله لبس پوشیدن، سن و قیافه، که شناخت آنها به یارسانه نسلت. ولی آگاهی به خصوصیات اخلاقی و روانی بسیار مشکل و پیچیده است. بنابراین برای شناخت آن باید مراجع را بصیرت داد تا بررسی و زمان بیشتری صرف نماید.
- 5- و آشنایی شخصیت و ضمیمات اخلاقی را هم متغیاتی وجود دارد. یکی از اینها که نتایج عینی به دست می دهد؛ تست های شخصیتی است. چنانچه مراجع مایل باشد خود را بهتر بشناسد و ویژگی های شخصیتی خود را در زمینه های مختلف ارزیابی کند مشاور باید او را به متخصص آزمون ارجاع دهد.
- 6- و آشنایی که نخور و پیر برپی طمینی ل و فاق اخلاقی به مشاور مراجعه می نمایند؛ و هر دو تمایل دارند تست شوند. مشاور و این مورد نسبت به اجرای تست و بررسی خصوصیات اخلاقی آنان اقدام می کند؛ چنانچه نتایج به دست آمده همگی را در ابعاد مختلف اخلاقی تأیید نمود، در این زمینه به آنان اطمینان خواهد بخشید.
- 7- ممکن است پس از تکمیل و یک عملی بوزو و جدته ظیر زیبایی، دیگر خصوصیات را نادیده بگیرد و بولد بلخ تی ازدواج کند. مشاور باید او را به همین جهت به مشاور معرفی و پیگیری نتیجه دهد. ارزیابی یک بعدی و دید یک جانبه در همسر گزینی آفتی است که درخت پر بار خانواده را از پای در می آورد.
- 9- از آنجا که خصوصیات اخلاقی در زندگی نقش مهمی دارد باید مشاور مراجع خود را برای شناخت همسر آینده به منابع مختلف (همسایه ها - همکاران - دوستان و ...) راهنمایی کند؛ و نیز آنان را به ضرورت شناخت جد و اخلاقی خانواده خویشاوندان، نوسند و پیر و ملر آگاهی دهد. بی ل مطالعه و بررسی و شناسایی کامل خانواده و خصوصیات اخلاقی هوسور مورد نظر نسلت که می توان اطلاعات به دست آمده را مقایسه و تجزیه و تحلیل کرد و بر اساس نتایج حاصله تصمیم مناسب را گرفت.



## ازدواج را آسان بگیرید



### 3 تا 5 سال تأخیر در سن ازدواج

براساس آمار به هت آمده امروزه سن ازدواج میان جوانان 3 تا 5 سال به تأخیر افتاده است. سن ازدواج در شهستان ها 18 تا 25 سال و در مراکش شهرها 25 تا 30 سال است. یکی از دلایل مهمی که سن ازدواج را در جوانان به تأخیر انداخته است، سطح خواسته های بالای طرفین، خریدهای کلان، مهریه های سنگین، قرار دادن تعهدات صعب الوصول و... است.

بکتر صلح کیلی نیله مشور و روان شناسی خلواد دلایل ازدواج جوانان را قرار می دهد. به دلایل داشتن فرزند، مونس و بار، و گاهی به علت حرف مردم می داند. وی معتقد است که ازدواج باید از روی شناخت و بر پا به عطفه و شکل نسل باشد، ازدواجی که به دلیل حرف مردم (دلایل اجتماعی) صورت بگیرد تحمیلی است و یک ازدواج موفق به شمار نخواهد آمد.

### جوان ها توقع زیادی دارند

بکتر کیلی نیله و پناه علوه اف زلی دو ازدواج کردن جوان ها می گوید: بیشتر روان شناسان سن ازدواج را و و مطلقاً بنا و ازدواج فیللی و لب و هیلمتت می دانند. به اعتقاد وی عدم تمایل دختران و پسرها به ازدواج و زندگی جماعی و فیزیکی، روحی و روانی و مسئولیت پذیری از دلایل دیر ازدواج کردن جوانان است.

بکتر یعقوب برجلی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز در این باره می گوید: توقعات جامعه نسبت به 10 لی 20 نلیا پیش بسیار بالا رفته است. و یکی از دلایل مهم و فاحش که دو ازدواج کردن دختران نقش به سزایی دارد، قبولی دختران در دانشگاه ها و مؤسسات عالی می داند.

بکتر برجلی می گوید: در جامعه ما 65 الی 75 درصد قبولی دانشگاه ها از آن دختران است و این درصد قبولی باعث می شود که آنها به سختی راضی به ازدواج با مردی بشوند که تحصیلات دانشگاهی ندارد. دختران پس از اتمام دروس دانشگاهی به دنبال شغل هستند و کمتر به ازدواج می اندیشند.

کۆ کیهیل نیامی گوید: اعتقاد بر این است که دختر و پسر زمانی می توانند ازدواج کنند که از نظر فرهنگی و فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی به بلوغ رسیده باشند.



### مسئولیت پذیر باشید

دکتر کیهیل نیا توصیه می کند: جوانان با ازدواج به موقع منقلب خود را مقلد خانوادگی و حساس مس و لیت می کنند و به کار دل می بندند و پا از جاده عفاف بیرون نمی گذارند و چون جوانند، فرزندان برومند و سالمی خواهند داشت. وی می افزاید: وقتی که به مجرد عادت کرد، به درآمد کم و محدودیت ها قانع است ولی دلشوره اش برای ازدواج بیشتر می شود. در این زمان تجربیات فرد بیشتر از گذشته می شود و ناخودآگاه انتخاب برایش مشکل خواهد شد و در نهایت ممکن است مجرد به ناتوانی جنسی منجر شود.

کۆ برجلی نیز درباره مشکلاتی که ممکن است فرد در تأخیر ازدواج به آن دچار شود، می گوید: در این هنگام وقتی فرد خود را در عرصه زندگی بکه و تنها می بیند دچار افسردگی، اضطراب، بیماری های روان تنی، یاس، ناامیدی و دلمردگی و در نهایت افت نقطه امید به زندگی می شود.

### مراقب انتخابتان باشید

دکتر کیهیل نیا لزوماً توصیه نمی کند که با مشکلات بر می شود و می گوید: نکته اول ازدواج هایی است که در سنین 20 تا 22 سالگی صورت می گیرد که به این دسته از ازدواج ها، ازدواج های احساسی گفته می شود که اگر به درستی مراقبت نشود، برخی از آنها با ناکامی همراه خواهد بود. دسته دوم ازدواج هایی است که با تفکری زیاد صورت می گیرد که این وصلت ها به دلیل هیجانات خاص هر سنی معمولاً به صورت دلمردگی در خواهند آمد و یا به متارکه ختم می شوند.

### ازدواج های آسان را بپذیرید

دکتر برجلی وی رفع مسئولیت تأخیر در ازدواج می گوید، جوانان برای این که دچار پیردختری و یا پیرپسری شوند باید سطح توقعات را پایین آورند و به سوی ازدواج هیولان رهی بیارند و این باور باید در آنها ایجاد شود که زود نباید به دنبال زندگی کلاسیک مدتی بلند، بلکه باید با یک استقلال نسبی و توقعات متوسط وارد زندگی شوند و از خانواده هایشان استعانت مالی بخواهند تا خانواده ها آنها را یاری کنند.

## ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج ( بخش اول )





خانواده مهترن نهاد اجتماعي و كوچكترين هسته ي جامعه است كه از يك زن و مرد و فرزندان آنان تشكيل مي شود . لعل و ري صلي خلوا ده به عون زوب نلي جمله ، لولج سلت . بدون ترديد ازدواج بزرگترين و مهمترين حدته زندگي ه انسان است ، به طوري كه موفقيت و يا شكست هر يك از زوجين مي تواند سرنوشت ساز باشد . به همين جهت ازدواج بايد بر پايه ي اصولي صحيح صورت گيرد تا موجبات رشد و شكوفايي افراد و نتيجه جمله را فراهم آورد . سب بر هر نخر و پسر ، لازم است كه قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر آينده ي خود اطلاعات كافي كسب كنند و سپس اقدام به ازدواج نمايند .

ما در جمع مختلف و جامعه ي خود مشاهده بسياري از ناسازگاريهاي خانوادگي و از هم پاشيدگي خانواده ها هستيم كه مهمترين عوامل آن ، عدم شناخت و درك صحيح زن و مرد از يكديگر و در نتيجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غير واقع بينانه از يكديگر است .

### اهميت و ضرورت ازدواج

ازدواج يك پيمان مقن است كه در ميل قلم اقام و ملل و ق تمام زماها و مكانها وجود داشته است . سنت دونه ي كه و ل زن و مرد زندگي مدتر كي را نماز مي كنند و پيمان مي بندند كه مصاحب ، يار و غمخوار يكديگر را خوش بخت كنند ، خود و همديگر را بهتر بشناسند . به يكديگر عشق بورزند و با ازدواج خود بر تنهائي خويش پايان دهند .

ازدواج اين يزل و خولتطيبي زن و مرد است و همه مكاتب سالم در جوامع بشري به ويژه مكاتب آسماني و خله دين مبين اسلام بر آن صحه نهاده و پيروان خود را به ازدواج دعوت و ترغيب کرده است . پيامبر گرامي صلا صلي لله عليه وآله مي فرمايد : هچ ب نايي در للم بنيا نكاري نشد . ه لسا كه ترد خوند محبوبتر از ازدواج باشد .

بنا و لين فوايد بيدي و لولج مترتب سلت ، زيرا ازدواج از فطرت و آفرينش ويژه انسانها مايه مي گيرد و از ضروريات زندگي انسان به شمار مي آيد .

### هدف از ازدواج

لر و اج ل ضرورت زندگي لنل به شمل مي آيد و هدفها و نيازهاي بي شماري را تا مين مي كند . از جمله مهم ترين هدفهلي زاولي تون نيل به آر هس و سكون ، بقلي سل ، تكميل و تكامل ، سلامت و هيت اجتماعي و سرانجام تا مين نيازهاي رواني - اجتماعي در فرد را نام برد .

### 1- نيل به آرامش و سكون

مهمترين نديي كه و لثر ازدواج تا من مي شود ، ديول به آرامش ، له نيتو آسودگي سلت . ان نياز كه در سرشت آدير شه دل د به جي حائل له مپ امتا كه خداوند متعال در بيان فلسفه ازدواج در سوره روم ، آيه 21 چنين مي فرمايد : « يكي را آيت الهي اين است كه براي شما از جنس خودتان جفتي را بياوريد تا با او انس بگوييد و را نلى بياييد و و بين شما دوستي و مهرباني قرار داد ، و در اين امر براي افراي كه اهل تفكر باشند ، آيتلو شده هاني چود دارد . » بنا و ان قرار دادن زوج ( هسر ) بر لي ه فرد ، موجب آرامش و امنيت

خطرات و اجد محتبوا لقبين زن و مرد و زديكي خلودكي فيز از شاده هليج كت و ريت پروردگار است ، در واقع محيط خانه وسيله آرامش روحي زن و مرد قرار داده شده است .

## 2- تکميل و تکامل

هيچ انلي به ته ابي كالمى نيست ، به همين جهت پيوسته در جهت جبران نقص و كمبود خویش تلاش مي كند . نخران و پو لاج ول سپي ل بران بلوغ وجوا بپنض آنكه در صدد رسيدن به استقلال فكري هستند براي جبرل واصق خود و تأمين نيازهاي بي شمار خویش به سوي ازدواج سوق داده مي شوند ، و با گزينش همسري شايسنه موجب رشد و تكامل و ثيرا ف ا هم مي كنند . هنگامي كه فرد در كانون يك زندگي مشترك قرار مي گويد ، وسايله امن و امان و محبت و روابط نزديك و صميمانه ، بيشتر احساس مسؤليت مي كند ، استقلال مي يابد ، زندگي خویش را هدفدار مي كند و از ثمرات كسب و كار و تلاش خود در واحد خانواده نويناد خویش بهره مي گيرد .

زندگي زندگي زن و مرد در ذاتي شويقه ا حمايتها ، رهودها و كمپوي ي بگروه مد مي گيرند در خورد با مسائ و مشكلات زنگي از تعاون و همكاريه ي هو خيش استمداد مي چند . به همين دليل و خورداري از همسوي مؤن و شايد ته يكي از بزرگزين نعمت هلي لاهي سلت كه براي دنيا و آخرت انسان سودمند خواهد بود .

## 3- سلامت و امنيت اجتماعي

ازدواج و بندي خلواده ، يكي ل ارشمندترين و مقدس ترين اقدامات براي هر انسان تلقى مي شود ، به گونه اي كه هيچ اقدام اجتماعي ديگري را نمي توان از جهت ارزش با آن مقايسه كرد . خانواده يك گروه و واحد اجتماعي سلت كه در برگيرنده ي بيشترين ، عميق ترين و اساسي ترين مناسبات انساني مي باشد . ازدواج و تأسيس كانون خانوادگي ، براي سلامت ، امنيت و سعادت اجتماع ، سودمند و ضروري است . هر گاه جوان ها به موقع ازدواج كند ، به كانون گرم خانواده دل ببندد و بنياد خانواده مستحکم باشد ، به گونه اي قابل ملاحظه از فسادها ، پليديها ، انحرافها ، بي بندو باريتها ، قتل ها و جنابيت ها كاسته خواهد شد

## 4- تأمين نيازهاي رواني - اجتماعي

ازدواج از ظروف بعي بري افندي نوعي كمال محسوب مي شود و انسان بر اساس قانون آفرينش و حكم فطرت ، براي تأمين نيازهاي مختلف رواني - اجتماعي خود و نيز براي بقاي نسل ، آرامش جسم و روان و حل مشكلات گوناگون زندگي به ازدواج نيازمند است .

## ويژگيهاي لازم براي ازدواج

مشاوره هاي خانوادگي و مطالعات و تحقيقات نشان مي دهد كه بسياري از مشكلات زن و شوهرها قابل پيش بيني و نتيج ه قالي جوكوي خواهد بود . اگر زن و مرد ، دختر و پسر قبل از ازدواج آگاهي هاي لازم را درباره خود و همسوي كه انتخب مي كند ، داشته باشند . بنابر اين آموزش پيش از ازدواج يك ضرورت مسلم است كه دختر و پسر را براي مهمترين تصميم گيري و انتخاب در زندگي شان و نيز فرايند دشوار و پيچيده و درعين حال طلب و دلشدين ازدواج مدمي كند تا با آگاهي ، دانش و بينش كافي درباره خود و همسر آينده شان اقدام به ازدواج كنند و از عهده نقش هاي خویش به عنوان زن و شوهر به خوبي بر آيند .

خود پسي كه مي خواهند ازدواج كنند بايد داراي شرايط لازم جسماني ، رواني ، عقلي ، اجتماعي و اخلاقي باشند كه در زير ، هر يك از اين ويژگيها مورد بحث و تحليل قرار خواهد گرفت .

## 1- رشد جسماني

در شغلت ميزل رشد جسماني دختر و پسر ، نه فقط بايد ل تبطل و همبست نكي لعاد گونگون رشد را در نظر گوك ، بل كه ليله شد جسماني با عوامل روئل شد ناخحي حائل له متب ميديل سلت . به بيان ديگر ، بين رشد

جسمانی و سدگرایه بی رولنی - لجه علمی . فود ارتباط نزدیک وجود دارد. رشد جسمی در میزان و الگوی رشد جسمانی ، گو ناگونی بی بی را به هوه در دو ایجاد نه دین تک زا ظرر و اشناخت بی بهترین و معنی دارترین حادثه ای است که در طول فرایند رشد جسمانی اتفاق می افتد .

## 2- رشد عقلی

رشد عقلی ، عبارت است از مجموعه فعالیت های فرد که به ادراک ، فهم ، تشکیل مفاهیم ، بررسی معانی ، تفکر و تفق ، پی بینی و بلند تج ، و نامه ریزی ، تعیین هدف و انتخاب راهبردهای برای رسیدن به هدف منتج می شود . اندیشه ، دیدگاه و نگرش فرد نسبت به زندگی جنبه عقلانی شخصیت فرد است .

رشد عقلی بی از بلوغ جسمانی رو به تکامل می رود . بی ل جوانی بلوغ ، فرد استعدادها ، تواناییها و امکانات محیطی خود را به روشی بلند و نسبت به شخصیت خود بیشتر آگاهی می یابد . در نتیجه تصمیماتش بیشتر از عقل نشأت می گیرد تا از احساسات .

حضرت علی (ع) و توفیق عقلی می فرماید : عقلی آن چیزی است که راه ضلالت را از خوشبختی تمیز می دهد و عاقل کسی است که هر کاری را در جای خود انجام دهد .

فردی که از رشد عقلی برخوردار است دارای ویژگی های زیر می باشد :

- 1) از مسائل درک و فهم بهتری دارد ، برای مثال می داند که چرا ازدواج می کند .
- 2) در زندگی دارای هدف است .
- 3) برای رسیدن به هدف و اهداف خود در زندگی برنامه ریزی می کند .
- 4) در تصمیم گیری های خود بیشتر از عقلش تبعیت می کند تا از احساساتش .
- 5) انتظارش از خود و دیگران واقع بینانه است .
- 6) توانایی حل مساله را دارد ، یعنی درباره ی هر مساله می اندیشد و راه های حل آن را مورد ارزیابی قرار می دهد .
- 7) از خود و محیطش شناخت دارد .
- 8) و مو لجه با مشکلات ، موضع گیری های صحیح و اصولی دارد . یعنی به جای فرار از مشکلات و یا نادیده گرفتن آنها سعی می کند با آنها برخورد اصولی کند .
- 9) فردی مسئولیت پذیر است و مسئولیت اعمال ، رفتار و تصمیماتش را بر عهده می گیرد .
- 10) بر رفتار کودکانه خویش غلبه کرده است و مطابق سن و رشد خود عمل می کند .

## 3- رشد عاطفی

انسان موجود چند بعی و و عین حال بسیار پیچیده است . با تمامی ارزش هایی که برای عقل متصور است ، اما تمام سعادت بشر در گرو تکامل عقل نیست ، بلکه سرمایه ی مهم دیگری به نام عواطف و احساسات در انسان وجود دارد که به اندازه ی عقلی هم است . انسان به کمک عقل و عاطفه ( دوش به دوش هم ) راه تعالی و تکامل را طی می کند .

رشد عاطفی و احساسی از شرایط لازم برای ازدواج است و دارای محاسن و مزایای بسیاری است :

- 1) عواطف و احساسات ، قدرت محرکه ی انسان می باشد .
- 2) عواطف و احساسات ، عامل اتصال و پیوستگی و تلطیف انسانها و جوامع است .
- 3) مهر ، محبت و عواطف از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی زناشویی است .

فرد برخوردار از رشد عاطفی، مهارت احساسات منفی و مثبت خود را در دست دارد. او در ابراز خشم و ترس، گریه و شادی، محبت و غیره در محدوده‌ی مورد قبول جامعه عمل می‌کند، نه همانند یک کودک.

رشد عاطفی نیز مانند رشد عقلی به‌سبب تقویت به‌میزان یادگیری، تجارب فرد و از همه مهمتر در تعلیم و طیف کودک با والدین و دیگر بزرگسالان آموخته می‌شود. رشد عاطفی مانند رشد جسمانی از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شود و حتی در وقت تولد عطفی کودک و هنگام تولد مشاهده می‌گردد و بر اثر تعامل با خانواده و دیگر افراد در جامعه رشد می‌کند؛ پس اکتسابی است.

#### 4- رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، رابطه‌ی نزدیک با رشد عقلی و رشد عاطفی دارد. انسان دارای چهار دنیای اجتماعی است: خلو، اده، مریسه، شغلو. نوستن که فرد را باید از نظر اجتماعی در آنها مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است روابط اجتماعی را بهتر درک می‌کند، به دیگران احترام می‌گذارد، حقوق دیگران را محترم می‌شمارد و تقی، ظاف و مسد و لیتھ‌لی مربوط به خویش را به نحو احسن انجام می‌دهد. چنین فردی محیط زندگی و اجتماع خویش را خوب می‌شناسد، به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه احترام می‌گذارد و رفتار خویش را با ارزش‌ها و رفتار مطلوب در خانواده، مدرسه و جامعه تطابق می‌دهد؛ ضمن آن که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارد و مسئولیت‌های اجتماعی را می‌پذیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که ازدواج می‌کند باید همسرش را اکرام کند.» یعنی به او احترام بگذارد و گرامی‌اش بدارد.

به بیان کوتاه، فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است:

- 1) در فعالیت‌های مختلف درگیر است.
  - 2) وظایف و مسئولیت‌های خویش را انجام می‌دهد.
  - 3) توانایی ایجاد ارتباط اجتماعی با دیگران را داراست.
  - 4) مسئولیت‌پذیر است.
  - 5) در برخورد با افراد دیگر رفتار سازگارانه‌ای دارد.
  - 6) در موقعیت‌های مختلف، متناسب با آنها عمل می‌کند.
- رشد اجتماعی نیز اکتسابی است و فرد مهارت‌های مربوط به آن را در خانه، مدرسه و اجتماع فرا می‌گیرد.

#### 5 - رشد اخلاقی

از شواهد لازم برای ازدواج، رشد اخلاقی است. اخلاق یعنی خودنظمی در اعمال و رفتاری که در آن رفاه فرد و دیگران هر دو مراعات شود.

خلاق، جموعه‌لی را ابل و سوم، عادت و لوه‌لی رفتی لتکه با معی و له‌لی مطلوب کوهیکه انسان با آن زندگی می‌کند تطابق دارد.

روابط و زندگی زناشویی همانند هر ارتباط اجتماعی دیگر بین انسانها، با در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی زن و مرد است که منجر به سعادت و معنویت زندگی آنان می‌گردد.

اخلاق عبارت از آن چیزی است که باید باشد. علمای اخلاق و انبیای الهی، جامعه را از آنچه که هست به سوی آنچه که باید بشود، سوق می‌دهند. پیام‌وگرایی ما می‌فرماید: «بن و لی تکمیل اصول اخلاق و فضیلت و انداخته شده‌ام. بیداری را امور و مسائل زندگی زناشویی در چهارچوب اخلاقی و فضایل اخلاقی قابل حل ملت و اندازه زن و شوهر متعلق به اخلاق و رفتار پسندیده مانند صداقت و گذشت، درستی و فداکاری و... باشند، زندگی‌شان از سلامت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود.

اخلاق آموختنی است و یادگیری ارزش‌های اخلاقی از سه طریق اتفاق می‌افتد:

1) پاداش و تنبیه

2) تقلید ناخودآگاه از افرادی که فرد با آنها زندگی کرده است و ایده آلهای او را تشکیل می دهند .

3) از طوق تکرر . اندیشه و تحقق و باره ی بی آمد هلیرفت و نتایج رعایت اصول اخلاقی در موقعیت های مختلف .

مام صادق (ع) و کتب الاطلاق می فرماید : « و لی اقام به هر کاری به کارگیری فکر و اندیشه و مطالعه جوانب مختلف آن و مال اندیشی شرط موفقیت و پیروزی است . »

بنابراین تردید نیست که اخلاق را باید یکی از مهمترین معیارها و شرایط ازدواج محسوب داشت .

## نقش ایمان و اخلاق در تحکیم بنیاد خانواده



خانواده ، يك واحد كوچك اجتماعى است كه با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می شود و با تولد فرزندان ، توسعه و استحکام می یابد. جوامع بزرگتر نیز از همین واحدهای كوچك تشکیل می شوند. بشر از آغاز ، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده و در همه زمانها و مکانها بدان پایبند بوده و هست.

این نوع زندگی ، از امتیازات انسان محسوب می شود و فوائد گوناگونی دارد ، از جمله اینکه زن و مرد را از پریشانی و بی هدفی نجات می دهد و به خانواده وابسته و دلگرم می سازد و آنها از نعمت انس و مودت بهره مند می شوند .

وابستگی کودکان ، نوجوانان و جوانان نیز به خانواده ، فوائد زیادی را در بردارد ؛ چرا که از انواع مفسد اخلاقی ، اجتماعى ، انحرافات جنسى ، ارتکاب جنایت ، بزهکاری و اعتیاد ، بیشتر مصون می مانند.

بنابراین ، سلامت و سعادت جامعه ، تا حد زیادی ، به وضع خانوادهها و کیفیت روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزندان بستگی دارد. هر چه روابط بهتر و سالم تر ، باشد زندگی شیرین تر و با صفاتری دارند و ارتباط صمیمانه تري با خانواده برقرار می کنند و از خطر انحراف مصونیت پیدا می کنند.

هدف از ازدواج در اسلام ، یعنی ایجاد انس و محبت و صفا در خانواده ، خانه ای که در آن صفا و محبت نباشد از هم گسیخته است و ویرانه . حتی می توان گفت که زندانی بیش نیست.

### " معیار در انتخاب همسر "

اسلام در جهت تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیاد خانواده ، بر دو امر تأکید دارد : یکی ایمان و دیگری اخلاق ، و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می کند که دین و اخلاق همسر خود را منظور بدانند.

مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج با او مشورت نمود ، آن حضرت فرمود: «با زنان دیندار ازدواج کن تا خیر فراوانی نصیب تو شود». (1)

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: « سودی بهتر از زن صالح و شایسته نصیب انسان نمی‌شود ، زنی که شوهرش را خشنود می‌سازد و در غیاب او ، از خودش و زندگی شوهرش نگهداری می‌کند». (2)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « اگر کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین و اخلاقش را پسندید ، با او وصلت ایجاد کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود می‌آید». (3)

برای حسن رابطه بین زن و شوهر و بقاء و استحکام بنیاد خانواده ، و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق ، بهترین وسیله رعایت ارزش‌های اخلاقی است و در این رابطه توصیه‌های فراوانی شده است .

اسلام ، ازدواج را پیمانی مقدس می‌داند که بین زن و مرد ، به اعتبار این که دو انسان هستند بسته می‌شود و مهمترین هدفش ، تامین نیازهای انسانی ، آرامش و سکون و انس زن و مرد به یکدیگر است ؛ حتی تولید و پرورش فرزندان را نیز ، در راه تامین هدف عالی انسانی محسوب می‌دارد.

قرآن کریم در این رابطه می‌گوید: « و از نشانه های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا با تمایل به سوی آنان آرامش بیابید ، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد . همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه‌هایی است» (نور/21)

در آیه مذکور ، انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است. در پیمان مقدس ازدواج ، زن و مرد با تمام وجود به سوی یکدیگر جذب و با هم متحد و یک دل می‌شوند و در تمام ابعاد زندگی ، در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند. مأنوس ، همفکر ، هم راز و یک هدف می‌شوند.

در آیه مذکور ، زندگی خانوادگی ، بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است . یکی از پایه های ازدواج ، مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است . زن و شوهر خوبی‌ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند و از صمیم قلب یکدیگر را دوست می‌دارند. هر يك از آنان ، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت ، آرامش و دلگرمی و شریک زندگی می‌شمارد و از این نعمت بزرگ فدردانی و سپاسگزاری می‌کند.

پایه دیگر ازدواج ، که در آیه به آن اشارت شده "رحمت" یعنی مهربانی و دلسوزی است ، هر گاه یکی از زوجین به نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد ، همدلانه فکر می‌کند ، او فکر کند که همسرش يك انسان است و انسان بی نقص نیست. چنان که خود نیز بی عیب نمی باشد . پس با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی ، نقص او را در صورت امکان برطرف می‌سازد و در صورت عدم امکان ، او را با همان حال می‌پذیرد. نقصانش را نادیده می‌گیرد و به زندگی ادامه می‌دهد. لازمه رحمت و دلسوزی ، این است که چنانچه فرد خیر و صلاح خود را می‌خواهد ، در همه حال خواسته ها و

تمایلات همسرش را منظور بدارد ، هر چه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد و همواره به فکر تأمین سعادت ، آسایش و آرامش او نیز باشد.

قرآن مجید در این رابطه ، تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می‌کند:

« زن برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید » ( بقره/187)

لباس ، مجموع بدن انسان را با همه کمالات ، نواقص ، خوبی‌ها ، بدی‌ها ، زیبایی‌ها و زشتی‌ها در بر می‌گیرد و از سرما و گرما و خطر حفظ می‌کند . بر زیبایی‌هایش می‌افزاید و عیوبش را می‌پوشاند . لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز ، نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند ، همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند. حافظ و نگهبان و آرامش بخش یکدیگر باشند. بر زیبایی‌های هم بیفزایند و عیوب هم را بپوشانند و رازدار و محرم اسرار باشند.

اسلام ، در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی چنین می‌اندیشد و آن را بر چنین پایه‌هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده‌هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی ، نفسانی ، دنیوی و اخروی او را تأمین می‌کند. اگر بنیاد خانواده بر پایه‌های ایمان و محبت استوار گردد ، کانون خانواده گرم و با صفا می‌شود و از کشمکش‌ها ، و اختلافات و طلاق و فروپاشی جلوگیری می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « کاملترین مردم از جهت ایمان ، کسی است که اخلاقش خوب تر باشد ، و بهترین شما کسانی هستند که نسبت به همسران خود خوش رفتارتر باشند . »<sup>(4)</sup> امام سجاد علیه السلام فرمود: « حق همسرت این است که بدانی‌خداي متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که او نعمتی است از جانب خدا برای تو ، پس او را گرمی بدار و با وی مدارا کن ، گرچه تو نیز بر او حقی بزرگ داری ، اما باید نسبت به او دلسوز و مهربان باشی . باید خوراک و پوشاک او را تأمین کنی و اشتباهات و لغزش‌هایش را ببخشی »<sup>(7)</sup>

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: « جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند ».<sup>(8)</sup>

اسلام عنایت ویژه‌ای به اخلاق دارد و رعایت ارزش‌های اخلاقی را برای سلامت خانواده و تحکیم بنیان آن ضروری و لازم می‌داند.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تزلزل بنیاد خانواده ، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی است و برای حل این مشکل بزرگ که خانواده را در معرض تهدید جدی قرار داده ، چاره‌ای جز احیای ارزش‌های اخلاقی به ویژه اخلاق خانواده نداریم.

### پی‌نوشت‌ها:

1- وسائل الشیعه، ج 20، ص 50.

2- همان، ص 39.

3- همان ، ص 77.

4- بحارالانوار، ج 71، ص 389.

## عوامل موثر در شکل گیری ازدواج (قسمت اول)



### عوامل اخلاقی و روانی

بسیاری از کسانی که ازدواجشان ناموفق بوده ، علت جدایی خود را عدم توافق اخلاقی ذکر کرده اند. هر چند ممکن است این دلیل، سرپوشی برای سایر عوامل باشد ، ولی واقعیت این است که نداشتن توافق اخلاقی شدیدترین ضربه را به پیکر خانواده می زند . عوامل اخلاقی و روانی در ازدواج به دو دسته تقسیم می شوند :

### الف) عوامل توفیق و حفظ زناشویی

**1- حوصله و بردباری :** کسانی که در قبال مسائل خانوادگی و اختلافات بین خود و همسرشان حوصله به خرج نمی دهند و با بروز هر اختلاف کوچکی ، عکس العمل شدیدی نشان می دهند، زندگی زناشویی را به سوی ناسازگاری و اختلاف شدیدتر می رانند .

**2- صداقت :** صداقت اساس زندگی خانوادگی است . چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا دروغ بگویند ، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و در ادامه زندگی با مشکل مواجه می گردند .

**3- خلوص :** منظور از خلوص ، سادگی ، پاکي و بی آلایشی رفتار است . اگر بین زن و شوهر ریا و تظاهر حکمفرما باشد ، زندگی صفا و صمیمیت خود را از دست خواهد داد .

**4- مهربانی :** زن و شوهر باید یکدیگر را دوست داشته ، نسبت به هم مهربان و در غم و رنج یکدیگر شریک و یاریگر هم باشند .

**5- از خود گذشتگی :** زن و شوهر باید در مقابل یکدیگر گذشت داشته باشند و وضعی را پیش نیاورند که با لجاجت ، زندگی را به کام خود تلخ کنند.

**6- صمیمیت :** صمیمیت حالتی است که در آن ، بین زن و شوهر دورنگی نباشد و آنچه از هم در دل دارند بگویند و غمخوار یکدیگر باشند و در این زمینه از صمیم قلب عمل کنند . صمیمیت آینه ای است که آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعکس می شود . صمیمیت با ملایمت همراه است و حتی اگر اعتراض با صمیمیت و احترام همراه باشد ، مشکلی ایجاد نخواهد کرد زیرا آنها با یکدیگر منافاتی ندارند .

**7- اعتماد و اطمینان :** عدم وجود اعتماد در زندگی از مهمترین دلایل بروز نابسامانی است . بنابراین رفتارها و حرکاتی که ممکن است از طرفین سلب اعتماد کند ، باید کنترل شود تا زوجین از جمیع جهات نسبت به یکدیگر تفاهم کامل داشته باشند .



**8- نظم و انضباط :** عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه از موارد اختلاف انگیز است . زن یا شوهری که نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند ، مورد اعتراض قرار می گیرد . اگر هر دو بی نظم باشند ، زمینه اعتراض کمتر به وجود می آید .

**9- همکاری :** همکاری دارای دو جنبه فکری و عملی است . اموری مانند شستن ظروف و البسه ، خرید لوازم مورد نیاز ، جارو کردن و امثال آن ، به عنوان جنبه عملی همکاری مطرح اند و همفکری برای رفع مشکلات و گرفتاریهای مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان ، طراحی برنامه های کوتاه یا بلند مدت برای زندگی و مشابه آن ، مربوط به جنبه فکری همکاری می باشند . زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند .

**10- سازگاری :** وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روحی و روانی و رفاه و آسایش دگرگونی هایی داشته باشد . در تلاطم زندگی ، چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند ، بقای خانواده تضمین می شود .

**11- تعهد :** زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند ، باید به تعهدات خود پایبند بوده و همواره در نظر داشته باشند که سرپیچی از تعهدات زندگی زناشویی ، عواقب بدی را به دنبال خواهد داشت .

**12- سخاوت :** خسیس بودن هر يك از زوجین ادامه زندگی را مشکل می کند . مرد باید در اقتصاد خانواده ، میانه روی را اختیار کند و همسر خود را نیز در هزینه های زندگی به اعتدال توصیه نماید و در این زمینه با هم هماهنگ شوند . دادن هدیه به یکدیگر به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانواده را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد .

**13- وفاداری نسبت به هم :** آنچه زن و شوهر باید تا آخر عمر آن را مد نظر داشته باشند ، رعایت حقوق همسر است . همسران متعهد تا پایان عمر از وظایفی که نسبت به همسر خود پذیرفته اند ، شانه خالی نمی کنند .

**14- احساس مسئولیت :** هر يك از زوجین باید نسبت به وظایفی که در رابطه با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت کنند .

**15- اطفال پذیری :** با اطفال پذیری ، زن و مردی خواهند بود که مشکلات را کاهش دهند و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند .

### **ب) وجوهی از اختلاف های زناشویی :**

**- اختلاف در خواسته ها :** زندگی زن و شوهری که خواسته های غیر واقعی و متفاوت از یکدیگر دارند ، رو به نابسامانی می رود . از این رو ، زوجین باید خواسته های خود را هماهنگ نمایند .

2. **اختلاف در سلیقه ها و علاقه ها :** وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد ، طبیعی است و چنانچه در زندگی زناشویی ، این اختلاف موجب هماهنگی بین زن و شوهر شود ، زندگی آرامی به وجود می آید .

3. **اختلاف در دیدگاه ها و آرزوها :** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود ، چنانچه زن و شوهری با دیدگاه های مختلف و آرزوهای متفاوت که احتمال حصول به آنها کم باشد ، نتوانند در زندگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند ، زندگی شاد و موفق نخواهند داشت .

4. **اختلاف در خلق و خو :** بعضی از افراد بسیار خشن ، متکبر ، خودخواه و از خود راضی اند و برخی روحیه ای گرم دارند ، خوش برخورد ، متواضع و مردم دوست هستند . بنابراین توافق اخلاقی ، در صدر عوامل و شرایط انتخاب همسر قرار دارد .

5. **اختلاف در میزان هوش :** اختلاف فاحش سطح هوش همسران نسبت به یکدیگر ممکن است در زندگی مشکلاتی ایجاد نماید .

- **اختلاف در ابعاد معنوی :** مرد و زنی که از نظر رعایت و پایبندی به امور معنوی متفاوت هستند ، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت . بنابراین در امر ازدواج ، باید بُعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن مورد توجه خاص قرار گیرد و از طرق مختلف اطمینان به پایبندی طرف مقابل احراز شود .

#### عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی می توانند عامل اختلاف در زندگی زناشویی باشند و مهمترین آنها عبارتند از :

#### الف ( مسکن :

هر خانواده ای به یک واحد مسکونی مستقل نیاز دارد . قبل از ازدواج نیز باید این مسئله حل شود . آنچه مهم است ، مدت اقامت در مسکن است و اجاره آپارتمانی 50 یا 60 متری یا کوچکتر ، زوجین باید سعی کنند حتی الامکان جدا از پدر و مادر زندگی نمایند . بعضی از زوجین طولی ندارند که با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در یک خانه زندگی کنند و حتی ، آن را خوشتر از بوی قرار می دهند . همین مورد باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت ، چنین برنامه ای به نارضایتی و اختلاف منجر نشود .

#### ب) وسایل زندگی :

برابر رسم معمول ، دختر جهیزیه ای با خود به خانه بخت می برد . چنانچه شوهر مقدار جهیزیه را دستاویزی برای تحقیر همسرش قرار دهد ، زمینه ناسازگاری ایجاد خواهد شد . درست است که اقتصاد ، نقش بسیاری در زندگی دارد ، ولی نباید اساس و پایه زندگی زناشویی قرار گیرد .

بعضی خانواده ها با وسایل عادی مانند یخچال ، تلویزیون ، فرش معمولی و سایر وسایل مورد نیاز ، زندگی را می گذرانند . ولی برخی دیگر ، زندگی لوکس و مرفهی دارند و همیشه از آخرین مدل لباس ، اتومبیل ، مبلمان ، فرشهای گرانبها ، وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی استفاده می نمایند . دختر و پسر جوانی که در دو زندگی

متفاوت بزرگ شده اند ، به ندرت می توانند با هم سازش کنند . پسر جوانی که درآمد کافی برای تهیه وسایل لوکس برای دختری از خانواده ای مرفه را ندارد ، دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می گیرد . بنابراین قبل از ازدواج ، در انتخاب همسر باید به شرایط زندگی طرف مقابل توجه شود .

### ( ج ) هزینه های رفاهی و معیشتی :

در جامعه ما معمولاً تأمین هزینه زندگی به عهده شوهر است . بعضی از دختران ملاک ازدواج را میزان درآمد پسر قرار می دهند تا بتوانند هزینه های زندگی را در سطح عالی تأمین نماید . گاه توقع زیاد موجب می شود که پسر با وجود داشتن شرایط مناسب از ازدواج منصرف شود . بنابراین دختر و پسر قبل از ازدواج باید شرایط شغلی ، درآمد و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم گیری نمایند .

### نقش عوامل اجتماعی

پسری که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده ممکن است با دختری از یک طبقه متوسط یا پائین به خاطر زیبایی و یا همکلاسی بودن ازدواج نماید . شاید این موضوع در ابتدا مشکلی فراهم نیاورد ، ولی به تدریج عدم معاشرت پدر و مادر و خانواده شوهر با خانواده زن ، به سبب این که به حیثیت اجتماعی آنها لطمه می خورد ، منجر به ناسازگاری و اختلاف می گردد و اگر به طلاق منجر نشود ، زندگی موفقی هم نخواهد بود . این حالت در مورد دختر نیز می تواند ایجاد گردد .

چنانچه جوانی با خصوصیات برجسته ، ولی از طبقه اجتماعی متوسط یا پائین بخواهد با جوانی از طبقه اجتماعی بالاتر لواط کند ، باید او و خانواده اش را با ویژگی های خودشناسی نابرابر با تشکیل جلد لایه چشمانداز بیشتر ، آنان را با اقوام و خویشاوندان خود مواجه سازد . در این حالت احتمال ناسازگاری کمتر ، خواهد بود .

چنانچه فرد لکان پیرف و توك لجه به پایگاه اجتماعی بالاتر را دارد باید با فردی که همان شرایط را دارا است ، لواط نماید . به طور کلی در این مبحث می توان گفت که هر چه طبقه اجتماعی دختر و پسر به هم نزدیکتر باشد ، موفقیت در ازدواج بیشتر است .

## ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج ( بخش دوم )



### تفاهم در زندگی زنشویی

تفاهم ، عبارتست از همینکه را فهمیدن و درک کردن . در زندگی برای نیل به تفاهم ، باید عوامل و شرایطی مهیا باشد که قبل از ازدواج ، زن و مرد با توجه و عنایت کافی به آنها زمینه ی تفاهم هر چه بیشتر را در زندگی فراهم آورند . پس دختر و پسر برای نیل به توافق و تفاهم در ازدواج باید دارای ویژگیها و شرایطی برای ازدواج باشند .

## عوامل مؤثر در تفاهم و توافق در ازدواج

### ایمان و اعتقادات مذهبی

زن و مرد يك عمر شريك هم در زندگي هستند و اكثر اوقات را با هم مي گذرانند ، پس تحت تأثير عقايد ، افكار ، رفتار و اخلاق يكديگر قرار خواهند گرفت . بن و تدید مودیا زن معتقد دیندله تنها همسر خود را به بینداری ، تقوا و عمل صالح تشویق می کند ، بلکه می تواند فضای خانواده را به محیطی امن و دور از گناه تبدیل کند . علاوه بر این همسر با ایمان و با تقوا از هر جهت قابل اعتماد و برای تربیت فرزندان شایسته تر است .

### تحصیلات

شابه تحصیلي ، يكي از عوامل مهم و ايجاد تفاهم بين زن و مرد است ، ضمن آنکه علم و دانش به خودی خود يك مزيت و كمال مطلوب برای انسان محسوب می شود . زن و مردی که يكديگر را بهتر درك کنند ، بیشتر قادر خواهند بود با يكديگر ارتباط برقرار کنند و طبیعتاً وظایف و مسئولیت های خویش را بهتر انجام می دهند و در تعلیم و تربیت فرزندان خوشتر تفاهم و توافق بیشتری برخوردارند . هر چند که تحصیلات به خودی خود نمی تواند عقل و هوش را به حد كافي برساند ، ولی به هر حال تشابه در سواد و تحصیلات زن و مرد ، عامل مؤثري در تفاهم بين آن دو به حساب می آید .

### سن

تدلیس ، میبازن و ودل دورا از نظر نژاد و خلق بهم نزدیک می کند و در چینی شود بطی توقعات و اندیشه ایشان از یکدیگر واقع بینانه تر خواهد بود . در مورد تناسب سنی ، معمولاً توصیه مس شود که زن حدود نود تا چهار سال از مرد کوچکتر باشد . کارشناسان خانواده برای دختران سنین 22-20 سال و برای پسران 26-24 سال را توصیه می کنند . به هر حال باید توصیه داشت که رشد عقلي ، عاطفي ، اجتماعي و اخلاقي الزاماً با سن تقويمي و شناسنامه اي هماهنگ نیست ، به همین جهت نیز تناسب در سن را نباید يك شرط ضروري و اولی و بی تفاهم بین زن و مرد و نظر گرفت ، مشروط بر آن که عوامل دیگری که از ویژگی های يك فرد رشد یافته است ، مورد توجه قرار گیرد .

### زمینه های تربیتی و فرهنگی خانواده

تحقیق قد مدی می دهد که یکی از مهمترین عوامل در ایجاد تفاهم بین دختر و پسر ، تشابه در زمینه های تربیتی و فرهنگی خانواده هلی آن سلت . رفتار ، کتبی لغت و خط و نحوه هشیه مهمتره و ستم ترین نهاد تربیتی فرد سلت . بسیدلی از عاقل ، سلوک ، رفتار و اخلاق و حدی آبله غذا خوردن ، معاشرت ، حرف زدن و بسیدلی از ایش هلی فرد و زندگی ، و بسو خانواده آخته می شود . بنابراین تشابه در وضعیت تربیتی و فرهنگی خانواده ی دختر و پسر ، از اهمیت برخوردار است و عدم تشابه یا تضاد در شیوه های تربیتی در دو خانواده ، می تواند منشاء بسیاری از اختلافات و درگیری های زن و مرد در زندگی زناشویی شود .

و بین عوامل مؤثر و طلاق ، اختلاف و تفاوت زمینه های فرهنگی و تربیتی خانواده ی زن و مرد ، از فراوانی بالایی برخوردار بوده است .

### وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده

کودنلسن خود ماده تسهی می کنند که خانواده دختر و پسر و نظر طبقه و وضع اقتصادی - اجتماعی مشابه باشند تا سازگاری بیشتری را در کنار هم تجربه کنند . لکن این مسأله عمومیت ندارد و هستند افرادی که با وجود تفاوت طبقات اجتماعی و ژوریتو دل ای و کنل هم زندگی سعادت مند می گذرانند . بنابراین آنچه برای سازگاری زن و مرد مهمتر و مؤثرتر است کمالاتی از قبیل ایمان و تقوا ، اخلاق و رفتار نیک ، هوش و درایت و تربیت و اصالت خانوادگی است .

### تناسب و تفاهم به جای تطابق و تشابه

زن و مرد لظرف عواطف و احساسات و سلیقه و رفتار نمی‌توانند به یک وحدت دست یابند و تطابق و یکی بودن مطرح نیست، بلکه مراد توافق کلی زن و مرد در مسائل مختلف زندگی است که زیربنای آن تفکر و اندیشه است. هیچ دو تصد صدمثل هم نیستند و هیچ چیزی با پی با دیگری خویش ازدواج نمی‌کند، لکن هر اندازه نقطه مشترک و مشابه بنختر و پسر بیشتر باشد احتمال بهتر زیستن و سازگاری آنان بیشتر خواهد بود. و عنحل که زندگی های زنآشویی نیز همانند افراد با یکدیگر متفاوت است و زندگی هر زن و مرد بی همانند و در نوع خود بی‌ظ و سلت. زن و مرد باید به رغم تفاوت های فردی خود که حاصل عوامل ارثی، محیطی و رشد طولی می‌لت یکدیگر را اکت کنند. زبان یکدیگر را بفهند، تفاوت و سلیقه هارابشاسند و یکدیگر را آن گونه که هستند بپذیرند.

سبی و دخ و پوی که بی‌خوند با یکدیگر را بکنند باید با تکیه بر توان عقلم و قدرت اندیشیدن خود معیول هی صولوی. هاننی روظ بگود و باتوجه به نقطه مشترک و شبهه بیشتر، همسخویش را برگزینند، با او پیمان ازدواج ببندند و برای یک زندگی سازنده، شاد و سعادت مند بر خداوند توکل کنند.

اسلرطف رولط در زندگی زنآشویی و خاولگی، پوی لرش هی لاتی لستو ن صوفاً اکاء به ملتیت و حقی که قنن بر لودرن یا وز نادرظ گفته سلت. جوانی که وجوع ملروز زندگی زنآشویی، کیل خانواده و حتی جوامع را تهدید می‌کند، عمدتاً معلول فقدان اخلاق و ارزش های اخلاقی است.

ر جوهی تفاهم و خاواده وزنگی زنآشویی، رودیه گت و عتک بیلو و دبی صمیمیت و صداقت، حسن خلق و پذیرش، تکریم و تواضع، محبت و روابط مطلوب و سازنده زن و مرد است.

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

به امید اینکه همه ی جوانان برای تشکیل زندگی مشترک با توکل به خدا، برترین گزینه را انتخاب کنند.

## فاصله سنی چقدر مهم است؟



### چه کنیم که خانواده ای با دوام و مستحکم داشته باشیم؟

فنی سؤالی سلبی است که هر جوانی در آستانه ازدواج مصمم به یافتن پاسخ آن است، گرچه پاسخی به آن بعد از ازدواج هم دل بی اهمیت است. جالب است که بدانیم جواب شرع، عقل، علم و عرف به این سوال یکسان سلت. و آن یک کلمه یعنی " کفو همدیگر بودن " است. کفو هم بودن دو همسر یعنی تناسب، همسانی و همطرازی و در اصطلاح عرف یعنی با هم جور بودن.

زوج پیوند بین دو انسان و دوخاواده ملت که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می باشند و هر قدر بین این اجزاء و عناصر هماهنگی، تناسب و سنخیت بیشتری باشد. آن پیوند استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر و لذت شفی تر خواهد بود. و به تعبیر "فلسفه السنخیه علیه الانضمام"، سنخیت و همتایی سبب جذب و پیوند است. به عکس، هر چه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد، زندگی سست تر، تلخ تر، کم ثمرتر و ناپایدارتر خواهد بود. علم و تجربه گوید که زن و شوهر ملتی که با هم سازگارند و با هم هماهنگی و تناسب بین زن و شوهر ملتی، بنا بر این شناخت موری که موجب هماهنگی و تناسب بین زوجین است. ضروری و لازم می باشد و به هر چه نیاید این مسئله را به بعد از زواج میگویند. یکی از امور مسئله تناسب و هماهنگی و سنخیت است. لزوم تناسب سنی از اطلاق آتی مثل "فانکخوا ما طاب لکم من النساء" همی مورد پند و دانشین انتخاب کنید، استنباط می شود. همچنین در روایات اسلامی به صراحت، هم کفو بودن مطرح شده است. پیامبر اسلام می فرماید: با همسان و هم شأن خود ازدواج کنید.

می توان گفت لازم معیار و ملاک همبستگی در سن را به عقل و عرف و علم سپرده است. اگر فرد به تجارب و آشنایی و تعهدی همی موجود در جامعه و مدت ازدواج علمی در این مسئله نظری بیفکند به راحتی پی خواهد بود که هوس دلنشین و مورد پسند همسری است که دارای هماهنگی و تناسب سنی باشد. قابل توجه است که کفو هم بودن از ظریف، تفاوت در سن ملت نه تساوی؛ زیرا این تفاوت در آفرینش مرد و زن در مورد سن بلوغ قرار داده شده است.

در مطلب ذیل ابعاد مسئله مورد نظر از دیدگاه علم و عرف مورد بررسی قرار گرفته است:

فاصله سنی مناسب میان زن و شوهر را می توان 4-3 سال در نظر گرفت. البته این بدان معنا نیست که اگر یکی و سال به آن سنین افوددو یا از آن گذشته شود، حتماً نباید ازدواجی انجام گیرد. شاید بتوان گفت که اگر تمام زمینه ها بررسی شده باشد و شدنی خطی دیده نشود، می توان فاصله سنی را به دیده اغماض نگرست، ولی در حال بهترین و مناسب ترین فاصله سنی 4-3 سال است. طبیعتاً که اگر سازش و ایضا، منقلب نباشد، باز هم ازدواج نمی تواند موفق باشد.

براهبا با خانواده هایی مواجه می شویم که فاصله سنی زوجین حتی به 25، 20، 15، 13 سال و سال های بین این رقم بالغ می شود و با یکدیگر مشکلات عدیده ای دارند. ما در اینجا به بررسی معایب ازدواج هایی می پردازیم که فاصله سنی بین زن و شوهر در آنها زیاد است.

### 1- مشکل عدم درک مطلوب یکدیگر

وجود فاصله سنی زیاد موجب آن می شود که زن و شوهر نتوانند به خوبی یکدیگر را درک نمایند. فردی با داشتن دیت سال سن بیشتر، طبیعتاً که می تواند از تجارب بیشتری برخوردار باشد و علاوه بر این می تواند چنین احساسی داشته باشد. لذا این مسئله زمینه ای فراهم می کند که شخص ارزش لازم را به نظرات فرد کوچکتر ندهد یا طرف مقابل بیش از اندازه احساس کوچکی نماید و همیشه در حال اضطراب و تشویش باشد و بالاخره از اداره زندگی رها شده شود و هر دو مورد زمینه عدم تفاهم را به وجود می آورد که خود سبب پدید آمدن مشکلاتی عظیم و رولط زناشویی خواهد شد. اینان اغلب در وضع و موقعیتی هستند که توافق روحی ندارند و نمی توانند مسائل و مواضع یکدیگر را درک کنند.

### 2- عدم تناسب در تواناییهای جسمی

وقتی که فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره ای از زندگانی به سر می برند که به لحاظ قوت و توان با همسرخود تفاوتی عده دارند. مثلاً زنی که هفده سال دارد، در دوران جوانی به سر می برد و همسر او که در 35 سالگی است به میز میسل و دیگشده است. یکی غالباً حال است و دیگری زودتر خسته و فرولتی منفعل می شود، گاه این خستگی و انفعال از طرف همسر جوان به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمیگیرد و به حساب کم کاری گذاشته می شود، یا به عنوان شانه خالی کردن از زیر بار مسولیت مطرح

می‌گردد، و وقتی که با این عنوان طرح می‌نماید، طبیعی است که طرف مقابل احساس ناراحتی می‌کند و ممکن نتواند امر عملی برای جلوگیری اوشودودر نتیجه محیط امن‌خانه تبدیل به فضایی نامن و غیر قابل تحلی شود. و حلی که مرد قصد شانه خالی کردن از مسئولیت را ندارد ولی از طرف همسرش متهم به تنبلی و بی‌مسئولیتی می‌شود و از آنجا که در چنین مواردی مرد تنبلی را نمی‌پذیرد، مجادلاتی در می‌گیرد.

### 3- انعطاف پذیری کمتر فرد بزرگتر

وقتی نوجوان با یک بگوز نگی می‌کنند، به دلیل جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارند. فرد در سنین پایین تر چون نهال جوان است، امکان تغییر فراوانی را دارد. اما درختان، مجال کمتری برای تغییر باقی گذاشته اند. من ممکن تغیرو و تحول نک که ما را به یاد کلام گوی بل پیل و سلام (ص) می‌اندازد که فرمود: بیشتر کسانی که به من ایمان آوردند، جوانان بودند.

وقتی که دو نفر جوان با هم ازدواج می‌کنند، برای دست یافتن به سازگاری تلاش می‌کنند به نظر همدیگر توجه می‌کنند و خود را طوری تنظیم می‌کنند که مورد پسند دیگری واقع شوند و بدین ترتیب رضایت طرف مقابل را جلب نمایند، حال آنکه با افزایش سن، تعطل نمی‌کاهش می‌یابد و همین امر در زندگی مشترک معضل آفرین است.

### 4- پیدا شدن سوءظن

گاه وجود فاصله های سنی زیاد باعث می‌شود که زوجین سوء ظن هایی نسبت به یکدیگر پیدا کنند و ممکن است حتی نتوانند دلایلی هم برای این گونه افکار ارائه نمایند.

### 5- عدم رضای غرایز

یکی از مشکلات ازدواج، طبعی غریزی است و این خود می‌تواند عامل مؤثری در تداوم زندگی خانوادگی باشد. لذا در سنین بالا، به لحاظ غریزی افول می‌نماید، به نحوی که زوجین نمی‌توانند موجبات رضایت یکدیگر را در روابط زناشویی به خوبی طلب نمایند و همین امر ممکن است موجبات درگیری را فراهم آورد، محیط خانوادگی را متشنج کند. این مسئله در مورد چشمگیری به بروز افسردگی در زنان جوان می‌انجامد و در برخی از زنانی که خویشاوندان و بائقوا نباشند، گرایش به انحرافات و لغزشها دیده می‌شود.

### 6- امر و نهی پیوسته ی فرد بزرگتر

در چنین خانواده هایی فرد بزرگتر به دلیل داشتن تجربه، خود را ملزم می‌داند که مدام به همسر خود امر و نهی کند و او را به نیت ازدواج که هم می‌تواند به نیت ازدواج نیز در آن مستعمل می‌کند. موجبات ناراحتی همسر را فراهم می‌آورد. فرد بزرگتر احساس می‌کند که باید فرد کوچکتر را تربیت کند و حال آنکه او انتظار دارد که با همسر زندگی کند، نه آنکه همسر وی نقش پدر و مادر را بر عهده گرفته، به امر و نهی و تربیت و مبادرت نماید. البته زن و شوهر باید برای تکامل و تعالی یکدیگر تلاش کنند و در مواقع ضروری به امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر بپردازند.



## 7- کمرویی با همسر

یکی از مواردی که در این گونه خانواده ها دیده می شود، این است که فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آور شده و نهایتاً به راحتی مشکلی را با هر خوشی و مبیلی گذارد. دلخوفی نگفته و این خانواده ها به بیاد امت و مجال مناسبی برای طرح آنها وجود ندارد. سخنان ناگفته بر دل فرد رنجیده سنگینی می کند و گاه به فضایی بیرون از خانه کشیده شده، برای دیگران مطرح می شود و این امر مورد قبول و پذیرش فرد بزرگتر نیست. زیرا او فکر می کند که همش اسول خانواده را به بیرون از خانه برده، برای این و آن نقل می کند و این خود موجب بروز اختلافات تازه ای می شود و اگر فرد کوچکتر دردها را بازگو نکند، آنها بر روی هم انباشته شده، ورا افوده می کند. روحانی که در دل کین به راهش بود که می کند و او از این که همسری دارد که به دردهای وی گوش می دهد، احساس آرامش می کند، زیرا خوب شنیدن درد دلها بخشی از تسکین آلام است و بدین ترتیب فرد به پالایش روانی دست می یابد. وجود چنین فضایی در خانواده ضامن سلامت و بهشت روانی و جنسی است. وجود کمرویی بیاد و رنج و مانع بیان بردها شده، چنین تالیه رولی صورت نمی گیرد، سلامت روانی فرد کوچکتر در معرض خطر قرار می گیرد. خانم جوانی می گفت: همسر من سالها از من بزرگتر بود و من همیشه با وی رودربایستی داشتم. از وی سؤال شد: تا کی با همسر رودربایستی داشتی؟ او گفت: تا دو ساعت قبل از مرگ شوهرم.

## 8- دادن امتیازات بیش از حد

در این نوع خانواده ها، معمولاً مشکل دیگری است که فرد بزرگتر برای این که فرد کوچکتر را جذب کند و زندگی تلوم یابد، باید مدام به او امتیازاتی بدهد که وی را به دوام زندگی دلگرم کند. اما هر کس قادر نیست که مدتی امتیازاتی بدهد، زیرا گاه دادن این نوع امتیازها برای فرد بزرگتر غیر قابل تحمل و یا غیر ممکن می گردد و بدین ترتیب لنگه و خطی مقالی وی ادامه زندگی می کند. از سوی طرف کوچکتر که از نقطه ضعف همسر خویش اطلاع یافته در صدد اخذ امتیازهای بیشتری بر می آید و تقاضاهای فراوان جوانی پر انرژی و توانا، اختلافات خانواده را تشدید و جو ناامنی را بر خانه حکمفرما می کند و بدین ترتیب خانواده ای نابسامان شکی می گیرد که کشمکشهای ناشی از آن، از ارزش والدین در نزد فرزندان می کاهد و در نتیجه تأثیرات تربیتی آنها را نیز کاهش می دهد.

## 9- ترس و ناامنی

در مواردی که دیده می شود که فرد کوچکتر، دچار ترس و وحشت می شود و این هنگامی اتفاق می افتد که مرد خانواده از سن و سال بیشتری برخوردار است.

خدا می بیند که با اینکه چند ماهی از مرگ همسرش نگذشته بود، و چندان متأثر هم به نظر نمی رسید. وقتی از اختلاف خانگی و تأثیر منفی آن بر روی فرزندان سخن می گفت، به تفاوت سنی زیاد خود با همسرش اشاره کرد و گفت: روی که ازدواج کردم سیزده سال بزرگتر نداشتم، در حالی که شوهرم در آن روزها سی ساله بود و من از دیدن او سخت دچار وحشت شده، پیوسته از او می ترسیدم و این ترس و ناامنی تمامی وجودم را پر کرده بود و تا زمان مرگ او نیز وجود داشت، این ترس شدید همه ی آرامش مرا سلب کرده بود. پس اگر فاصله سنی میان زوجین زیاد نباشد، این گونه ترسها کمتر دیده می شود.

## 10- نتایج نامطلوب دیگر

تفکیک سنی بدین زوجین مشکلات دیگری نیز در پی دارد که در دوره های پایانی زندگی رخ می دهد و از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- احساس پشیمانی



درغا بله موارد ، این نوع ازدواجها با پشیمانی همراه می شود، زیرا مشکلات فراوان ناشی از این نوع ازدواجها به قدری زیاد و غیر قابل تحمل است که در اکثر موارد موجبات پشیمانی را فراهم می کند.

ب- بروز مشکلات غیر منتظره

پیدا بی مشکلات غرقالی انظار، پیامد نامطلوب دیگر چنین ازدواج هایی است. خانمی که همسرش را از دست داده و دوباره با او تفویضی زیادی هم داشت، اظهار می کرد: به دلیل عدم درک یکدیگر، زندگانی ما سراسر پر از مشغله و دعوا بود. او فرموده که عاقبت ننگ اینها با همسر فرگوا از خود می گفت: حالا که او مرده، پسو بزرگم مرا رها نمی کند و پیوسته به من می گوید: بالاخره با آن همه دعوا و جار و جنجالهایی که به راه می بردی کلي کري که پدرم بمیرد و در واقع تو پدرم را کشتی و من هر چه می گویم مرگ پدر به دعوای ما ربطی ندارد از من نمی پذیرد و با من سر این موضوع درگیری پیدا کرده است، یعنی تا وقتی که همسرم بود ، با او دعوا می کردیم و حالا پسرم جای او را در دعوا و مشاجره گرفته است.

ج- جرم زایی فرزندان

مشکل دیگری که در این گونه ازدواجها دیده می شود ، این است که امکان جرم زایی در فرزندان آنها بیشتر از مواردی است که زوجین فاصله سنی مناسبی با یکدیگر دارند.

د- طلاق

مهمی دیگری که گاه در خانواده هایی که تفاوت سنی زوجین زیاد است دیده می شود ، مسئله عدم تحمل یکدیگر و وقوع طلاق است و در نهایت می توان گفت که مشکلاتی نظیر عدم درک یکدیگر ، نداشتن تفاهم ، عدم انعطاف پذیری کافی و عدم رضایعرازی ، گاه به عنوان موانعی جدی بر سر راه تداوم زندگی تلقی می شوند و طلاق که مرگ اجتماع کوچک خانواده است ، رخ می دهد.

### توجه

با بررسی سن ازدواج میان قهرمانی و تفویض و جوامع گوناگون و بی یابیم که غالباً سن مردان در جریان ازدواج ثقی از زن بیشتر است. آنی ژیرار می نویسد: گاهی هیئت شمسلسانها و بله سن هسرا به هنگام ازدواج کمتر از ده هفت و بی دانیم که بیشتر اوقات ، افرادی با هم پیوند زناشویی می بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک هستند. از این رو نتوانستیم برای به عنوان بیاضوب مهم همسان همسری که در جامعه از اهمیت والایی برخوردار است، در نظر بگیریم.

### دیدگاه دینی

در نظر امام ازدواج کون با تفویضی زیاد ، امر نامشروعی نیست و آنچه و سنت پیامبر دیده می شود، حدیثی را مشروعتی از نوع ازدواج دارد. کمال پیامبر به عنوان انسانی کالی به حدی بود که به خوبی با حضرت خدیجه (س) زندگی کرد و در آن زندگانی معضلی به خاطر تفاوت سن و سال دیده نمی شد و از سوی دیگر خدیجه (س) نیز بی با کمال و بی نظیر بود. تمامی ثروت فراوان خود را در راه تبلیغ اسلام صرف نمود و اولین زنی بود که به پیامبر ایمان آورد ، در شعبه ایطبله بادین قلمی مشقت ها، به دلیل علاقه ای که به سلام و پیامبر داشت، همه آنها را تحمل کرد و فاطمه (س) را برای پیامبر به یادگار گذاشت. پیامبر نیز به عنوان همسر بی با هر گاه که نام خدیجه (ع) را می شنید اشک در چشمان مبارکش حلقه می زد، به نحوی که اطرافیان آن حضرت ، تأثر او را به خوبی حس می کردند.

نتیجه آنکه هتکسالی می تواند در این نوع ازدواج ها موفق باشند که از رفتار پیامبر (ص) و خدیجه (ع) به خوبی متأثر باشند.

امام صادق (ع) می فرماید :

العارفه لاتوضع الا عندالعارف

زن فهمیده ی فرزانه باید در کنار مرد فهمیده قرار گیرد نه غیر آن .

در پاپیل تأکید می‌کنیم که ضیق رفع مشکلات چنین خانواده‌هایی را طریق‌شمار خانواده باید به دختران و پسرانی که عقد ازدواج دارند ، آتش داد که ضلالتی بین آن‌ها بن‌سبب یا چهار سال و حداکثر هفت سال باشد و این چه زیلتی که باید در موقع رهنمایی‌هایی را زوج برای آنان تشریح نمود تا دریابند که با فاصله سنی کمتر ، مشکلات کمتری خواهند داشت، مشروط بر این که به سایر جنبه‌های لازم برای ازدواج موفق نیز توجه کافی مبذول دارند.

### تذکر

شاید یکی از خوانندگان این مطلب شمارادر باخواب‌گویی بشنید که تفاوت سنی زیاد با همسر خود داشته باشید و نفع شریف‌تان مشغول‌گردد که این مشکل در زندگی‌ما هم بروز خواهد کرد. پس چه باید کرد و راه حل چیست؟ نگران نباشید ، زو اشما با پیامدهای تفاوت سنی زیاد آشنا شده‌اید و با اراده و کسب راهنمایی می‌توانید از بروز مشکلات جلوگیری نمایید.

## عوامل موثر در شکل‌گیری ازدواج ( قسمت دوم )



### عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از :

#### الف) دین و مذهب :

دختر و پسر که با اعتقالات دینی متفاوت ازدواج می‌کنند ، سبب فرود آمدن احساسات پُرشور اولیه با مشکل مواجه می‌شوند . به عنوان مثال ازدواج یک پسر شیعه مذهب با یک دختر اهل تسنن ، مشکل اختلافات دینی را در پی خواهد داشت . هر چه تعصبات دینی بیشتر باشد این درگیری بیشتر می‌شود .

زن و پسر که در پی دو مذهب متفاوت اند ملاقات‌چگونگی تربیت و نندارد با مشکلات و مسائل زیادی مواجه خواهند شد و فرزندان هم در آتش و تربیت دچار سردرگمی می‌شود . دختر مسیحی روز یکشنبه به کلیسای رودو سپوسه‌مان در شب علوا به عزاداری مسلم حسین (ع) و مراسم دعا در شبهای جمعه روی می‌آورد . انعام ماهنگی و فطیو مسلم دینی می‌تواند زمینه‌ساز برتری فلان‌گاری خانوادگی باشد .

مرد مسلم مسافرتی زیارتی و حج را دوست دارد ، در حالی که زن مسیحی رغبت به چنین برنامه‌هایی ندارد و یا در مورد حج ، اجازه انجام اعمال را ندارد .

#### ب) آداب و رسوم :

در جوامع مختلف آداب و رسوم متفاوتی رایج است و گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می‌باشد . این موضوعه خصوص در مسئله ازدواج قلب توجه‌ساز است . آداب و رسوم ده باشو هلد نقل طبقات

اجتماعی‌خدا با یکدیگر متفاوت است. خانواده‌هایی که از فرهنگ غرب تقلید می‌کنند با خانواده‌های سنتی نمی‌جویند. پس باید در این زمینه نیز دقت لازم انجام شود.

### ج) لباس پوشیدن و آراستن ظاهر :

هر فردی تفکرات، اعتقادات و باورهای مخصوص به خود را دارد که نمودهایی از این طرز تفکر در چگونگی نوع پوشش و آرایش ظاهری هر فرد نمایان می‌شود.

بسیاری از جوانان سعی در تقلید از لباس‌های روز استفاده نمایند. از این رو پسر و دختری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، حتی الامکان نباید طرز لباس پوشیدن و آرایش ظاهری آنها با هم متفاوت باشد.

### د) سنت‌های غیر معمول :

در بعضی از خانواده‌ها، سنت‌های خرافی و نامعقول وجود دارد. مثلاً :

- 1- مرد و زن نه صد می‌گویند و نه صد می‌گویند ، بطوری‌که بدو سالاری در خانواده حکمفرما می‌شود .
  - 2- زن حاکم است و به اصطلاح زن سالاری وجود دارد.
  - 3- به دختر اهمیت نمی‌دهند و داشتن دختر بیک نوع بدشانسی محسوب می‌شود.
  - 4- تحصیل دختران را ضروری نمی‌دانند و معتقدند که کار زن‌ها جز بچه‌داری و خانه‌داری نیست .
  - 5- زن‌ها را به صورتهای مختلف تحقیر می‌کنند و آنها را به اسامی بد صدا می‌زنند .
  - 6- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند .
  - 7- انجام ازدواج موقت ( صیغه کردن ) را عیب نمی‌دانند.
  - 8- بی‌بند و باریک‌پوشی و آرایش‌های بی‌بهره به خانه‌چندان مهم نیست ، ولی کوچکترین خطا از جانب زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می‌شود .
  - 9- زن‌ها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند می‌شناسند .
  - 10- مرد در ثروت زن و مصرف آن دخالت می‌کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای او قائل نیست .
- و مورد دیگری را نیز باید در نظر گرفت که لازم است دختر و پسری که می‌خواهند ازدواج کنند باید در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت مشاهده چنین سنت‌هایی ، از وصلت با آنها خودداری نمایند.

### ر) اعتقادات و باورها :

تفکری که تمام هم و غشش به یک چیز است و بی‌شک و شک نیست ، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می‌گذراند ، ندارد . در زندگی هر فردی ارزشها و ضد ارزشهای فرهنگی نقش مهمی دارد. باید توجه داشت که کدام ارزش عقیده ، خیال یا بدست . این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد ، همسری را انتخاب کند که اعتقادات و باورهایش به اعتقادات و باورهای او نزدیک باشد .

### عوامل جسمانی و ژنتیکی

با این‌که زیبایی ظاهری ممکن است دوام نداشته باشد و خیلی زود جای خود را به وضع جدیدی بدهد ، دو نفری که می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند ، باید از قیافه یکدیگر خوششان بیاید . بعضی از دختران و پسران شیفته ظاهر می‌شوند و ساق و عوالمی را نادیده می‌گیرند . عده‌ای از پسران که خود دارای قیافه زیبایی نیستند ، توجهی به دختران زیاد ندارند ، عکس این حالت نیز ممکن است . البته زیبایی و زشتی قراردادی است و از دیدگاه علمی مختلف فرق می‌کند ، ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مد مطرح می‌شود . علاوه بر این ، مدل‌های نئوک از طریق فرزندان سالم و باهوش از اهمیت بسیاری برخوردار است . بعضی از مردان کوتاه

قد، زنان بلند قد را انتخاب می نمایند تا فرزندان آنان کوتاه قد نشوند و گاهی عکس این مسئله نیز صادق است. از طرف دیگر ازدواج های فامیلی که در آنها احتمال تولد بچه های معلول و ناسالم و یا کودن و عقب مانده ذهنی زیادتر است، مسئله ای است که باید با انجام آزمایش های لازم و قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد.

### عوامل سیاسی

احکام نظر و امرسیلی به دلای بودزو بذلی عقودتی مدتی ممکن است بین پدر و مادر و فرزندان و خویشاوندان جا بی بیندازد. دیده شده است که پدر و مادر به علت اختلاف عقیده سیاسی، با همه علاقه و محبتی که نسبت به فرزندان داشته اند، او را از خانه طرد کرده اند. چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت صورت گیرد منجر به جدایی می شود. بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی، قبل از ازدواج در انتخاب همسر از اهمیت زیادی برخوردار است.

### سن

سن ازدواج و شوایط جغرافیایی و اقلیمی مذکوره متفاوت است. معمولاً در مناطق گرم، سن بلوغ و ازدواج پایین تر و در مناطق سرد و کوهستانی بالاتر است. مهم نیست که در چه سنی فرد، بالغ می شود. مهم این است که دختر و پسر به بلوغ فکری، عاطفی و روحی لازم و ایلولو دیده باشند و بتواند مسؤلیت زندگی مشترک را بپذیرند.

اختلاف سن دختر و پسر با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است. گاه تفاوت سن تا ده سال هم مشکلی ایجاد نمی کند. ولی باید بین سن زوجین تناسب منطقی و معمولی وجود داشته باشد. دختر و پسر که بی برابری می خواهند زوج کنند و بین 18 تا 30 سال دارند، اختلاف بین چهار تا پنج سال مناسب است. در مورد اختلاف سن در ازدواج دوم، اهمیت مسئله به اندازه ازدواج اول نیست. سن ازدواج از دو نظر دیگر هم باید مورد توجه قرار گیرد:

### الف) جنبه روانی

افندی و فرایند شدن از نظر روانی در سنین مختلف ویژگی های متفاوتی دارد. بک جوان و بک پیرمرد از لحاظ روحی و روانی یکدیگر نیستند، هر چه سن بالاتر می رود حالت روحی تغییر می کند و رو به رکود می رود. بنا بر این زوج یک مرد پنجاه یا شصت ساله، با یک دختر هجده ساله از لحاظ روانی به سعادت و خوشبختی نمی انجمد و پیر یا زود به علت عدم انطباق نیازهای روانی، عروین جود با دلمردگی به انتظار مرگ شوهر سالخورده تل می نشیند یا خواهان طلاق می شود. عکس این حالت نیز صادق است. بنابراین دختر و پسر نباید تحت تأثیر پول، مقام اجتماعی، مقام علمی و سایر امتیازهای ارزشمند، سن همسر آینده خود را نادیده بگیرند.

### ب) جنبه فیزیولوژیکی

همان طور که سن بر روان انسان اثر می گذارد، با بالارفتن آن قوای جسمانی هم رو به تحلیل می رود و علاوه بر جنبه های روانی، نیازهای جسمانی نیز مختل می شود.

### شغل

نوع شغل نیز در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و برخی خدقون به سطح شغل همسرشان اهمیت می دهند و از نظر آنها نوع شغل مهم است. برای گروهی دیگر سطح شغل مهم نیست، آنان همسری می خواهند که کمترین فکری آنها را فراهم سازد و درآمدی کمی نداشته باشد. دختران شاغلی هم هستند که مایلند همسرشان در حوزه شغلی آنان کار نماید. بنابراین نوع شغل، سطح شغل، محل شغل و میزان درآمد در انتخاب همسر مؤثر است.

### نگرش شوهر به شغل همسر

بعضی از مردان با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مخالف اند و در پی همسری هستند که فقط خانه دار باشد ، و رهیانمذله بافتی تکمیلد که آنر جزء شرایط ازدواج قرار می دهند . عده ای نؤبرعکس و بت دارند که همسرشان شاغل باشد و نظر اصلی آنها از این اشتغال کسب درآمد است . برخی هم کسب درآمد هسر و اثینهم نیت و تف آنها را اشتغال هسر در خارج از خانه این است که با جامعه ارتباط داشته و اجتماعی تو باشد . برخی مردان میل اند همسرشان فقط در کارهای آموزشی ، آن هم در رابطه با دختران کار کنند مثلی توگویی یاد بپی مد لی خترانه . ولی گوی مردان نوعی ار هموشن مهم نیست قط تمای دارند که او به کارهای نیمه وقت بپردازد ، تا به کارهای خانه نیز برسد . بعضی از مردان نیز مایل اند که هموشن در محیط کار خود آ نانه اخی باشد . بنابراین نگویند مرد و رابطه با اشتغال همسرش در ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد . کسانی هستند که پس از ازدواج برای کسب درآمد بیشتر به بیش از یک اشتغال رو می آورند گاه مکی است زن و مرد هر دو دارای دو شغل باشند . اشتغال خانواده به بیش از یک شغل ، گاه به علت نیاز ، گاه به علت علاقه به کار و یا حرص به درآمد بیشتر است . در صورت اول شاید علت موجه و برای رفاه خانواده باشد ، ولی در صورت دوم و سوم به هیچ وجه اشتغال ضرورت ندارد و موجب می شود که زندگی خانواده حالت سرد و بی روح داشته باشد .

### نقش زناشویی

اگرچه زن نشوین تنها همبندی لیک زندگی خانوادگی موفق است ، ولی نقش و تأثیر مهمی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن دارد . به دور از تصبک بایدنگ تف که ارضاء نشدن در امور زناشویی ممکن است سبب بسیاری از خللها ، عدم احساس امنیت ، احساس محرومیت ها ، نکلمی ها و غیره شود. زن و شوهرهایی که به علت متخل ماندن نداشته ن اطلاع کافی ، تعد بک ، رتسها ، اخراقات و ... و ان زمینه قادر به ارضاء یکدیگر نیستند ، زندگی مشترک شان با مشکل مواجه می شود. اطلاعات صحیح و کافی در این مورد باید به وسیله والدین ، سازمانهای صالح و رسانه های گروهی در اختیار نوجوانان و زن و شوهرهای جوان قرار گیرد ،

## شخصیت نکته شپیرین دربارہ ازدواج



درباره ازدواج بسیار گفته و شنیده ایم. اما مطالبی که در زیر می آید شاید برای شما تازگی داشته باشد.

میلن ضیا المثلہ بی ملل مختلف و همین طور سخنان شخصیت های بزرگ جهان پیرامون ازدواج شصت مورد را انتخاب کرده ایم. بسیاری از این حرف ها جنبه شوخی و مزاح دارد اما تعداد دیگری از آنها شاید وصف حلا من و شما باشد! همین طور قسمت دیگری از این گفته ها می تواند برای عده ای حکم کلید راهنما را داشته باشد.

1- هنگام ازدواج بیشتر با گوش هایت مشورت کن تا با چشم هایت. (ضرب المثل آلمانی)

2- مردی که به خاطر " پول " زن می گیرد، به نوکری می رود. (ضرب المثل فرانسوی)

3- لیاقت داماد ، به قدرت بازوی اوست . (ضرب المثل چینی)

4- زنی سعادت مند است که مطیع " شوهر " باشد. (ضرب المثل یونانی)

5- زن عاقل با داماد " بی پول " خوب می سازد. (ضرب المثل انگلیسی)

- 6- زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است. ( ضرب المثل انگلیسی )  
 7- زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه ی خرابه هم زندگی می کنند. ( ضرب المثل آلمانی )



- 8- داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت . ( ضرب المثل لهستانی )  
 9- دختر عاقل ، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح می دهد. ( ضرب المثل ایتالیایی )  
 10- داماد که نشدی از يك شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای. ( ضرب المثل فرانسوی )  
 11- دو نوع زن وجود دارد؛ با یکی ثروتمند می شوی و با دیگری فقیر. ( ضرب المثل ایتالیایی )  
 12- بموقع خرید پلیج محدثیه زن اخب نگاهن و در موقع دلجوید باره مادر عوبتد قویکن .  
 ضرب المثل آذربایجانی )  
 13- برای ی یافتن زن می ارزد که يك كفش بیشتر پاره کنی . ( ضرب المثل چینی )  
 14- تاك از از خاك خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب كن . ( ضرب المثل چینی )  
 15- اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شكمش را در دست بگیر. ( ضرب المثل اسپانیایی )  
 16- اگر زني خويك كه تو به مخطول همسرش شوي با او ازدواج كن اما پولت را از او دور نگه دار .  
 ضرب المثل ترکی )  
 17- ازدواج مقدس ترین قراردادها محسوب می شود. ( ماری آمپر )  
 18- ازدواج مثل يك هندوانه است كه گاهی خوب می شود و گاهی هم بسیار بد. ( ضرب المثل اسپانیایی )  
 19- ازدواج ، زودش اشتباهی بزرگ و دیرش اشتباه بزرگتری است . ( ضرب المثل فرانسوی )  
 20- ازدواج كردن و ازدواج نكردن هر دو موجب پشیمانی است . ( سقراط )



- 21- ازدواج مثل لوی لی كه نه ج نگی لكه كه اگر اول فظ لك اشتباه صورت بگیرد جبراناش غیر ممكن خواهد بود. ( بورنز )  
 22- ازدواجی كه به خاطر پول صورت گیرد، برای پول هم از بین می رود. ( رولاند )  
 23- ازدواج همیشه به عشق پایان داده است . ( ناپلئون )  
 24- اگر كسی در انتخاب همسرش دقت نكند، دو نفر را بدبخت کرده است . ( محمد حجازی )  
 25- فتخبل پر و م لار هت خود انسلل ذیعت ، ولي می توانیم مادر شوهر و مادر زلمان را خودمان انتخاب كنیم . ( خانم پرل باك )

- 26- با زني ازدواج كنيد كه اگر " مرد " بود ، بهترين دوست شما مي شد . ( بردون )
- 27- با همسر خود مثل يك كتاب رفتار كنيد و فصل هاي خسته كننده او را اصلاً نخوانيد . ( سوني اسمارت )
- 28- براي يك زندگي سعادت‌مندانانه ، مرد بايد " كر " باشد و زن " لال " . ( سروانتس )
- 29- ازدواج بيشتري از رفتن به جنگ " شجاعت " مي خواهد . ( كريستين )
- 30- تا يك سال بعد از ازدواج ، مرد و زن زشتي هاي يكدیگر را نمي بينند . ( اسمایلز )
- 31- پيش از ازدواج چشم هایتان را باز كنيد و بعد از ازدواج آنها را روي هم بگذاريد . ( فرانكلين )
- 32- خانه بدون زن ، گورستان است . ( بالزاک )
- 33- تنها علاج عشق ، ازدواج است . ( آرت بوخوالد )
- 34- ازدواج پودي سلطه كه از درختي به درخت ديگر بزنند ، اگر خوب گرفت هر دو " زنده " مي شوند و اگر " بد " شد هر دو مي ميرند . ( سعيد نفيسي )
- 35- ازدواج عبارتست از سه هفته آشنائي، سه ماه عاشقي ، سه سال جنگ و سي سال تحمل ! ( تن )
- 36- شوهر " مغز " خانه است و زن " قلب " آن . ( سيريوس )
- 37- عشق ، سپيده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق . ( بالزاک )
- 38- قتي از دواج بوياء تربيت‌ظلال شي ظريه د انتم ، اما حالا شي فرزند دارم و داراي هيچ نظريه اي نيستم . ( لرد لوچستر )
- 39- مرداني كه مي كوشند زن ها را درك كنند ، فقط موفق مي شوند با آنها ازدواج كنند . ( بن بيكر )
- 40- با ازدواج ، مرد روي گذشته اش خط مي كشد و زن روي آينده اش . ( سينكاليويس )
- 41- خوشحالي هاي واقعي بعد از ازدواج به دست مي آيد . ( پاستور )
- 42- دواج كديد ، به هوسيله ي كه بي وليد . زيرا اگر زن خوبي گيرتان آمد بسيار خوشبخت خواهيد شد و اگر گرفتار يك همسر بد شويد فيلسوف بزرگي مي شويد . ( سقراط )



- 43- قبل از رق به جگ يكي دو بزو پيش از رق به خولتگاري سه بار براي خودت دعا كن . ( يكي از دانشمندان لهستاني )
- 44- مطيع مرد باشيد تا او شما را بپرستد . ( كارول بيكر )
- 45- زن تنها با مرد دي ازدواج مي‌كند كه عتيقه شناس باشد تا هر چه پيرتر شدم، براي او عزيزتر باشم . ( آگاتا كريستي )
- 46- هر چه متأهلان بيشتري شوند ، جنابيت ها كمتر خواهد شد . ( ولتر )
- 47- هچ چيز غور مرد را به اندزه ي شادي همسرش بالا نمي برد ، چون هميشه آن را مربوط به خودش مي داند . ( جانسون )

- 48- زن هیچ می‌دهد با وی ازدواج کد کهنه‌زنگی خوبی نداشته باشد ، اما نمی‌تواند مردی را که شنونده خوبی نیست ، تحمل کند. ( کینه‌بازد )
- 49- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می‌شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می‌کنند. ( شو )
- 50- وقتی وی عروسی است خیلی فریبه کنی ، مهمان‌ها نیت رایک شب خوشحال می‌کنی و خودت را عمری ناراحت ! ( روزنامه نگار ایرلندی )
- 51- هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی‌کند. ( ضرب المثل اسکاتلندی )
- 52- با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن . ( ضرب المثل آلمانی )
- 53- تا ازدواج نکرده ای نمی‌توانی درباره ی آن اظهار نظر کنی . ( شارل بودلر )
- 54- دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا . ( ضرب المثل اسکاتلندی )
- 55- ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. ( مثل سانسکریت )
- 56- زناشویی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل می‌کند . ( ضرب المثل آلمانی )
- 57- ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار دارد. ( مارک تواین )
- 58- ازدواج مجموعه ی آزمیه هاست هم تلخی و شوری دارد. هم تندی و ترشی و شیرینی و بی مزگی . ( ولتر )
- 60- تا ازدواج نکرده ای نمی‌توانی درباره آن اظهار نظر کنی. ( شارل بودلر )

## تأملی بر ازدواج های دانشجویی



مدتی است که نوعی ازدواج در حلقه دانشگاهی ما به عنوان عالی‌ترین مکان فرهنگی ، تحقیقاتی و اطلاعاتی رو به‌پیدا کرده و بحثی به‌نام " ازدواج دانشجویی " را در بین علماء ، اساتید ، خانواده ها و جوانان رواج داده است. ما نیز بر آن شدیم به سهم خود این نوع پیوند را از زوایای متفاوت مورد تحلیل قرار دهیم.

از نواحی از طریق پیوند عاطفی ، روانی و جسمانی بین زن و مرد به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ی نهاد خانواده برقرار می‌شود و نگرانی‌ها ، عقاید ، سازماندهی ، هدفمندی و برنامه ریزی را طلب می‌کند تا به صورت ازدواجی موفق جلوه گر شود.

از نواحی موفق در فرهنگ های مختلف متفاوتی دارد. اما آنچه در تمام نظامهای عقیدتی و فرهنگی دنیا به عنوان مهمترین ضمیمه ازدواج موفق نگر می‌شود آنست که پیوند سالم و لایحه زنده و دلجو و نگر طوفین را به همراه خواهد داشت. بدان صورت که با توجه به خواسته ها ، انتظارات و نیازهای خود و در نظر گرفتن هنجارهای جامعه به آنچه معقول و منطقی است دست یابند. عبارتی وجود دارد که در عین کوتاهی ، به اندازه ای زندگی مشترک حرف به همراه دارد. " طلاق عاطفی! " و این بدان معنی است که زوجین علیرغم آنکه



با هم و وزیر یک سف زندگی کند، تنها سعی کرده اند در ظاهر، کنار هم باشد. اما در عمل همدردی، همدلی، تفاهم و احترام متقابل، تکمیل و تکلیف، و عشق را کنار خود نگذاشته و به هم تکیه کرده و کارکرد نظام خانواده که همانا محبت، عشق و رزق و تکامل است در آن رعایت نمی شود.

### طرز فکر و دیدگاه مشترک

آنچه که برای ازدواج زنده، حیاتی تلقی می شود، طرز فکر یکسان و دیدگاه مشترک بین افراد است. طرز فکر هر یک را باید با توجه به سن، نوع فرهنگ و سطح تحصیلات رسمی یا غیر رسمی یا غیر رسمیمان شکل می گیرد. با این تعبیر بدین ترتیب است که نوع نگرانی انسان پانجاه ساله با نسیست ساله تفاوت اساسی داشته باشد. البته و در سطح تصدیق و دانشی بی نهایت نزدیک و بی میزان به هم می رسند و به هم تکیه می کنند. اما عاملی اساسی در این مورد فرهنگ است. هر کس که با نگرانی و نگرانی بدین گونه می شود. زوایای فرهنگ و تمدنی و کلی یافته ای، خرده فرهنگهای فراوانی را در شهرها، مناطق، روستاها و محلات متفاوت مشاهده می کنیم که با وجود تنوع فرهنگها و گسترده رانندگی، هنوز به قوت خود باقی است. به عنوان مثال قوم کرد در منطقه غربی کشور تجمع یافته و قوم ترک در شمال و شمال غرب کشور؛ اما علیرغم همسایگی مکانی و نزدیکی جغرافیایی، از لحاظ رسوم، عقاید و سنتها و طرز تلقی مفاهیم متعدد مثل خانواده، خواستگاری، مراسم عروسی و عزا، خوب و بد... با هم بسیار متفاوت به نظر می رسند.

### تفاوت شیوه نگرش در خانواده

علاقه و مسأله فرهنگی بد نیست بدانیم عوالمی بیاری و لزوماً تفاهم پس از آن مؤثرند. عواملی که اکثر اوقات در سطح نخبه دهن جای گرفته اند. طبق پژوهش های به عمل آمده یکی از علل مهم و قابل توجه طلاق در خانواده ها، بروز سوء تفاهم و عدم درک متقابل در طرفین است. اکثر زوج های در حال طلاق، عدم تفاهم و درک خانواده زوج را مهمترین عواملی جلی خود ذکر می کنند. علت بروز سوء تفاهم ها و ادراکهای متفاوت در موقعیت های یکدیگر است که در نتیجه آن به هم تکیه می کنند. شیوه نگرش خانواده و نوع نگرانی است که در افراد مختلف به شدت متفاوت می نماید.

### فرهنگها و تجارب گوناگون

دانشجویانی که با فرهنگهای متفاوت و تجارب گوناگون تصمیم به ازدواج می گیرند باید به طور جدی متوجه پیشینه خانوادگی و فرهنگی مختلف و احتمالاً متناقض با شرایط طرف مقابل خود باشند. این بهترین راه برای پیشگیری از وضعیتی است که زوجین با مراجعه به مراکز مشاوره اظهار می دارند: همسر مرا درک نمی کند! گاهی برخی جوانان در ابتدای رابطه با هم تکیه می کنند و به لحاظ خانوادگی، شخصیتی، عقیدتی و... با هم تفاوت دارند. اما به تدریج می توانند تفاوتها را در سایه "عشق" تنها به اشتراک تبدیل کنند. علاقه و محبت بر روی زندگی مشترک عامل اصلی و پایه اساسی تلقی می شود اما منطقی تر آن است که عشق را مکمل از نواحی دیگر نه عمل آن. اصلیت شدید و عطف و رفق جوانان، گاه او را به سمتی می خواند که تنها ملاک انتخاب خود را بگذرد و بخورد گمانی و اشتباهی و علاقه ای که در اثر همجواری ایجاد شده خلاصه می کند. حال آن که عاقلانندیداری، با عشق تفاوتها را اساسی و اصولی دارد. آن هم عشقی که لازمه یک زندگی موفق و نثوری است. حتی بین از نواحی نیز عشق و رزق هنری است که رعایت قوانین و اصول خاصی را طلب می کند. اصولی مثل پذیرش، درک و همکاری.

چنین توجه به این موارد، لازم است هر جوان در اعماق ذهن و افکار خود به خود شناسایی بپردازد. لازم است تا پیش از تصمیم به ازدواج،

هېڅ ژا ما تکلیفخوږ ا بامفهم ا تزاعي و غوانق لې و انظر لک و اهداف خود روشن کنیم تا از گزند  
 آرمان گزینی هې نور ل سوسن و درگیر شدن و دام و هارها بی یلیم . شاید دسایه ان خود شنلی به  
 واقع بینی و آنچه که یارو مددکار ما در حیات فکری و عقیدتی ماست دست یابیم .



### ویژگی های شخصیتی

یکی از سوالات کلیدی در زمینه خودشناسی که پیش زمینه اساسی انتخاب همسر و ازدواج تلقی می شود آن است  
 که واقعاً هر آینه خود چه انظاری درم ؟ و چگونه اندیگر ایا چه شوهر فزوی و ویژگی های  
 شخصیتی ، برای شراکت در زندگی می پسندیم .

لگروملتها و معی رله ی لسلو حدی لئ شعی خود را ییابیم با نیدی واقع بینانه و عمیق تر می توانیم به  
 کوشش شریک باثوا یطی نزدیک به آن ویژگی ها بپردازیم . در این میان نباید تشابه فکری ، عقیدتی و شخصیتی  
 طرفین و خانواده آنان را از یاد برد . ازدواج نه تنها ترکیب دو انسان ، بلکه تداخل دو خانواده است .

خانواده ها به عنوان عوامل بسیار مؤثر در زندگی یک زوج تازه پیوند یافته می بایست از تناسب در موقعیت های  
 اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، دینی و ... برخوردار باشند تا به تعادل آید تشابه زوجین نیز باشیم . درصد  
 ریسک طلاق و شدا به و موارد بلا بینا تشویق بسیار بالاست ؛ زیرا در این گونه پیوندها معمولاً با خانواده  
 های روبرو هستیم که هیچ گونه اطلاع و آگاهی را سکتول اجتماعی و فرهنگی یکدیگر ندارند و تنها به علت  
 اصرار فرزندانشان موافقت کرده و به نوعی ، تسلیم خواست آنان شده اند .

### استقلال مالی جوانان

ظهوری کندی تا چه دمی و انید از خدمت الهی ، خانوانگی ، فرهنگی و رفتاری همکالی یا هم  
 دانشگاهی خود اطلاع حاصل کنید؟ با توجه به این که انسانها موجودات پیچیده ای هستند و توانایی تظاهر و نقش  
 بازی کردن را دارند . شاید به سبب همین توانایی ، طلب اوقات رفتار انسان غیر قابل پیش بینی است و به  
 طور طبیعی هر یک از ما در جمع سعی می کنیم خصوصیات منفی خود را پنهان کرده ، چهره ای منطقی ، آرام  
 و دوست داشتنی از شخصیت خود به نمایش بگذاریم . آیا چند برخورد و یارد و بدل کردن چند کتاب و جزوه و  
 نهایتاً تحقیقی مشترک ( که به شدت بعید می نماید ) امکان شناخت زوایای تاریک شخصیتی و رفتاری طرف مقابل  
 را به شما خواهد داد؟ می دانید که بی بی ل و قکره رفتارها میان حتی ویل خود ما روشن نیست . این  
 همان چیزی است که در اصطلاح به بخش ناخودآگاه و خاطرات سرکوب شده ی ما مرتبط می شود .

مسائل اقتصادی نیز به نوبه خود توجه ویژه ای را می طلبد ؛ چرا که اکثر دانشجویان از استقلال مالی برخوردار  
 نبوده و به جهت طلبی شدن مدت تحصیل ، میزان وابستگی مالی و استفاده از امکانات خانواده تا سنین بالا ادامه  
 یافته و نسبت به قبل طولانی شده است . فوادی که هر گشته فرزندان به سرعت وارد بازار کار شده و درآمد  
 مستقل مالی کب می کردند . گرچه کار و تحصیل منافاتی بهم ندارند اما بشر اطرز زندگی امروزه ، جباراً  
 تحصیل علم بین کار یا شغل مناسب برگزیده می شود . حتی پس از اتمام تحصیل نیز ضمانتی مبنی بر دستیابی  
 به یک شغل مناسب و همسو با تحصیلات وجود ندارد . لازم نیست شروع یک زندگی همراه با رفاه باشد اما حداقل

بغوردی از تمدن مایه و ندنلق نغسه ونگری و لیا و ار شلی وحد متعالی، شرط لازم تلقیمی شود.

### نظرات و خواسته های منطقی

زندگی مشكرا می قیل و پایه اما و اگر، و طول سعتو نلمعقل بناکرد. هچنل که هیچ معماری عا بت خود را و خك ست بندیل نی گذارد. و زدگی پدوا نه لی قوی و منطقی می طلبد. مثلاً تشابه فرهنگی و تمدن دنیا ل عوالی بدیل مه مو فقیه زندگی مشترك محسوب می شود. زیرا عوامل فرهنگی به زندگی جهت می بخشد، لغت، مذهب، خوه معاشرت، تربیت فرزندان و حتی پر کردن اوقات فراغت با عنایت به فرهنگ خاص هر خانواده و منطقه شکل می گیرد...

دو اج دانش جویی صورتی که تنها معیله اند تعب، برخوردار های ظاهری، بدون در نظر گرفتن مسائل اصلی حتی حاشیه ای باشد با درصد ریسک بسیار بالایی مواجه خواهد شد.

ساده اندیشی است که فکر کنیم: "من با يك نفر زندگی مشترك تشکیل می دهم، با خانواده او چه کار دارم؟!..."

نکته هیدرست. ازدواج، برخوردار دو فامیل، دو خانواده و دو منطقه است. نادیده گرفتن خانواده ها، نظرات و خواسته های منطقی آنل بزرگترین بی تجربگی و اندان محسوب می شود. ما آیا واقعا هر چه رهی برای انتخا همگانی به عول شولیزنگی فیت؟ آیا تمدن از بول لی دانشی خطو مبدلی حساسات و عواطف گذرا و نامعقول شکل می گیرد؟

زادولج دانشجویین نیز ما نندهر بیوند دیگر می واند به شکلی منطقی و اصولی پایه ریزی شود. به شرط آن که و اخی و معیار هیمی مایب و نظر گرفته شوند. طبعاً دوجنس مخالف در مکانی فرهنگی با هم برخوردار می کنند. جهت گیری فکی جوانان، شروع طلبی و شو ایطصل هوئی سبب می شود در برخوردارها نیم نگاهی هم به ازدواج داشته و در بین همگانی ها در جستجوی شریک زندگی باشند و گاه همسویی هایی بعضاً تصادفی آنها را به سدی هم می کشاند. اما خوب است قبل از ایجاد علاقه و ورود به دنیای لطیف عاطفه، پس از انتخاب اولیه که مدنی و منطقی و در نظر گرفتن معیارها و عوالی مؤثر در سعادت زندگی مشترك خواهد بود، انتخاب خود را با خانواده و میان بگذارد و نظر نک آنها و دلایلی که برای موافقت یا مخالفت با این بیوند دارند آگاه شوند. پس از موافقت خانواده و شناسیدن هر دو خانواده با هم، جوانان نیز می توانند در سایه ای استفاده از تجربیات خانواده و در محیط خانه، به مطالعه ای که لازمه ای شدنخت هر بول شکلی ای زندگی مشترك است دست یابند و درکال صداقت، انتظارات، اهداف و خواسته های خود را از ازدواج بیان کرده و نظرات شریک احتمالی زندگی آینده خود را در بشنوند، و در سایه این گفت و شنودها، تشابهات و اختلافات شخصیتی خود را محك بزنند. در سایه این شدنخت، بیوند مذنب تشخصی داده می شود و یا پیش از آن که اتفاقی بیفتد متوجه تفاوت های اساسی شده و از بروز اشتباه در انتخاب پیشگیری می شود.

### سعادت و خوشبختی

بی بیصادقانه و قفل کنیم که والدین در پی سعادت و خوشبختی فرزندان شان هستند و گذر زمان تجربیاتی را در زمینه تفاهم، فک متقابل و هسو مذنب به آنها اعلاکو نه که چنل لسن و بی و هو به هنت نیامده اند. زداوج مهمترین و سونوئت سازترین تصمیمی است که در طول زندگی اتخاذ می کنیم. به طوری که درست یا غلط بودن آن، شو ایطصل طلبی، خانوانگی و اجتماعی ما را در تمام طول عمر تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. بیلییدا زخربیک و اذن وجهی مدیالی به شلی و آلیس بهر مو بیوم به جای این که آنها را مقابل خود بدانیم و کذاشان قرار گیریم تا از درصد پشیمانی خود طی سالهای آینده کاسته باشیم. تحصیلات عالی، ارتقاء سطح فکری و توانایی های فنی، اندر قلی و ملتلا لی لسان را موجب می شود ما گروا ه بین باشیم باید بیونیم که تحصیلات جاشین توب بیتمفید و گرانبهایی بزرگترها خواهد شد. من و تو به عنوان جوان نیازمند تجربه ایم و اگر انسان هوشمند می باشیم همه چیز را خودمان تجربه نخواهیم کرد بلکه از تجربیات و توانایی های

دیگر خصوصاً بدنگی و دیک خود نیز بهره خواهیم جست . برخی تجربه ها به منزله ی هدر رفتن تمام عمر خواهند بود. آیا ق داریم به این بهانه که وی زندگی خود تصمیم می گیریم ، خود و اطرافیانمان را در دور بطل رنگ وی هلی خا و ادگی و زندگی تنگی از شتاب و اندک بل خود قرا ر دهیم ؟ اگر زندگی مشترک یکی از اضلی خانواده به ن بست برسد یا با مشکل مواجه شود تنها زوجین درگیر نخواهند بود بلکه اختلافات ، تمام اضلی خانواده را درگیر خواهد کرد. ضرب المثل معروفی است که می گوید : " آنچه جوان در آینه بیند پیر در خشت خام بیند."

به هرحال ای جوان ! انتخاب صحیح حق توست، از حق طبیعت دفاع کن و ازدواج را پیش از آن که شکل بگیرد نجات بده!

## توصیه به جوانان در آستانه ازدواج و خانواده های جوان



و بی ک زندگی مطلوب و منطبق بر اصول اخلاقی ، مسئله مهم میزان آگاهی و تقید کسانی است که می خواهند با تشکیل خانواده بهره مناسی از کون عر بگیرند. به طور معمول برای دادن اطلاعات از بایدها استفاده می شود، ولی در این مقاله بنا بر این داریم که از نبایدها شروع کنیم و نتیجه گیری اصلی را به عهده شما بگذاریم.

1- ازدواج نباید بدون توجه به شرایط و موقعیت های زوج جوان صورت گیرد.

این پرسو دخترند که بایستی با تلفیق مجموعه ی توان ها و توانمندی های خود ، به یک زندگی سروسامان دهند نه دیگران . یکی از مشکلات اساسی زوج های جوان در جامعه ما این است که جوان با یک فکر و اندیشه ی آرمانی تصور رسیدن به این مدینه فاضله است و این گونه تکرر به لاجرم تولد داد توأ تعبی هلی وجود را حاصل می کند. از سوی دیگر واقعیت های موجود در جامعه ، خود را به گونه ای دیگر جلوه می دهند و اولین تضاد این گونه ایجاد می شود. از این رو بهترین زندگی را کسانی دارند که بتوانند از این جدال و تضاد به عاقبت رهایی یابند.

از جمله شرایط موقعیت ها، شرایط اجتماعی و فرهنگی زوجین یکی طبقه و پایگاه اجتماعی پسر و دختر است که بایستی این شرایط همخوان باشد. از شرایط دیگر ، تناسب جسمی و سنی زوج است که بر اساس دیدگاه های بزرگ دین و همچنین روانشناسان ، بایستی به میزانی معین از رشد جسمی و سنی رسیده باشند و دقیق و از رسیدن به این رشد، تناسب این دو با هم است . برای مثال اگر پسری همسری بزرگ تر از خود برگزیند ، یا فاصله سنی زوجین ده سال یا بیشتر باشد ، مشکلات عدیده ای برایشان رخ می نماید که مجال طرح آنها نیست

2- انگیزه ازدواج نباید شهوت و خوش گذرانی باشد.

در بی دواج انگ و هلی عالی و رانشی چون بلخ به نای فلت، تلارد بتلی لب، لب به سنت رسول الله ، همی و تکمل ، و همه قوی تر ط ط فت فرمائی خوند وجود دارد که چنانچه هر کدام از اینها به عون انگیزه ازدواج باشد لغت و شهوت و غیزه و... را به هر د خولهد داشت تا جایی که برای این لذت و

شوت ٿوبه هم څو اهد بود. لما ځر اين ارزش هاي عالي ملاك قرار نځيرد ، چون آن خواست ها مادي و هدف هايي سهل الوصل اند، مداومت بر آنها انسان را خسته ، سرخورده و محدود خواهد كرد.

3- ازدواج نځايد همراه با انگيزه هاي مادي و دنويي باشد.

زوج هلي كه وځيرسين به څه ، جاذبه هاي مځي و قدرت وځي و موقعي جعتي بځستي لځويه امكناات و بهره هاي دنويي انجام شود، به علت مادي و نسبي بودن اين اهداف و به ويژه اين كه در ځوران حوادث و اتفاقات تحت تاثير شديد قرار مي ځيرند و از بين مي روند، معمولاً به نتيجه مطلوب نخواهند رسيد.

4- ازدواج نځايد براي برآورده شدن خواست هاي ديگران باشد.

به طور معمول ، آرزوهاي پدران و مادران ، ايده آل هاي آنان، خود سري ها و ځج فكري هاي آنها يا حتي انتقام څوي آځني را ز زندگي و محروميت هلي ځ بلي شځي ، فرزندان را به سوي ازدواج هايي سوق مي دهد كه در آن يا بځستي ځي ځي ، لځ عوط لځميت و تحقرا تحلي كند ځځشت مځوي لځ نشل ه ځوبقول موف بسوزد و بسوزد يا ان كه هر دو طرف ( زن و شوهر ) خود را محكوم به پذيرش اين تحكم بدانند يا با به هت لځرن اندك بهانه هلي ځوله تخودرا لځ لځن تحم ځذ بهرها سلخته ، و ننتيجه با طلاق يا جديابي يا ... زندگي را بر خود و خانواده ، ناځوار و تلخ كنند.

نځوار ځو از لځن عذولت هلي افراد نځي ځه غير را پځر وماه سلامت. در بعضي جوامع ديده شده است كه ځو ځ خون بهاي مقتول است يا دختر به همراه مادر در خانه ناپځري يا ... زندگي كرده ، براي امرار معاش تن به سرنوشتي مي دهد كه خود در شكل ځيري آن نقش ندارد.

5- انگيزه ازدواج نځايد چشم و هم چشمي ها و مقايسه هاي اجتماعي باشد.

ځه بسا مشاهد شده است كه پسر يا دختري تنها به خاطر اين كه مادر يا پځرش مي خواهد فرزندشان از ديگر هم ين وسيله لو به نځي ځ كتر و ... ځلوه كند ناخواستنه در ځير سرنوشتي مي شود كه نه به صلاح اوست و نه خود نقشي در شكل ځيري آن داشته است .

6- ازدواج نځايد بدون جلب نظر و راهنمائي و هدايت والدين باشد .

هځو ځځه پور ځ بلا معمولاً ځځنه مځجه پو لځو ماوان و جعه لك ، لځي ځجه به ان نځكه نيز ضروري است كه والدين بځبستي به طور حتم در زندگي و تشكيل خانواده فرزندانشان نقش داشته باشند. يعني لازم است حد و مرزها رعايت شود و فرزندان خودسرانه براي رسيدن به آن چه امروز مي بينند اقدام به ازدواج نكنند. تناسب ميان زوج جوان ، چنانچه همراه با نظر و راهنمائي والدين باشد ، نتيجه بخش خواهد بود.

7- ازدواج نځايبستي بدون مشورت و چاره انديشي با بزرگترها صورت ځيرد.

تو به لي كه ځځگ ترها از زندگي ځو لځخته اند درم و قعتي هلي بځبستي مورد استفاده كوچك ترها قرار ځيرد. سبق بجايي است كه ځځفته شده است انځل بايدو بار ز ځځي كند ، بار اول تجربه كسب كند و بار دوم با استفاده را لځ ځايب ځځد نه ، ځځك ځځي سالم داشته باشد. انسان انديشمنند با ځمي تا مل به اين نتيجه مي رسد كه را آنچا كه دو بار زندگي كردن ممكن نيست پس به جاي زندگي اول مي توان از تجربه ديگران و پيشينيان بهره جست . البته لځن امر در مسئله ازدواج بسيار ضروري است ، چرا كه آځاهي نسبت به مسائل اجتماعي از ځځ سو و شذولت صل و نسب و ځا و ويژگي هلي ځلاقي هځ فرد با توجه به تعلقي كه به اصل و نژاد خود دارد از سوي ديگر ، در مسئله ي همسر ځزيني و توافق زن و شوهر در زندگي بسيار مهم و حساس است .

8- ازدواج نځايد بدون توجه به قوانين و دستورهاي الهي اسلام باشد.

غويزه جني و بيباري لځ موجودات زنده از جمله حيوانات وجود دارد و انسان نيز در اين ويژگي ، با حيوانات شذولت است . لځي را چيني كه موي قاوت انسان از ساير حيوانات شده ، موقعيت و مقام و منزلت انسان در نظم هستي است. بهمان انزه كه انسان و نظام هتي متمو لځ سليرحي و انت ، لځر ځي شرافت

برخورد ل سلت ، مسئله ي برآورده کردن غریزه نیز باید با شرافت ، ارزش و توجه همراه باشد. لذا مکتب حیات  
 جنس مللام بر طریقه بین انسان به زمین نه بی که بتواند فوزه جنسی را ارضا نماید، دستور ازدواج و زوجیت  
 مرد و زن را مطرح کرده، بر مشروعیت آن تأکید دارد. دستورها و آداب خلصی که اسلام برای زن و شوهر  
 قرار داده ، همه برای حفظ شرف و جایگاه انسانیت تا جایی که تَمَرَد و سرپیچی زن از شوهر را به نوعی  
 مد تیجه قبل دانسته و اوط و توفیظ و ان موارد را بین زن و شوهر مورد ملامت و سرزنش قرار داده  
 سلت . بنابراین آنچه به قو این مللام موجب سعادت و پیشرفت خواهد بود و در هیچ موردی تاکنون قانونی بهتر  
 و متعالی تر از اسلام ارائه نشده است.

9- در ازدواج، انتخاب همسر نباید بدون معیار و ملاک باشد.

مکتب انسان ساز مللام هیچ نینروانند فلدن بر انتخاب ب هسو و و جیبی که ولین بحث مورد نظر است تأکید  
 فو ل و ن دارند. همه ی این تگیدات برای به کارگیری ملاک و معیار در انتخاب است. آنچه در اسلام به نام قانون  
 که ویت مطرح است تعد و بسیر لجمع و و محتوا بی است که بررسی آن و جایگا ه خود نیاز به ارائه مقالات  
 متعددی دارد که در این جا به اختصار از آن خواهیم گذشت .

و کوفت هسران مسئله کفایت و جامعیت مطرح است و آن هم در ارتباط بین زن و شوهر و در جنبه های جسمی  
 ،جنسی ، عقلی ، و فنیکی ، علمی ، للاقی ، لاجتمالی ، روحی و روانی ، دینی ، خانو آنگی و ... مورد نظر  
 است. آن دو باید همه این جنبه ها را به عنوان ملاک برای انتخاب همسر در نظر بگیرند.

10- ازدواج نباید فقط تحت تأثیر عوامل اجتماعی صورت گیرد.

انگیزه هنی لاجتمالی ، مضمناً آنسته که و ارتباط با گروه همسالان ، علت و انگیزه ی انجام فعالیت می  
 شوند، در ازدواج با بیته بدیل کترل شده و دقیق مورد تحلیل و توجه قو ل گیرند. این انگیزه ها اغلب آنی و  
 زوگ و سلت و بسیاری را وقتاً هم و بیننده و کاذب . د ویت یا بی ها، محبت ها و عشق های خیابانی و کوجه  
 بی لری که معمولاً زموارد متهی عوامل لاجتمالی اند و مقبولیت عام اجتماعی نیز ندارند، باید در ازدواج کاملاً  
 کنترل بشوند، زیرا اگر ازدواجی با این انگیزه ها و عوامل انجام شود دارای عاقبت و پایان خوبی نخواهد بود.

11- ازدواج نباید مخالف امور و مقتضیات طبیعی باشد.

و نظام هتی که نظمی در ل یخند اظه و حد بل تقیق است، مسئله زوجیت یکی از مسائل مهم است. زوجیت ،  
 لازمه تکمیل و ثمردهی هستی موجودات است و برای این امر مهم ، شرایط طبیعی نیز در نظر گرفته شده  
 سلت . به عنوان مثال گرده افشانی گیاهان در زمانی معین به نتیجه خواهد رسید و ازدواج هم در کودکی یا میان  
 سالی و پیری نتیجه خوبی نخواهد داشت . لذا لازم است در ازدواج به این گونه امور و موارد دقت و توجه کافی  
 شود .

## ازدواج های فامیلی نیاز به مشاوره ژنتیک دارد



موروثی و تاریخی بق مانگی ذهنی نشان می دهد که در هر دوره ای از تاریخ ، در هر فرهنگ و تمدنی و در همه طبقات اجتماعی او وجود داشته اند که از نظر فعالیت اجتماعی پایین تر از حد طبیعی بوده اند و این امر سبب گاری آنها را با محیط زندگی شان مشکل ساخته است . تولد کودک معلول و عقب مانده ذهنی به مثابه زنگ خطری برای اجتماع است چرا که این افراد علاوه بر آن که در پیشرفت جامعه زیاد مؤثر نیستند ، به سبب ضیق و معلولیتشان در اقتصاد سنگینی را بر خانواده و جامعه تحمیل می کنند . یکی از عوامل پیدایش کودکان عقب مانده ذهنی اختلال و نارسایی هورمونی است . از جمله عوامل متعددی که در ایجاد معلولیت ذهنی کودکان مورد نظر است ازدواج های فامیلی و پیوندهای خویشاوندی (همخونی) است .

تدقیق نشان می دهد که نسبت خویشاوندی والدین حتی اگر در سطح چندمین نسل هم باشد می تواند سبب عقب ماندگی کودک شود . از این تحقیقات چنین نتیجه گرفته شده است که مرگ و میر فرزندان در غیر خویشاوندان ، و حدود چهل در هزار و در زاد و بوم های بین پیوسته و دختر عمو به شصت تا هشتاد در هزار افزایش می یابد .

نتایج تحقیقات دانشمندان آمریکا نشان می دهد که ازدواج بین اعضای دور و نزدیک خانواده ، باعث افزایش میزان مرگ و میر نوزادان و رشد گسترده انواع بیماری های جسمی ( قبل و بعد از تولد) می شود .

در کشور ما ، ازدواج های فامیلی و روستاها و مناطق عشایری بیشتر از نقاط شهری است و این به دلیل بافت فرهنگی و روابط غنی قومی حاکم بر این مناطق است .

غدا بروروستا شیدان ترجیح می دهند که با افرادی از قلمرو نزدیکان خویشی ازدواج کنند . نگاهی به سوابق تاریخی ازدواج خویشاوندی در ایران حکایت از این موضوع دارد که ازدواج خویشاوند مقدس شمرده شده است . و امپراتوری ساسانی ازدواج با خویشاوندان را ممنوع و متداول بود . ازدواج با خواهر به ویژه در حفظ پاکی خون و میراث شاهانه به عنوان یک اصل به شمار می رفت . نه تنها در بین آریاییان بلکه بین اقوامی سامی نیز ازدواج با محارم سابقه دارد و این عمل ظاهراً در بین ملل شرق چندان قبیح نبود .

و بررسی سوابق تاریخی ازدواج های خویشاوندی در سایر کشورها چنین برداشت می شود که از دید جهان غرب زاد و بوم های فامیلی عرفاً قابل قبول است . و اکثر ایالات آمریکا ، ازدواج با فامیل نزدیک مثل پسر عمو و دختر عمو ، نادرست و بالعکس ممنوع و غیر قانونی است . این قانون در اواخر قرن 19 میلادی به ثبت رسید .

و پژوهشی که در سال 1376 تحت نظر اساتید دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در این زمینه انجام گرفت ، 400 کودک بصورت نمونه و به طور تصادفی و بدون لیست انتخاب شدند که 200 نفر از آنها کودک عقب مانده ذهنی و 200 نفر آنها عادی بودند . در این تحقیق همچنین به سن والدین در زمان بارداری و ترتیب تولد ، تحصیلات والدین در زمان بارداری و تعداد فرزندان خانواده توجه شده بود .

نتایج نشان داد که سن پدر و زمل بار دای می تواند بر عقب ماندگی ذهنی کودکان تأثیر داشته باشد و زمان خاستن بچه ها در مردن بلند قبل از سن 40 سالگی انجام پذیرد و بهترین سن برای بارداری مادران سالهای 19 تا 34 سالگی است و مولدانی که قبل از 18 سالگی یا بعد از 35 سالگی باردار شوند امکان به وجود آوردن کودک عقب مانده ذهنی و آنها بیشتر است . و رابطه با ترتیب تولد ، این موضوع با عقب ماندگی کودکان رابطه ای داشت . همچنین تحقیقات نشان داد که معمولاً والدین کودکان عقب مانده ذهنی از لحاظ سطح سواد و تحصیلات از والدین کودکان عادی پایین تر بودند .

همچنین از لحاظ تعداد فرزندان ، نتایج نشان داد که هر اندازه جمعیت خانواده بیشتر باشد و و خانواده افراد زیادی بی بیهوشی زندگی کنند و این می توانند به خوبی مایحتاج فرزندان را رفع کنند و این باعث می شود که بهره هوشی کودکان و خانواده های پر جمعیت کمتر باشد . در پایان نتایج نشان داد که تعدد پیوندهای خویشاوندی در

والدین عقب مانده نهنی نسبت به والدین کودکان عادی بیشتر است. به عبارت دیگر ازدواجهای خویشاوندی می تواند با عقب ماندگی ذهنی کودکان رابطه داشته باشد. در پایان پژوهش، پیشنهادهایی به قرار زیر ارائه گردید:

- ایجاد و گسترش مرکز مشاوره و کلینیک های مشاوره ژنتیکی در سطح کشور بخصوص در مناطق عقب افتاده عشایری؛

- تحقیقات گسترده بر روی نمونه های بزرگ در سراسر کشور در زمینه بررسی علل عقب ماندگی ذهنی؛

- مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره ژنتیکی قبل از اقدام به ازدواج های خویشاوندی؛

- آگاه کردن خانواده ها از خطرات ازدواج های خویشاوندی و منع این گونه ازدواج ها؛

و پدیده های وابسته که غلبه ناهنجاری های ژنتیکی و بیماری های ارثی قابل پیش بینی بوده و با در نظر گرفتن

قوانین وراثت و مشاوره هیژنتیکی و انجام آزمایش های مختلف قبل از ازدواج های فامیلی می توان از تولد

تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان معلول و بیگانه های کب معنای اختلالات ژنتیکی متولد میشوند

جلوگیری کرد.

## معیارهایی مشترک در انتخاب همسر

### با انتخاب صحیح همسر، خانواده ای مستحکم داشته باشیم

#### (قسمت دوم)



و قسمت اول مطالع می در مورد صورتی در نظر گرفته ملاک معیارها را انتخاب همسر مطرح نمودیم و

اینک در ادامه می خوانیم...

باید به خاطر داشته باشیم که هدف اصلی از زندگی مشترک خانگی بخیر دل شدن زن و مرد اخفا و

صمیمیت است. به همین مناسبت زن و مرد باید انگیزه ازدواج را بر محور امور معنوی قرار دهند، نه امور

مادی همانند زیبایی. زیرا اگرچه زیبایی زن، خود یکی از عواملی است که هر انسانی به طور طبیعی جذب آن

می شود و اسلام نیز زیبایی زن را مورد توجه قرار داده است، ولی این به آن معنی نیست که انگیزه ازدواج تنها

بر محور جمال و زیبایی دور بزند و امور اخلاقی و معنوی نادیده گرفته شود.

باید توجه داشته باشیم که یار زندگی مشترک تنها زیبایی ظاهری نیست، بلکه اخلاق و عفت و سازگاری نیز

لازمه زندگی است. پس اگر به همراه زیبایی، روحیه پاک انسانی نباشد، این زیبایی، نیکو و پسندیده نخواهد

بود و ازدواج با چنین زنی سعادت و خوشبختی به بار نخواهد آورد.



مام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید : هر گاه مردی زنی را به خاطر زیبایی و ثروت به ازدواج خود در آورد ، سعادت و خوشبختی مرد موقوف به همان امر خواهد بود و اگر مردی زنی را به خاطر دینداری و تقوا به همسری برگزیند ، پروردگار متعال زیبایی و ثروت را نیز نصیب او خواهد کرد .

رسول خدا (ص) درباره این گونه بی بی می مدقوامی فرماید : از ازدواج با خضراء دمن پرهیز کنید ! سؤ لاشدد كه مخرله دن چ پیت؟ آن حضرت فرمود : گل زیبایی كه در مزبله ها می روید . یعنی زیبا چهره یی كه در كانون خلواده فسلد رشد یافته و به عبارت دیگر زیبا چهره ای كه در محیط آلوده به فساد و تباهی نشو و نما کرده است .

آنچه كه و متن زندگی ویلی و ضرورت دلد خلاق و سازگاری زن است و آنچه كه خانواده را خوشبخت می كند حیا و عفت زن است ، نه زیبایی تنها . به طور کلی آنچه كه محیط خانواده را سرشار از عشق و محبت می كند ، رعایت اصول اخلاقی ، پاكدامنی و پای بندی به تقوا و درستی و راستی است .

دخترن و پیرانی كه صدن زو له هستند باید دقیق باشند و ضمن توكل بر خدا تا حد ممكن بررسی های لازم را انجام دهند و بر مبنای معیارهای اساسی و منطقی اقدام به ازدواج كنند .

ناگفته نماند همان طو كه بررسی ها و دقت های منطقی ، لازم و ضروری است ، وسواس و شك و تردیدهای بیش از حد معقول نیز نادرست و زیان آور است .

### معیار و ملاك های مشترك در انتخاب همسر

1- **طمانت خاوانگی :** اولین و بسلی وین معیار و یی انتخاب همسر اعم از زن و مرد ، اصالت خانوادگی است . كلا مه طمانت از طی گرفته شده و طو به معنی ریشه سلست . یعنی دختر و پسو از خلواده هلی باشند كه دارای اصل و ریشه هستند .

نختر و پسو باید در خانواده هایی رشد یافته باشند كه در آنها پدر و مادری عاقل و دلسوز با همه وجود در رشد و تعلیل وزند كدیده بشند ، نه خانواده هایی كه زن و مرد ، خانه و كودكان را به حال خود رها کرده و به دنبال گرشو و تفریح خود بوده اند و با مردانی كه بدون دلیل موجهی همسران متعددی گرفته اند و فرزندان خود را به حال خود رها کرده اند .

و خاوانده یی صلبل ، پورل و مدرن می كوشند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نمونه و الگو بشند و بدون تردید پدر و مادر صالح از نظر ارثی نیز سرمایه های بس گرانبهایی را به فرزندان خود انتقال می دهند . دخو و پسری كه در يك خانواده اصیل رشد می یابند ، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و و خور د با شورای ها و سختی های زنگی هرگز لجاد هدرستی و راستی خارج می شوند . به عبارت دیگر پایبندی به آبرو و حیثیت ، آنان را از انحراف باز می دارد .

2- **یهل وین داری :** پایبندی به اصول آیین اسلام یکی از عوامل خوشبختی خانواده است . دختر و پسری كه دیندار واقعی بشند دل تجلم بی بی زل اعمال خلا خودد ری می كند ، زیرا پایبندی به دین آنان را از انجام اعمال حرام و خلاف باز می دارد .

دین عاملی درونی است كه همیشه همراه افراد است و آنان را از ارتكاب اعمال خلاف انسانی باز می دارد ؛ در حالی كه قانی يك عامل بیرونی است و طبعاً تأثیرات عامل بیرونی در حد ایمان نیست . به همین مناسبت وقتی ز پثوا یل دینی سو ل می شد كه با چه گروهی باید ازدواج كرد ؟ در پاسخ می فرمودند : **بر تو باد ازدواج با افراد متدین .** یعنی سعی كی با همسری ازدواج كنی كه دیندار باشد ، زیرا دینداری عامل قوی و استواری است كه در بسیاری از موارد ، انسانها را از لغزش ها و ارتكاب اعمال خلاف باز می دارد .



3- **خلاق نیکو** : ناگفته نماند که زندگی زن و مرد در محیط خانوادگی احتیاج به اخلاق دارد ، زیرا تنها در پرتو قانون نمی توان زندگی کرد و همه انبیاء نیز به خاطر زنده کردن اصول اخلاقی مبعوث شده اند .

رسول اکرم (ص) خود می فرمود : همانا برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را بین مردم زنده کنم .

و محیط خانوادگی ، زن و مرد هر دو باید اصول اخلاقی از قبیل نرمی و ملایمت ، گذشت و سازگاری و عفو و اغاض را رعایت کنند و هر گاه یکی از آن دو دچار لغزش و اشتباه شود ، بلافاصله به عذرخواهی پرداخته ، از ستم و عیب و جملی جملی خود ننهد زیرا ستم و عیب صمیمیت هوا را زین بوده ، شمنی و فاق را جایگزین آنها می کند . بدیهی است که طرف مقابل هم باید عذر و بوزش شخص خطاکار را پذیرا شود .

علی علیه السلام می فرماید : بدترین مردم کسانی هستند که عذر دیگران را پذیرا نمی شوند .

وقتی مردم از رسول خدای پیوسته که خود را به ازدواج چه افرادی در آورند ؟ آن حضرت در پاسخ می فرماید : کسی که اخلاق نیکو و دیدن بدشده . نکته جالب آن که ایشان حسن خلق را بر دینداری مقدم می دارند.

لزم به یاد آوری است که با مطالعه و بررسی روحیات پدر و مادر تا حدودی می توان به خوش اخلاقی پسر و دختر پی برد .

4- **رعایت اصول کفویت** : ترکیب بن شیمیایی ، ترکیبی که با یکدیگر ترکیب می شوند هر قدر از نظر هویت و جوی به یکدیگر نزدیکتر باشند ترکیب آن دو استوارتر و عمیق تر انجام خواهد شد و اگر بین دو عنصر تقارن و پیوندی وجود نداشته باشد ، ترکیب ، سست و لرزان است و پس از زمان کوتاهی از بین خواهد رفت .

بنابراین ویلی آن که پسر و دختر به زوج بستند ، هر دو باید اصول کفویت و همانندی را در باطن دینی ، جسمی ، روحی و روانی فرهنگی عملی و اخلاقی . به بلزتیگر خود بندارایبنا شخصی دیدن لزم کند . زیرا دیندار و بی دین به طور طبیعی در مواردی با یکدیگر درگیری خواهند داشت . فرد تحصیل کرده هم بهتر است با شخص درس خوانده ازدواج کند تا یکدیگر را درک کنند .

همچنین توجه ننهادن دامنات و قتی طافین بن و پوزیل بلدی بی زا گنسالیه انچند استحکام خانواده دچار تزلزل می شود .

البته بدیهی است که همانندی کامل به صورت تطابق امکان پذیر نیست ، ولی این عدم امکان نمی تواند از رعایت هاندن سینه منله به هل آورد . بنابراین بی لوم لی که خوشبختی زره شوهر را پس از ازدواج تضمین می کند ، رعایت اصول کفویت در حد همانندی نسبی است .

**شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟**



ازدواج یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در زندگی هر انسان رخ می‌دهد. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و تأثیر آن بر تداوم و استقامت خانواده، تربیت فرزندان، داشتن زندگی سالم توأم با رضایت و خوشبختی و احساس موفقیت، ضرورت دارد دختران و پسران هنگام ازدواج از خدمات مشاوره‌ای مناسبی بهره‌مند شوند و از این طریق با اهداف، وظایف و حقوق یکدیگر به خوبی آشنا شوند.

امروزه دختران و پسران جوان در آستانه ازدواج با بهره‌گیری از خدمات مشاوره ازدواج، می‌توانند با گام‌هایی راسخ و آشنو و طمین‌ان بیشتری در راه پربین و خم ازدواج و تشکیل خانواده گام نهند و در نهایت در این امر مهم موفق باشند.

متأسفانه در جامعه ما، و برخی موارد دختران و پسران بین طالع و گلی که بلبرخورداری از احساس و ذوق، منهنج و مجادگو نگو لاجی، جمی وو لیا ی کیگر از دج می‌کند. پس از ازدواج نیز به دلیل عدم آگاهی، به این مشکلات دامن می‌زنند.

### نکاتی چند جهت انتخاب همسر

- 1) **نتب به لی مجرا واقع بین باشید.** تابع احساسات نگردید و به شکل منطقی جوانب کار را بسنجید. در تداوم یک‌زا دوج دوست نلتن و شق و کچ فرط لاجت و لک لقی نیست. بی به و مدال مهم نیز بپردازید. رویایی نبینید.
- 2) **در برده لی تمالی طرف مقابل به ازدواج با خودتان تحقیق کنید.** اگر این تمایل بنا به مصالحی از قبیل پول و ثروت، شهرت، خروج از کشور و غیره است از آن صرف نظر کنید.
- 3) **شوک ادملی زندگی خود را بشناسید.** در چارچوب آنچه در دین و فرهنگ مجاز می‌باشد، قبل از تصمیم‌گیری و بی‌ارواج شیک احتمالی زندگی خود را بشناسید. **لشقت یا به واسطه رفت و آمد و پیش‌هی مد تم حاصل می‌گردند یا از طریق دیگر شنایان.** توجه داشته باشید و ستان فرد، گاه برخی حقائق را پنهان می‌کنند. پرسش‌های بهتر باشد در بعضی مواقع به طور غیر مستقیم به پاسخ برسید. در مجموع شما بایستی و مورد دخی و خو، اهک، عقاید، خواسته‌ها، عادت، دیدگاه‌ها، حساسیت‌ها، نوع برخوردها، توانایی‌های ارتباطی و... شناخت پیدا کنید.



طرز برخورد فرد را در موقعیت های بحرانی و در برابر مادیات بشناسید.

**4) اعتقادات و باورهای مذهبی طرف مقابل را درک کنید.** عقاید و باورهای همسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را با چارچوب نظریه او قرار داده و شوهر زندگی او را بپذیرید. پس به طرف مقابل لحنی هدیه به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگویید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نماید.

**5) برخورد همسر احتمالی خود را در موقعیت های مختلف بررسی کنید.** هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعدد با همسر احتمالی خود را ملاقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیت های مختلف خواهید یافت.

**6) خویسته های انتظارات دیگری را مورد مطالعه قرار دهید.** شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدن تا حدی که چقدر مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



7) **در بره خانو دهی فرد مورد نظر تحقیق کنید.** آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید. رابطه فرد مکرر اباو الدین، خواهر او بر او اثر می‌گذارد. بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آینده چه تهدیداتی نسبت به آنها دارد و تداوم این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود. نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

8) **با خود واقعی‌تان مشورت کنید.** به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که شما را به خود جلب کرده است. آیا می‌خواهید که این فرد بازن پسر و مادر فرزند نباشد. اگر پاسخ صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

9) **دلایل متعهدی برای ازدواج اجتناب پیدا کنید و خود تصمیم گیرنده نهایی باشید.** هرگز تحت فشار برای ازدواج متقاعد نشوید. تذات و ناهنجاری و ناهمخوانی طرفین و مورد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید در این کار ضایعیت دهد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

10) **نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید.** به خاطر بسپارید که سلامت جسمانی و روانی و عدم اعتیاد به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابر این پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می‌زند.

11) **توجه داشته باشید که با شریک احتمالی زندگی خود برآورده‌مانند طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و توانایی‌های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

12) **عجله نکنید.** با توجه به آنکه بسیاری از ازدواج‌ها به دلایل همتاچگی و عجله کردن در تصمیم‌گیری و نهایتاً به شکست منتهی می‌شود، در تصمیم‌گیری خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فواید و خطرات ازدواج با وی سنجی کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید. صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

13) **زادخود را درک و راه‌اندازی کنید.** با این ویژگی‌ها و با این ویژگی‌ها و بخواهید تدریجاً تخصص‌حیث‌شریک زندگی، شما را آیداری کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز تصمیم‌گیری خود دچار تردید هستید، می‌توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمائید.

## شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟





4) **اعتقادات و باورهای مذهبی طرف مقابل را آموخید.** عقاید و باورهای همسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را در چارچوب طرف او قرار داده و شوهر دگی و را بپذیرید. پس به طرف مقابل لحنی دهنده به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگویید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نمایید.

5) **برخ و ردهای همسر احتمالی خود را در موقعیتهای مختلف بررسی کنید.** هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعددی همسر احتمالی خود را ملاقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیتهای مختلف خواهید یافت.

6) **خواستها و انتظارات یکدیگر را مورد مطالعه قرار دهید.** شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدنتان حدوداً چه مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



7) **در باره خاقو دهی فرد مورد نظر تحقیق کنید.** آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید. رابطه فرد متکرم ابا و الدین، خواهر و برادرانش آموخید. بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آینده چه تمهیداتی نسبت به آنها در دو تاد و این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود. نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

8) **با خود واقعیت شورت کنید.** به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که میخواهید با او ازدواج کنید؟ آیا این فرد بازن پیر و مادر فزونی نبلد. اگر بله صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می دهد.

9) **لا ایله الا الله و الله اعلم بالصواب.** هرگز تحت فشار برای ازدواج متعجل نشوید. تنها خلیق و ن احد نلت طرف ایل و مورد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید

و اینکلی ضایعت دهد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

**10) نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید.** به خاطر بسیاری که سلامت جسمانی و روانی و عدم گرایش به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابراین پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می زند.

**11) توجه نداشتن به شیک بودن و زیبایی با شیک احتمالی زندگی خود نبردارید. مانند طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و توانایی های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

**12) عجله نکند.** با توجه به آنکه بسیاری از ازدواجها به دلایل نیتپاچگی و عجله کردن در تصمیم گیری و نه هلی به شکست منتهی می شود، در تصمیم خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فری که می خواهید عری را با وی سپری کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید. صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

**13) زاهدی دکت و راهی بگیرید.** با امانت وکل به خدا را زانو خواهید تدراند. تخصصی شریک زندگی، شما را ایاری کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز و تصمیم گیری خود دچار تردید هستید، می توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمائید.

## توجه به چند نکته در امر ازدواج

### با انتخاب صحیح همسر خانواده ای مستحکم داشته باشیم ( قسمت سوم )



در قدمت و مطالعاتی و مورد معیارهای حفظ لختانواده و معیارها و ملاک های مشترک در انتخاب همسر مطرح نمودیم. اینک در ادامه می خوانیم...

#### مهریه سنگین

توید نداریم که ازدواج یک امر طبیعی است و دختر و پسر بر اساس تمایلات طبیعی با یکدیگر ازدواج می کنند. از آنجا که انجام امور طبیعی باید به طور سهل و ساده انجام شود، هر نوع قید و بندی تحقق این امر طبیعی را



نشور و سخت می‌کند. بدیهی است تأخیر و یا عدم انجام امور طبیعی نیز موجب به هم خوردن تعادل جسمی و روانی فرد خواهد شد.

از این گذشته بین اسلام در سده‌ها و سده‌ها و هیچ‌گونه شواری در آن وجود ندارد. به همین مناسبت پبلو و بزرگوار (ص) و تمام از بول‌هایی که خود انجام داد و همچنین در ازدواج دختران خویش هرگز مهریه را سنگین قرار نداد.

رسول خدا (ص) عقیده داشت یکی را ندانم که از او بجز سلتوار آن امت که میزان مهریه سبک باشد. بنابراین بول‌سنگین بخشین بونگي‌خولگی، باید از مهریه‌های سنگین اجتناب کنیم. رسول خدا (ص) در فرازی فرمودند:

هر کار دشوار و سختی حرام است و در آیین اسلام اساساً دشواری و مشکل وجود ندارد.

مهریه سنگین شده عدم تمام به مرد است و بدیهی است که پس از گذشت مدت کوتاهی مرد خسته متوجه این نکته شده، رفتاری و کردار تغییر خواهد یافت و گویا نشاطخانه ریبین رفته، سردی جایگزین آن خواهد شد. از این گذشته مرد یا زن ناصالح را هرگز نمی‌توان با تعیین مهریه‌های سنگین به صلاح و هدایت آورد، بلکه مهریه سنگین، بد را بدتر می‌کند.

### ازدواج با مرد شرابخوار

یکی از طولی‌ها که باید در موقع ازدواج بین نتیجه دائم اجتناب و پرهیز از ازدواج با مرد شرابخوار است و بدیهی است که همه محرّمات شرعی بر اساس عقل و منطق است.

در این طریقی که از مکررات دوری نمی‌کند خود را از حدیول قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در چنین شویلی انسان خود را از وقت‌های فانی تزلزله داده، رفتارهایی از او صادر می‌شود که با شأن انسانیت سازگار نیست. همه می‌دانیم که امتیاز انسان از حیوان، عقل و خرد است. بنابراین وقتی فردی این وجه تمایز را از خود برکنار کند، در رده حیوانات قرار خواهد گرفت.

مطالعه دینی این واقعیت را بر همگان آشکار می‌کند که شخص دیوانه تکلیف ندارد. چنان که از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: حکم تکلیف از کونکله دیوانگان برداشته شده است. بی‌شخصه تسلی از حیوان بر خردی از عقل خود است. خداوند در ظرف و تعالی بی‌خود می‌فرماید: همانا انسان‌های خردمند و عاقل هستند که بند پذیرند.

با توجه به مقدمات ذکر شده به خوبی آشکار می‌شود که فلسفه عدم جواز ازدواج با افراد شراب‌خوار چیست و چنانچه با چنین افرادی پیمان ازدواج بست. از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: پرهیز کن از این که با مرد شرابخوار پیمان ازدواج ببندی.

مطالعه و بررسی کتب‌های آسمانی و روایات و احادیث همه حاکی از آن است که حرمت استفاده از شراب در جمیع ادیان وجود داشته و این امر چنانچه نبوده است که آیین اسلام به تنهایی آن را حرام کرده باشد. از همین نکته به فساد و تباهی کلی شراب و نیز به تباهی و فساد شخص شراب‌خوار می‌توان پی برد.



### ازدواج با شريك نادان

از رسول خدا نقل شده است: از ازدواج با شريك نادان بپرهيزيد، زیرا همدمي و مصاحبت با او تضییع (تباهي) عمر و گرفتاري است و فرزند شخص نادان نیز تباه و ضایع می شود.

حضرت عیسی (ع) نقل شده است که فرمود: به اذن پروردگار بیماران را شفا دادم و مردگان را زنده گردانیدم، ولی نتوانستن فرد نادان را درمان کنم.

و بل آن طلب معشرت و دوستی نیز از مجالست و مصاحبت با افراد نادان پرهیز داده شده است. در خلال همین روایات استدل شده که شونادانا به ل دوست نادان است، زیرا دوست نادان می خواهد خوبی کند، ولی در اثر کمبود عقل به دوست خود ضرر و زیان می رساند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پدرم امام زین العابدین درباره ی مجالست با شخص نادان چنین می فرمود: پیوم وگو با شخص نادان معشرت مکن و از دوستی با وی پرهیز کن. همیشه از او دوری گزین و هرگز با او مباحثه و مجادله مکن، زیرا شخص نادان نه خود دانش دارد و نه دانش دانشمندان به او سودی می دهد.

و لسل محتوی وخی ل روایات، شخص نادان به فرد ساده لوح و زود باور نیز تعبیر شده است. به عبارت دیگر شاهه صفت این است که اگر کسی چ زیرا که تحقق آن امکان پذیر نیست بگوید، شخص نادان آن را باور کرده، می پذیرد، در حالی که فرد عاقل آن را نپذیرفته و رد می کند.

در روایات ازدواج، هشدار داده اند که مراقبت کنید و ببینید مونس و انیس دائمی شما چه کسی می خواهد باشد.

آن نوع روایات به خوبی آشکار می شود که همسر انسان باید عامل انس و مودت و صمیمیت باشد، حال آنکه شريك نادان شایسته چنین مقام و مؤ لقی ذیعت و حصول يك عمر زندگی با چنین فردی موجب تضییع عمر و پیری زود بین ملت. چنل که در یخی از روا یت آمده ملت که بعضی ها در اثر چنین ازدواج هایی به پیری زودرس رسیده اند.

چنانچه باید هیل و بیدل بدلد و به جلی فویفته شدن به زیبایی و جمال، از عقل و خرد همسر جویا شوند تا مبدأ گرفتار شريك نادانی گردند که ازدواج کردن با وی همان و بدبختی همان. بدیهی است که با صحبت کردن با فرد و مطالعه وقت د رمز ل عقل و شعور پیر و ملو ی می قول تا حوی بهرشد و ضعفی شخص پی برد.

### يك انتخاب صحيح ، يك عمر آرامش



خانواد مکچکۆین، مهم ترین و مقدس ترين نهاد اجتماعي و بشري بزرگي از دنياي اجتماعي کودک است و از پیوند بن بیک دختر و پسر تشکیل می شود و فزندی شمره و مکی آن هستند و بصورتی که این پیوند و سومیه گ ذری درست و طوی انجام شود، این شراکت سوددهی خواهد داشت ؛ یعنی فرزندان صالح و با آینده روشن تربیت می شوند و اگر زن و شوهر بدون علاقه و صرفاً بر اساس جنبه های مادی و یا رفع تکلیف اقدام به زواج نماید ، این شراکت زمین می دهد و فرزندان حطی را این را نوع آینده مبهم و تلکی در انتظارشان است.

### ازدواج

مردم به دلایلی نگویند ازدواج می کند : عفی ( که مطلب وینین پاش انجمن می شود ) ، مھی ( که واسیل شدتک عقیده و ایبولوئی انجام می شود ) ، اقتصادی ( که صرفاً بر اساس ثروت یکی از طرفین انجام می شود ) و اجتماعي ( که شایعترین فرم بوده و سلسله ها و عتاً به صورت خواستگاری انجام می شود ).

توجه نشان داده شد که ازدواج های عاطفی ( که بر اساس علاقه ی فرد نسبت به هم است ) و اجتماعي موفق تر از انواع دیگر می باشند.

### شروط اصلي ازدواج

1- **بلوغ جسمي، رواني و اجتماعي** : بلوغ جسمي بر اساس شرایط جغرافیایی، تغذیه ای و نژادی تفاوت می کند ولی به طور متوسط برای پسران 13 – 15 سالگی و در مورد دختران 11-13 سالگی است.

2- بلوغ رواني 4-2 سال پس از بلوغ جسمي و بلوغ اجتماعي حدوداً 2 سال پس از بلوغ رواني صورت می پذیرد م تلافیه هنوز در بعضی خانواده ها به محض ایجاد علائم بلوغ جسمي ، اقدام و یا تشویق به ازدواج نوجوان می نمایند و یا برای فرزندان عقب ماده ی نهی خود علویم بلوغ بدنی و عدم رشد و بلوغ رواني و اجتماعي، همسر تعیین می نمایند.

2- **شدق انگیزه** : بایستی دختر و پسر جوان انگیزه ای واقعی و ایچ پیوندز نشوی با فرد مورد نظر داشته باشند و خولت و علاقه ال دین و یا شنبایی و تولید نهاد لک هیست وین ان پیوند می باشد . چه بسا جوانانی که بدون انگیزه ، ازدواج و مدت کمی پس از مراسم ازدواج اقدام به جدایی و طلاق می کنند.

3- **شدق اطلاعات** : فرد متقاضی ازدواج بایستی اطلاعات کامل در مورد ازدواج و نیاز های رواني و اجتماعي طرف مقابل را خود هم چند ن خصوصیت رو انشد اختی ن و و د داشته باشد و یاد بگیرد که ازدواج یک پیوند مقدس الهی است و صرفاً به عنوان روشی برای ارضاء غرایز نیست.



### معیارهای انتخاب همسر

- 1- تشابهات شخصیتی
  - 2- تشابه فرهنگی و اجتماعی (زوجین در یک طبقه باشند).
  - 3- از نظر دیدگاه های فکری و عاطفی قرابت (نزدیکی) داشته باشند.
  - 4- اختلاف سن، ترجیحاً 2-7 سال و مرد بزرگتر باشد.
  - 5- ترجیحاً میزان تحصیلات و درآمد مرد بیشتر از زن باشد.
  - 6- بهتر است دختر و پسر مورد نظر مدتی قبل از ازدواج با یکدیگر آشنا بوده و در حضور خانواده ها با دیدگاه های فکری و اجتماعی و دلایل و برنامه ریزی های یکدیگر در زندگی مشترک آشنا بشوند.
- بی لاهول ط بنان زا توافق الحقی ، مریم خو لسلگی بکمترین تشریفات انجام شود و بهت سلت خانواده ها در مورد مهریه و جهیزیه دخالتی ننموده و آن را به عهده ی زوج جوان بگذارند.
- متألفاً نه ریشیط فعلی ازواج ه ل بیشتر بسق چشم و همچی و رقبتی ل لم ی شودو طب ، لگزه ه ی مادی وجود دارد و روز به روز مراسم عروسی پرهزینه تر و تشریفاتی تر می شود و تأمین جهیزیه کوسی بریل خانواده ه شده سلت . به همین دلیل انگیزه برای ازدواج و انجام این سنت الهی کاهش یافته و در بسیاری از خانواده ها دختر و یا پسر در سنین 30 – 40 سالگی و مجرد زندگی می کنند.
- کمال مطلوب این است که در مورد فاصله ی سنی بین فرزندان نیز بین زن و شوهر توافق قبلی صورت گیرد.
- گاه فرزندی که مؤلد می شوند ناخولسته اند که یا به علت عدم آمادگی و توافق زن و مرد برای بچه دار شدن بوده ه لئو یا این که نسبت به جنسیت فرزند متولد شده علاقه و توافق ندارد . به هر دلیل فرزندی که ناخواسته به دنیا بیاید هیچگاه مهر و محبت واقعی را از والدین نخواهد دید و در بزرگسالی کاندید ابتلا به اختلال افسردگی و اضطراب سلت . رفتار کودکان با شیوه های رفتاری والدینشان همبستگی زیادی دارد و کودکان ناموفق معمولاً محصول روابط ناسالم و نامطلوب والدین بوده و از توجه و محبت آنها محروم هستند.
- تجربه شدن دله لک و الدینی که خود ل محبت پرو و ملر محروم بوده اند، اغلب نسبت به فرزندان خود بی مهر هستند و نمی توانند والدین موفقی باشند.



والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و نمونه قرار دادن خود و روش های تربیتی و سنتی خود در گذشته به رفتار فرزند خود شکل می دهند. بهترین جهت لجزه دهیم فرزند نهمانندما پیر این های راپاره و از این راه تجربه کسب کنند.

همه والدین خواهی سلامتی و نیکبختی، رفاه و امنیت فرزندانشان هستند ولی روشهای غلط آنها در تربیت اطفال موجب رشد فردی هایشان نابیناری و کودک می شود. پدران و مادران کودکان خود را به دلیل خطاها و اختلال رفتاری و نداشتن گری هایشان محکم و تبه می کنند، صورتی که ندانم که رویها و نشتباهات خودشان موجب بروز مشکلات آنها می باشد.

مشکل بزرگ والدین و تبعیض قائل شدن بین فرزندان از علل اختلال رفتار کودکان است. اختلافات خانوادگی، تشنجات و توهین ها، محیطی نا امن برای طفل به وجود آورده او را وادار به نافرمانی می کند.

خانه وای کودک مکانی است که او به اجتمه روزی خورا با شتاب به هوش می آورد تا آن را مورد ارزیابی قرار دهد و به خاطر آن ستایش و تحسین شود.

بصورتی که انظاریت والدین از کوفت بدو زحدت و ابی و مکانیک کودک باشد، موجب شکست و ایجاد نگرش منفی نسبت به خود می شود. کودکی که بیش از اندازه مورد توجه والدین باشد، نازپرورده بار آمده و نمی تواند تمدن به نفس کافی داشته باشد و توانایی مقابله با مشکلات زندگی، ضایعات و حریمیت ها را نخواهد داشت. قادر به پذیرش و تلبه هیلی لحتی ذرت خواهد بود. حیلت و حدت بیش از اندازه کودک را خواه، رسو، خجالتی و بی تفاوت و پرخاشگر بار می آورد. کودک ناز پرورده در طول زندگی خود نیاز به رولبط عطفی شدید و بیش از حدی دارد که بتواند آنها را جایگزین روابط عاطفی دوران کودکی خود کند. وی دمدمی مزاج، تحریک پذیر، پر توقع تر از معمول و تا حدود زیادی بی نظم است.

طرد کودک موجب احساس ناامنی، ترس، بی اعتمادی، حسادت، کینه جویی و ناتوانی در ابراز محبت و قبول آن می شود.

## با چه زنان و مردانی نمی توان ازدواج کرد ؟



ازدواج نهایی مدنی و حقوقی اولی است که علاوه بر این که واجد آثار حقوقی و مدنی زیادی می باشد از نظر دینی هم اهمی بسیار پسندیده بوده و دارای آثار معنوی و اخروی نیز هست . لذا مجرد ماندن و ترک این شیوه ی هدیه مذمت ( سرزنش ) شده و ملتوجه ناپه فری به خطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شود تجرد وی ، حرام خواهد بود . به همین دلیل آشنا بودن با قواعد حاکم بر این نهاد، امری لازم است . یکی از این قواعد ها موضوع ممنوعیت نکاح با بعضی افراد است . لذا باید با کسی زواج کرد که از نظر شرعی و قانونی برای آن مانعی وجود نداشته باشد . و این جهت " به بررسی موضوع ممنوع بودن ازدواج با گروهی از زنان و مردان می پردازیم که در قانون مدنی ایران آن را جزء " موانع نکاح " شمرده اند .

#### از دیدگاه مقررات ایران موانع نکاح در پنج دسته جای می گیرد :

- 1- ناشی از خویشاوندی نسبی
- 2- ناشی از خویشاوندی سببی
- 3- ناشی از خویشاوندی رضاعی
- 4- موارد متفرقه
- 5- رعایت مصالح کشور

#### الف – موانع ناشی از خویشاوندی نسبی ( خونی):

- 1- ازدواج با پدر و اجداد پدری و با مادر و جدّه های مادری.
- 2- ازدواج با فرزندان و نوه ها و نتیجه ها ، هر چه قدر که پایین تر برود.
- 3- ازدواج با برادر و خواهر و اولاد و نوه ها و نتیجه های آنان.
- 4- ازدواج با عمه ، خاله ، عمه و دایی هایی خود و عمه و خاله و عموها و دایی های پدر و مادر و اجداد .

#### ب – موانع ناشی از خویشاوندی سببی :

- 1- مردی نمی تواند با مائور و نیزجده های زن خود و نیز مادر و جدّه های رضاعی زن خود ازدواج کند و این حرمت، ابدی است . یعنی اگر مردی فقط برای چند دقیقه با زنی حتی ازدواج موقت نماید و حتی آنها همدیگر را هم نبینند آن حریم حاصل شده و آن مرد با مادر و جدّه های نسبی یا رضاعی همسر فعلی یا سابق خود برای همیشه محرم است .
- 2- زن نمی تواند با پدر و جدّه های خود و نیز مادر و جدّه های رضاعی خود ازدواج کند و تفصیل آن نیز مانند مورد بالا درباره زن نیز صادق خواهد بود.
- 3- زن پر یا جدّ نسبی یا ضعیفی بر لبه های برده بر وی حرامند . لذا اگر زنی ولو چند دقیقه نیز به عقد مردی درآید و بعد هم جدا شود برای همیشه به پسر و نوه و نتیجه های آن مرد حرام خواهد بود.

4- عروس نیز برای همیشه به پدر شوهر و اجداد شوهرش حرام است.

**تکر:** مومنت همدل ل زو بلخ هاي ياد شده هم خاص ازدواج دائم است و هم شامل ازدواج موقت مي شود . وجود رابطه زناشويي لازم نيست و صرف جاري شدن صيغه نکاح ، کافي براي اين محرميت خواهد بود.

5- اگر مردی با زنی ازدواج کند و آن زن ، دختر یا دخترانی از شوهر قبلی اش داشته باشد ، تا زمانی که این زن در عقد و دلک این دختر ل نوز با پدر خوانده شان محرم هستند و اگر بین زن و شوهر مزبور ، رابطه زناشويي واقع نشده باشد پس از جدا شدن ، مجدداً این دختر بر پوخواندها حق نامحرم خواهد بود و می تواند با وی زواج کند اما اگر بین زن و شوهر مزبور رابطه زناشويي رخ داده باشد دختر زن به پدر خوانده یا همان شوهر مادرش برای همیشه محرم است و جدایی مادر نیز نقشی در این میان نخواهد داشت.

6- کسی نمی تواند هزمان با دو یا چند خواهر ازدواج کند. لذا اگر مردی با زنی ازدواج نماید ، تا زمانی که از وی جدا شده نمی تواند دوباره با او زواج کند که البته و این مرد خواهر زن ، محرم شرعی که ملزم به رعایت حجاب نیست نخواهد بود بلکه از این جهت نامحرم است.

**تکر:** اگر مردی زشر اطاق رجعی ( طلاقى که مرد می تواند باز زن را به ازدواج خود در آورد ) دهد ، بی و این بی طلق در عده قیاتی ( منتهی که زن بی طلق بی عت شود نباید ازدواج کند ) ، زن همانند زوجه مود فرض می شود ، تا پایان عده ، حق ازدواج با خواهر زن وجود ندارد ولی در سایر طلاق ها با عده ی عقد موقت ، می توان در ایام عده با خواهر زن ازدواج نمود.

7- ازدواج بلوا نزله یا خواهرزاده نچه ، بین ان می منع است . لک اگر بی بی کب لازه هشی با بر اوزله یا خواهرزاده او ازدواج کند ان عده جایز و صحیح خواهد بود ولی اگر بعداً بتواند ضایعیت هشی را کمبکد و بیج قبلی نافذ می کند و نیاز به عده مجدد نمی باشد . اما اگر هشرش از موضوع عقد با خبر شود و آن را تنفیذ ( تأیید ) نکند عقد باطل می شود.

**تکر:** اگر مردی با زنی ازدواج کند می تواند بعداً با خاله یا عمه وی ازدواج نماید و نیازی به اعلام موضوع به زن خود ندارد.

8- اگر مردی سه بار متوالی همسر خود را طلاق دهد ، پس از وقوع طلاق سوم ( سه طلاقه ) این زوجه مطلقه ، بر مرد حرام می شود خواه با وی رابطه ی زناشويي داشته یا نداشته باشد .

اگر مرد بخواد دوباره با وی ازدواج کند باید این زن با مرد دیگری ازدواج دائم نموده و با وی رابطه زناشويي پیدا شده باشد و بیج زهر جاشو و زهر پهل قلمش ان ایام عده می تواند عده شوهر اول وید . اصطلاحاً به شوهر دوم محلل ( حلال گرداننده ) گفته می شود زیرا باعث از بین رفتن حرمت ازدواج بین شوهر اول و همسرش می گردد.

**تکر:** موضوع یا نشده خاص طلاق و ازدواج دائم است. لذا اگر مردی پس از عقد موقت از همسرش جدا شود یا بر اثر فسخ بین زوجین ، جدایی واقع گردد مشمول قاعده مزبور نخواهد بود.

1- اگر مردی همسرش را سه بار طلاق دهد به صورتی که شش بار آن طلاق رجعی باشد این زن برای همیشه بر این مرد حرام می شود که اصطلاحاً به وی ( نه طلاقه ) گفته می شود و محلل نیز در این مورد کار ساز نخواهد بود.



### ج- موانع رضاعي ( شيري )

يكي از اقسام خویشاوندی ، قرابت ناشی از شیرخوارگی ( رضاع ) است.

بدن و تیب که گزنی با شولیلک به کودکی شیر دهد بین آن کودک و زن نسبت مادر و فرزندی رضاعي شیب می آید و فرزندان زن تو باشد بیخوره ، خواه و برادر رضاعي می شوند و شوهر آن زن هم ، پدر رضاعي می شود و شوهر آن زن هم ، پدر رضاعي وی محسوب می شود و خلاصه برادر و خواهر آن زن هم دایی و خاله او به شمار می روند و همین طور الی آخر.

#### شرایطی که سبب قرابت ناشی از شیرخوارگی می شود :

- 1- شیر زن ناشی از حمل مشروع باشد.
- 2- شیر ، مستقیماً مکیده شود. لذا اگر شیر در قاشق یا سرشیشه ریخته شود و به کودک داده شود فایده ای ندارد.
- 3- کودک لاقل 15 نفعه مؤالی و یا در يك شبانه روز از شیر بخورد. ضمناً نباید در بین دفعات شیر خوردن ، از غذا یا شیر زن دیگری مصرف کند.
- 4- شیر خوردن کودک ، قبل از تمام شدن دو سالگی او باشد.
- 5- مقدار شیری که خورده از يك زن و شوهر حاصل شده باشد.

بدن و تیب خویشاوندی رضاعي (رحمتی محرمی و ما هی تکاح هلند قرابت نسبی است . لذا همان گونه که خواهر و برادر یا مادر و ماویزرگ نسبی محرم است ، رضاعي آن نیز محرم می باشد ولی رابطه توارث بین آنان ایجاد نمی شود.

**تکرم:** اگر ماویزگی به نوه ندخ و یخوشی با شرایط مزبور شیر دهد، مادر آن کودک بر شوهرش حرام می گردد و اگر با این کارش ، دخترش را به خواهر رضاعي نوه اش تبدیل نموده و چون ازدواج با خواهر فرزند جایز نیست این زن بر شوهرش حرام می شود.

### د- موانع متفرقه

- 1- اگر مردی با علم به این که زنی شوهر دارد یا در عده طلاق یا وفات به سر می برد وی را به عقد خود در آورد ، هم عقد باطل است و هم آن زن برای ابد به او حرام می شود.
- لما لکر مودیه موارد مزبور جاهل باشد یعنی نداند زن ، شوهر دارد یا عده اش تمام نشده و زن را به عقد خود آورد عقد باطل است ؛ لمانی و اندسی را اتمعه ده ، زیرا به عقد خود در آورد ولی اگر بین آنها رابطه زناشویی نیز برقرار شده باشد، زن بر وی حرام همیشگی خواهد شد.



2- اگر مردی همسر دائمی اش را که مسلمان و عقیقه است لعان کند یعنی به وی نسبت زنا دهد یا فرزندش را از خود نفی کند این کار را با شرایطی نزد قاضی انجام دهد بین این زوجین برای همیشه جدایی واقع می شود و بر هم حرام ابدی می شوند.

3- اگر مرد یا زنی در حال احرام (حج) با فردی ازدواج کند و به حرمت این کار هم آگاه باشد بین آن دو حرمت ابدی حاصل می شود.

4- اگر مردی با زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن برای همیشه به وی حرام می شود.

**تذکر:** بعضی از فقها این کار را موجب حرمت ابدی نمی دانند.

5- اگر مرد بالغ با پسر یا دختر و دختر آن پسر بروی حرام ابدی می شوند؛ ولی مفعول می تواند با مادر و خواهر و دختر آن مرد ازدواج نماید.

6- زوج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل و حرام است و با علم به حرمت، زنا محسوب می شود ولی مرد مدعی می تواند با زنی که او الهی کتاب (مسپی، بیوی و زرتشتی) ازدواج موقت نماید و بعضی از فقها، ازدواج دائم را هم جایز می دانند ولی ازدواج با زنان غیر اهل کتاب، جایز نیست.

**تذکر:** بعضی از فقها گفته اند چنانچه مرد مسلمانی دارای زن مسلمان باشد بدون اذن همسر مزبور حق ندارد زن اهل کتاب را به ازدواج خود در آورد.

7- از واج بین پیروان مذاهب اسلامی مثل شیعه و سنی اشکالی ندارد ولی جهت رعایت کفویت، بهتر است هر دو از یک فرقه باشند.

### هـ - رعایت مصالح کشور

1- زانوح مرد اولی بن غیرا و بنی لامع امتوی گرزنا و انیخواه با مسلمانی غو اولی ازدواج کند شرط اشکالی ندارد ولی برای ثبت آن و رسمیت داشتن باید از دولت کسب مجوز کند و گرنه از نظر دولت این ازدواج رسمیت نخواهد داشت.

2- ازدواج اوانیون عضو وزارت امور خارجه یا نیروهای مسلح با غیر ایرانی ها ممنوع است و باید قبلاً مجوز آن از دولت اخذ شود و گرنه هم موجب تعقیب اداری و هم عدم به رسمیت شناختن آن خواهد شد؛ اگر چه شرعاً صحیح است.

**تذکر:** مطلبی که گفته شد به شدت مورد ایراد شیعه حاکم است و چون موضوع ازدواج از احوال شخصی محسوب می شود در مورد اهل سنت و نیز اهل کتاب، احکام شرعی مذهب خودشان رعایت خواهد شد، مگر این که آنان شخصاً رضایت خود را بر اعمال قوانین مدنی ایران بر روابط شخصی شان اعلام نمایند.

## می خواهم ازدواج کنم اما ...





و بعضی شهرها و روستاها برسد مگر ظبر آن است که قبل از عروسی برای تهیه مقداری از جهیزیه ، از داماد مبلغی پول نقد به عنوان شیربها می گیرند که خود مانع و مشکل بزرگی برای خانواده هاست و یکی از آسیب های کلیدی این ملت که خانواده ی داماد در مقابل ، عموماً انتظار دارند که جهیزیه مفصلی باز گردانده شود. کاش این افراد لحظه ای می اندیشیدند که شیر مادر چیزی نیست که قابل خرید و فروش باشد.

### مهریه

مهریه لقبی است که از زمان پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و اله و سلم ) وجود داشته و تعیین آن بر دلکلی است . با این که عده ای می گویند مهریه را چه کسی و چه کی گرفت ، پرداخت آن عدالتی به برنمی زند ؛ یعنی هرگاه زن طلب مهریه کرد شوهر باید آن را پرداخت کند . تقدیم مهریه عموماً ساده و برپای سنتور است اسلامی ، به روال مهرالسنة ی حضرت فاطمه زهرا ( س ) بوده است ، امامت یافته امروزه بسبب بی زار مردم ، این سنت پسندیده را مطابق با تمایلات خود جهت داده اند و مهریه را به عنوان اثری افسخونی می کنند و به شدت مهریه پسندیده را پشتوانه ای می کنند تا در زندگی زنتوی می پندارند. چرا باید بعضی دختران به بالا بودن نامعقول مهریه خود افتخار نمایند؟ مگر الگوی زنان ما فاطمه زهرا ( س ) نیست ؟ و مگر الهی زده ای که خدا و رسول خدا و ائمه اطهار پسندند ذوقی بر آن صدها گذرد و ضایع خلق خدا را فراهم می سازد، ازدواج بزرگ مرد تاریخ اسلام حضرت علی ( ع ) با فاطمه زهرا ( س ) نیست که با هم ملتاف برخی ازدواج ها با تمام محسنات داماد ، به علت عدم توافق بر سر مهریه و مبلغ آن ، صورت نمی گیرد.

این دسته از والدین را باید آگاه کرد که دختر ، و زنگی او کالای مورد معامله نیست تا بر سر مبلغ مهریه اش بحث کنند و باید بدانند که طلب کردن مهریه ی سنگین ، نشانه عدم اعتماد و اطمینان کمتر است و بهانه ای برای اجداد انظار نامعقول و چه زوی خارج از توان ، که همه ی اینها از آفت های ازدواج و آسیب های فرهنگی و اجتماعی آن محسوب می شوند.

### 3- جهیزیه

جهیزیه باید سبک ، ساده و در حضور و ریختن اولی یه شروع زندگی جدید باشد همان گونه که جهیزیه حضرت فاطمه زهرا ( س ) به روایتی هدیه قلم و ده لنگه و آن زمان به 63 درهم خریداری شده است و این هم از سنت های حسنه ی الهی است که به تدریج از هفت صلی دور شده و متأسفانه در زمان ما یکی از مشکلات را بوجود آمده است ، بدانگونه که برخی خانواده ها به جهیزیه عروسشان با وسواس توجه می کنند و اگر آن را نپسندیدند مایه ی شوکتگی خود و خانواده خود تصور می کنند و ارزش عروس خود را با وجود فضائل اخلاقی فراوان به جهیزیه ملل می شناسند! و توقع دارند که به طراح لشدیروغ تا جلی همراه خود بیاورد ! تا جایی که دیده شده است پدری یکی از کلیه های خود را برای تهیه جهیزیه دختر خود فروخته است و بختیود عطف و عدم ت و نا بی بهی چه زویه ، ل زاد و بیوف و کده است . به علوبسیار شاهه ی شوده بعضی از وسایلی که به عنوان جهیزیه با هزینه های کمر شکن تهیه شده است، سال ها دست نخورده مانده و فقط به نمایش درآمده است .



#### 4- تجمل و تشریفات دست و پاگیر

باید هضتی برضد ازدواج های پر خرج و تشریفات به وجود آورد که هزینه های زیادی را می بلعد و نابود می کند و نگرزه یلغز بچم و هم چپی و رقبت هیامخیندارد. بل با لایم از سد توتا عالی للاحیا هرگونه جلی پستی و خرج تراشی های بی دلیل در امر ازدواج به شدت مبارزه کرد. باید در فرهنگ عمومی این بؤر اید شود که خرج تراشی و هزینه های زیاد در مراسم مختلف ازدواج نه دلیل شخصیت، نه نشانه یی آو و نه موجب تحکیم پیوند زنتلوی سلت. ریشه یی بسیاری از کدورت ها، اختلافات خانوادگی و جدایی ها را باید در همین آدلبو ریوم غلط، در همن ثب ه لی جن و بیور پرخرج، تقید به مشتی آداب و رسوم غلط و وقعت بجاو توجه قراطی به ظواهر ملی به هنگام خولدنگ ای جستجو کرد. افسوس که تقلیدهای کورکورانه، چشم وهمچمی ها، آیه یی خیالی بدو ل ه بی لروپی و ذولبه یی خرگژی مرگبار، بی مؤهار ام نمده کرده و از درک حقایق و واقعیت های ازدواج باز داشته است که حاصلی جز اضطراب، افسردگی، تظاهر و زندگی بی روح و نشاط و اختلالات عصبی و روانی ندارد.

اما فریبوندی که دختر و پسر از روی شناخت، با یکدیگر صمیمیت و تفاهم داشته و والدین آنها بدون سختگیری هلی بیجو سب از مشاوره و بروسی آن را تصویب می کنند و در یک محفل شاد و دوستانه و صمیمانه برگزار می شود، نیازی به تشریفات کمرشکن، پیرایه های ابلهانه، تجملات و مخارج رویایی و افتخارات موهوم ندارد. مسلم سلتکه در چندن لروپی، کببهو سلت آن را ازدواج لاهی و طعی بنلم، نه زامهریهای کمرشکن و جزیه های ر نو و درشت ذ بی هت، نه از شو بیا و طلا و جواهرتزیاد و گران قیمت و هد ای لی سولم و رو آینه شمع تل هی غی ضروری، خریدهای آن چنانی قبل از عقد برای عروس و خانواده یی ل و، تقدیم و ردال هدایا در اعیاد و روزهای خاص و بالاخره تشریفات و اسراف های مراسم عقد و عروسی با هزینه های سنگین و...

نکته عجب و قبل تأمل و تحقیق این است که گروه عمده ای از خانواده ها که از این پیرایه ها و تشریفات زاید و کوشکن شکایت دارند، ناله می کنند و در مقام بحث با این گونه آداب و رسوم غلط و دست و پاگیر مخالفت می ورزند، و عین حال غالباً به آنها پای بندند و زمانی که خود به عنوان والدین پسر یا دختر در موقعیت قرار می گیرند صورت مسئله را پک کرده در دام آن تارهای عنکبوتی افتاده و به مصیبت و خطا گرفتار می شوند. شاید بتوان گفت که یکی از دلایلی این تقلد عقیده هو علی، عدم شهامت کافی و ضعف اراده و تفکر و ایمان آنها به مبارزه و شکستن سنت ها و آداب و رسوم موهوم و غلط است.

فارس بیکن فیلسوف انگلیسی قرن 17 میلادی، خطا های مبتلا به ذهن آدمیان را که در تحصیل علم و آگاهی و تفکر حقیقت، میله گراهی لاسل میشوند بت ندیده و ز آنها بمعنوان بت هیاطلیفه یی، شخصی، بدلی و ذماتی نم برده سلت. این گونه آداب و رسوم ست هی ناپسند و اخراف از فطرت خدویدی و سلامتی راندو لجه به هی فرهنگی و هی امروز مبنی اسلامی می توان نامید که نیاز به بت شکن و قهرمان های فرهنگی و فکری دارد و درمانش هم بازگشت به سنن اصیل اسلامی است.

## موارد همتايي و تناسب دختر و پسر



مردی از پیامبر اسلام (ص) پرسید: "با چه کسی ازدواج کنیم؟" ایشان فرمودند:

"الاکفاء"

او پرسید: "کفوها چه کسانی هستند؟" حضرت فرمود:

"المؤمنون بعضهم اکفاء بعض"

مؤمنان، کفو و هم شأن هم هستند.

### 1- همتايي ديني و ايماني

زن متین و پایبند به قواعد زن و طلی و فوج نلام، باید با نسانی مانند خود ازدواج کند. البته تنگ صد و صد لکن ندارد، اما هرچه به هم نزدیک تر باشند و فاصله کمتر باشد، بهتر است.

می بینیم که پیامبر اکرم، معیار و زیر بنای اصلی هم کفوی را "ایمان" بیان فرمودند. انسان مؤمن، اگر با همسر بی ایمان ازدواج کند و نتواند او را متدین نماید، یا باید هم رنگ او شده و بی دین شود و یا در برابر او مقاومت کند و دائماً نزاع و زد و خورد داشته باشد؛ که هر دو، خسارت بزرگی است و فرزندانی هم که محصول چنین زندگی های آشوب زده ای باشند، به سعادت نمی رسند.

### 2- همتايي و هماهنگي فرهنگي و فكري

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پویا و پر بار، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و مکنونات و محدودیت درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل، تصمیم مشترک و یکسان

گرفته و بعد نعلی آن عملی کنند و در فراز و نشیب های زندگی ، یاور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس يك طرح هماهنگ تربیت کنند.

امام صادق (ع) می فرماید:

" العارفة لا توضع الا عند العارف"

زن عارفه ( فهمیده ی فرزانه ) باید در کنار مرد عارف ( فهمیده ی اهل معرفت ) قرار گیرد ، نه غیر آن .



### 3- همتایی اخلاق

همه اهنگی و تدلب لاقی ، ل مهم ترین موارد هم کفویی و همتایی بین زن و شوهر است . ممکن است زن و شوهر از جهت " دینی " کفو هم باشند اما از جهت اخلاقی نه .

### 4- کفو هم بودن در تحصیلات علمی

بهتر آن است که زن و شوهر از نظر موطا ملت و تحصیلات عالی، خیل به هم طفله نداشته باشند تا تفاهم بیشتری در زندگی شان وجود داشته باشد.

البته این خصوصیت را باید بدطفنت و ویژگی های دیگر بررسی کرد. به این معنا که مثلاً گر " زن " نکر و غور پچا دلرد و کم ظرفیت است ، نباید سواد و تحصیلاتش بیش از مرد بلند عزیزا - حتماً - م شکاک و ولینی و زندگی شان به وجود خواهد آمد. اما اگر متواضع باشد، احتمال بروز این مشکل کمتر است . در مورد " مرد " هم مسئله به همین شکل است با کمی تفاوت.

## 5- تناسب در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در زیبایی صورت و اندام و قیافه ی ظاهری نیز لازم است. لگگی از آن دو، " زید اویش اندام ختیپ " بشدد و یگری " شت صورت و بد اندام"، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو، و عقده های روانی و انحراف و بی عفتی و حسرت و ... برای فرد زیبا، وجود دارد.

## 6- تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است.

تفاوت سن بلوغ در دختر و پسر، یک امر طبیعی است. پسر، حدود 4 سال دیرتر از دختر به بلوغ می رسد. پس خوب است که تفاوت سن آنان در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد (پسر، بزرگتر باشد). کفو هم بودن دختر و پسر از نظر سن، " تفاوت سن" است، نه " تساوی سن". زیرا این تفاوت، در آفرینش آنان قرار دارد. البته رعایت این تفاوت سن به این مقدار (حدود 4 سال) واجب نیست. بهتر است که چنین باشد.

این خصوصیت را باید با مجموعه ی صفات و خصوصیات دختر و پسر بررسی کرد. ممکن است دختری سنش به این مقدار کمتر از سن پسر نباشد، اما امتیازات دیگری داشته باشد که آن را جبران کند.

## 7- تناسب مالی

قدیمی های عالمی که می توانی بله مطرح کرد این است که: صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان، از نظر " مالی و ثروت" تفاوت زیادی داشته باشند.

اگر ما کسی هستیم که با مقداری ثروت و توانگری، خود را گم می کنیم و تکبرها، غرورها، منت گشایی ها، تحقیر کردنها و ... به سوهلی می آید چرا خود را فریب مییم؟!

معمولاً چندان است که اگر پسری فقیر یا متوسط از نظر مالی، با خانواده ای ثروتمند وصلت کند، باید " نوکر و برده ی" آنان شود. و اگر دختری فقیر، عروس خانواده ای ثروتمند شود، باید " کنیز" آنان گردد! البته استثناهایی نیز وجود دارد.



## 8- تناسب خانوادگی

ازدواج با يك فرد، مساوي است با پیوند با يك خانواده و فامیل و نسل!  
در مسئله ي " انتخاب همسر " ، معقول نیست که انسان بگوید: " من مي خواهم با خود اين فرد ازدواج کنم و کاري به خانواده و خویشان و فامیلش ندارم " زیرا:

1- اين فرد، جزئي از همان خانواده و فامیل ، و شاخه اي از همان درخت است. و اين شاخه ، از ریشه هلي همان درخت، تغذیه کرده است . مسلم است که بسياري از صفات اخلاقي ، روحي، عقلي و جسي آن خانواده و فمیل ، از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات ، به اين فرد منتقل شده است.

پیامبر اسلام (ص) در این باره مي فرماید: تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ نَسَّاسٌ  
" با خانواده ي شایسته ، وصلت کنید؛ زیرا عرق ( ژن و خصوصياتي که به وسیله ي نطفه و وراثت از پدران و مادران به فرزندان و نسل هاي بعدي منتقل مي شود. ) تاثیر مي گذارد".

2- لَوْ تَوَّجَّأْنَا كُلُّ دَلَّيْتِهٖ بِأَبِيهِ ، لَأَنَّا بِأَبْنَاءِ كَارِ دَارِنَا! هرگز نمی تواني همسرت را از آذنی و نان را از همسرت جدا کنی . خودت هم نمی تواني رابطه ات را با آنان قطع کنی . يك عمر باید با آنها معاشرت و زندگی نمایی.

لَکُمْ خَطْوَاهُ وَخَوْشِيهِ هُوَ ، نَابِلُو فَلَذِيْبَتِنَا لِسَانِ رَا " نچرکش " مي کند و از دخالت هاي آنان در زندگی و از ارتباط با آنان نمی شود به کلي جلوگیری کرد.

3 - بَدَلِي يَابُونِي أَنَا ، تَا آخِرِهِ هُوَ أَهْلُ لِي لَمْتُ وَدِرْزَنِي تَأْتِي مِي  
گذارد. تحمل بدنامي آنان ، بسيار مشکل خواهد بود.

4 - صفات و خصوصيات آنان، در فرزندان آینده ، تأثیر دارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره مي فرماید:

" بنگرید چه کسی را به همسري برمي گزینید ، زیرا فرزندان ، شبیه دايي هایشان مي شوند".

## 9- تناسب اجتماعی



کسی که اهل علم و تحقیق و پژوهش است و می‌خواهد عمر زندگی‌اش را در سلبتای مسائل علمی و تحقیقی بگذراند و بهت زندگی اجتماعی و خانوادگی‌اش این گونه بافتی است و روحیه‌اش کوش‌گرا نه است هرگز نباید با فرد و خانواده‌ای وصلت کند که روحیه‌ی عدم‌تعمیر شل، روحیه‌ی تجلی‌تی و تشریفاتی و اشرافی است و اهل خوشگذرانی، مهمانی‌های بی‌بند و باریک‌ها ی و لوس‌ان‌مسافرت‌چا توجی و طیر و تقریحت‌پیلی هستند. اواد فول‌انی‌سواغ‌دریم که چ‌را ن‌تست‌ب‌ه و غفلت‌شده و به بدبختی و فلاکت گرفتار شده‌اند.

البته پرتلق به‌جذب‌ه‌هی تقریحتی زندگی، لازم و ضروری است و همان‌کسی هم که اهل مطالعه و تحقیق است، باید از این جنبه غفلت نکند. اما این غیر از بنا نهادن زندگی بر مبانی عیش و نوش، مهمانی، خوشگذرانی، شب‌نشینی، مسافرت، تفریح و... است.

**چرا هر سال جمعیت بیشتر می‌شود، ازدواج کمتر؟**



با وجود افزایش جمعیت چ‌را تعداد و صد ازدواج کتلی‌یافته‌است؟ آ‌ها در این باره پلدخ‌ه‌لی‌خ‌تلفیر‌ارائه‌می‌هند. افزایش تعداد دختران در سن ازدواج نسبت به پسران، مسائل اقتصادی، تیر ز طلاق و بالا رفتن توقع دختران به خاطر تحصیلات دانشگاهی از جمله عوامل کاهش ازدواج به‌شمار می‌روند. یک تحقیق آماری در این زمینه را می‌خوانیم.

طی‌سال‌های 65-1355 افزایش سریع‌جمعیت‌ما در شور، مشک‌بدی‌بی‌از‌جمله‌در تحصیل، اقتصاد، مسکن و اشتغال پدید آورد. نقش افزایش جمعیت در بروز اختلال در ازدواج بی‌تأثیر نیست. راسل‌آ‌ر موجود، نرخ سالانه رشد جمعیت ایران در دهه 65-1355 در

سطح بلای طبیعی و حدود 6/3 درصد و متوسط زلزله شدت 5.5 با درآمد پایین حدود 2/3 درصد بوده است.

یعنی جمعیت ایران حتی نسبت به کشورهای با درآمد پایین نیز سریع تر رشد کرده است و این زلزله با توجه به سبب تغییر و ساختار جمعیتی کشور شده است. از دهه فوق تا سال 1380، پسون و دختران در دهه بی سنی 15 تا 25 ساله قرار دارند و این رده های سنی از سال 1378 تا 1388 در سن ازدواج قرار می گیرند. بنابراین طبیعی است که در این سال ها شاهد اختلال در وضعیت ازدواج باشیم.

بوسلی سوشمی انجام شده پسران 25 ساله که حدود 540 هزار نفر هستند، میلیونها دختران سه سال کوچکتر از خود یعنی با دختران 22 ساله ازدواج کنند. تعداد دختران 22 ساله در سال 1380 حدود 799 هزار نفر بود. با وجود این حدود 160 هزار دختر شانس ازدواج نداشتند. در مجموع رده سنی 15-25 ساله همین پدیده اتفاق می افتد.

### سن ازدواج در مردان و زنان

قلی توجه این که در یو تولد، تعدد فرزندان پسو بیشتر از نوزادان دختر است. اما مسئله اصلی سن بلوغ و اخف سن و ازدواج زودتر و دل سلت. بلوغ دختران زودتر از پسون است، بنا بر این دختران و سن ازدواج قو می گیرند، اما پسران در همان سن، به مرحله ازدواج نرسیده اند. برای مثال، دختران از سن 12 سالگی برای ازدواج آمادگی دارند، اما پسران در سن 15 سالگی وارد سن ازدواج می شوند.

### ترس از طلاق

البته ترس از طلاق می تواند عامل مهمی در برابر ازدواج نکردن باشد. با توجه به آمارهای ارائه شده از مرکز آمار ایران در سال 1365، 340342 مورد ازدواج و 35211 مورد طلاق ثبت شده است. در سال 1357، 479263 مورد ازدواج، 37817 مورد طلاق و در سال 1379، 646498 مورد ازدواج و 53797 مورد طلاق ثبت شده است.

طبق آمار ارائه شده، تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده بیشتر از زنان هرگز ازدواج نکرده در سال 1375 است. این آمار در هر سال طبق شواهد علمی باید روند صعودی در پیش داشته باشد. با توجه به مؤید و عت مورد بحث، سوالی به ذهن می رسد و آن این که علت افزایش ترس از طلاق چیست؟ در پاسخ به سوال شاید مسئله طلاق، در مفهوم لغتی و تعریف و اصطلاح « هرگز ازدواج کرده» و « در سن ازدواج» باشد. یعنی وقتی مملی گویند زن و شوهر ازدواج نکرده، مملی استیک زن 50 یا 60 ساله باشد و وقتی می گویند دختران در سن ازدواج، دختران جوان در سن 29 یا 25-15 ساله را در نظر می گیریم. البته این بحث نباید به کارشناسی دقیق تری دارد که در حال حاضر مجال آن در این تحقیق وجود ندارد.

عده دیگری افواشی دختران در سن ازدواج می‌تواند بلوغ زودرس دختران باشد. بنابراین هر سال و دختران در سن ازدواج افزوده می‌شود، ولی ممکن است پسرانی که در سن ازدواج هستند به اندازه نباشند. دلیل دیگر همگامی و زودرس مردان (به دلیل هیجان‌ناک روحی بیشتر پسوان و علاقه آنها به کراهت خطرناک) و یا سوپسوان جوان به خارج از کشور است. عوامل فرهنگی و اجتماعی هم به نوبه خود می‌تواند مانع مؤثری بر سر راه ازدواج باشد.

### تأثیر تحصیلات دانشگاهی

دوره نهایی می‌تواند «تحصیلات» را در دوره معهود بزرگترین مانع و سی در مقابل ازدواج طلست. میزان علاقه به تحصیل عالی در دختران اولی یافتو این مسئله بحث شده که توقع دختران از همسر آینده بالا رود و به همان نسبت شانس آنان را برای زوج پلین آورد. علاوه بر این، استقلال مالی که دختران تحصیل کرده به دست می‌آورند، موجب می‌گردد که نیاز کمتری برای ضرورت ازدواج احساس کنند.

سطح تحصیل مضمناً در میان زنان می‌تواند مستقیماً بر سن ازدواج تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت که این عمل تا حدی از مرز رده بی اجتماعی عبور کرده است و قابل کنترل نیست و یک حالت عادی یا بهتر بگوییم دنباله روی از همدیگر (عرف) وجود دارد و باعث می‌شود تا دختران وقت خود را به جای زندگی مشترک و تربیت فرزندان، صرف تحصیل و یافتن شغلی مناسب کنند.

لازم به ذکر است که نباید فقط به ترغیب ازدواج و گفتن «زود ازدواج کنید» بسنده کرد. به نالی این که یکی از مؤثرترین عواملی در طلاق، گسترش ازدواج در سنین پایین بوده است. بنابراین باید تدابیری اندیشید تا شرایط زوج به موقع و مناسب را برای دختران و پسرانی که هم از نظر جسمی و هم از نظر قلبی به بلوغ رسیده باشند، فراهم کنند. به عبارتی رشد عقلی آنان کامل شده باشد و مفهوم زندگی مشترک را درک کنند.

### آیا می‌دانید سه رکن اصلی زندگی سالم چیست ؟



بسیاری از جوانان ما در حال حاضر به سبب این عوامل اجتماعی و فرهنگی، برای ازدواج کافی می‌دانند، در حالی که در کنار رشد جسمی، رسیدن به رشد اجتماعی، اخلاقی و عاطفی از شروط لازم برای ازدواج است که به آن اشاره می‌کنیم:

## 1) رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، سؤالی است که در زندگی ما اهمیت زیادی دارد و از جمله با همسر است که قرار است عمری با او زندگی کنیم. افرادی که در زندگی مشترکشان رعایت حقوق همسر را نمی‌کنند، احترام می‌گذارند و حق تصمیم‌گیری برای همسر قائل می‌شوند از رشد اجتماعی برخوردارند. یکی دیگر از مشخصه‌های رشد اجتماعی، داشتن استقلال فکری است. افراد مستقیماً ناپه‌ها و محدودیت‌هایشان را به خوبی می‌شناسند و این شناخت به تصمیم‌گیری صحیح کمک می‌کند، آنها در مورد مسأله‌های مختلف خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌بینند و پیامدها و نتایج کارهای خود را بر عهده می‌گیرند. در بسیاری از ازدواج‌ها عدم استقلال یکی از زوجین باعث بروز اختلافات می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و چشم‌پوشی بیشتر موجب بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌ها می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و چشم‌پوشی بیشتر موجب بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌ها می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و چشم‌پوشی بیشتر موجب بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌ها می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و چشم‌پوشی بیشتر موجب بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌ها می‌شود.

استقلال فکری از دو راه به دست می‌آید: یکی از طریق مطالعه (درسی، متفرقه و آزاد) در مورد چگونگی رفتارهای اجتماعی و دیگری از طریق تجربه؛ به این معنا که تجربه‌ای که از کارهایی گذشته داریم در مورد کارهایی آتی و نظر بگیریم. در اینجا ذکر این نکته لازم است که مستقل بودن به معنای مشورت نکردن نیست، استقلال فکری وقتی تحقق پیدا می‌کند که هر دوی آن شخص دنبال می‌کند تنها به واسطه صحبت دیگران زیر پا نگذارند بلکه برای رسیدن به آن اهداف از مشورت کردن با دیگران استفاده کند.

یکی دیگر از فاکتورهای رشد اجتماعی اعتماد به نفس است. یعنی باور داشتن توانایی‌ها و شناخت محدودیت‌ها و این که فرد بداند چه توانایی‌ها و محدودیت‌هایی دارد. می‌توان اعتماد به نفس را نوعی واقع‌بینی نیز دانست؛ زیرا افرادی که دارای اعتماد به نفس هستند، تصویر درستی از خود دارند و افرادی که اعتماد به نفس ندارند مردود و دودل هستند. کاری را شروع کرده ولی به آخر نمی‌رسانند و بیشتر منفی‌بافند. "من نمی‌توانم" غیر مسمی است. "نه توانم تصمیم بگیرم" جملاتی هستند که این افراد زیاد به کار می‌برند و تحت تأثیر دیگران قرار گرفته تصمیم‌گیری‌شان سست می‌شود. نقطه مقابل این افراد، افراد مغرورند که توانایی‌های خود را بیش از اندازه می‌پندارند و در ارزیابی خود دچار اشتباهند.

روي تقويت اعتماد به نفى بايد شناخت واقع بينانه اي از توانايي ها و نقاط مثبت خود داشته بشديم و آنها را تقويت كنيم. به كار رين ع بارك مثبت نيز و تقويت اعتماد به نفس نقش مؤثري دارد. بايد هدف هاي را كه انتخاب مي كنيم در حد توانايي هايمان باشد تا هر بار كه كاري را با موفقيت به اتمام مي رسانيم يك لايه به اعتماد به نفس ما اضافه شود.

## 2) رشد اخلاقي

شدد الهقي يعني كنترول داشتن رهورفتل، عدك و خلق و خوي خود؛ به طوري كه هم حقوق خود و هم رفاه و حقوق ديگران رعيت شود. كسي كه رشد اخلاقي دارد خصوصيات زير را داراست: هميشه پيامدهاي اجتماعي و رفتار و اخلاقيش را در نظر مي گيرد، حتي در دن عصبانيت آنقدر كنترول دارد كه حرفي نزند تا بعد احساس گناه كند و يا باعث قطع روابط شود و به طور كلي پيامد بد داشته باشد. يكي از فوائد داشتن رشد اخلاقي اين است كه انسان احساس آرامش مي كند چرا كه وقتي كسي كنترول رفتار و گفتارش را داشته باشد بيشتر از همه خودش احساس آرامش مي كند. رشد اخلاقي باعث نزديكي دلهاست و در يك تعريف جامع مي توان گفت كه: واقعيت آن چيزي است كه هست و اخلاق آن چيزي است كه بايد باشد.



## 3) رشد عاطفي

شدد عاطفي به معنای داشتن كنترول روي عواطف مثبت و منفي است. يكي از نشانه هاي رشد عاطفي شدن اعتدال است؛ هم لطور كه پرخاشگري محض غلط است، مطيع بودن محض نيز غلط است. مطلب ديگري كه در رشد عاطفي هر فرد بايد مورد توجه قرار بگيرد حس وظيفه شناسي است. به شخصي وظيفه شناس گفته مي شود كه وظيفه نقشي را كه ايفا مي كند به خوبي بداند و انجام دهد. به طور كلي وظيفه شناسي در نقشها بيان مي شود؛ افراد وظيفه شناسي احساس مطوعي ززندگي دارند و آن رضي هستند. فرادي كه از رشد عاطفي برخوردارند در زندگي احساس آرامش مي كنند و به ديگران هم آرامش مي دهند. ذكر يك نکته در اينجا ضروري به نظر مي رسد و آن نقشي است كه والدين در تربيت فرزندان خود دارند، چرا كه نوزاد يا پسر بايد از جنسيت خويش راضي، باشد در غير اين صورت رشد عاطفي با اختلال روبرو مي شود. والدين بايد بدانند كه دختر و پسر فرقي ندارند. تفاوت

هر نقشی است که آنها در آینده ایفا می کنند . باید آنها را با صداقت ، قاطع و دلسوز و مهربان تربیت کرد.

تا اینجا به نکر مسأله پرداختیم که قلی از ازدواج باید مورد توجه قرار بگیرد اما بسیاری از کتبات که بعد از زوج باید مد نظر داشت و پری رسیدن به حد مطلوب آن تلاش کرد.

ظناً هر دختر یا پسر جوانی که سؤال شود معیار خوشبختی بعد از ازدواج را چه می داند ؛ یکی از معیارها این را به داشتن تفاهم اختصاص می دهد . بسیاری تفاهم را شبیه هم بودن و اختلاف نظر نداشتن می پندارند در حالی که زن و شوهر باید مکمل هم باشند نه این که مثل هم شوند . برای دستیابی به تفاهم باید بتوانیم شرایط یکدیگر را درک کنیم و خود را درجای دیگری ببینیم و هم اهدا می شویم . چیزی که هر زوج جوانی باید بداند این است که هیچ رفتاری به خوبی خود ، سو نمی زند . زن و مرد باید بتوانند از دریچه چشم هم به مسائل بنگرند نه این که مقابل هم قرار بگیرند .

یکی دیگر از راه های رسیدن به تفاهم ، داشتن صبر و شکیبایی و گذشت است . اما گذشت و شکیبایی باید دوطرفه باشد . گذشت یک طرفه باعث بدتر شدن و تقویت رفتار نامطلوب طرف مقابل می شود . گذشت منطقی و آگاهانه گذشتی است که طرف مقابل از آن اطلاع پیدا کند و خود نیز پشیمان و متنبه (تنبيه ، آگاه) شود و در نتیجه ، تغییر رفتار ایجاد شود . در غیر این صورت گذشت یک طرفه امری بیهوده است . برای ایجاد تفاهم نباید به منزلت و ارزش انسانی خود ضربه زد .

### هنر گوش دادن

عمل دیگری که هر دگی زناشویی بسیار حائز اهمیت است ولی که توجه آن پرداخته می شود؛ هنر گوش دادن و چگونگی سخن گفتن است.

وقت و توجه به صحبت دیگران و مفاهیم آن ، به موقع صحبت کردن و سخن مفید و نه بیهوده گفتن یکی از عواملی است که به درک متقابل زوجین کمک بسزایی می کند . باید به صحبت های طرف مقابل با دقت و بی‌پوش داد . به خصوص در زمان بحث و گفتگو که آن نیز زمان خصوصی دارد . این امر باعث می شود که بحث به مشاجره کشیده نشود . مطلب دیگر با ملاحظه صحبت کردن است چرا که گاهی خواه و چگونگی سخن گفتن مقدم بر محتوا و به عبارتی "چه گفتن" است .

### صداقت

در انتهای این مبحث به " صداقت " در زندگی زناشویی می پردازیم . بسیاری از مردم با نظر  
یکی از بزرگان واقفند که گفته است " توجیح می دهم از شنیدن حقیقت غمگین شوم تا از  
شنیدن دروغ خوشحالگردم " . چرا که عم صدفت هت می شود تم پلصحتهای  
شخ ز بر سوارود وو قلم آنها نك و ژید به وجود آید . هیچ نو به اندل هدم  
صدا بق بعت بی اعتمادی در زوجین نمی شود در عین حال سبب کینه نیز می شود و فضای  
مسمومی را ایجاد می کند .

**نیمه ی گمشده !**

**معیارهای ازدواج ( قسمت اول )**



ذک بختی میسر نخواهد شد مگر آن که دختران و پسران را با انتخاب صحیح آشنا سازیم و به  
عقول پیشدگی به آدن بیاموزیم که چگونه انتخابی صحیح ، درصد خطر پایین تری خواهد  
داشت . و جامعه باید لگهی لازم در مورد معیارهای ازدواج در اختیار جوانان قرار گیرد تا  
باگ له می استولتر، سد پلپ به شای و و رآمش و تعادل را تجربه کنند و زمانی که تصمیم  
می گیرند نیمه گمشده خود را بیابند با آگاهی و دانایی، راه صحیح را شناخته و برگزینند؛ چرا  
که انتخاب درست راهی جهت پیشگیری از مشکلات پس از ازدواج خواهد بود .

ظنون و بب فله فله ز دواج و چو پل یکی شدند و جینخ فل درج یان زگی ،  
دست لانی مذل گونه دارد . و زما نهی هدیل قدیم ، و ابتدای خلقت بشر ، انسانها دارای کالبد  
تک پبی از زن و مرد بودند . (هرما فرودیت، موجود هم نر و هم ماده که به نوعی در نظریات  
وخی رو ل شناسل نوب با تعابیر خاص مشاهده می شود) کالبدی که دو سر داشت و درست  
مثل دو انسان کامل در کنار هم قرار گرفته بود . لذا موجودی بود پر قدرت، توانمند و بی رقیب  
و به جت همن اقدرل بی رقیب مورد حسادت خدایان بزرگ یونان قرار گرفت . ( می دانید

که و ذیل بلند می معتقد به چند خدایی بودند. بدان معنا که برای هر چیز خدایی با ظاهری که برایش آن پدید می آید ه هضم متناسب می دانستند در ظری می گرفتند) تا آنجا که خدایان تصمیم گرفتند با هر ترفندی که این قدرت را از آن بکنند بگیرند. سپس با توفدی همچون صاعقه، انسان قدرتمند را از وسط به دو نیم کردند به طوری که زن و مرد وجودی انسان از هم تفکیک شد. زن مخلوقی هستی‌شده و مرهموجوبی نگیر. زهر بلزمن انسان وقتمند، توانی افسانه طو بیرقیب خود را از دست داد. پس از مدتی برای بازپس گیری آن قدرت از کف دله، به این نتیجه رسید که وی بازگشت به آن درون پر شکوه و جلال می بایست دوباره نیمه از دست رفته خود را پیدا کند و در پناه اتحاد با آن نیمه به عزت و اقتدار گذشته بازگردد. وجد تجوی یافتن هو اه زندگی، هگاه نیمه گشت نه طلی خود را به دست آورد به همان قدرت و شکوه بزاگشت و سعادت و کامیابی را در زندگی تجربه کرد و اگر نیمه ای را برای خود بوگرید که متعلق به کلبدی دیگ بود، ره آراش و خوشبختی را ندید. شاید ضرب المثل معروف ف اوسی که «فلانی تکه فلانی نیست» ریشه در همین گونه داستان ها داشته باشد خوانند نرو و قرآ می فرماید: « از شما نه هی خلق نماند که بواشما ازجنس خودتلی فریدیم تا در کنار آنان به سکون و آرامش در آید و بین شما رحمت و صمیمیت قرار داد که وان کا شمله هلیات وی او بی که هل قو و لدیستند». بگزیدن هله ناجر وی شرکت روز نگی نتیجه اهد فل انوقی است که برای ازدواج در نظر می گیریم. اهدافی مثل داشتن پول و ثروت و یا زیبایی طرف مقابل بدون در نظر گرفتن سایر معیاره بی تعیین کننده، یا دارا بودن عنوان و مدرک تحصیلی بخصوص مثل تاجر، دکتر و ...





گاهی ازدواج نادرست بر مبنای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان صورت می‌گیرد یا عقاید نادرستی که در مورد حق برتری ازدواج پسر عموها با دختر عموها بین برخی اقوام ایجاد شده است، (حتی با وجود مخالف هی فراوان علم ژنتیک در خصوص ازدواج فامیلی و احتمال مشکلات وراثتی و ژنتیکی ناشی از آن) و ... گاهی ازدواج با هدف بهره‌کشی صورت می‌گیرد. مثل نگهداری از فرزندان زواج و جلوگیری از فرار از منزل و وظیفه مخصوص خانه‌داری، یا نگهداری از سالمندان سالی و خانواده و مراقبت و بستاری از آنها مثل مراقبت از معلولین و زکار افتاده، بدون توجه به اینکه برای انجام این امور می‌توان از افراد دیگر نیز استفاده کرد. گاهی نیز ازدواج یا انتخاب بر مبنای دلسوزی شکل می‌گیرد که بدین و خودک تراشی ازدواج است چاکه‌های نداشتن پیشینه احتمال فراوان گریبانگیر فرد خواهد شد.

اما معیارهای علمی و صحیح انتخاب زوج کدامند؟  
 عواملی را مد نظر قرار دهید تا انتخاب صحیح را صورت داده از بروز اختلاف و درگیری‌های آتی پیشگیری کرده باشیم در اینجا این معیارها را بر می‌شماریم»

### تناسب سنی

یکی از سؤالات بسیار رایج در زمینه معیارهای زوج، اختلاف سنی و تناسب بین زن و مرد، به عنوان ارکان تشکیل دهنده هسته خانواده است. بسیاری از جوانان می‌پرسند اخلاقی تا چه حد در میزان تفاهم مهم است و یا اصولاً چند سال اختلاف سن مشکل جدی ایجاد نمی‌کند؟

و خصوصاً اختلاف سن بسیار واضح است که هر دو به عنوان یک گاه خانواده می‌بایست بزرگتر از زن باشد. اما در باب میزان این تفاوت در یکی از کشورها فرمولی را ارائه داده اند که طبعاً ظاهری نیست. به این شکل که نصف سن مرد به علاوه هفت سال مناسب ترین سن برای دختر در حال ازدواج با آن مرد است. مثلاً مردی 34 ساله می‌بایست با دختری 24 ساله ازدواج کند. ( $17+7=24$  نصف سن مرد).

البته چنین فرمولی‌هایی طبیعت ندارند؛ زیرا در حیطه علوم انسانی و افراد، معیارهای بسیار زیاد و عناصر تعیین کننده دیگری وجود دارند که چنین فرمول‌هایی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. برخی معتقدند مرد حدود 4 الی 5 سال بزرگتر باشد و تحقیقات جدیدتر واریات سنی دهنه تعیرواتی را در نظر می‌گیرند و معتقدند فاصله سنی بین 2 تا 6 سال بهتر است. اما هنوز سن ازدواج را برای دخترها بین (23-18) سال و برای پسرها (28-24) سال تعیین کرده‌اند. بدین معنی که زوجه را پس از قدرت سازگاری بطور طبیعی موفقیت بیشتر را در زندگی زناشویی به همراه داشته است. به هر حال واضح است که همه نگی رولی - عطفی و خلاق و بسیار بهتر از اختلاف سن معنی و تعیین شده است..



### بنیه اقتصادی

دانش شغل و ملکیت نه من مغل خاواده ل معیر له یی لولیی نلت که هر مرد در شرف  
 لولج باید او ل ن بلد. طبق قوانین شوع و فو اولی نأمنمخ ل جخلواده و  
 نیازهای اولیه و اساسی زندگی مثل خوراک، پوشاک و مسکن همسر و فرزندان، آن هم بر طبق  
 شأن و منزلت زن و وظایف و مسئولیتها ل جتنبلد اپنود سلت. بی شغل و کار  
 مناهب، بون لمدو با تکیه بر لوال و درا یی خلواده و والدین چگونه می توان زندگی  
 شاد و سالمی را پایه ریزی کرد؟

شوع زندگی با او یی که کوا ندرد، تنهابه لمد آنکه و آینده شغلی خواهد داشت چندان  
 مطلق نیست. اگر این اتفاق نیفتاد، اگر حتی با وجود تحصیلات و توانایی، کاری درآمدزا پیدا  
 شد چه باید کرد؟ مسئله، نوع کار نیست. اگر چه بهتر است شغل مناسب با شخصیت، مقام و  
 توانایی هر یی فرد باشد، اما لازم نیست به بهانه یی یافتن شغل متناسب با شأن و منزلت تحصیلی  
 و خانوادگی، از انجام کارهای سالم و منطقی سرباز زد.

### اصالت خانوادگی

زرگ تون سومایه خول و پسران جوان، اصالت خانوادگی و داشتن رشد فکری، عقیدتی و  
 لاتی سلت. خاواده طلی و توانا، ایمیل، الهی نیکو و راه دوست زندگی را از ابتدا در  
 تربیت فرزند مد نظر قرار می دهد. والدین نیکو، الگوهای بسیار مناسب در پروراندن فرزندان  
 نیک سوختو توانا خولند بود. فرزندان خانواده های اصیل می آموزند در هنگام سختی ها  
 صبر پیشه کنند و حفظ عصمت و آبروی خود را بر هر چیز مقدم بدانند.

### اعتقادات و مذهب

دن به عول علم لیدونی، در رگ و نه تما می شتولت زندگی فری و اجی لسان  
 است. به طوری که به عنوان مهم ترین و برترین عامل ایدنولوژیک به انسان می آموزد چگونه

رقل كند، در درن چگونه بيدديدو و برون چگونه رفتار كند. دين و مذهب نسخه برتر رفتاري و عقا

بيتماست و مستحکم ترين عام ل لر وشن و شك ده شخصيت و معيارهاي خوب و بد ما و بيانگر شيوه زيستن يا به عبارتي چگونه زيستن است. از آنجا كه ديزر شيه و هطرت انساني دارد حتي كساني كه در ظاهر به عناد با دين و دينداري معروفند در بطن خوشي، و خ ل فكل و انديشه ها و در ژرف ترين و بي پيرايه ترين افكارشان، تك تاثير مباني فكري و عقيدتي ناشي از مذهب قرار دارند. پس دين و مذهب، حتي ميزان اعتقادك دينو پاييني به طول عقيدتي مذهب، كته بسيار مهمي در تفاهم و درك متقابل ديزر و چن جوان خ اهد بود. بدهي است كه معيارهاي زندگي فردي كه از درجه بالايي در پايندي به اصول ديني برخوردار است، متفاوت از كسي خواهد بود كه آن درجه از اصول را در رفتار و شيوه زندگي قائل نيست.

قبل از انتخاب همسر اين مسائل را در نظر بگيريد...

معيارهاي ازدواج ( قسمت دوم )



در وقت قبل به تعد اي زمعياره لي زواج يعني تناسب سني، بنيه ي اقتصادي، اصالت خانوادگي و مذهب پرداختيم. اينك در ادامه ديگر معيارهاي ازدواج را عنوان مي كنيم.

اصل كفويت

آنچه كه در اسلام با عنوان "كفو بودن" بدان اشاره شده در واقع شباهت و همشان بودن زن و مرد در جنبه هاي متفاوت شخصيتي، رواني، فرهنگي، علمي، سن و ... است. به عنوان مثال تهلايت مشابه مسيب همگوني سلت. زواخصيلات نزديك به هم، گاه نتيجه تشابه درجه

هوش افراد است. از طرفي تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت هاي عمده اي در جهان بيني و نگرش افراد ايجاد مي كند. آیا فردي كه تحصیلات دانشگاهي مثلاً در مقطع لیسانس را تجربه كرده و قادر و عاقل باشد به طرز خطي كه منطبق با محیط و فضای تحقیق‌ي دانشگاهي است شكل گرفته و آموخته است افكار انتزاعي خود را در برخوردها فعال نگهدارد و برلي و چیز دلیلی جلبد، با فردي كه داراي بهره هوشي طبیعی و داراي تحصیلات مثلاً و مقطع ابتدایی است يكسان خواهد بود؟ آیا رفتارها، نحوه سخن گفتن، نشست و برخاست، معنویت هلي اجتماعي، توانائي هلي متفاوت و مهم رتبه‌ي لازم براي يك زندگي مشترك و قی، نت تداومستقیم آموش هلي ناشي از میزان تحصیلات نیست؟ تفاوت سني، همان طور كه اشاره شد از عوامل مهم اشتراك در زندگي است. اگر اختلاف سن خیلی زیاد باشد و جواني با فردي میانسال ازدواج كند، اختلاف سن، از آن جهت كه مسبب اختلاط در جهان بيني و نحوه نگرش به زندگي، خویشتن و دیگران است، توقعات و انتظارات را به شیوه اي دیگر شكل مي بخشد. پس كفو بودن در سن، و تفاوت 3 تا 4 ساله (يعني مرد بزرگتر باشد)، يكي از عوامل مؤثر رسيدن به زندگي متعادل و منطقي خواهد بود.

### طرز فکر يكسان

در بين دو طرف، يكي از عوامل مؤثر رسيدن به زندگي متعادل و منطقي، طرز فکر يكسان است. طرز فکر و اندیشه افراد از نوع فرهنگ، سطح تحصیلات و سن افراد تأثیر مي پذيرد. مشابه بودن نوع تفکر، و بهمه بلریت کفو فکري، همسطح بودن و يكساني در نوع جهان بيني و فهم و ادراك زن و مرد نسبت به مسائل مختلف فردي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي و فرهنگي است و كمك مي كند تا شیوه تفکر افراد كه مسلماً در مراحل مختلف زماني به صورت هلي و ناگو ني مي اندیشند، هگام و همسو خول يابد. افكار يكسان و به يك جهت نگرستن كمك مي كند تا طرفين بتوانند از دريچه چشم ديگري به دنيا بنگرند و مسائل گوناگون را تحليل كنند. **طبیعتاً دیدگاه مشترك و نسل مشترك، به همراه فرهنگ مشترك پایه هاي استواري براي كوچكترین و مستحکمترین نهاد اجتماعي بشر (خانواده) خواهد بود.**



## عوامل فرهنگی

بسیار مهم است تا واقعاً همسر پیلگه اجتماعی و رادری داشته باشیم تا از جنبه وقت‌بندی و تأثیر پذیری از مسائل فرهنگی، خصوصاً فرهنگ مشترک، یکسان باشیم. زوایا عوامل فرهنگی دارای ابعاد متفاوتی است که ریشه در افکار انسان داشته و با رسوخ در تمام جوانب حیثی، به زندگی جهت می‌بخشد. نحوه معاشرت، برخوردها، تربیت فرزندان، دیدگاه نسبت به پسر یا دختر و... متأثر از فرهنگ حاکم بر زیستگاه و ذهنیات ماست. تشابه یا تضاد فرهنگی در معنیت‌ها و رفتار و آمد و رفت‌ها و طرفین دخیل بوده و مستقیماً در زندگی زوج‌ها مؤثر خواهد بود. چرا که زوج‌ها خود را فرهنگ مسلط بر محیط خود می‌پندارند و آن‌ها را پذیرفته‌اند و کنار گذاشتن فرهنگ یعنی نادیده گرفتن سبب‌ها، ارزشی، افکار، عقاید و به هم ریختن تمام ملاک‌های اخلاقی و اجتماعی، بی‌هویت شدن و درم ریختن ریشه‌ها و سردرگمی فرد. سبب‌ها را به دلایل نادیده بگیرد. بخصوص، تأثیر فرهنگ و آنچه باید باشد و آنچه هست را در زندگی نادیده گرفت.

ح. بی‌گوش کنیم که زوج‌ها بتوانند دوسا به‌علاقه و خصوصاً یک‌مدت‌ها، اخلاقی، تحصیلی و... راه‌مسالمت آمیزی جهت‌یابند و متضادشان بیابند، تکلیف خانواده‌ها چه خواهد شد؟ ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه اتصال دو خانواده به‌همدیگر است. چرا که اخلاق و سیستم ارزشی آنها تأثیر مستقیمی بر شرایط زندگی و تعادل و سلامت خانواده‌ها خواهد داشت. می‌دانیم که عوامل فرهنگی ریشه در ناخودآگاه ذهن افراد دارند. هر چه قدر عمیق‌تر فکر کنیم و تصمیم بگیریم، لحظاتی از زندگی پیش می‌آید که عقلی، بدلیم‌ناخودآگاه‌ها و تنها ظاهری استدلالی و منطقی و پیکر رفتاری می‌نشانند که ریشه در عوامل فرهنگی رسوخ یافته در ناخودآگاه ما دارد. پس جوانان را دعوت می‌کنیم تا بی‌ناخودآگاه‌ها را بشکافند و از واقعیت وجودی خویش اطلاع یابند. تجارب زندگی ما ریشه در فرهنگ و اعتقادات فرهنگی ما دارد. تجارب ما که خواه ناخواه در آینده رفتاری ما آنگاه‌ها یا ناخودآگاه‌ها مؤثر خواهد بود. عوامل فرهنگی و تشابه در بین خانواده‌ها و افراد به‌عکس تشابه در تجارب و دیدگاه‌ها، مهم تلقی می‌شوند. اگر انتخاب همسر بر مبنای توجه به معیارهای خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد، با درصد موفقیت قابل توجهی مواجه خواهد شد. زوج‌های ترکیب دو انسان و دو خانواده است. اگر تناسب بین افراد و خانواده‌ها کم باشد زندگی تازه تشکیل یافته، سست و تلخ و ناپایدار خواهد بود.

## نکته‌ای دیگر

هر کس پیش از ازدواج می‌باید تکلیف‌خود را با مدینه شقی یا خانه‌ها را بودن همسر روشن کند. برخی قبل از ازدواج، شاعل بودن همسر را به صورت ملاکی آنچنان برجسته در ذهن خود حک می‌کنند که بسیاری از موارد دیگر را به پای آن قربانی می‌کنند. در حالی که

الإلّا زینرا به خلطو و آمد اقتصادی و استقلال مالی انتخاب کنند هدف از ازدواج بهره کثی خولاد بود، که یکی از اهداف انحرافی ازدواج است. در این صورت، بیشتر به آن زن به صورت یک کالای اقتصادی و سودآور نگاه شده تا یک همسر، یک شریک، یک همراه ...

دو طبقه قرآین حقوقی، شریعی و عرفی ما، تأمین معیشل به عهده مرد است و نفقه زن چه شاعی بشلد ( در آمی شلدته بشلد) و چه نشلد، به عهده شوهر است و هیچ وظیفه قانونی، برای زن در مورد تأمین مخارج خانواده در نظر گرفته نشده است. تنها مسئولیتی اخلاقی است که سبب می شود زنان شاغل همدل و همراه شوهر، پا به پای مرد خانه کار کنند و هر دو هر چه دراند با خلوص تمام به نفع اعضای خانواده خرج کنند. در این بین هستند زنانی که درآمد اقتصادی را به صورت سوما به و برای خود پس انداز می کنند و در مواردی که هدف از انقب، ملک قند لی بوده بشلد دطیبی بشلد که اهل مرد از بیج بر آوردن شده، توگویی لکت بین زوج پیش خواهد آمد. پس چه بهتر که طرفین از ابتدا به دیدی کاملاً واقع بینانه به مسئله اشتغال زن بنگرند و اگر در کنار مسئولیت خارج از منزل، وظایف خانه دلی کم رنگ شد جلی و لی گله و شکایت بقی نماند. خصوصاً مسئله حقوق و درآمد زن مورد بررسی قرار گیرد و زنانی که قصد دارند درآمد خود را نه در راستای امور مالی منزل بلکه برلی خود، هزینه و یا پس انداز کنند از ابتدا تصمیم خود را مبنی بر عدم مشارکت در امر اقتصادی خانواده بیل کنند تا مردانی که یکی از پایه های انتخاب خود را درآمد همسر قرار داده اند، در انتخاب خود تجدید نظر به عمل آورند.



### والدین و حق انتخاب

شاره کردیم از نوح شعی ترکه موضوع برزدگی سلت. خوب سلسو اللین نیز حق از تکلرا به جوانی بدهند. حق که با ظارت بزرگسالان معنی پیدا می کند. جوانان نیز بد نیت دانند تعویب بزرگترها در امر ازدواج بسیار بیش از آنچه تصور می کنند می تواند رهگذر را هتیا نل بشلد. تعدلی و قائل بر موقتی و کلسلت. هانطور که ازواج هلی جیبی که بازو و لعمال هوا و اللین بردخو یا پسر تحمیل می شود پیوند موافقی نسبت، خود سلی، یکجا ذبه تمیم گو قن هو انل و مقابله با تجربیات مفید و سودمند

زیرگ تهنو بوا اثبتخوهر ایه جاپی تحولهرد.

**تافتت هت لخریبات و**

**وانایی هیوالله بنگده کنی تا بعد ها افسوس فیت هیلیکه بوا سواجستن از**

نظریک آنها را نشتیدو استفاده کردید بر شما مستولی نشود. اگر عقاید بزرگترهای خود را نمی پذیرد خود تن دست به کار شده و تحقیق کنید. بیایید خانواده های موفق و ناموفق را شناسایی کنید. آن‌ها که موفق بوده اند معیارها و شیوه ازدواج را جویا شوید و از خانواده هی مطلقه به عنوان زوجی شکست خورده علیحد ایبر اجیاشوید. هتته سومی هم وجود دارد. می توان از مطلقه های عاطفی نیز (البته بدون وسواس) تحقیق کرد. زیرا خانواده هی نلسامان و آشفته ای هم هستند که به دلایل مختلف مجبورند تا آخر عمر با ناراحتی با هم زندگی کنند.

بنیتوانن بیید ایگوه چمعی لی برای ژ واج شته لکه فلا مجبور به تهل همدیگر هستند. سپس می توانند از تجربیات کسانی که موفقیت یا شکست آنها را به چشم دیده اند استفاده کرده و در جهت سعادت خود بهره جویند، که از قدیم الایام گفته اند: « انسان عاقل همه چیز را خود تجربه نمی کند، بلکه از تجربیات دیگران نیز استفاده می کند».

### سخن پایانی

هو مقوم وهد فدای که توانا بی طلیق با شرایط جدید خود را داشته باشد یکی از موهبت های بزرگ الهی است. به هر حال برای انتخاب همسر می بایست بسیاری از نکات و معیارها را مدنظر داشت و رعایت کرد و با اطلاع کامل و کافی از وضعیت خانواده ها، و اخلاق و رفتار و مورد نظرش به انتخاب زد.

**بی فکر و همسر، صلت هره با خرام،**

**خصوصیت لاقی متدلسب، تلاش جهت حل مشکلات همدیگر در سایه همفکری ، تناسب و تفاهم از نکات غیر قابل انکار در معیارهای اساسی انتخاب همسر شمرده می شود.**

خانواده می تواند و انتخاب صحیح پذیرد و اگر شما بنده ما نهیلتا این شما هستید که به عنوان عدل لیلی می بیست شناخت درستی از خصوصیات ، توانایی ها، خواست ها و انتظارات خود ژ زندگی داشته بلید تا بتوانید بر مبنای آن معیارها و خودشناسی که در سایه خلوت با خوشی و جستجوی لایه هی نهی خود که مسلماً و صداقت کامل به دست آمده مناسبترین فرد را برای شرکت در تمام زندگی خود برگزینید. چنانکه گفته اند : « با فردی ازدواج کن که اگر هم جنس تو بود بهترین دوستت بود.»

ازدواج رویدا بی سلت که انسانها را با اعتقادات، اولویت ها، مذهب، پول و عادات خانواده ها ( که بعضاً بسیار متفاوت است) رو به رو می سازد. پس خوب است اگر این انتخاب بر مبنای معیارهای منطقی و عقلانی باشد. پس از انتخاب عقلانی، عواطف نیز شکل می گیرند. اما بر عکس. اگر دوست شدی ل رهی احساس باشد و تنها ملاک ، علاقه بدون پایه عقلی و منطق بنده، به احتمال زیاد با شکست مواجه خواهد شد. و تمام فرهنگ ها ازدواج امری عادی سلت و هی آسانترین قسمت ژ نوح تلقی می شود. لما به یاد داشته باشیم که زندگی قرار

نیست آسان باشد . در سایه درك و تفاهم متقابل است که می توان بسیاری از معیار های پیش از ل نولج را سهل پوود به خق رساند . به عبارت بسیار ساده عشق می تواند مکمل ازدواج بنلد لما گر تنها عامل پیوند، علاقه، محبت و شاید عادت دیداری طرفین باشد و آنها با علاقه شدید و لوج هیئیل ، اقدام به ضمیم گ یوی کرده و هست به انتخاب بزندان مشکل بتوان ادعا کرد انتخاب درستی انجام شده باشد.

### هفت راز ازدواج موفق



(1) **زوج های موفق خود را با انظرا نك خود را به صراحت می گویند.** زوج های موفق قبل از ازدواج، توقعاتی که از یکدیگر دارند مطرح می کنند، اگر توافق اساسی با هم ندارند (ویا مثلاً مورد فزندی خواه و پلخانم مخالف ملت)، می توانند به شروع و یا خاتمه ل نولج بطور جی فکر کنند. بعد از ل نولج، زوج های موفق به طو مظم در مورد توقعات و انظرا اتشیل با هم صحبت می کنند و اگر اختلافی پیش آمد، آن را به زمان دیگری موکول می کنند تا همدیگر را درك کنند و به توافق برسند.

(2) **زوج های موفق فردیت خود را حفظ می کنند.** بعد از ازدواج استقلال زوج ها کم می شود لگر افرا فز ندلته بنلدنوز بهرز و امیگ بیئیر می شوو گلی افولطساس خسدنگی می کنند. زوج های موفق می دانند حتی اگر به هم علاقه داشته باشند، گاهی احساس خسیگ می کنند. لیل یکگر را اشدوقی کنذتا همیشه "ما" بنلدندو زمی هپرای "خود" دلته بنلدنو به کارهای مورد علاقه خود بپردازند. بدین ترتیب زوج فردیت خود را حفظ می کند و زندگی ، شاداب می شود.

(3) **زوج های موفق هدیگر را مرکز قیبه قرار می دهند.** آذن هد یگر را دست کم نمی گیرند و همیشه به فکر خوشبختی همسر خود و خانواده هستند. معمولاً افراد چند سال پس از ازدواج مانند سال های اول به هم توجه نمی کنند. ولی زوج های موفق، کار های کوچک نظیر اولوبت و لردانینیا زها وک ل هپا هسو و کل هپا بزگ ظیر احترام و گوش کردن به حرف های هم را مدنظر قرار می دهند. ازدواج دریای تغییرات است. شما اغلب فراموش می



کنید همسران مهم است و به او توجه نمی کنید. در عوض به کار، سرگرمی و دوستان اهمیت می دهید ولی زوج های موفق همدیگر را مرکز توجه قرار می دهند.

(4) **زوج های موفق روش های حل اختلاف را می آموزند.** "جان گاتمن" روانشناس که 20 سال زندگی زوج ها را مطالعه کرده، عملی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی، یا عدم توانایی حل اختلافات می داند. حتی اگر همسران و شما کاملاً با هم یکی باشید، گاهی با نظر هم موافق نیستید و این مخالفت باعث ناراحتی می شود. نباید به اعتیاد، خشونت و ... رو بیاورید. اگر خواسته شما و همسران با هم فرق دارد، باید آن را حل کنید. زوج های موفق با صحبت می کنند، حتی اگر احساس بی شکی به هم دارند. آنان و مورد اختلافات و مخالفتها با هم مذاکره می کنند تا به نتیجه عادلانه برسند. آنان از یکدیگر حمایت می کنند و غر نمی زنند. آنان می پذیرند در مواردی عشق، برتر از پیروزی است.

(5) **زوج های موفق با هم رشد می کنند.** مسلماً فردی که امروز با او ازدواج می کنید، 10 سال آینده متفاوت خواهد بود. شما هر دو تغییر می کنید. به ویژه در شرایط سخت زندگی مانند ازدواج و قرائت قرآن و والدین. زوج های موفق می دانند که یکی یا هر دو در طول زندگی تغییر می کنند و قرائت قرآن می شود. پس لازم است تغییر کنید تا بتوانید روابط در حال تغییر را عوض کنید.

(6) **زوج های موفق به حفظ روابط می کوشند.** زوج های موفق به طور منظم وضعیت زندگی خود را بررسی کرده و با هم صحبت می کنند تا از شادی و رضایت هر دو از زندگی مشترک مطمئن شوند. اگر یکی، یا هر دو شما از زندگی مشترک ناراضی هستید، مشکلاتتان را حل کنید.

(7) **از مراجعه به مشاور خجالت نکشید.** زوج های موفق قبل از مراجعه به مشاور، سند طلاق را امضا نمی کنند. آنان می کوشند که مشکلات را در اولین فرصت حل کنند.

### **خانم ها همسران را خودتان انتخاب کنید**



## افلاطون

"بدبختي آدمي از جهل نيست، از تبلي است."

تلمجواع هنگام گل ر ا اوضاع پيشين خود به وضعيت هاي جديدتر ، با مشكلات پيچيده اجتماعي مواجه بوده اند که از آن جمله موضوع انتخاب همسر و ازدواج است. در اين وضعيت معمولاً شناخت انسان ها از يکديگر کم و انتخب شکر تر مي شود. از ط في چون در همه جاي دنيا و به خصوص در کشور ما بيشتر مردان انتخاب کننده هستند و پيشقدم مي شوند، بنابر اين خانم ها کمتر قادرند دست به انتخاب بزنند؛ و حتي وقتي با مرد ي روبرو مي شوند که شرايط مورد نظر آنها را دارد بسيار منفعلانه رفتار مي کنند.

شاید شما هم دختراني را سراغ داشته باشيد که با وجود اين که به مراتب بالايي از رشد اجتماعي رسیده اند اما نوانته اند که خردنگل من لب ندهند بثلند. يکي از مسا لی ديگري که برخي از دخترها با آن درگيرند، اين است که خردنگل ن بسيولي در نند اما چه کدام از خواستگرا در مرد از نواج صم نهي شوند. به اين گروه ر دخترها، بايد تکال کار را گفت و آموزش لازم را بايد داد. از طرف ديگر خانم هايي را در جامعه مي بينيم که روز به روز سنشن بيشتر مي شود در حالي که هفصتي بري از دواج نهي بلند. و اين مقاله ضمن آموزش بر خي ر موضوعات مذکور، به خانم ها تلاش مي کنيم به شما يادآوري کنيم که نبايد نقش اراده را ناچيز شود و در ان موردخل هم فعاله و بالاده و خواست خردع لي کنيد. ما انسان ها عادت کرده ايم وقتي مشکلي پيدا مي کنيم همچونرا به گن ان و ن هي اندريم، ما با يدنک مشكلات مان را در وجود خود جستجو کنيم.



## بزرگمهر

"روزي به تقدير است، اما تو در تدبير کوتاهي مکن."

1- **تقدیر معيار از و ج براي يك مرد، وضعيت ظاهري و به ويژه چهره زن است، چهره اي شاداب و سرزنده و مو بيل با تبسمي هميشگي؛ اما شايد همه ما با يك سوال مواجه شده باشيم که:** "چرا کسي با ظاهري ضعيف تر از من و يا شرايطي ( شغلي ، تحصيلي ، اجتماعي و ...) پائين تر از من، موفق شده ازدواج مناسبی داشته باشد، لمن ... ؟" در رخص بايد متکوشيم چوه ه بيل بته ملک لماعيل انقلب نيه پي چره معياري و يل توجه لحظه لي سلت امامعدي لي و لي توقف نيست و بيلد علاوه بر آن به مهارت هاي ارتباطي **چن کننده ديگي نيز جهز بود.** و عرف حل که باز هم روي شاد بودن به عنوان يك معيار کليدي تاکيد مي شود اما علاوه بر چهره، کلا وضعيت ظاهري فرد مثل تيپ او، تنوع در لباس پوشيدن، تميز و مرتب بودن و ... همگي مهم است.

2- اگر به مرد خاصی علاقه پیدا کرده‌اید به او نشان دهید که می‌توانید او را درک کنید و به نظراتش - حتی اگر غلط نظر شما باشد - احترام می‌گذارید. اگر حرفی مخالف نظر شما را بیان کرد، یکبار به آن را رد نکنید و مخالفتی ندهید بلکه بگذارید تا حرفش تمام شود بعد در کمال آرامش و صمیمیت، نظر خود را مطرح کنید و بگوئید در وی موردی ندارم. اظهار نظر شما در مورد صحبت مرد مورد نظرتان برای زندگی، باید این سی را بر او ایجاد کند که "من به شما نزدیکتر از خودتان هستم و شما را بهتر از خودتان درک می‌کنم." از طرفی رفتار کلامی شما، همیشه باید با رفتار احساسی شما همخوانی داشته باشد. وقتی احساس مثبت خود را در کلام بیان می‌کنید، نگاه چهره شما هم باید احساس مثبت و خوبتان را نشان دهد. وقتی با محبت، حرفی می‌زنید نباید بدچهره ایخیزد بلکه تمام محبتتان باید در نگاه و صدای شما مشهود باشد. با وقتی انتقاد می‌کنید لحن صدایتان باید نشان دهد که فقط با آن ویژگی خاص مخالفتی ندارم اما کل شخصیت او را زیر سؤال نبرده‌اید.

3- مهم‌ترین عاملی که اعتماد به نفس است، هر چه درباره این مسئله بگوئیم کم گفته‌ایم. اعتماد به نفس یعنی تمام زندگی شما و تمام آنچه که دارید. اعتماد به نفس یعنی فرد تصورش از خودش به اندازه واقعی باشد. وقتی رذیلت‌ها صلاً اعتماد به نفس در آنجا وجود کند و زندگی خراب به وسعت تبدیل نشود، درحالی که باید به آنها این آگاهی داده شود که تا درست صحبت کردن را تمرین نکنند و نتوانند از خود به دیگران، اطلاعات مناسب بدهند، امکان انتخاب شدنشان طبیعتاً خیلی کم خواهد بود.

شاید بگوئید چگونه می‌توانم اعتماد به نفس داشته باشم در حالی که همیشه آن را در من سرکوب کرده‌اند، در دوران جوانی که شخصیت ما در حال شکل گرفتن بود والدین یا نزدیکان بارها کلماتی مثل بی‌خاصیت، عقده‌ای ... و ... نازل کرده‌اند یا ما را به رذیلت‌ها دیدند و هیچ وقت به اعتماد به نفس ما اجازه شکوفایی داده نشد. بقیه می‌توانند زندگی ما بپزند و اندرز، سرکوفت زدن و سرزنش شنیدن به خاطر مسائل خیلی پیش پا افتاده و ده، به طوری که از کوچکترین تلبه‌ها، کوهی ساختند و به سرمان کوبیدند. شاید هم بگوئید ما همیشه تحت کنترل دیگران بودیم طوری که اعتماد به نفس مان رشد نکرد و قدرت خلاقیت ما نابود شد.

اما این را بدانید که بزرگترین اندیشمندان، محققان و حتی تمام افرادی که شما در اطراف خود می‌بینید که اعتماد به نفس دارند، روزی به این درد گرفتار بوده‌اند اما بر آن غلبه کردند پس شما هم می‌توانید. در مرحله اول سعی کنید از قضاوت کردن در مورد خودتان، خودداری کنید، همه ما اشکالاتی داریم که به تدریج باید آنها را رفع کنیم. وقتی اعتماد به نفس پیدا کردید تازه متوجه می‌شوید که چه اهدافی دارید، چه آرزوهایی دارید و در دنیا به دنبال چه می‌گردید؟

زاد خود ببینید  
دختر کما و نخودر پدین رت لیکرل می‌دیدم؟ ظوئی، مالی، روابط اجتماعی  
تصویری؟ و بعد سعی در رفع آن کنید، شاید شما هیچ نقیصی ندارید و فقط تصویر منفی از خود دارید. اگر جهان را ملو از انسان‌هایی بالاتر و برتر و زیباتر از خود ببینید، طبیعتاً دچار احساس حقارت می‌شوید و همیشه خود را حقارت می‌گیرید؛ اما اگر نیروی بی‌نهایت خود را بشناسید و گسترش دهید حتماً اعتماد به نفس بیشتری خواهید یافت و هیچگاه محور شخصیت و جذابیت دیگران نخواهید شد.

اگر کمی به اطراف خود نگاه کنید، افرادی را خواهید دید که نه چندان زیبا هستند و نه تحصیلات بالایی دارند اما کوهی اعتماد به نفس هستند و این باعث پیشرفت‌های بسیار زیادی در زندگی و از جمله در ازدواجشان شده است.

### جان. دی. راکفلر

"آینده تو بستگی به این روزهایی دارد که پشت سر می‌گذاری، به تلاشت ادامه بده."

4- داشتن اعتماد به نفس اولین تأثیر خود را روی طرز صحبت کردن شما نشان می‌دهد. با خوب صحبت کردن می‌توانید شخصیت زیبایی خود را به دیگران بشناسانید. برخی افراد به دلیل ترسی که از اشتباه کردن دارند کمتر

صحت می‌کند، و حلی که باید تدبیر کنی را به عوالم بی‌آمنی و بی‌ثباتی برای یانگیری بیشتر دانست. کلماتی که از تدبیر کنی و جلست آشنایی یا به اصطلاح خوشگاری- و کلاً در تمام مجامع دیگر- و اهمه دارند، کم‌تر ظهور می‌کنند، در نتیجه آدمی بسته و نفوذ ناپذیر و یا خجالتی جلوه می‌کنند و باعث می‌شوند دیگران از آنها دوری کنند. پس در جلسات سؤال کنید، حتی اگر اشتباه سؤال کنید. انسان‌ها و از جمله مردها، از شخصیت بدنه خوششلی نمی‌آید. شخصیت بدنه به کسی می‌گوئیم که در اظهار نظر تردید می‌کند. می‌توانید طرز صحبت کنی بی‌تر باخوای کتباً هفت‌م‌ناب‌ترین کنید. ما باید از خودمان به دیگران، اطلاعات بدهیم. اگر از خودمان به کسی اطلاعات خوب بدهیم، خواه ناخواه او جذب ما می‌شود، حالا چه زن باشد و چه مرد. **سپس جلستاً ظاهراً نظر کنی به شما را در وقت بدیده بشود، دیگران هم شما را دوست خواهند داشت.**

وضوح این که خوب صحبت می‌کنید شونده خوبی هم باشید و با پر حرفی‌های خود طرف مقابل را خسته نکند. سعی کنید با یک مرد در مورد مطالبی سخن بگویید که مورد علاقه اوست و با او هم حساسی داشته باشید، اما به‌اراهلی اراکه نهدید و پدر از یاد دغل‌تر از جلوه نهدید. گلی بخانه‌ها - چی آنها که متاهل هستند- توصیه می‌کنیم که خیلی خود را با تجربه و باهوش‌تر از شوهرشان نشان ندهند. حتی گاهی به طور عمد شد باها حرفی را از تند تا شوهر آن را اصلاح کند و سوء برداشت او را رفع کند. خانم‌ها با جنبه احساسی یک مرد، سو کل دراندنه جنبه عقلانی او. بگذارید گاهی مرد شما را از سوء برداشت تان آگاه کند و به اصطلاح چیزی را به شما یاد بدهد، آن وقت بگویید: "ای وای، من این را نمی‌دانستم!"

البتّه مظهر این نیست که شما زن‌ها همیشه باید کم‌هوش‌تر از مردها باشید. در فرهنگ ما معمولاً زن، مشاور مرد است. مشاور باید عاقل‌تر از خود فرد باشد، اما نباید به عاقل‌تر بودن خود تظاهر کند. مثل پادشاهان که در قدیم مشاور برای خود داشتند و مشاور همیشه عاقل‌تر از پادشاه بود، ما در عمل سعی می‌کرد پادشاه را بالاتر از خود جلوه دهد.

5- **با خریدن صاق بشید و احمد است وونی خود را بشناسید.** شاید شما هم از آن دسته خانم‌هایی باشید که همیشه یکی بایی سو تن بوده که مدام به شما گفته باید فداکاری و از خود گذشتگی داشته باشید و همیشه باید به شوهر و بچه این‌ها بندهید و از حق خود بگذرید و طوی که هر وقت بخواید بدق خود را بگردید، احساس گناه می‌کنید.



### ناتانیل براندون

"به اغلب ما از دوران کودکی آموخته‌اند که به علایم داده شده از جانب دیگران بیشتر توجه کنیم تا اعلامی که از درون خودمان می‌آید. ما را شوق کرده‌اند که نیازها و خواسته‌های خود را نادیده بگیریم و زندگی‌مان را بر اساس توقعات دیگران بنا کنیم."

اگر بخواید جنبه مثبتی باید خود را واقعی جلوه دهید، بجز دید که "من بدون اشتباه نیستم". آدم طبیعی دوست نداشتنی است. حتی ممکن است درد در صحبت کردن از خجالت سرخ شوید، اما هیچ اشکالی ندارد، بگذارید تا سرخ بشوید. این برای طبیعی یک احساس است که در همه ما وجود دارد. کسی که راحت احساسش را بروز می دهد و نظر دیگران را فدای طبیعی و دوست داشتنی جلوه می کند. حتی باعث می شود دیگران هم با شما راحت باشند.

### دوروتی بریگز

"وقتی احساسات خود را مخفی می دیم، ل خود را لگوآن بیگانه می شویم. نهایی ما که اونسبی است."

باید بیژوید که شما هم مثل تمام انسان های دیگر، حق دارید از چیزی خوشتان بیاید و یا از چیزی اجتناب کنید. شما هم گاهی احساس تنهایی می کنید، گاهی نیت به کمی خشمگن و عصبانی می شوید، گاهی دلخور می شوید و گاهی هم احساس گناه می کنید. اینها همه احساساتی طبیعی هستند که باید آنها را به بهترین وجه ابراز کنید. باید راه را برای بروز تمام این احساسات باز کنید، اکثر بیماری های جسمی و روحی از انباشته شدن همین احساسات مختلف بر روی هم و تبدیل شدنشان به نارضایتی ناشی از نارضایتی ناشی از افزایش افسردگی و اضطراب و این زن ها هستیم. اگر خانم ها، وقتی احساس دلنگی و یا افسردگی می کنند جلوی گریه کردن خود را می گیرند و سعی می کنند تا خود را نزد دیگران شاد و خوشحال جلوه دهند.

### یک نویسنده

"کسانی که بلد نیستند از ته دل گریه کنند، از ته دل خندیدن را نیز بلد نیستند."

جایی خشم خود را می گوید و این خشم را به سوی خودتان سوق می دهید، در مورد نگرانی و اضطرابتان با کسی صحبت نمی کنید و همیشه تمام احساسات منفی اندامی خود را نلود می کنید. در حالی که بروز دادن تمام این احساسات در جایی خود با روشی مناسب، باعث می شود تا با حالات انسانی خود بیشتر آشنا شویم و بتوانیم در ضمن کمک گرفتن از دیگران، ارتباطات خود را نیز وسعت بخشیم.

6- **با دیگران نه نصلقاته رفتن کنید.** به این مهم توجه داشته باشید که درست است همیشه، باید صادقانه حرف بزنید، اما صداقت همیشه باید با درایت همراه باشد، ما عادت داریم صداقت را با صراحت یکی بدانیم. صداقت در مرلیم معرّفه - یا اصطلاح خواستگاری - به معنی دروغ و راست نیست، بلکه به این معنی است که چه چیزی را باید بگویید و چه چیزی را نگویید. ما حق داریم بعضی چیزها را نگوییم اما اگر چیزی را گفتیم حق نداریم دروغ بگوییم. لازم نیست همه چیز در همان جلسه اول گفته شود. شما اگر یک عیب واضح و مهم دارید آن را نپوشانید بلکه زیاده بیل کنید، اما عیب های خود را - که شاید اصلاً عیب نباشد - لازم نیست در همان جلسه اول خواستگاری بیل کنید. خواستگاری نباید به لای جلسه محدود شود. وقتی مردی بهتر و بیشتر شما را شناخت و با خصایص شما آشنا شد بهتر هم می تواند پذیرای عیب شما باشد.

7- **لام نیت به طلاح زیاد از خود مایه بگذارید و حقوق خود را نادیده بگیرید.** اگر طرف مقابل رفتاری داشت که دوست داشتید اما حق درای با متانت و وقار حرف خود را بزنید و خود را دست کم نگیرید. هیچ گاه خود را دونه و نشانی ندهید، دروغ را بصورت محتمل این که او خود را از شما دور کند، زیاد خواهد شد. هیچ وقت از این که ممکن است او را از دست بدهید، نترسید. این ترس می تواند آن چنان شما را مسحور او کند و دیده عفتان را کور کند که اثر بدی روی رفتار ظاهری شما داشته باشد و همه چیز را به هم بریزد. کلاً در تمام لحظات - و از جمله هنگام خدحافظی - باید طوری رفتار و صحبت کنید که نشان دهید از طرفی برای

شخصیت او به عنوان يك انسان احترام قائلید و از طرفي هم داراي اعتماد به نفس هستيد و براي رفتار خود حد و حودي قائل مي بشويد. رفتار شما بايد در كنترل خودتان باشد. بايد هر وقت تصميم گرفتيد خداحافظي كنيد، نه اين كه آنقدر صحبت را طول بدهيد كه طرف خسته شود و يا اگر ضعفي در شماست، به آن پي برد.

8- در مورد راههاي انتخاب دوست و شي هياشه ناخنتن طرف مقبل، بيشتر بررسي كنيد تا اگر بعد از تمام انشاه ها به ورسيديد، روي ر ان تخب خود پديه نشويد. براي اين كه انتخاب درستي انجام دهيد بايد احساسات خود را كنترل كنيد.



#### آنا تول فرانس

"هرگز به احساساتي كه در اولين برخورد از كسي پيدا مي شود، نسجيده اعتماد نكنيد."

گرچه حساست خود بيش از اندازه فرصت بروز بدهيد باعث مي شود نتوانيد طرف مقابل را به خوبي بشناسيد و ندانسته از او قهرماني افسانه اي براي خود مي سازيد كه احساسات شما را جريحه دار مي كند.

نكته مهدي كه لازم ملت همهي نخوها به آن توجه كنند ان ملت كه "تا وقتي سر سفره عقد نشسته ايد، به كي مل نپنديد". ركه دل بيگي مي تواند در روز و زنگي شمة اثير بسيا مخري داشته بؤد. كم نسنند نختراني كه به خطر اين وابستگي شديد، حتي سر از بیمارستان در آورده اند. احساس شما هميشه بايد در كنترل شما باشد.

#### بيلي هالدي

"گاهي اوقات برنده شدن از باختن، بدتر است."

وابستگي داشتن، قدرت تفكر شما را محدود مي كند، طوري كه با هر بار ناكام شدن، تمام دنيا روي سرتان خراب مي شود؛ اما اگر وابسته نبشيد، توانيد د عتر فترا طرف مقابلي را بهتر درك كنيد و در رفتارتان، آرامش بيش تري نلنده بشويد. به جهن بد بن ن بلويد، شما خودتان را تغيير دهيد، مطمئن باشيد جهان هم خودش را براي شما تغيير خواهد داد و با او ان تغيير يا قن خوتل آنقدر صمم بشويد كه موانع را از سر راه موفقيت خود برداريد.

#### روزولت

"تا هنگامي كه در قلب خود احساس مي كني حق با توست، هرگز از حرف ديگران دلتنگ مباش."

سي در مورد ل لوج هم فعلا نه برخورد كويد، نه منفعلانه. شما مي توانيد انسان بسيار جالب تري باشيد طوري كه ديگران به شما غبطه بخورند.

## لزوم مشاوره ازدواج در رابطه با شغل همسر

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت چهاردهم )



در قسمت قبل به نقش شغل در تداوم زندگی زناشویی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ....

یکی از عواملی که مشاوران در رابطه با همسر گزینی باید مورد توجه قرار دهند، " شغل " است.

نخترل یا پیرل در انتخاب همسر به شغل طرف مقابل اهمیت می دهند و اطلاعات لازم را در این مورد به دست می آورند. هنگامی که پسر برای خواستگاری یا آشنایی با یک دختر به منظور ازدواج وارد عمل می شود ، نخستین چیزی که نختر در مورد او خواهد شد ، شغل او است . مهمترین کمکی که مشاور در مورد شغل همسر می تواند انجام دهد ، دادن اطلاعات لازم و مورد آن شغل و بررسی نگرش مراجع در رابطه با آن ، از جهت میزان درآمد مورد نظرش و ... می باشد.

نخترانی که به علت علاقه موط به یک شغل ممکن است تحت تأثیر آن ، سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نادیده بگیرند ، باید مورد مشاوره قرار گیرند.



و بسیاری از موارد شغل شوهر و عدم اطلاع کافی دختر ، موجب ازدواجی می شود که فرجام آن رضایت بخش نیست . و این موارد شغل باید در زمینه شغل مزبور به مرجعی که تحت تأثیر شغل مرد قرار گرفته و می خواهد با او ازدواج کند ، اطلاع کافی بدهد و به علاوه سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نیز ( به همان اندازه که شغل را مطرح می سازد ) مورد توجه قرار دهد تا مراجع با بصیرت تصمیم گیری نماید.

بسی از زنان مشاغلی که بسیار خطی درند ، مانند لیل ظامی ، زیویه و ای ، ویدایی ، روحی و ... خوشش می آید دوستانه نظر لیل مبدل به ازدواج می نمایند . و این موارد شغل باید آنرا را به سایر عوامل مؤثر در ازدواج توجه دهد تا تصمیم گیری عجولانه ننمایند.

در مورد نخی ازدواجی مشاور باید اهمیت عاملی را که در نظر مراجع به صورت غیر واقعی او را تحت تأثیر قرار داده است در حد واقعی پایش بیاورد و او را متوجه سن و خلاق و سایر عوامل مؤثر در ازدواج نماید تا عاقلانه تصمیم گیری کند.

بد اني هتندکه به طرف زنان شاغل مي روند و هدفشان از اين ازدواج حقوق و درآمد زن است که به زندگي آنان کمک کند. مشاوره يولي اين قبلي بودن به ايد هف و از يولي را تبين کند و عم توجه به ساير عوامل و عواقب آن را طرح نمايد؛ به نحوه اين موضوع اکه ممکن است زن درآمد خود را در اختيار خانواده قرار نهد با مراجع در ميان بگذارد. در موارد زيادي مراجع در تصميم خود تغيير مي دهد؛ ولي چنانچه مسئله درآمد زن به راي مهم بقد و زو لچ سرگيرد؛ احتمال زيادي وجود دارد که نظر مرد تأمين نگردد و ناشادي بر زندگي حاکم شود.

مردن بازناني که به خاطر موقعيت شغلي همسويا موقعيت شغلي پدر و همسر ، يا به خاطر رسيدن به هدف هاي شخصي و احدا سي خود ، اقدام به ازدواج مي کنند؛ زندگي را به خاطر هدف هاي غير واقعي باخته اند. از جمله اين موارد:

- بود يا زني که با يك فرد جانباز به خاطر مزايای مادي ، تحصيلي و يا اجتماعي او ازدواج مي کند و وقتي به هدفش رسيد ديگر همسرش براي او اعتباري ندارد.

- شخصي که به منظور استفاده از اعتبار شغلي و موقعيت اجتماعي پدر دختر با او ازدواج مي کند.

- مردی که به خاطر اشتغال براي گرفتن مجوز اقامت در يك کشور با يك زن خارجي ازدواج مي کند.

و اين قبلي مرد شور با بآنانرا با صاف هني ازدواج لثب و از زكي زتويي توجه دوبا بررسي هاي همه جانبه با مراجعان، هدف انتخابي آنان را در جهت صواب تغيير دهد.

- مرجعاني که لظهل هي دارند شفي شهر و اثيل مهم نيت؛ بلکه آنچه مهم سلت فرهنگ و اخلاق است. مشرلر بايد اين گونه مراجعان که به يك يا چند عامل مؤثر در ازدواج توجه دارند ، به اهميت ساير عوامل توجه دهد و آنان را با عواقب ناخوشايند نادیده گرفتن ساير عوامل مواجه سازد.



### خانواده هاي دو شغله

کما ني هستند دکه پس از ازدواج براي کسب درآمد بيشتر به بيش از يك شغل رو مي آورند. گاه ممکن است زن و مرد هودرالي نوتغل بنده چنان خايله هاشي رجة مول تلاي کند انطه خسته لد و فيت رسيگي به نيول هني همسرش را ت رند. شتقلال خلواده به بيش از يك شغل ، گاه به علت نياز است و گاه به علاقه به کلا يا حص به درآمد بيشتر. در صورت اول شايد علت موجه و براي رفاه خانواده قابل توجه بقد؛ ولي حالتوم به هيچ وجه شتغال ضرورت ندارد و موجب مي شود که زندگي خانواده حالت سرد و بي روح داشته باشد و چه بسا که به علل مختلف به ناسازگاري ها و ناهنجاري هاي ديگري نيز بيانجامد.



مشورن باید و این گونه وارد ، و اجتناب از امتیاز این نکته سؤد که تلاش بی نهایت هفتای  
زندگی را تک اشعاع قرار ندهد و اگر زحمت و کسب درآمد دویله بی و بی حصول به هدف های  
زندگی است.

## تأثیر شغل در تداوم يك زندگي

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت سیزدهم )



در قسمت قبل در مورد سن مناسب ازدواج صحبت کردیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

یکی از عواملی که در موفقیت یا ناکامی ازدواج نقش دارد نوع شغل است. بعضی وقتها می بینیم که  
همسرانی که از مردان میسر شده اند، در خانه کار می کنند. بعضی از مردان میسر شده اند که همسران خود را در خارج از  
خانه شغلی بشناسند و برخی قطعاتی به کار همسران و آموزش و پرورش و کار معلمی هستند. بنابراین نوع  
شغل در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مورد شغل شوهر آنچه مهم است تأمین نظر دختر است. در این زمینه موارد زیر قابل توجه است:

1- دخترانی هستند که به سطح شغلی اهمیت می دهند. از نظر آنان نوع شغل مهم نیست. آنها همیشه مهندس،  
نکتر، حقوق دان و مشاغل دیگر را پسندند که نظر و وجه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و گاه اظهار می  
دارند که مثلاً " لوله کشی هم شغل " ، این عده نجاری یا بنایی و یا سیم کشی و نظایر آن را که از نظر سطح  
درآمد ممکن است بسیار بالا هم باشد نمی پسندند.

2- برخی گویی از دختران سطح شغل مطرح نیست؛ آنان همسری می خواهند که امکانات رفاهی آنان را فراهم  
کند و درآمد بی ندرت باشد. بعضی نیز درآمد و سطح شغل برایشان مهم نیست ولی میسر شوهرشان شغلی  
داشته باشد که تمیز باشد همیشه اظهار می دارند که شوهر روغن مالیده یا پر از خاک و گچ نمی خواهند  
منظور تعمیر کار یا بنا و گچ کار است).



3- زنان شاغلی هم هستند که میسر شوهرشان در حوزه شغلی خود آنان کار کند.

به عنوان مثال اگر زن آموزگار باشد؛ میسر شوهرش دبیر یا استاد باشد یا اگر پرستار است ، شوهرش پزشک  
باشد. نکته قابل توجه این است که اکثر زنان میسر شوهرشان از نظر سطح شغلی پایین تر از آنان باشد.

4- بعضی از دختران تحت تأثیر برنده های هفتای تلویزیون و سینما ، شوهر هنرمند می خواهند. در این جا  
این نکته قابل ذکر است که این تمایل ممکن است تحت تأثیر عوامل احساسی موقتی باشد، لذا مشاوران در کمک به

انتخاب‌ها سو به‌ان گونه‌ی دقیق باید بررسی می‌شود و آنچه را که بخواهند و چنانچه رغبتی نداشته‌اند نخبه‌ها  
احتمالی داشته‌اند و بعد از آن متوجه علاقه واقعی او بنمایند. گاه ممکن است اجرای تست بتواند به این موضوع  
کمک کند. در این صورت با پیشنهاد و قبول مراجع می‌توان از آزمون نیز استفاده کرد.

5- و بلاخره بر این گروهی از دختران شغلی شوق برایشان مهم نیست و به سایر عوامل مؤثر در ازدواج از  
جمله مسائل فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی توجه بیشتری دارند.

با و نظر گرفتن مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در انتخاب شوهر در ارتباط با شغل موارد زیر باید مورد  
توجه قرار گیرد:

- نوع شغل؛
- محل شغل؛
- میزان درآمد؛
- سطح شغل.



### نگرش شوهر درباره شغل زن

بعضی از مردان با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مخالفت می‌کنند و به دنبال زنی هستند که فقط خانه دار  
بماند و بر این مسئله به قوی تاکید دارند که آن را جزء شواهد از او بخواهند. در مقابل مردانی نیز  
هستند که می‌خواهند همسر آنان شاغل باشد و نظر اصلیشان از این اشتغال کسب درآمد است که کمک هزینه خانه  
بماند. برخی هم کم درآمد و گرفتار حقوق و پیمان مهم نیست؛ هدف آنان از اشتغال همسر در خارج از خانه  
آن است که با جمع‌آوری مبلغی در آینده و اجتمعی تر باشد و از زن خانه دار به عنوان زن عقب افتاده و منزوی یاد  
می‌کنند.

نمونه و مورد فوق، بچوه دیگری از اشتغال نیز و بی زن مطرح است که به ذکر نمونه‌هایی مبادرت می  
شود:

- 1- مردانی هستند که می‌دانند هر انشغال قط در کل هی آمویی آن هر ربط بلختر لکا رکند مثل  
آموزگاری یا دبیری مدارس دخترانه.
  - 2- بر این گروهی از مردان نوع کار همسرشان مهم نیست؛ ولی تمایل دارند که همسرشان در کارهای نیمه وقت  
شاغل باشد که به کار خانه نیز برسد.
  - 3- بعضی از مردان میلند همسرشان در محیط کار خود آنان شاغل باشد. مثلاً اگر خودش پزشک است همسرش  
پرستار یا ماما باشد.
  - 4- بعضی از مردان زنی را می‌خواهند که علاوه بر خانه داری در خانه، در محلی نزدیک خانه به کار دیگری  
نظیر خیاطی یا آرایشگری اشتغال داشته باشد.
- با توجه به مطلب بالا می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مرد در مورد اشتغال زن در ازدواج باید مورد توجه قرار  
گیرد و شغل او از زمینه‌ها و پیوسته و زمل انتخاب، آگاهی و پیش لازم را بدهند و وضعی پیش  
نیاید که این مسئله مهم در زمان گزینش همسر تحت تأثیر عوامل دیگر نادیده گرفته شود.

## نقش عوامل جسماني و ژنتيكي در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت پانزدهم )



در قسمت قبل به لزوم مشاوره قبل از ازدواج در مورد شغل همسر پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

یکی از عواملی که در ازدواج نقش مهمی دارد، قیافه ظاهری و وضع جسمانی همسر می باشد. بعضی از قد بلند و اندام بزرگ خوششان می آید، عده ای چاق می پسندند و بالاخره بعضی از ابروی پیوسته و بینی کشیده و برخی از بی مچ و چشم لبی و صورت گرد و دهانی چتره بولایو اندام موزون می پسندند. با این که زیبایی ظاهری ممکن است دوام نداشته بلند و به زودی جایی خود را به قیافه و وضع جدیدی بدهد؛ معذالک فردی که می خواهد با کسی یک عمر زندگی کند، باید از قیافه او خوشش بیاید. علاوه بر این، مسئله ژنتیک از نظر داشتن فرزندان سالم و بهوش از اهمیت زیادی برخوردار است. بعضی از مردان کوتاه قد زن بلند قد می گیرند که بچه های آن قدر تاه شوند و همگی آنقدر بزرگ و مستعدند که احتمال تولد بچه های معلول و نندالمو یا کورن و عقب منده ذهنی در آنها زیادتیر است، مسئله ای است که باید مورد توجه قرار گیرد.

### ازدواج و رابطه آن با قیافه ظاهری

یکی از عواملی که پدر و دختر بدان توجه می کنند، قیافه ظاهر و سلامت جسمانی است. بعضی از پسران که خود قیافه تندیابی دارند توجه خاص به دختران زیبا دارند؛ عکس این حالت نیز ممکن است اتفاق بیفتد. البته زیبایی و ژنتیکی قراردادی است و از دیدگاه های مختلف فرق می کند؛ ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مد مطرح می شود؛ مثلاً ممکن است مدت زمانی تمام بلند و باریک برای دختران و قد بلند و چهارشانه برای مردان مد روز شود و زمینی دیگر که مویز و اندام چاق و پهلوان و قد بلند و اندام بزرگ برپیسران. بنابراین زیبایی و پرو مد می گردد و صورتی که قبلاً مطلوب بیفتی پیدا می کند. مسئله زیبایی، خود جثه مفصلی دارد که در این مقوله نمی گنجد. به هر حال در ازدواج دیدگاه طرفین در پذیرش و اقتناع یکدیگر از لحاظ وضعیت جسمانی مهم است.

بعضی دیگر سلامت جسم (از نظر بیماری و معلولیت) است. ممکن است مرد یا زنی معلول (مثلاً لنگ، کر، کور، بی دست) باشد یا به بیماری های قلبی، کمردرد و غیره مبتلا باشد. در این موارد ممکن است ازدواج با همدیگر با وضع شدیده مشکلی ایجاد نکند؛ ولی چنانچه فرد سالمی خواهد با فرد معلول یا بیمار ازدواج

کند. باید وضعیت بیول با تم خصوصیت و بی طرف مقابل بازگو شود، تا قبول ازدواج با آگاهی و بصیرت کامل انجام گیرد. در غیر این صورت پس از مدتی احتمال سرد شدن روابط و بالاخره از هم گسیختن خانواده می رود.



#### نمونه هایی از ازدواج های ناموفق در این زمینه ذکر می شود:

- بعضی از دختران و پسران شیفته وضعیت ظاهر طرف مقابل می شوند و سایر عوامل را نادیده می گیرند. این حالت نیز می تواند از مدتی که عوالم دیگر مانند خود را نشان می دهند و عمل زیبایی در مرحله بعد قرار می گیرد، خوشی و شطرا از خانواده می گود و چه بد آنکه زندگی گرم و پر شور اولیه به سردی گراید. خطر دیگری که در مورد تکیه بر زیبایی وجود دارد آن است که زیبایی جنبه ثابت و دائمی ندارد؛ و می تواند در اثر یک حادثه و یا در طول زمان یا بر اثر وجود یک بیماری از بین برود و به زندگی شاد ناشویی آسیب برساند.

مشکل دیگری که در زندگی وجود دارد آن است که آنان ممکن است به اتکاء جمال خود، از خود راضی و خویشتندار آیند و چه بسا فرصت هلیه ناسی را که در آن نوج برپا می آید از دست بدهند و یا در زندگی ناتوانی زیبایی خود را به رخ همسر خویش بکشند و احياناً او را تحقیر کنند و خود را در مرتبه بالاتری قرار دهند. این حالت ممکن است برای شوهر زجر آور باشد و زندگی را به سردی و ناشادی سوق دهد.

#### مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل جسمانی و ژنتیکی

واجبی که در زمینه و جسمانی و ژنتیکی به مشاور می دهد، نمی تواند مسائل زیر را مطرح می کند:

- می باقیافه معمولی دختری بسیار زیبا را برای ازدواج در نظر می گیرد، و دختر نیز با این وصلت موافق است. آیا این ازدواج پایا و عاقبت بخیر خواهد بود؟
- مری قد بلند، زنی کوتاه قد انتخاب می کند؛ به این امید که بچه هایش متوسط القامه شوند. آیا این انتخاب با این هدف مناسب است؟
- دختری قد بلند، پسری کوتاه قد را برای ازدواج انتخاب می کند؛ تا او در برابرش احساس حقارت کند و دختر در خانه، تعیین کننده باشد.
- پسری چاق و جسور را با دختری باریک اندام و ظریف تا به آرزوی خود (لاغری) در همسرش نایل گردد.
- پسر با دختری که با پسرخاله به این اعتقاد که عقد فامیل های نزدیک در عرش بسته می شود، قصد ازدواج دارند. از نظر ژنتیک چه مشکلی وجود دارد؟
- دختر یا پسری که از نظر ارثی مرض قند دارد، قصد ازدواج دارند. آیا چنین انتخابی مناسب است؟



### مشاور در مقابل موارد فوق چه باید بکند؟

هر یک از این موارد نیاز به بررسی دارد؛ بررسی از نظر شرایط و مقتضیات و از نظر خصوصیات فردی. از آن رو می توان برای همه آنها حکم واحد صادر کرد. حکم عمومی درباره مشکلات انسانی نظیر پزشکی است که بهیچ وجه زیادی داشت؛ آنها را دسته بندی کرد؛ به همه تب دارها، یک نسخه و به شکم دردها نسخه دیگری داد و خلاصه آن که همه بیماران را با پنج نسخه ویزیت کرد!

در برابر هر یک از موارد مطروحه بالا باید به طور ویژه عمل نمود:

- مری که در قبال زیبایی بی حد زن آینده اش حساسیت دارد و چنین فکر می کند که این ازدواج به علت امتیاز زیبای همسرش پلای و عاقبت به خیر خواهد بود: باید موضوع از جهات مختلف بررسی و با موارد موفق مشابه مقایسه شود تا در مراجع این حساسیت از بین برود و بتواند عاقلانه تصمیم بگیرد.

- راجع به مردی قد بلند که زن کوتله قد اندک ب کرده تا بچه هایشان متوسط القامه باشند: باید از او سوال کرد که علم و اطلاع و زمینه این موضوع را از چه منبعی دریافت نموده است. وانگهی آیا هدف ازدواج، داشتن بچه متوسط القامه است؟

- نخواستن بلنی که بعد از ازدواج با همسر خود به خطر تسلط بر او ازدواج کند. آیا هدفش حاصل خواهد شد و اصولاً غرض از ازدواج "تسلط بر شوهر" است؟

شور باید این موارد را با مشارک و اجعتن ر جهت خدمت و بی کد تا آنها بتوانند با آگاهی، تصمیم بگیرند.

- در و او به چاقی که می خواهد با دختری باریک اندام به خاطر ارضای آرزوهای خود ازدواج کند: مشاور باید با مراجع موضوع را رزبلی کند و بگوید رضایت این رزوجه چه برای او دارد. و انگهی این هل چنانچه با رعایت جوانب دیگر انجام نشود، ممکن است زندگی وی را به تباهی بکشاند.

- زوجه پسرمو با دخترعمو و دخترخاله با پسرخاله به علل ژنتیکی بهتر است انجام نگیرد ولی چنانچه عشق و عشقی اخلاقی در راضوی سرد، باید قلی ر زوجه با مراجعه به یک متخصص، مشاوره ژنتیکی صورت گیرد و سپس مراجع تصمیم خود را بگیرد.

- فرزند دختر یا پسر که وضعی لته یا بیماری ژنتی دارد: اولاً مشاور باید ببیند آیا بیماری او خطرناک است؟ ثلیاً این بیماری به بچه ها نیز منتقل می شود یا خیر؟ به هر حال بهتر است در مورد ازدواج چنین دختر و پسر بررسی پزشکی و تحقیق ک لازم انجام گیرد. چنانچه بیماری برای خود فرد خطری نداشته و قابل انتقال به بچه ها نباشد؛ از نظر ازدواج مشکلی وجود نخواهد داشت.

- نظر به آن که قیقه ظاهری عاملی عینی لته و زیبایی جالبه بسیاری برای ازدواج دارد، بنابراین احتمال دارد که بهیچ وجه با دختری با عشق و علاقه افراطی، دیگر عوامل مؤثر در ازدواج را کنار بگذارند و تنها با توجه به زیبایی بهوی ز نلوی کشید شوند. و اینها در وظیفه مشاور لته که با شکی جاسلم مشاوره و بررسی هلی همه جا نیه و مولج کرنولج با ازو لجه هلی مشابه ناموفق، شوق و واھی وی را تعدیل

نماید. چشم واقع بین بر لبی دین و امل مختلف مؤثر در زندگی، فعل نمایی تا تصمیم گیر ی و انتخاب همسر، عاقلانه و با توجه به جهات مختلف انجام گیرد.

ملک کلام آنکه مدور باید هر در را با شدت مراجع از جمیع جهت بررسی کند، با موارد دیگر مقایسه کند و نتایج کل را در اول قدم یعنی فی فی نماید. تا بلاخره مراجع با کسب اطلاع و تفکر و بصیرت به تصمیم گیری مناسب نائل گردد.

## تغییر دادن شخصیت همسر پس از ازدواج



اغلب به دختران و پسری آموزش داده می شود که پس از ازدواج شخصیت او را آن طور که می خواهی تغییر دهی. باید به این عده گفت شاید همسر شما دچار یک نوع ضعف اخلاقی باشد که پس از [ازدواج](#) با دگرگونی او به زندگی خانوادگی بتوانید نارضایتی را برطرف کنید. اما محللت بتوانید شخصیت فردی که نافرمانی است تغییر دهید. زواج همسر نارضایتی شما را برطرف نمی کند و اندر زواج در فرم دادن به شخصیت او هیچ اساسی ندارند. پس چطور می توانید شخصیت او را تغییر دهید؟ تمام خاطرات ذهنی خود را که در طول زندگی او داشته اید از خود دور کنید و از او شخص دیگری آنطور که شما مایلید بسازید.



ادبته ملاحظه که و ابتدا نکر شد گاهی بعضی از اخلاق و رفتارهای غلط آدمی بر اثر عدم آگاهی است که اگر نسبت به آن مسائل گاهی و شناسایی پیدا کردید یگر آن رفتارها را غلط نگویید. ضمناً فرد وقتی قادر است چنین تغییری در خود دهد که نیاز به تغییر را احساس کرده باشد. پس نباید فراموش کرد که باید کسی را برلیز ننگی انتخاب کرد که دور از عیوب اجتماعی و تیپ ظاهر، از نظر عقیدتی اشتراک زیادی با شما داشته باشد.

## مواردی که طی مراسم عروسی باید در نظر گرفته شود

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هفتم )



در قسمت قبل به بررسی برخی مراحل قبل از عروسی پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

سپس از تصمیم گیری و ثبت عروسی، چنانچه جشنی برپا شده و دوستان و آشنایان دعوت شده باشند دیگر جشن عقد ضرورت ندارد. اولین صورت دختر و پسر با تمهید مقدمات به سفر می روند و به اصطلاح ماه عسل می گویند و به خله بخت برمی گردند. اما اگر مراسم عقد بدون جشن یا به طور مختصر برگزار شده باشد، معمولاً جشنی برای اطلاع دوستان و آشنایان برپا می شود و زن و شوهر به خانه بخت می روند. نکته قبل توجه را اینجا، آن است که مراسم عروسی باید ساده و کم هزینه با شرکت اقوام و خویشاوندان و دوستان و طب انجام شود. مهیه های سنگین، ثویفک، پهرینه و جیزیه های پر بها موانع مهمی در راه ازدواج است و گاهی موجب می شود که زن و مرد به هتک هزینه های انجام شده با کوله باری از قرض و قسط به خانه بخت بروند و پس از چند روز ناسازگاری های ناشی از مشکلات مالی آغاز می شود.

مورد مختلفی بود و دکمه پیل مله ولیه ازدواج، گری زندگی نشو به سید میگراید و نلساز گئی بروز می کند. در این موارد مراجعه به مشاور خانواده می تواند کارساز باشد. نکته مهمی که در این زمینه باید مرد توجه و ل گیرد، آن است که بسیاری از مشکلات قابل حل است و بیشتر اختلافات، سطحی و نهی ل پیوند و شخصیت فلت است که به تدریج باید خود را با شرایط جدید هماهنگ سازند؛ ولی چنانچه مشکلات حاد و غیر قابل حلی در زندگی زناشویی پیدا شود، قبل از آن که با گذشت زمان و تولد فرزند راه جدایی مشکل گردد؛ باید چاره اندیشی شود. چاره حل مشکلات زناشویی متفاوت است و تنها زمانی که به بن بست برسد گره گد اطلاق و جدایی است؛ این امر زمانی تجویز می شود که شرایط زندگی زناشویی با شرایط طلاق مقایسه و چم اندل آینده ن بررسی شود. چنانچه نتیجه حاصل طلاق و جدایی را چاره ساز دانست، این عمل هر چه سریع تر باید انجام گیرد.



### نقش مشاور در رابطه با جهیزیه و تشریفات عقد و عروسی

مذله جهیزیه و هزینه هلی سنگن عقد و عروسی و پاره ای از موارد مانع بزرگی برای انجام ازدواج است. چنانچه مشاور به جایی برسد که کلیه عوامل برای ازدواج مساعد است ولی تهیه جهیزیه و انجام مراسم عقد و عروسی و ابروف و عقیقه ختنه پوم و سو نیت ، مشاور باید در این مورد با تشکیل جلسات مشاوره با شرکت ختنه و پیر و در مراحل بعد با شرکت آنها و خویشاوندان نزدیک، طرفین را برای تهیه وسایل مختصر زنجیر و نگار و گزای و سله و کم هزینه ای در پی عقد و عروسی آماده نماید تا از دیدگی مشکوک آنها با امکان نیت ختنه و با اشیا و وصفی کافی شروع شود؛ سپس برای تهیه تدریجی وسایل لازم، اقدامات لازم به عمل آید.



### توصیه به دختران و خانواده ها

ازدواج سودی عروست و اقامت سر نوشت ساز. نه تون با فلسفه " هیچ بقی آید خوش آید"، عمر را بخت. تلم برحالی که و بی رواج تعیین شده باید با کمال دقت طی شود. مرحله بررسی و شناخت، برای اندک از اهمیت خطی برخوردار است. و این مرحله باید از روش های مستقیم و غیرمستقیم استفاده شود و زمانی کافی برای آشنایی با دوستان و آشنایان دو طرف و تماس های مستقیم با فرد مورد نظر در اختیار باشد. باید زمینه های اجتماعی، سطح تحصیلات، مسائل اقتصادی، سن، شغل، عوامل جسمانی و از همه مهمتر عوامل اخلاقی، روانی و فرهنگی در دو خانواده از دوستان و اقوام و بستگان دختر و پسر بررسی شود، و در صورت هماهنگی، و احاطه به چیزها و جمعیتی عقد و عروسی انجام گیرد. انتخاب از راه و یا نداشتن از سر نوشت زندگی را به دست شانس و اقبال می سپارد و احتمال یک ازدواج موفق را کاهش می دهد.





## مشاوره در رابطه با مراحل ازدواج

برای آن جام ز نوح و طی مولی آن و در نه لت صمیم گوی م نلب ، مشورن می و نند به مراجعان خود کمک های مؤثری بنمایند. از جمله مواردی که مشاوران در این زمینه اقدام می کنند، به شرح زیر است:

1- مشاوران روابط با انتخاب هسر باید کدام دایه مراحل ازدواج را توصیه نمایند. زیرا احتمال دقیق ازدواج های شتابزده کمتر است.

2- مهترن مرحله ازدواج ، " مطالعه و بی انتخاب " است. و این مرحله مشاوران باید مراجعان خود را در زمینه شناخت خود و همسر آینده کمک کنند و به آنان تفهیم نمایند که برای شناخت همسر از ابعاد مختلف و از کلیه امکانات استفاده نمایند.

3- یکی از مواردی که شخصی ممکن است به انتخاب مناسب نرسد؛ نگرش یک بعدی است. منظور حالتی است که دختر یا پسر نتواند تأثیر جنبه مثبت و منفی به انتخاب پیردا زد و مسا و ابعاد را نادیده بگیرد. در این موارد مشاور باید توجه مراجع خود را به کلیه عوامل جلب نماید و او را در بررسی های لازم کمک کند.

4- یکی از مراجعان در محدوده شناخت فقط به روش های غیر مستقیم گفتا می کنند و در مرحله روش های مستقیم به علت اعتقادات خاص مذهبی یا حجب و حیای شخصی متوقف می شوند و براساس اطلاعات به دست آمده از روش های غیر مستقیم تصمیم گیری می نمایند. چون روش های غیر مستقیم برای شناخت همسر کفایت نمی کند. بنابراین مشاوران باید مراجعان خود را برای مطالعات مستقیم توجیه و ترغیب نمایند.

5- نظر به این که علاوه بر همسر، پدر و مادر و خویشاوندان نیز در زندگی زوجین نقش مهمی به عهده دارند ، بنابراین مشاوران باید در طالع مراحت عقل ز نوح موجع خود را به مغف با پدر و مادر و خویشاوندان همسر آینده خود ( برای شناسایی در حد روابط بعدی آنان ) ترغیب نمایند.

6- مشاوران باید مراجعان نذ خود را به این نکته توجه دهند که پس از قبول خواستگاری ، کلیه مراحل و شرایط بعدی از نوح را به صورت ساده و کم هزینه برگزار نمایند و وضعی پیش نیاورند که بلافاصله پس از خویله نگاری ، عولانه و به سادگی به خانه شوهر بروند. این وضع قدر و ارزش آنان را در نظر شوهر کاهش خواهد داد.

7- ووالی و لایه نوح و قلی از چه دل نین ، چ نچه لمس شد شرایط ادامه زندگی سخت است و سؤاگی و تفاهم بود نذارد و آینه نذ مشدک به بن بست می رسد، مشاوران می توانند با بررسی های لازم و اجعت خود را قبل از ایجاد معضلات بعدی برای جدایی آماده نمایند. البته باید توجه داشته باشند که طلاق و یخواتاده های که با مسائل مختلف ساخته و بچه دار شده اند، بسیار مشکل و دردناک است. بدیهی است چون به اطلاق پردلت بهیگی افرا می طلبد، بنابراین تجویز آن زمانی انجام خواهد گرفت که هیچ راه گریزی در بن بست زندگی وجود نداشته باشد.

## فرایند ازدواج و مراحل آن

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت شانزدهم )



در قسمت قبل به لزوم مشاوره در مورد عوامل ژنتیکی و جسمانی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در فرایند ازدواج مراحل وجود دارد که اگر به درستی انجام گیرد، تداوم و استحکام زناشویی را در پی خواهد داشت. این مراحل عبارت اند از:

- بررسی برای انتخاب همسر

- برگزاری مراسم عقد

- انجام مراسم عروسی

### **الف: بررسی برای انتخاب همسر**

در ایران رسم بر آن است که پیشنهاد ازدواج از سوی مرد انجام می شود. بعضی بر این باورند که این پدیده امتیازی برای مردان است و زن در انتخاب نقشی ندارد؛ در حالی که زن می تواند پیشنهاد را قبول یا رد کند. بنابراین پیشنهاد دادن تنها پنجاه درصد مسئله است ، قبول یا رد آن توسط دختر در واقع تعیین کننده 50% بعدی است. حال که پیشنهاد از سوی مرد انجام می گیرد، آیا این کار باید بدون مطالعه و صرف وقت و به صورت آزمایش و خطا انجام شود ؟ برخی از مردان معتقدند که "تیری به تاریکی بزیم ممکن است به هدف بخورد". در نتیجه بدون در نظر گرفتن شرایط خود ، از دختر به طور مستقیم یا غیر مستقیم خواستگاری می کنند. اما چنین ازدواج هایی فرجام خوشایندی در پی ندارد، بلکه مرد دچار مصیبت و شکایت شده و به جای زن ، بازداشتگاه و زندان نصیبش می شود. **انتخاب بدون مطالعه ، سپردن زمام زندگی به دست نصادف ، شانس و اقبال کار عاقلانه نیست.** بنابراین برای انتخاب همسر باید قبلاً بررسی های لازم انجام گیرد.

### **روش های مطالعه برای انتخاب همسر**

روش ها و شیوه های مختلفی برای مطالعه و شناخت برای انتخاب همسر مناسب وجود دارد که می توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد:

### **روش های غیر مستقیم**

در ابتدا براي شناخت فرد مورد نظر بايد از افراڊي كه با وي در تماس هستنڊ اطلاعات لازم كسب شود. منافع كسب اطلاع در روش غير مستقيم عبارت اند از:

1- همسايگان؛

2- خويشاوندان و دوستان خانواده؛

3- همكاران پدر، مادر و ساير فاميل؛

4- محل تحصيل و شغل؛

5- همكلاسي ها و ديگر كساني كه با فرد مورد نظر سروكار دارند.

حال سؤال اين است كه فرد مورد مطالعه را چگونه بايد پيدا كرد؟

معمولاً كسي كه مي خواهد ازدواج كند، در اطراف و جوانب به تفحص و تجسس مي پردازد و درباره ي خانواده ها و دختران زيادي كه در دانشگاه ، محل كار، معاشرت ها و مجامع آشنا شده ، بررسي مي كند. او در اين بررسي ها افراڊي را مناسب تشخيص مي دهد و براي تكميل اطلاعات خود اقدام مي كند. از آن جا كه اين اقدامات اوليه براي تأييد يا رد دختر مورد نظر او مي باشد؛ و ممكن است به قطعيت نياچامد لذا تمام بررسي ها بايد غير مستقيم انجام گيرد.

براي انتخاب ، مرد بايد اطلاعات لازم را در زمينه هاي اجتماعي، فرهنگي، تحصيلات، وضعيت مالي، اخلاق، سن و شغل دختر كسب شود و از نظر تطبيق وضعيت با شرايط خودش بررسي هاي كافي به عمل آورد. اين بررسي ها علاوه بر دختر بايد در مورد خانواده، فاميل و خويشان و دوستان وي نيز انجام گيرد.

### روش هاي مستقيم



نظر به اهميتي كه دين مقدس اسلام براي شناخت قبل از ازدواج فائل است، بررسي هاي مستقيم زن و مرد را در صورتي كه قصد ازدواج داشته باشند، مجاز دانسته است. بنابر اين ابتدا به ذكر احاديث و فتاوي كه در اين مورد بيان گرديده مي پردازيم:

اذا القي الله في قلب امر خطبة امرأة فلا باس ان ينظر

"وقتي خداوند خواستگاري زني را به دل كسي انداخته باشد، مانعي نيست كه او را بنگرد". پیامبر اکرم (ص) ( نهج الفصاحه، حديث 185)

حسن سرّی گوید از حضرت صادق (ع) پرسیدم، مرد جایز است قبل از ازدواج زن را به دقت ببیند، پشت سر و صورتش را نگاه کند؟ " فرمود آری مانعی ندارد که زن مورد نظر را از پشت سر یا جلو رو ببیند."

باز مردی از آن بزرگوار سؤال کرد: " جایز است مرد موی سر و زیبایی های زنی را که می خواهد بگیرد، ببیند؟ حضرت فرمود: اگر منظور لذت بردن نباشد، اشکال ندارد و در خبر دیگری سؤال می کنند جایز است زن بایستد تا مرد او را ببیند؟ می فرماید: آری، بلکه لباس نازک پوشیدن در آن موقع هم مانعی ندارد. "

مرحوم صاحب جواهر از علمای بزرگ شیعه می فرمایند:

" کسی که اراده تزویج نموده ، می تواند به صورت ، و دست ها ، موی سر و محل زینت زن نگاه کند؛ با توجه به مطالب فوق، مطالعه حضوری از نظر دیدن و کسب اطلاعات قبل از ازدواج اگر هدف ازدواج باشد نه کسب لذت، بلامانع است. چنانچه پس از بررسی های لازم با هدف ازدواج، مرد به جایی رسید که دختر مورد مطالعه اش مناسب نیست؛ در آن موقع می تواند مطالعه روی فرد دیگری انجام دهد. اگر دختر مناسب تشخیص داده شد، اقدامات بعدی برای قبول پیشنهاد از طرف دختر و خانواده وی، انجام می گیرد. بنابراین پس از آن که پسر در انتخاب مصمم شد ، موضوع به اطلاع خانواده دختر می رسد. پس از آن، تحقیقات دختر و خانواده وی برای شناخت پسر شروع می شود. و همان مرحله را که پسر طی کرده ، توسط خانواده دختر انجام می گیرد. نتیجه بررسی ها به خانواده پسر اعلام و در صورت پذیرش پیشنهاد ، خواستگاری انجام می شود. برای انجام این امر معمولاً افرادی مجرب و محترم از سوی خانواده پسر و به طریق اولی پدر و مادر با اطلاع قبلی برای طرح موضوع با خانواده دختر تماس می گیرند و جلسه ای تحت عنوان " بله برون" در خانه دختر منعقد می گردد. در این جلسه از سوی پدر و مادر یا بزرگان فامیل پسر، موضوع خواستگاری از دختر مطرح می گردد و پس از قبول، قرار مراسم عقد و نامزدی گذاشته می شود. از این زمان به بعد و قبل از مراسم عقد معاشرت های خانواده دو طرف و نیز دختر و پسر کم و بیش وجود دارد؛ ولی این وضع چندان به طول نمی کشد و مراسم عقد برگزار می گردد.

### **ب: برگزاری مراسم عقد**

مراسم عقد و نامزدی با جشن مختصری با شرکت خویشاوندان نزدیک دو طرف انجام می گیرد. در این مراسم صیغه شرعی عقد جاری می شود و از این تاریخ دختر و پسر محرم ، و شرعاً زن و شوهرند؛ ولی برابرعرف ، زمان رسمی زناشویی پس از مراسم عروسی آغاز می شود. ( معمولاً در زمان عقد ، تاریخ عروسی مشخص می شود).  
مراسم عقد باید بدون تشریفات و با حداقل هزینه انجام گیرد. برگزاری مراسم عقد به معنای کامل ازدواج نیست.

### **هدف از دوره عقد عبارت است از:**

1- آشنایی کامل دختر و پسر و ارزیابی نتایج و بررسی های مرحله اول ازدواج.

2- تصمیم‌گیری نهایی براساس نتایج ارزیابی شده جهت برگزاری مراسم عروسی.

### برنامه های دوران عقد

دوره عقد نباید آنقدر کوتاه باشد که شناسایی لازم میسر نگردد و نه خیلی طولانی شود که در صورت تشخیص عدم مناسب بودن پیوند زناشویی، قطع آن، ضایعات بیشتری داشته باشد. دوره عقد سه ماه تا یک سال پیشنهاد می‌شود و به منظور تکمیل اطلاعات قبل از ازدواج انجام می‌گیرد.

### برنامه هایی که در دوره عقد باید انجام گیرد، در دو زمینه است:



1- معاشرت دختر و پسر در حدی که سنت ایرانی ایجاب می‌کند (در این دوره رابطه زناشویی به معنای زمان عروسی وجود نخواهد داشت).

2- معاشرت با خانواده و خویشاوندان طرفین به منظور شناخت بیشتر و تکمیل اطلاعات زمان قبل از عقد.

**هدف از معاشرت دختر و پسر شناخت طرفین از جهات مختلف می‌باشد. در این دوره همسران باید یکدیگر را ارزیابی نمایند و در نظر داشته باشند که آنان باید یک عمر با هم زندگی کنند و ضمن سرنوشت مشترک، دارای فرزند شوند.**

معمولاً شناخت در دو بُعد انجام می‌گیرد: بعد عینی و بعد ذهنی؛ مطالعه عینی نظیر طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن، مسائل اقتصادی و نظایر آن در دوره بررسی‌های اولیه انجام گرفته و تکمیل آن مشکلی در بر ندارد. هدف اصلی معاشرت در دوره عقد، شناخت ابعاد اخلاقی و روانی است که ضمن معاشرت توسط طرفین از جهات مختلف ارزیابی گردد.

هدف از معاشرت با خویشاوندان آن است که طرفین با فرهنگ و اخلاق فامیل هم آشنا گردند. خویشاوندان بخصوص اقوام درجه یک و دو در زندگی به علت معاشرت و دید و بازدیدها نقش مهمی دارند. بنابراین در دوره عقد، طرفین دید و بازدیدهایی با اقوام و خویشان خود صورت می‌دهند تا از این جهت بخشی از مسائلی که با زندگی آنان ارتباط دارد، ارزیابی گردد و نتایج حاصل در تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد.

### تصمیم‌گیری نهایی

پس از گذراندن دوران عقد زمان تصمیم‌گیری نهایی فرا می‌رسد. چنانچه مشکل اساسی در سازش و هماهنگی در این دوران به وجود نیاید، به مبارکی و میمنت، عروسی انجام می‌شود و زندگی شیرین زناشویی آغاز می‌گردد. اما اگر بررسی در مرحله اول ازدواج به درستی انجام نشده باشد؛ و در طول دوران عقد با مطالعه تکمیلی،

طرفین به جایی برسند که مشکلات اصلی لاینحلی وجود دارد و ازدواج مناسبی نیست؛ برگشت از نیمه راه به نفع آنها خواهد بود. مسائلی وجود دارد که پس از مدتی حل می شود؛ اما برخی از آنها مانند اعتیاد، انحرافات جنسی، و ناهنجاری های روانی به سادگی قابل حل نیست. در این گونه موارد به تمام دختران و پسران توصیه می شود که شرایط عقد را طوری قرار دهند که قبل از عروسی امکان به هم زدن عقد از هر دو طرف وجود داشته باشد. بدیهی است تا جایی که امکان سازش یا اصلاح باشد؛ به هم زدن عقد مفید فایده نخواهد بود. زیرا دختر و پسری که چند ماه باهم معاشرت و رفت و آمد داشته اند در صورت به هم زدن عقد از اعتبار و ارزش آنان ( به ویژه دختر) کاسته می شود.

### در اینجا چند نکته مهم قابل تذکر است:

1- با همه تجدد و غرب گرایی در برخی از خانواده ها، هنوز هم بسیاری از مردان ایرانی، زنانی را می پسندند که جلف و فرنگی مآب نباشند و پوشش و حجاب خود را رعایت کنند. این اظهار به وسیله اکثر مردان به زبان می آید که زن خوب آن است که او را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

2- بررسی و تحقیق در دوران قبل از عقد باید چنان کامل و با دقت انجام گیرد که احتمال به هم خوردن به حداقل برسد؛ زیرا دختری که مدتی با مردی معاشرت داشته است در ازدواج بعدی شانس یافتن همسر مناسب تر برای او کم می شود. به علاوه خود این موضوع هم برای پسر و هم برای دختر یک شکست محسوب می شود و در موقعیت های بعدی آنان اثر منفی می گذارد.

3- جدایی زمانی مجاز است که مشکلات موجود به هیچ وجه قابل اصلاح نباشد و گرنه طلاق عوارض شکننده ای نظیر احساس شکست، تأسف، عصبانیت و ناراحتی های روحی و مشکلات اجتماعی و مالی به دنبال دارد که گاه با همه دردها و ناراحتی ها، ادامه زندگی زناشویی را توجیه می نماید.

4- دختران باید توجه داشته باشند که رفتار و حرکات آنان در روزهای اولیه آشنایی و زمان عقد در اعماق روح همسر آینده آنان اثر می گذارد؛ و با توجه به این که هرگونه حرکت جلف یا لباس نامتناسب رشته ای از ریسمان غیرت مرد را پاره می کند، باید نسبت به اعمال و رفتار خود دقت لازم به خرج دهند و در نظر داشته باشند که با وجود تأثیر فرهنگ غرب در مردان ما، هنوز هم غیرت و حفظ ناموس در زوایای ذهن آنان وجود دارد. مرد ایرانی حتی اگر سالها در غرب زندگی کند زنهای بی بند و بار آنجا را نمی پسندد. اکثر آنها برای ازدواج به ایران رو می آورند و با این که ممکن است در کشور بیگانه زندگی کنند، ولی همسر خود را ایرانی ( که پابند به مسائل ناموسی باشد ) انتخاب می کنند.

### يك همسر مناسب چه خصوصياتي دارد؟

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت نوزدهم )



در قسمت قبل به هدف هاي انحرافي ازدواج پرداختيم. اينك در ادامه مي خوانيم ...

### راهنمايي و مشاوره براي انتخاب همسر مناسب

و لي آن كه معياري هاي مناسبتي براي انتخاب همسر در دست باشد، به پاره اي از ويژگي هاي يك همسر شايسته اشاره مي شود:

### خصوصيات شوهر شايسته

**1- دينت و تقوي :** شوهري كه متدين و با تقوي باشد، حقوق همسرش را حفظ مي كند و هيچ گاه در پي هسه هلي نلمشروع نعت، به او احترام مي گذارد و از هرگونه ستم احتراز ( دوري ) مي كند.

لملم بقر(ع) مي فرمايند: " شايد تكي دلماد در تقوا و ديانت و امانت او نهفته است؛ هر كس واجد اين شرايط باشد درخواست وي را بپذيريد."

**2- حسن خلق:** يكي از ويژگي هاي شوهر شايسته آن است كه از نظر اخلاقي مهربان، خوشرو و نسبت به همسرش دوستي مخلص باشد.

حضرت رسول (ص) مي فرمايند: هرگاه فردي به خواستگاري دخترتان آمد كه از نظر دين و اخلاق شما را راضي مي كرد دخترتان را به ازدواج او در آوريد.

**3- قبال و تلاشگر :** شوهر بايد براي تأمين نيازمندي هاي مادي و معنوي خانواده اش كوشش و فعاليت نمايد. بئترين شوهر كسي است كه در خانه بنشيند و همسرش را براي تهيه مايحتاج خانه به كار وا دارد.

**4- عفت زبان :** بيان، يكي از عوامل تشكيل دهنده شخصيت است. كسي كه در گفتار با كلمات نه ن لميز و فحش و ناسزا ديگران را ببازارد، عفت زبان ندارد. چنين فردي قبل از هر كس هشورر امودحملة قراي دهو وبر ابرهرچ نيكه طلق مثلي نبلدبه

د نسلو گويي مي پردازد. د ناواين، د نندن عفا زبل يكي از خدميدنك شوهر شايسته است.



**5- سخاوت :** فرديکه خيست و بلخرا بر خود و ديگران روا دارد ، شوهر خوبي نخواهد بود. بخش و فراهم کردن رفاه و توسعه دادن به زندگي خانواده از طريق مال حلال و دست و دل نيا بون، ازخصوص بيتا يك شوهر خوب است. تيه هديو کلوپراي هسر از عمالي است که يك شوهر شايسته به مناسبت هاي مختلف انجام مي دهد.

**6- مهمان نوازي :** مري که نان خانه اش را کسي ندیده و در منزلش را به روي دوستان و اقوام ببندد هسرخوبي نخواهد بود. انمود بايد بداد هسش که و خانه پور و مادر وگشده و با خويشا ونداش م عشيتو رنگ و آمد نلته ، مي تواند با آنان قطع رابطه کند. بنابراین مهمان نوازي و معاشرت با خويشاوندان از صفات يك شوهر خوب است.

**7- راستگي :** ه ماطر که شوهرم توقع سلامت هسش را لسته بتلد ، خوشی نیز بايد به وضع ظاهر ريسول نظر ليل و ظقت هگک لفينماید. خيلي ز مرن به وضع ظاهر خود توجه ندارند و همیشه مورد انتقاد و اعتراض همسر خود قرار مي گيرند.

**8- امين بودن :** مرد بايد از هرگونه پنهان کاري يا عدم صداقت با همسرش بري باشد؛ زن ، امن او و لو ، امن زن بتلد. و ا نصوت لت کهز ننگي ، سع لت و خد بختي رابه دنبال خواهد داشت.

**9- اصالت و نجابت خانوادگي :** از ويژگي هايي که در شوهر اهميت خاص دارد ، يکي وراثت و ديگري محيط است که اصالت خانوادگي هر دو را در بر دارد. بنابراین دختران بايد در نظر نلته بتلد ندي را به شوهري وگزيند که ل يك خلواده نجيب و خوشنام بوده و در يك محيط خانوادگي سالم بزرگ شده باشد.





**10- عاقل و خردمند :** کي زل و پژگي هلي شوهر شايسته دانستن هس و ذک و تکلي و تخصص سلامت. چدين شوهر ي آموزش لازم براي اشتغال به کسب حلال را ديده؛ و هر اندازه علم و کمالش بيشتتر، و هوش و دراپتش زيادتر باشد، شايسته تر خواهد بود.

**خدايي تونگ تف که زن بايد ز زواج با مرد ي که داراي ضد ارزش هاي زير است، خودداري کند.**

1- شرابخوار ؛

2- بد اخلاق ؛

3- بد چشم و بي بند و بار؛

4- بدبين ("سوء ظن"، نه "غيرت") ؛

5- خسيس ؛

6- بدون احساس مسئوليت ؛

7- تنبل؛

8- سفيه و ناهنجار؛



خصوصيات زن شايسته

**1- همه‌نگی باشوهر :** برای حفظ هر نظامی هماهنگی ضروری است. بنابراین چنانچه زن با شوهر هماهنگی نداشته باشد و از او تبعیت ننماید ، نظام خانواده به هم خواهد خورد. بدیهی ملت هماهنگی زن با شوهر در امری ملت که در لاج‌زم نطق و وظیفه نباشد ، و متقابلاً شوهر نیز باید در این هماهنگی، مقابله به مثل نماید.

**2- تمکین تلذذ نیازجنسی :** یکی از آن‌گونه‌ها مهم ترزاو لاج نیاز جنسی است که ضرورت دارد طرفین در ارضای این نیاز اقدام کنند.

**3- زیبت و آرا ئی و بی شوهر :** زن باید بریو جلد توجه شوهر به نظافت و آرایش خود برسد و لباس آراسته بپوشد. انجام این امر به قدری مهم است که در بعضی از موارد به از هم پاشیدگی اساس خانواده می انجامد. در اینجا لازم به یادآوری است که هیچ شوهری از زنی که برای دیگران خودآرایی و خودنمایی کند، خوشش نمی آید.

**4- داشق و شی منسلب :** زنی باید بدن خود را نامحرم بپوشاند. یکی از عللی که در غرب بنیان خانواده را سست کرده و از هم گسیخته ، خودنمایی زنان با بدن های عریان است. مردان ایرانی ، حتی افراد بی بند و بار و به اصطلاح متجدد، زنی را که با اندام بدون پوشش و لباس های کوتاه و تنگ در برابر نامحرم ظاهر شود، برای همسری نمی پسندند.

**5- داشتن جمال و کمال :** زن باید از نظر فیزیکی سالم ، و از نظر زیبایی مورد پسند همسرش قرار گیرد. همسر زیبا و سالم با داشتن خصوصیات خلقی مناسب و سایر شایستگی ها، نعمتی است که مافوق آن متصور نیست.

**6- طباک خانوگی :** چون **وراثت و تربیت** اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد ، بنابراین منظور از اصالت خانوادگی آن است که دختر در خانواده ای مؤمن و با فرهنگ تربیت شده و از نظر وراثت نیز زمینه داشته باشد ؛ در این صورت متعلق به اخلاق حسنه خواهد بود.

**7- عاقی و خردمند :** زنی که **عقل و خرد** از ویژگی های زن شایسته است.

اموالومنین علی (ع) فرمود: **زنا لواج بزنی که کم خود دله خودد ری کید.** زیرا مصاحبت او گرفتاری سختی است و فرزندان او ضایع و مهمل خواهند بود.

ترقیح این طلب باید گفت چون **وراثت و میزان هوش** مؤثر است بنابراین احتمال کم هوشی در کونکل بوالدین کونی و کم هوش زیادتر است. وانگهی زن بی سواد یا کم سواد قادر به رفع نیازهای خانوادگی و به ویژه **مسائل تربیتی فرزندان** نخواهد بود.

**8- دیانت و تقوی و حسن خلق :** همانطور که دیانت و تقوی و حسن خلق از **معیارهای شوهر** شایسته است، برای زن نیز از جمله حسنات و ضوابط شایستگی به شمار می رود.



بنابراین از ازدواج با زنی که واجد ضد ارزش های زیر باشد، باید خودداری کرد:

- 1- بی بند و بار؛
- 2- بی حجاب؛
- 3- بد اخلاق و عبوس؛
- 4- بی عفت؛
- 5- سفیه و ناهنجار؛
- 6- خودپسند و از خود راضی؛
- 7- کینه توز؛
- 8- لجباز و ناسازگار؛
- 9- بد زبان و درشت گفتار.

### ازدواج با هدف های انحرافی

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هجدهم )



در قسمت قبل به مواردی که باید در طی مراسم عروسی در نظر گرفت پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

هدف های ازدواج:

خداوند متعال در آیه 21 سوره روم می فرماید:

و یٰحییٰ اٰیة الٰهی انزلنا الیک الذکر الذکر الیمین ان جنین خود تن همسوا نی فرید که در کنار او  
را مَش یابید، با هم انس بگیرید و میان شما رافت و مهربانی قرار داد، در این امر نشانه هایی است برای آنان که  
تفکر می کنند.

با توجه به آیه کریمه فوق، هدف از ازدواج آرامش، انس و رافت و مهربانی دو جنس مرد و زن است. **در جهان**  
**بینی اسلام، هدف های ازدواج و تشکیل خانواده، متعدد ذکر شده که اهم آنها به شرح زیر است:**



- 1- پاسخ به ندای غریزه و فطرت؛
- 2- ایجاد کانون آرامش برای دو همسر؛
- 3- داشتن فرزند و تربیت کودکان و نوجوانانی صالح، سالم و نیکوکار؛
- 4- حفظ عفت و پاکدامنی؛
- 5- دوستی، محبت و عشق؛
- 6- اجرای **سنت رسول (ص)**؛
- 7- تأمین سلامت جسم و روان و برقراری تعادل در وجود آدمی؛
- 8- کمک به تعادل و رشد یکدیگر.

با توجه به موارد فوق می توان گفت درز نثوبی، هدف ارضای نیازهای روانی، جسمانی و آرامش و فراهم  
ساختن مکانی رشد و تعالی بودن می باشد. ز ثلوی با بد و مسل محبت همکاري، همدری، قاهم،  
گفت و فکلی متقابلن و شوولستول بلد. بنا و ک عدلی از فف هلی فق زندگی را بطرف  
نابسامانی و جدایی سوق خواهد داد.

بیداری را فراد، **ازدواج** را بر طرف هلی غیر از اهداف زناشویی انجام می دهند و در نتیجه پس از حصول  
به هدف خود باقالتن، زوج چار نابسامانی و تزلزل می شود و زندگی را دچار سختی و گرفتاری می  
نماید.



مشاوره ازدواج در رابطه با هدف های انحرافی

ابتدا مشاور باید بررسی نماید که هدف‌های واقعی ازدواج، مورد نظر مراجع هست یا خیر. چنانچه مراجع در انتخب هونتک تأمل و عمل یا عملی ضل، قرار گرفته است، مشاور باید او را به هدف‌های ازدواج در ارتباط با اضای نیازهای روانی و جسمانی و داشتن یک زندگی خوشایند و لذتبخش و با ثبات توجه دهد و نتیجه‌گرایش فعلی او را در رابطه با اهداف واقعی ازدواج بسنجد. و این رابطه مهم آنست که با استفاده از روش غومنتقیم، عواملی که موجب را منصر فسلخته، تقیب یابد و شخصاً و جهات انتخاب منقلب پیش حطلی نماید. بدین جهت برای حصول به این هدف، مشاور باید وقت بیشتری بگذارد و از فنون و روش‌های مختلف استفاده کند تا بتواند در تغییر مسیر مراجع تأثیر بگذارد.

**فنون و روش‌هایی که در این مورد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد به شرح زیر است:**

- **دختران کم‌سن و سال (در سن دبیرستان) غالباً بدون توجه به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج و تنها تحت تأثیر یک یا چند عاملی مورد علاقه خود به پسر یا مردی خاص اظهار علاقه می‌کنند.** در چنین مواردی مشاور باید علاوه بر آن که مراجع را به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج توجه می‌دهد، او را از مخاطرات همسرگزینی باک‌په‌بر که خصوصیت‌گناه‌سازد. بلید از پدر و مادر او کمک بگیرد و ضمن مشاوره با مراجع، والدینش را قبل از وقوع حوادث در جریان قرار دهد.

- **پدران و ملرا نی که روی عقاید خاص، دختران و پسران خود را مجبور به انتخاب همسر می‌کنند، باید مورد مشاوه و لگیرند.** به این گونه پوئن و ملرل باید مفهوم ازدواج و هدف‌های آن تفهیم گردد و ضمن طرح موارد مشابه و نتایج شوم حاصله، به آنان بصیرت داده شود، تا از فشار بر جوانان (که تنها همسر پیشنهادی آنان را قبول کنند) دست بردارند.

- **پدی می‌خواهد برای پسرش همسری انتخاب کند که مطیع محض او باشد (به جای همسر کلفت بگیرد).** قوم و قبیله بی که ظرشان در زوا جصلحو ملدی سلط یا کسانی که به خاطر ثروت ازدواج می‌کنند، بهتر است و ایرس بین به هدف خود وسیله دیگری را برگزینند. مشاور با روش‌های مختلف باید به این قبیل افراد، اهمیت امر زناشویی را تفهیم کند و راه‌هایی که می‌تواند هدف آنان را تأمین کند نشان دهد.



- **دختران یا پسرانی که تحت تأثیر عناوین علمی یا شغلی، یا به خاطر زیبایی طرف مقابل بدون احتساب سایر عوامل مؤثر در ازدواج به انتخاب می‌پردازند، نیلأ به مشاوره دلیند.** عدون علمی و شغلی، یا زیبایی از عوامل مهم و زو لبح به شمار می‌رود؛ ولی مهمتر از آن نادیده گرفتن عوامل اخلاقی و فرهنگی و سن ازدواج و سایر عوامل است که حملت و قفق و ازدواج لذت‌بخش و خوشایند را کاهش می‌دهد. مشاور خانواده باید این گونه مراجعان را به ظرات یک بعدی نگرستن در ازدواج توجه دهد، و سعی کند اهمیت سایر عوامل مؤثر در زناشویی را نیز به آنان تفهیم نماید.

- **دختران و پسرانی که به خاطر هنر، استعداد و نبوغ، لباس، ظواهر و قهرمانی فریفته ازدواج می‌شوند و سایر جنبه‌ها را نادیده می‌گیرند نیز باید با موارد مشابه که زناشویی موفق نبوده، مواجه گردند و با بحث و بررسی، آگاهی کافی در مورد عواقب نامطلوب نادیده گرفتن عوامل مهم زناشویی به آنان داده شود تا بینش لازم را به دست آورند و بتوانند تصمیم عاقلانه بگیرند.**

- فرادي كه هدف آنان از ازدواج سوء استفاده است. چون ویژگی های اخلاقي و شخصيتي در طول زمان ايجاد ميشود و برپي طراح آن به زعم زيبی نیاز فته، بناوان مشاور رن باید با استفاده از فنون و روش های متفك و ثقی ج شامته مشاوره نسبت به طراح رفتار ان گوه افراد اقم نما ینهمچنین باید به مراجعانی که ممکن است طعمه این افراد قرار گیرند اطلاعات لازم داده شود

## عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیستم )



در قسمت قبل به ویژگی های همسر شایسته پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

### ساختار خانواده و همسر گزینی

ساختار یعنی مجموعه ای از اجزای به هم پیوسته. هر یک از اجزا دارای یک کارکرد است که نتیجه مثبت برای کل مجموعه دارد؛ حال اگر این مجموعه ( خانواده ) از ساختار مطلوبی برخوردار نباشد، نابسامانی ها و از هم گسیختگی هایی به شرح زیر پیدا می کند:

**1- انکار:** خانواده های نابسامان مسائل خود را انکار می کنند؛ به همین جهت مشکلات آنها حل نمی شود.

**2- ارضا نشدن نیاز اعضای خانواده:** در خانواده ی مسئله دار نیاز فرزندان و سایر اعضای خانواده بر آورده نمی شود؛ به همین جهت در این خانواده جو نامطلوبی حاکم است.

**3- فقدان انعطاف:** در خانواده های بی سامان برخوردهای خشک و بی روح وجود دارد و اعضای خانواده در رابطه با مسائل رفتاری از انعطاف لازم برخوردار نیستند.

**4- فقدان صمیمیت:** در خانواده های نابسامان صمیمیت وجود ندارد و اعضای خانواده ظاهر و باطن واحد ندارند و ترس و دورویی و در پاره ی موارد خجالت حاکم است و از مهربانی و الفت خبری نیست.

**5- روابط نامطلوب:** در این گونه خانواده ها رفتارهای ضد و نقیض به چشم می خورد؛ افراد با هم به مخالفت بر می خیزند و ارتباط انسانی وجود ندارد.

**6- حاکمیت مقررات خشک:** مقررات خشک و لا یتغیّر از سوی رئیس خانواده ابلاغ می شود و کلیه اعضای خانواده ملزم به اجرای آن هستند.

**7- جنگ قدرت و نبود آزادی:** در چنین خانواده هایی بین اعضای آنها همواره جنگ قدرت وجود دارد؛ و از آزادی و دموکراسی خبری نیست. ساختار خانواده، بر عدم اعتماد و سرزنش و انتقاد اعضا از هم پا گرفته است.

**انتخاب همسر** در این گونه خانواده ها به دلیل قرار گرفتن در چنین ساختار نامناسبی، احتمال موفقیت کمتری دارد؛ بنابراین در زمان همسرگزینی، شناسایی جو حاکم بر خانواده از اهمیت خاص برخوردار است. همچنین انتخاب همسر از خانواده هایی که بی بند و بار و دارای اعتیادهای مختلف، اشتغالات و سرگرمی های نامشروع نظیر قمار و پارتی های شبانه و سایر مظاهر و مفاسد غربی می باشند مشکل است. انتخاب باید با تأمل و بررسی همه جانبه انجام گیرد و کسی که با چنین فرهنگی غریبه باشد و بدون مطالعه دست به انتخاب بزند، فرصت بهره مندی از زندگی شاد را نخواهد داشت.



### نقش دختر در رابطه با همسریابی

دختران در رابطه با جذب پسران برای خواستگاری خود باید اصولی را رعایت کنند. بعضی از دختران با حرکات جلف و زننده یا نشان دادن اعضاء و اندام و یا آرایش و زیورآلات خود می خواهند توجه پسران را به خود جلب کنند و بدین طریق خواستگاری برای خود پیدا نمایند. غافل از این که چنین حرکتی نه تنها پسران را مجذوب آنان نمی سازد، بلکه آنان را برای همیشه از خواستگاری نیز منصرف می نماید. ممکن است پسران بی بند و باری به طور موقت و برای خوشگذرانی به چنین دخترانی روی آورند؛ ولی پس از مدتی معاشرت، برای همیشه آنان را ترک می نمایند. این اصول باید با موازین شرعی و شرایط فرهنگی منطبق باشد. برخی از آنها را به شرح زیر گروه بندی می کنیم:

1- پسر، برای دختری که با تلاش و کوشش به دست آورده بیشتر ارزش قائل است؛ از این رو از دختری که آسان به دست آمده باشد، خوشش نمی آید؛ بنابراین دختران نباید خود را سهل و آسان به دست پسران بسپارند. این موضوع پس از ازدواج نیز ممکن است در روابط آنان تأثیر بگذارد و شوهر ارزش لازم را برای همسرش قائل نباشد. دختران باید متانت خود را حفظ کنند و تا تمایلی به آنان نشان داده شد، فوری و بدون هیچ

تشریفات خود را به دست پسران نسپارند. تمام تشریفات اعم از خواستگاری ، مراسم عقد و عروسی در حد متعارف باید انجام شود.

2- دخترها باید در مجامع و برخوردها با لباس کاملاً پوشیده حضور یابند و با وقار رفتار کنند و در نظر داشته باشند که پسران با وجود غیرت مردانه از دخترانی که جلف و بد حجاب باشند ، خوششان نمی آید و در نهایت دختران نجیب و متین را انتخاب می کنند.

3- بیان و اخلاق خوب، گرم و صمیمی بودن از ویژگی هایی است که مردان را جلب می کند؛ بنابراین دخترانی مورد توجه قرار می گیرند که در رفتار و کردار آنان بدون تخطی از موازین شرعی این خصوصیات دیده می شود.

4- معمولاً پسرانی که در صدد انتخاب همسر می باشند در مورد کسانی که با دختر مورد نظر در تماس هستند تحقیق می کنند. بنابراین دختران نباید با خدشه دار کردن حیثیت خود و تماس مستقیم با پسران، خود را برای جلب خواستگار عرضه نمایند. رفتارهای مناسب در مجالس و محافل زنانه و مردانه ، معرف **شخصیت** آنان است و در صورتی که این گونه رفتارها سنجیده باشد پسران را به طرف آنان جلب خواهد نمود.



5- دختران قبل از ازدواج و در طول دوران نامزدی نباید آرایش کنند. این عمل نه تنها به زیبایی و طراوت شان لطمه می زند، بلکه آنان را در نظر پسران بی مقدار می نماید. علاوه بر این استفاده از زینت آلات بی مورد و آویزان کردن اشیاء مختلف که نشانگر کمبود شخصیت است از ارزش و احترام آنان می کاهد.

6- عده ای از دختران با پوشیدن لباس های مدل دار و به اصطلاح مدهای رنگارنگ و یا بیرون گذاشتن مو و یا پوشیدن لباس های تنگ می خواهند پسران را به خود جلب کنند. این گونه رفتار ممکن است توجه پسران بی بند و بار را برای یک تفریح موقت جلب کند؛ ولی چنین دختری را برای همسری انتخاب نخواهند نمود. استفاده از لباس های ساده و متعارف بدون هیچ پیرایه ای بهترین وسیله برای جذب پسران است.

دختران در مجالس مختلط مرد و زن نباید با صدای بلند و غیر عادی و با قهقهه و خنده های بی مورد و شوخی های بی جا و به اصطلاح مزه پراندن و غیره جلب توجه کنند. حُجَب زنانه در فرهنگ ایرانی ارزش خاصی دارد. رعایت وقار و متانت در کلاس های مختلط دانشگاهی نیز وسیله مؤثری برای مجذوب کردن پسران است.



7- بعضی دختران در مجالس عروسی به این عنوان که زمان شادی است و باید به گرمی مجلس کمک کرد، دست به حرکات جلف می زنند. این نوع رفتار ولو مجلس زنانه باشد، پسندیده نیست و از قدر و ارزش آنان می کاهد.

8- احتمال دارد پسران بی بند و بار و هرزه از دختران جلف و بی بند و بار استقبال کنند؛ ولی باید در نظر داشت که این گونه پسران از ازدواج هدف مقدس ندارند و دیر یا زود به دنبال هوسرانی های دیگر خواهند رفت و در نهایت دختر، خود و خانواده اش را در منجلاب فساد و بدبختی گرفتار خواهد نمود.

### پرسش هایی چند در مورد همسر گزینی

#### دختران برای جلب توجه پسران به دو طریق عمل می کنند:

گروهی با پوشیدن لباس های جلف، و با ادا و اطوار ناهنجار، آرایش و به کار بردن زینت آلات، پسران را به طرف خود جلب می کنند.

گروهی دیگر به جای عرضه جسم و ظواهر هوس انگیز، در مجامع بسیار سنجیده، موقر و کاملاً پوشیده ( با رعایت ضوابط شرعی) ظاهر می شوند. اینان در مواقع مقتضی علم و هنر خود را از طریق بیان، شعر و نقاشی و کاردستی، نوشته، مناظره ارائه می نمایند.

حال سؤال این است: شما به عنوان مردی که قصد ازدواج دارد، کدامیک از دو گروه فوق را به همسری انتخاب می کنید؟

و سؤال دیگر از دختر یا زنی است که می خواهد شوهر کند. به نظر شما کدامیک از دو گروه فوق موفق ترند؟

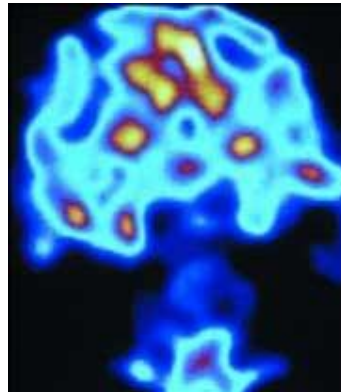
### ازدواج از راه دور

گاهی اوقات خواستگاری به سراغ دختری می آید و اظهار می دارد پسر من مهندس و دارای شغل آبرومند و درآمد زیاد در ( فرضاً ) آلمان است. او به عللی به ایران نمی آید، ولی زن ایرانی می خواهد و مشخصاتی که داده به دختر شما می خورد. پسر من خوش اخلاق است، خوش تیپ است، بذله گو است و ... وکالت داده است تا دختر شما را به عقد او درآوریم تا راهی آلمان شود و به خانه بخت برود. دختر و خانواده او هم با سابقه ذهنی از مهندس پُر درآمد، خوش تیپ و خوش اخلاق خواستگاری را می پذیرند و دختر راهی فرنگ می شود. به محض ورود به آنجا تمام بهشت موعودی که در ذهن داشت نقش بر آب می گردد. عاقبت چنین ازدواجی را می توانید حدس بزنید.

مواردی نیز پیش می آید که مردی به قصد ازدواج با دختر ایرانی راهی ایران می شود. ظرف مدت چند روز که در وطن اقامت دارد دختری را به عقد خود در می آورد و راهی دنیای غرب می شود. دختر و خانواده اش هم به دلخوشی عناوین و ظواهر رضایت می دهند. پس از ورود به کشور بیگانه و چندی بعد به علل مختلف، ناسازگاری شروع می شود و بالاخره کار به جایی می رسد که عروس خانم با تلخکامی و صرف هزینه با عنوان زن مطلقه به خانه پدر برمی گردد. او دیگر یک بیوه زن شکست خورده است و ارزش و اعتبار اولیه را از دست داده و در خانواده پدری نیز احساس وابستگی گذشته را ندارد.

با این همه ، موارد فوق قابل پذیرش است. در مواردی ازدواج با مقاصد شومی صورت می گیرد؛ مثلاً مردی را بدون ازدواج، اجازه مسافرت به خارج نمی دهند. هدف او خروج از کشور است؛ بنابراین زنی را وسیله قرار می دهد و پشت مرز او را رها می کند یا فرد دیگری دختران و زنان ساده لوحی را برای مقاصد سود آور به عنوان ازدواج به خارج از کشور می کشاند و...

## صرع و ازدواج



وقتی یک فرد مصروع تصمیم به ازدواج می گیرد، سؤالات متفاوتی برای وی وجود دارد. از جمله این که آیا می تواند ازدواج کند یا خیر؟ آیا بیماری او به فرزندش نیز به ارث می رسد؟ و... ابتدا باید به این مسئله توجه داشته باشیم که اگر یک فرد عادی با شرایط طبیعی بچه دار شود، احتمال این که فرزندش دچار صرع شود ، حدود نیم درصد است. حال اگر مادری مبتلا به صرع باشد، به دلیل آن که صرع طبعاً اساس ژنتیکی هم دارد، احتمال ابتلای کودک به صرع، حدود 5 درصد است. علی رغم این مسئله باید در نظر داشت که به احتمال 95 درصد ، مادر مصروع کودک سالمی را به دنیا می آورد و این شانس بسیار بالایی است.

**به فری که مبتلا به صرع است ، توصیه می شود قبل از ازدواج ، تحت مشاوره (خصوصاً مشاوره ژنتیک) قرار گیرد و در طی دوران بارداری حتماً تحت نظر پزشک زنان و متخصص مغز و اعصاب قرار گیرد تا بدین ترتیب هرگونه احتمال خطر برای کودک وی از بین برود.**

بین ترتیب با بررسی صحیح و منطقی این مسئله ، بیماران مصروع می توانند یک زندگی و ازدواج موفق داشته و فرزندان سالمی به دنیا آورند.

برخی از انواع بیماری صرع اساس ژنتیک شناخته شده ای دارند (مانند صرع کوچک) که ما می دانیم ممکن است به ارث برسند. ولی برخی دیگر از انواع آن اساس ژنتیک ندارند. مثلاً اگر فردی در اثر ضربه مغزی دچار بیمار صرع گردد، هیچ گونه علت ژنتیکی در این مورد وجود ندارد. یا اگر کودکی در جریان زایمان دچار مشکلاتی از قبیل نرسیدن اکسیژن به مغز شود ، احتمال ابتلای وی به صرع در آینده وجود دارد. ولی چنانچه عوامل بیرونی موجب به وجود آمدن این اختلال باشد، این بیماری به فرزند به ارث نمی رسد.

خوشبختانه در صرع، مواردی که علل ژنتیک ندارند کم نیستند و در برخی از مواقع می توان گفت انواع صرع اساس ژنتیک ندارد.

ضمناً توجه به این نکته ضروری است که علی رغم اینکه این بیماری متأسفانه خوشنام نیست و افراد جامعه عقاید نادرستی در مورد آن دارند، ولی باید یاد بگیریم که آن را آگاهانه بشناسیم.

هر بیماری مزمن شرایط اجتناب ناپذیر عظمی و عظامی را ایجاد می کند که لازم است کیفیت زندگی در آن بررسی گردد.

صرع، اختلالی است که در آن تخلیه ناگهانی انرژی در مغز صورت می گیرد و می تواند با اختلالات حسی، حرکتی و رفتاری توأم گردد که وقتی تخلیه امواج به صورت عمومی باشد، موجب حذف هوشیاری و شکل عمومی تشنج می شود و وقتی هوشیاری کاملاً از بین نرود به صورت تشنج موضعی، ساده یا پیچیده بروز می کند.

صرع به عنوان یک بیماری مزمن، نمی توان حملات را پیش بینی کرد و همیشه دغدغه لحاظ با فرآیند شروع وجود دارد. در هرین سلسله عوامل مهمی ترکیب فیتزگی مصروعین (در کودکان و بزرگسالان) وجود دارد که به آنها اشاره می کنیم:



### کیفیت مراقبت در کودکان

مهمترین مشکل در کودکان این است که افزایش یا کاهش بیش از حد مراقبت در آنان می تواند در کیفیت زندگی آنها تأثیر بگذارد. این مسئله به خصوص در مادران وجود دارد که به علت علاقه شدید به فرزندشان می توانند در این مسئله سهم به سزایی داشته باشند.

### - کیفیت آموزش

لکن آموزش و این مورد باید دقت و دقت، خواهی چه داشته باشد. زیرا آموزش مناسب می تواند در ادامه زندگی فرد تأثیر به سزایی داشته باشد.

### ازدواج مصروعین

فرد مصروع نباید بیماری خود را در زمان ازدواج کتمان نماید و باید حقیقت را با صداقت به همسر آینده خود بگوید و با پزشک خود مشاوره ای را انجام دهد.

### بارداری فرد مصروع

بهتر ني روش در باردلي اين است كه قبل از بارداري برنامه ريزي صحيحي در اين مورد وجود داشته باشد و فرد مصروع اين مسئله را با پزشك خود و پزشك زنان در ميان گذارد تا در روي مناسبي بر لي بي تجزيه گردد و بطول دوران بارداري تكه بدهد تا گر حاصل شد شكلي و لي بيمار وجود نكند به وجودي آيد با درسي هلي انجام گرفته بتوان بر خورد مناسبي با اين مسئله داشت.

داروها نيز در حين باردلي امله پيدا مي كند و نحوه زايمان هم بنا به تصميم پزشك است. بعد از زايمن زن مادر مي تواند به فرزند خود شير دهد زيرا مصرف داروها تاثير منفي در قودن بي ندارد، بلكه توجه به اين مسأله ضروي است كه گاه نهار دار در دوران بارداري بدون مشاوره پزشك، خودسرانه داروي خود را قطع نمايد و دچار حمله تشنج گردد، اين امر مي تواند براي وي خطرناك باشد.



### ازدواج مصروعين از ديدگاه روان پزشكي

روان پيشك تفكيدي را در مورد مشكلات و بيماري هايي كه در کنار صرع وجود دارد، ايفاي كند و مي تواند در مورد اخلاقي و رويي ( تدخل عطي و اثر داروها با يكديگر ) جهت بيماري هاي همراه با صرع، راهنمايي و مشاوره به بيمار، همسر و خانواده او ارائه دهد.

يكي از مشكلات عمده، نگرش ها، دانش ها و باورهاي غلط فرد يا خانواده يا خانواده همسر او در مورد بيماري صرع است. حتي علاوه بر آنها، اين باورهاي غلط در خود پزشكان نيز در مورد ازدواج يك فرد مصروع مي تواند وجود داشته باشد.

مسئله ديگر اين است كه بغي از افراد ازدواج نكند، شفا و راه حل طبيعي مشكلات خود مي دانند و فكر مي كنند هر مشكل رواني- جسمي كه وجود داشته باشد، ناشي از فشارها و مشكلات جنسي است و به دنبال آن حكم ازدواج را صادر مي كنند.

در زمان مشاوره روان پزشكي، پزشك ابتدا به نگرش هاي فرد توجه مي نمايد. به اين كه آيا اين نگرش ها به ازدواج فرد صدمه مي زند؟ در غير اين صورت فرد را مجاز به ازدواج مي داند. و من مسئله اي كه پزشك مد نظر قرار مي دهد، اين است كه آيا بيماري هاي همراه در يكي از طرفين وجود دارد يا خور؟ نكته ديگري كه در ر توجه بايد به آن توجه نمود كفايت

روئي - عظمي بيمار ملتوان که آيا فرد مصروعي که حملات وي کنترول شده و مانعي براي ازدواج ندارد، کفايت همسري، پدر يا مادر بودن، بارداري و ... را دارد يا خير؟!

کته بديواکل بي وهم در مشور قبل و بعد از ازدواج ، آموزش هلي جنسي لستکه متأسفانه در کشور در مورد آن سکوت مي شود و حتي پدر و مادرها نيز نوعي خود سانسوري را وان مورد پيش مي گيرند. لذا بهترين زمان اطلاعات گرفتن از بيماران، راجع به مسائل جنسي، زمان شروع بحث خولتگاري و ازدواج است که بسياري از مراجعين در مورد اين موضوع يا اطلاعات ندارند يا اطلاعات غلطي دارند.

بناوان کل کردن ري آ موش هليچ نسي، شناخت فرد روي فيزيولوژي خود، اطلاعات هورموني، طلاعت، آناتومي طلاعت رول شد نختي، نورل بار داي شد نخت دارها، ائتل بر ري بول دي وجنين و... موضوعي هستنکه و قل ته اميتوان اطلاع مربوط به مسايل زناشويي، آموزش هاي جنسي و به ويژه جلوگيري از بارداري را به مراجعين راه کنه چر ا که و ماه ه لوسل هلي وليه لين افراد بايد از بچه دار شدن جلوگيري نمايند و چگونه تأثير اين داروها بعد از ازدواج نيز بررسي گردد.

## اهميت مشاوره براي انتخاب همسر ايده آل لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بيست و دوم )



در قسمت قبل به چند رهنمود در انتخاب همسر اشاره نموديم ، اينک در ادامه مي خوانيم.

مراجعاتي هستند که در انتخاب همسر به صورت ايده آلي فکر مي کنند و چنانچه معيارهاي ازدواج با ايده آل آنها تطبيق نکند، آن را رد مي کنند. لازم است به اين مراجع به طور مستقيم تفهيم گردد که به ندرت موارد پيش مي آيد که همه شرايط به طور کامل فراهم باشد، زيرا معيارهاي مورد توجه در همسر گزيني نسبي است. يکي از راه هايي که وجود دارد، آن است که به عوامل مختلف امتياز داده شود و براساس مجموع امتيازات انتخاب صورت گيرد. در اين روش بايد به اين نکته توجه شود که امتياز يک عامل، عامل ديگري کاملاً نپوشاند ( مثلاً سطح تحصيلات ، امتياز سن را نپوشاند ) زيرا عامل سن نقش مهمي در زندگي زناشويي دارد. در انتخاب همسر هر عملي به تنهائي بايد از حداقل امتياز برخوردار باشد تا جمع امتيازات مبنائي براي مقايسه و انتخاب قرار گيرد.

بسیار دیده شده است که دخترانی زیبا و واجد همه شرایط به علت در نظر گرفتن ضوابط ایده آلی در انتخاب همسر، خواستگاران زیادی را رد کرده اند و با بالا رفتن سن به اصطلاح پیر دختر شده اند و دیگر کسی به سراغ آنها نیامده؛ ناچار به ازدواج نامناسبی تن در داده اند. همچنین در مورد پسران که در خواستگاری از دخترانی با ضوابط ایده آلی موفق به ازدواج نشده اند، با گذشت زمان با حالت سرخورده از ازدواج منصرف شده و تمام عمر را به تنهایی گذرانده اند، یا به ازدواج نامناسبی رضایت داده و تمام عمر را در زندگی زناشویی ناشادی به سر برده اند.



مشاوران باید با مقایسه موارد ناموفق، مراجعان را به سوی واقعیت سوق دهند؛ و توقع آنان را تا حد معقول و عملی تعدیل کنند و از بین موارد موجود به انتخاب احسن بپردازند. در ایران رسم است که دختران یک خانواده به ترتیب **سن ازدواج** کنند و چنانچه یکی از دختران بزرگتر به عللی در خانه بماند و خواهران کوچکتر ازدواج کنند، این امر برای آن دختر و خانواده مصیبتی است. این وضعیت از نظر روانی خرد کننده است و خردکنندگی آن بیش از آنچه مربوط به اصل موضوع باشد به طعنه و نیش زبان های دیگران برمی گردد که چرا خواهران کوچک او عروس شده اند و برای او **خواستگار** پیدا نشده است؛ حتماً او عیبی دارد؛ یا ...

در این موارد ممکن است تحت فشارهای اجتماعی و رسم های سنتی ازدواج نامناسبی انجام گیرد. دختری که خواهران کوچک او عروس شده اند برای رهایی از طعنه و سرزنش و تهمت دیگران یا برای رهایی از مزاحمت ها و نظره های افراد ناباب و بوالهوس، احتمال دارد به ازدواج غیرمعقولی دست بزند و عمری را ناشاد به سر برد؛ چنانچه این دختر به موقع تحت شرایط عادی به انتخاب می پرداخت، گرفتار حالتی این چنین نمی شد. مشاوران به چنین دخترانی باید توصیه نمایند، **از ازدواجی که در آن ناهماهنگی های بارز وجود دارد، پرهیز کنند و فشار اجتماعی را تا فراهم شدن شرایط نسبتاً مناسب تحمل کنند و به محض ایجاد امکان با دیده اغماض و انعطاف برای ازدواج اقدام کنند.**



### مشاوره با نوعروس و تازه داماد

اغلب با نوعروس ها و تازه دامادهایی مواجه می شویم که پس از چند ماه یا چند هفته زندگی مشترک اختلافشان شروع و گاه به مراحل حادی منجر می شود. روزهای اول ازدواج معمولاً توأم با عشق و دلدادگی است و جاذبه های جنسی روی تمام نابرابری های دیگر سرپوش می گذارد؛ ولی پس از مدتی که انگیزه های جنسی ، **عشق** و دلدادگی ، قدرت نخستین خود را از دست داد؛ عوامل دیگر خودنمایی می کند. در این دوره است که مشاور نقش مهمی به عهده دارد. **مشاوران در مواجهه با چنین مراجعانی با توجه به مقتضیات و شرایط هر مورد باید از روش های متفاوتی استفاده نمایند. برای توجیه مطلب به چند مورد اشاره می شود:**



1- دختر و پسر همه جهات را رعایت نموده و انتخاب مناسب نموده اند، ولی مشکلی که دارند تطابق و سازگاری آنان با شرایط جدید است. آنها از خانواده جدا شده و ارتباط خود را با پدر، مادر، خواهران و برادران از دست داده اند. آنها مسئولیت جدیدی را پذیرفته اند و گاه از شهر و دیار و والدین خود نیز دور شده اند. مشاور در ارتباط با چنین مراجعانی که بهتر است در یک جلسه سه نفری ( مشاور، نوعروس و تازه داماد) انجام گیرد، باید مراجعان خود را در سازگاری با شرایط جدید و در نظر گرفتن عوامل تداوم زناشویی یاری نماید.

2- در مورد زن و مردی که انتخاب مناسب نداشته اند، مثل دختر 18 ساله ای که با مرد 40 ساله ازدواج نموده و پس از مدتی متوجه شده که شوهر وی پاسخگوی نیازهای روانی و جنسی وی نمی باشد ، زندگی زناشویی به محیط سرد و ناشادی تبدیل می شود. در این موارد مشاور باید زوج ها را به تعدیل تمایلات و ارضای نیازها یا استفاده از برنامه های جبرانی متوجه سازد. در مورد شوهر مسنی که با دختری کم سن و سال

ازدواج نموده، پر کردن اوقات فراغت وی با برنامه های مورد علاقه همسرش نظیر مسافرت کردن، برنامه های هنری و ورزشی، مفید خواهد بود.

## رهنمودهای چندی چند در انتخاب همسر لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و یکم )



در قسمت قبل به عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

در زندگی زناشویی حالات متفاوتی وجود دارد. بعضی از خانواده ها در شرایط مطلوبی به سر می برند و از زندگی زناشویی خود لذت می برند و از نظر روانی شاد هستند؛ و بهترین زمان زندگی آنان وقتی است که زن و شوهر و بچه ها در خانه دور هم جمع می شوند. برعکس خانواده هایی هستند که بدترین لحظات زندگی آنها ساعاتی است که در خانه می گذرد و محیط خانه محل مشاجره و ناسازگاری بین زن و شوهر و احتمالاً بچه هاست. وضعیتی بین دو حالت نیز با تفاوت هایی دیده می شود. در اینجا یک پرسش مطرح است:

### چرا بعضی از خانواده هایی که خانه آنها محل جنگ و دعواست و در زندگی زناشویی ناشاد و ناراحتند، مبادرت به طلاق نمی کنند؟

خانواده هایی وجود دارند که یک عمر را با یکدیگر به حالت قهر و آشتی و ستیز می گذرانند، ولی حاضر به طلاق نیستند. یکی از علل تحمل این شرایط مشکلاتی است که پس از طلاق وجود دارد. در جامعه ایرانی زن بیوه به عنوان کالای دست دوم محسوب می شود و خریدار زیادی ندارد؛ وانگهی داوطلبان ازدواج زنان بیوه معمولاً از شرایط پایین تری برخوردارند، در نتیجه بسیاری از زنان بیوه تا آخر عمر یا تنها می مانند یا نمی توانند همسر مورد نظر خود را به دست بیاورند. مسئله دیگر وضعیت بچه ها است. مادر از نظر عاطفی حاضر به جدا شدن از فرزندانش نیست. پدر نیز به خاطر تأمین هزینه زندگی بچه ها در کنار مادر مطلقه، حاضر به تحویل بچه به مادرش نیست. مشکل دیگر تربیت بچه ها در کنار مادر خوانده یا پدرخوانده است که مشکلات زیاد عاطفی و تربیتی در پی دارد.



مسائل مطروحه بالا و مشکلات رواني و مالي ديگر موجب مي شود كه بسياري از زن و شوهرها با شرايط نامساعد زندگي خود بسازند و به طلاق تن در ندهند چون در صورت طلاق، مشکلات و شرايط بدتري را خواهند داشت.

### **براي آن كه زندگي زناشويي تداوم يابد، موارد زير توصيه مي شود:**

1- براي آنكه بتوانيد همسر مناسب انتخاب كنيد و زندگي شاد و خوش خود را تا پايان عمر حفظ نماييد، به خانواده هايي كه در حوزه اقوام و دوستان شما از زندگي شاد و خوبي برخوردارند، مراجعه نماييد و رمز انتخاب مناسب و توفيقات زندگي زناشويي را از آنان بخواهيد. مراجعه به چند خانواده و مقايسه عوامل توفيق آنها ، راهنمايي براي شما در انتخاب همسر مناسب و ادامه **زندگي شاد و موفق** خواهد بود.

2- به مردان و زنان مطلقه مراجعه نماييد و علل طلاق و شرايط بعد از طلاق را از آنان بخواهيد و پس از مقايسه از عواملتي كه شرايط طلاق و يا زندگي بعد از آن را فراهم آورده، اجتناب كنيد.

3- وضعيت خانواده هايي كه بي سامان و آشفته اند ، ولي در شرايط نامساعد و ناشادي ، زندگي زناشويي را تحمل مي كنند بررسي نماييد و پس از كسب اطلاعات مورد نظر ضمن كمك هاي لازم به آنان ، براي زندگي آينده خود با توجه به اطلاعات مكتسبه ، با بينش و بصيرت برنامه ريزي نماييد. قبل از انتخاب همسر ، روزي را در نظر بياوريد كه احتمال دارد براي جدائي در جاده پرخطر دادگاه مدني خاص طبي طريق كنيد و يا الزاماً در طول عمر زندگي ناشادي را تحمل نماييد.

4- قبل از انتخاب همسر، خود را كاملاً بشناسيد. اين كه در چه موقعيتي هستيد ، چه خصوصياتي داريد، در چه خانواده اي بزرگ شده ايد، شرايط سني شما چيست، از چه فرهنگي برخورداريد و ... . مسلماً همسر شما بايد در زمينه هاي مختلف هم وزن شما باشد. پس شناسايي او نيز در ابعاد مختلف ضرورت دارد. از آن جا كه انسان ها ، خواست ها و نيازهاي دروني گوناگوني دارند و تا زماني كه در پي شناخت نيازها و بررسي نقاط قوت و ضعف خود نباشند، با هر فردي در برابر خود، حتي بهترين موجود روي زمين دچار مشكل خواهند شد ، بنابر اين شناخت خود، پيش از شناخت شريك زندگي يا هر كس ديگر ضرورت دارد. حل بحران هويت ، يكي از اساسي ترين راهها براي گام نهادن در آغاز يك زندگي مشترك است.

5- در آخرين لحظات **انتخاب همسر** ، دستخوش احساسات نشويد و در صورت كوچكترين احتمال عدم ناسازگاري و نامناسب بودن موضوع ، به مشاور خانواده مراجعه نماييد و مطمئن باشيد كه او در انتخاب احسن به شما كمك خواهد نمود.



### مشاوره در انتخاب همسر

چون مسئله ازدواج و انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، لذا مراجعان زیادی برای حل مشکلات خود به مشاوران خانواده مراجعه می نمایند. پرسش هایی چند در این زمینه مطرح است:

- آیا احمد برای همسری من مناسب است؟
  - بین احمد و تقی و علی کدامیک را انتخاب کنم؟
  - نسرين با این خصوصیات برای همسری من خوب است؟
  - زهرا بسیار زیبا است ولی بد اخلاق است؛ آیا او را به همسری انتخاب کنم؟
  - من از نظر مالی فقیرم ولی لیسانس دارم، مریم ثروتمند و چند سال از من بزرگتر است، می خواهم او را به همسری برگزینم . نظر شما چیست؟
  - همسر اول من فوت کرده و از او دو فرزند دارم. دختر 18 ساله همسایه را به همسری انتخاب کنم یا خیر؟ پدرش به این امر راضی است.
  - محمود و فاطمه یکدیگر را دوست دارند و تصمیم به ازدواج گرفته اند ، ولی خویشاوندان آنها مخالفند . آنان از مشاور می خواهند آنان را در رفع این مشکل کمک نماید.
- مراجعان زیادی در انتخاب همسر مشکل دارند و نوع مشکل و شرایط هر یک از آنان با دیگری متفاوت است. مشاور در این میان چه باید بکند؟



## اصول کلی زیر می تواند راهنمایی برای مشاوران در رابطه با کمک به مراجعان در امر انتخاب همسر باشد:

- 1- اصول کلی مشاوره در زمینه ایجاد رابطه ی حسنه و گوش دادن به مراجع و سایر فنون باید در مشاوره های خانواده نیز به کار گرفته شود.
- 2- در مورد کمک به مراجع در انتخاب همسر، باید وضعیت و شرایط هر یک از طرفین ( زن و مرد ) در زمینه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، تحصیلات ، اقتصادی ، اخلاقی ، روانی ، شغل ، سن ، خصوصیات جسمانی و ژنتیک بررسی و مقایسه شود. چنانچه هماهنگی وجود داشت، ضمن بصیرت دادن به مراجع ، توصیه لازم به عمل آید.
- 3- معمولاً برای مشاوره در امر انتخاب یکی از طرفین، دختر یا پسر مراجعه می کند. گاه لازم می شود که با طرفین مشاوره انجام شود؛ در این صورت پس از رضایت مراجع، مشاوره با طرف مقابل نیز انجام گیرد.
- 4- آنچه در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، موضوع خصوصیات اخلاقی و روانی است. سایر عوامل عینی است و شناخت آن نیاز به زمان زیادی ندارد. در مورد ویژگی های اخلاقی و روانی ، گاه ایجاب می کند که تست های شخصیتی و رفتاری به کار برده شود. در این موارد در صورت رضایت مراجع ، مشاور باید اقدام کند.
- 5- مواردی مشاهده می شود که اختلاف در یک زمینه خاص بسیار زیاد است: مثلاً **اختلاف سن طرفین**. مشاور نباید فوری موضوع را غیر قابل بررسی و آن را نامناسب اعلام کند ، بلکه باید موضوع از جهات مختلف بررسی گردد. گاه خود مراجع به این نتیجه می رسد که این ازدواج مناسب نیست ؛ گاه نیز ممکن است نظر مراجع تغییر کند و راه های جدیدی پیشنهاد گردد.
- 6- مراجعانی هستند که تصمیم به ازدواج گرفته اند و با بررسی های انجام شده ازدواج آنان مناسب تشخیص داده شده است، ولی به علت مشکلات مالی طفره می روند و در انجام ازدواج تردید دارند. در این موارد مشاور می تواند با بررسی های همه جانبه در رفع مشکل آنان بکوشد. یکی از این موارد حذف تشریفات زاید و پر خرج عقد و عروسی و تهیه جهیزیه گرانبها و خریدهای بی مورد است. مسئله دیگر مسکن و اشتغال می باشد که باید در این زمینه بررسی هایی انجام گیرد. گاه این مشکل با کوچ به شهرستان ها یا کاریابی، از سوی مشاور قابل حل است. بنابراین باید مشاور و مراجع همه زمینه ها را بررسی کنند، سپس به تصمیم گیری مناسب پردازند.
- 7- دخترانی هستند که از بین چند نفر که تقریباً وضع مشابهی دارند، می خواهند یکی را انتخاب کنند. مشاور باید عوامل مختلف مؤثر در ازدواج را در هر یک با نظر مراجع بررسی و اولویت ها را مشخص نماید؛ و حتی می تواند با امتیازبندی این عمل را دقیق تر انجام دهد تا بالاخره با نظر مراجع به انتخاب احسن برسد. بدیهی است در نهایت تصمیم گیری به عهده مراجع خواهد بود.



8- در انتخاب همسر مراجعانی وجود دارند که ثروت و زیبایی که ارضا کننده سریعتری است؛ برای آنان درصدد عوامل قرار دارد و احتمال آن می رود که تحت تأثیر آنها ، عوامل مهمتر را نادیده بگیرند. در این موارد مشاور باید آنان را به اهمیت عوامل دیگر توجه دهد و متذکر گردد که زیبایی و ثروت مهم است؛ ولی آنچه از آن مهمتر است، عوامل فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و تحصیلات و در مجموع توجه به کلیه این عوامل است نه صرفاً دو عامل مذکور.

9- مراجعانی که به علت فوت همسر اول ، قصد ازدواج با همسر دوم دارند ؛ که این دو حالت دارد: گاه مراجع مرد است و می خواهد زن بگیرد و گاه مراجع زن است که به علت فوت همسر یا مطلقه شدن می خواهد شوهر کند. در هر دو حالت مشاور باید آنان را توجه دهد که شرایط آنان در ازدواج دوم با شرایط ازدواج اول متفاوت است. داشتن فرزند و یا بالا رفتن سن و در مورد زنان مسئله بیوگی ، خود وضعیت جدیدی برای آنان ایجاد کرده است که باید بدان توجه کنند و در انتخاب، سهل تر عمل نمایند. شاید ازدواج این گونه زن و مرد ( خواستگار ازدواج دوم ) در صورت هماهنگی شرایط دیگر، مشکلات کمتری داشته باشد.

10- مردانی هستند که با وجود داشتن زن، قصد ازدواج دوم دارند. چنین ازدواجی در مورد بعضی از مردان نظیر موردی که زن اول آنان عقیم یا مشکلات فیزیولوژیکی و مشابه آن دارد، ممکن است با رضایت زن اول قابل توجه باشد. به هر حال مشاور باید موضوع را بررسی کند و چنانچه انجام امر از روی بوالهوسگی باشد، جوانب امر از نظر شرایط بعدی با مراجع در میان گذاشته شود و دو حالت زندگی با زن موجود و زندگی با دو زن در طول عمر مقایسه گردد؛ چه بسا مراجع از قصد خود منصرف شود. در حالی که هوس او بر نظر مشاور بچربد و اقدام به ازدواج دوم نماید؛ بر مشاور است که در شکست های بعد نیز در جهت مناسب او را راهنمایی کند. مشاور باید متذکر گردد با این که در شرع مقدس اسلام به ملاحظات اجتماعی **تعدد زوجات** جایز است ، ولی در فرهنگ ایرانی دارای مقبولیت اجتماعی نیست. از این رو در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و تبعیت از آن از اصولی است که مشاور باید آن را مورد توجه قرار دهد.

11- مشاوران باید توجه داشته باشند که کمک به امر ازدواج و پیوند زناشویی مناسب، از ثواب عظیمی برخوردار است. بنابراین باید در این مورد بیش از هر عملی تلاش نمایند، وقت صرف کنند، حوصله به خرج دهند تا مرد و زنی را به پیوند زناشویی شایسته ای

برسانند. در مورد ثواب و اجر اخروي کمک به امر زناشويي ، به ذکر حديث زير از نبي اکرم (ص) مبادرت مي گردد:

**هر کس مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم نمايد، خداوند او را با زنان بهشتي تزويج مي فرمايد و به هر قدمي که برداشته و به هر کلمه اي که در اين مورد بيان داشته است، پروردگار عالم ، پاداش یک سال عبادت را براي وي مرحمت مي فرمايد.**

## توصيه ها و شرايط مشاور در امر ازدواج لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بيست و سوم )



در قسمت قبل به **اهميت مشاور براي انتخاب همسر ايده آل** پرداختيم . اينک در ادامه مي خوانيم...

مشاوره در هر امري ضروري است ولي در مورد ازدواج به علت اهميت موضوع ضرورت بيشتري دارد. به همين علت کمتر کسي بدون مشورت با ديگران به **انتخاب همسر** و پيوند زناشويي مبادرت مي کند. در اين مورد آنچه اهميت دارد انتخاب مشاور است. اکثر **جواناني که قصد ازدواج دارند** براي مشورت در انتخاب همسر و تشکيل خانواده به پدر، مادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، عمه، عمو، خاله و دايي روي مي آورند؛ خواه اين افراد صلاحيت اين کار را داشته باشند يا خير و مهمتر اين که گاه مسئله ازدواج به اجبار و تحميل انجام مي شود. پدري که دنيا را در پول مي بيند، همسري را توصيه مي کند که پولدار باشد و گاه اصرار او به اندازه اي است که با استفاده از روابط عاطفي ، نظرش را به فرزندش تحميل مي کند. مادري که به خواهرزاده اش قول ازدواج براي پسرش داده از عاطفه مادري خود براي انجام ازدواج از هر شرايطي استفاده مي کند و بعداً که زناشويي به ناسازگاري و اوقات تلخي منتهي شد، به نصيحت مي پردازد و تقصير را به گردن اين و آن مي اندازد. عمه که پير دختر همسايه را از دیدگاه خود مناسب تشخيص مي دهد، به پسر جوان برادرش توصيه و اصرار مي کند که اين دختر همسايه موقر و خوش اخلاق است و استدلال مي کند که من و شوهرم بيست سال تفاوت سن داريم و خيلي هم خوشبختيم و از زندگي خود راضي هستيم. اينها نمونه اي از مشورت هاي ازدواج است که به هيچ وجه مناسب نيست. حال سؤال اين است که **براي ازدواج بايد با چه کسي مشورت کرد؟** به عبارت ديگر مشاور در امر ازدواج چه شرايطي بايد داشته باشد؟

**شرايط مشاور ازدواج**

مشاور ازدواج باید از دو ویژگی برخوردار باشد: **ویژگی خلقی و شرایط علمی و تخصصی**. مشاور ازدواج از نظر علمی باید حداقل لیسانس و دارای تحصیلات تخصصی مشاوره باشد و در دوره فوق لیسانس واحدهای درسی ویژه مشاوره خانواده را طی کرده و در این زمینه کارآموزی و تجربه لازم کسب کرده باشد. سن در مشاور ازدواج از اهمیت خاصی برخوردار است و بهتر است ازدواج را تجربه کرده و متأهل باشد. از نظر خصوصیات خلقی علاوه بر خصوصیات عمومی مشاوره، مسئله رازداری و ثبات عاطفی نقش مهمتری به عهده دارد. **بنابراین مشاوران ازدواج و خانواده علاوه بر تخصص و ویژگی های شخصی بهتر است سن بالاتری داشته باشند و متأهل و رازدار و از نظر روانی متعادل و از نظر عاطفی با ثبات باشند.**

### توصیه مشاوران در روابط زوجین

برای آنکه زندگی زناشویی از شادی و نشاط لازم برخوردار باشد، زن در برابر شوهر باید اصولی را رعایت کند.

**در توصیه های زیر طرف خطاب زن خانواده است:**



- 1- در کلیه موارد معیشت اعم از تملک و درآمد و غیره از کلمه "ما" استفاده نمایید نه من و تو. پس از عقد، زندگی مشترک شروع شده و دیگر من و تو مطرح نیست.
- 2- در مقابل شوهر خود هر چند حق با شما باشد، لجبازی و اصرار نکنید.
- 3- شوهر خود را بخصوص در مقابل بستگانش تحقیر نکنید و از تعریف و تمجید بستگان خود در مقابل آنان پرهیز نمایید.
- 4- از **مخالفت و مشاجره** با شوهر خود بپرهیزید.
- 5- چنانچه کمک هایی از طرف بستگان شما به شوهرتان شده، آنها را به رخ او نکشید.
- 6- با دوستان و آشنایان شوهرتان در معاشرت ها بیش از حد معمول گرم نگیرید.
- 7- شوهر خود را در معاشرت با اقوامش محدود نکنید.
- 8- در رفت و آمد و معاشرت با بستگان شوهر خود پیشقدم باشید.
- 9- به بستگان نزدیک شوهر خود ( مادر شوهر، پدرشوهر، برادر شوهر، خواهرشوهر و ... ) بیش از خویشاوندان دیگر احترام بگذارید.

- 10- زحماتي که براي پذيرايي خويشاوندان شوهر خود متحمل مي شويد ، به رخ شوهر خود نکشيد.
- 11- چنانچه درآمدي داريد و براي زندگي هزينه مي کنيد، آن را بازگو نکنيد.
- 12- از مردان ديگر نزد شوهرتان تمجيد نکنيد. هيچ مردی را بر شوهرتان ترجيح ندهيد و در گفتار اين موضوع را رعايت کنيد.
- 13- براي انجام در خواست هاي خود با شوهرتان با خشونت و آمرانه برخورد ننماييد.
- 14- براي برآوردن نيازمندي هاي خود از نظر مادي و غيرمادي ، امکانات شوهر خود را در نظر بگيريد و او را تحت فشار نگذاريد.
- 15- خود را براي شوهرتان بياراييد و بهترين و تميزتري لباس خود را در مقابل وي بپوشيد.
- 16- در مقابل شوهر خود با حالت افسرده و اخمو حاضر نشويد. او را در موقع ورود به خانه با لبخند و شاد و خندان استقبال کنيد.
- 17- پس از مراجعت شوهر خود به خانه کارهاي خود را حتي الامکان کنار بگذاريد و در حضور او بنشينيد و با سخنان خوشايند و با گرمي از او پذيرايي کنيد.
- 18- در موقع خروج از خانه او را بدرقه کنيد و با گرمي با او خداحافظي کنيد.

### رفتار شوهر در قبال زن

همان طور که زن در قبال شوهر وظيفي دارد، شوهر نیز در برابر زن بايد اصولي را رعايت کند تا زندگي مشترک آنان از نشاط و وقت خوش برخوردار باشد.



در اين قسمت طرف خطاب ، شوهر است و توصيه هاي زير از مواردی است که بايد مورد توجه و عمل او قرار گيرد:

- 1- در مقابل همسر خود ، گرفتاري هاي روزانه و حوادث تلخ زندگي را با اخم و حالت عبوس مطرح نکنيد.
- 2- "هديه" مهر و محبت را زياد مي کند؛ به مناسبت هاي مختلف براي همسر خود هديه اي ، ولو کوچک خريداري و با حالت شاد و خندان به او تقديم کنيد.

- 3- چنانچه کم و کسری در خدمات خانه وجود دارد، با کمال محبت و خوشرویی تذکر دهید. اخم و خشونت زندگی زناشویی را به تباهی می کشاند.
- 4- در حضور همسر خود به هیچ وجه از زنان دیگر تمجید نکنید.
- 5- به بستگان همسر خود مانند پدر، مادر و سایر اقوام خود احترام بگذارید و برای دعوت آنان به خانه، قبل از همسر خود اقدام کنید.
- 6- هرگز از معاشرت همسر خود با بستگان و خویشاوندانش جلوگیری نکنید و در معاشرت و دید و بازدید با بستگانش پیشقدم باشید.
- 7- در حضور همسر، با بستگان خود درگوشی سخن نگوئید و نجوا نکنید.
- 8- همسر خود را هیچ گاه، بخصوص نزد بستگانش سرزنش و تحقیر نکنید. توهین و بی احترامی به همسر، از صفا و صمیمیت در زندگی زناشویی می کاهد.
- 9- هیچ گاه خود را برتر از همسر خود معرفی نکنید. سعی کنید " من " و " تو " در زندگی نباشد. کلمه " ما " زندگی را گرم و لذتبخش می کند.
- 10- وقتی **همسر** شما عصبانی است؛ او را با مهر و محبت آرام کنید.
- 11- با همسر خود هیچ گاه لجاجت و مشاجره نکنید.
- 12- سعی کنید برای گردش و مهمانی رفتن همراه زن و فرزندان وقت بگذارید و پیشنهاد همسر خود را در این مورد به علت کار و خستگی رد نکنید.
- 13- امتیازات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فامیل خود را در صورتی که با همسر شما فاصله دارد، مطرح نکنید.
- 14- کارهای همسر خود را تحسین کنید. تمجید و ستایش زن، کلید کامیابی در زندگی زناشویی است.
- 15- در قبال همسر خود در امور مختلف قدرت نمایی نکنید.
- 16- هیچ گاه زحمات و هزینه هایی که برای پذیرایی خویشاوندان همسر خود تقبل می کنید، بر زبان نیاورید و بر او منت نگذارید.
- 17- همسر خود را در خانه محصور و محدود نکنید.
- 18- در مقابل همسر خود شاد و خندان باشید.

### **توصیه مشاوران به مراجعان در آستانه ازدواج**

دختر و پسر دم بخت برای آنکه از نعمت ازدواج مناسب برخوردار گردند، باید اصولی را رعایت کنند. بخشی از مواردی که توسط مشاوران خانواده توصیه می شود، به شرح زیر است:

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس زیاد نداشته باشید. سعی کنید با دید اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری نمایید.



- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده هاي زوجين سختگيري مي کنند، براي متقاعد کردن آنان از مشاور خانواده استفاده کنید.
- 4- از ازدواج تحميلي خودداري کنید.



- 5- مراسم ازدواج را در ایام مبارک و چه بهتر که در روزهاي تولد معصومين ( ع ) انجام دهید و نیت خود را در ازدواج خالص کنید.
- 6- در انتخاب همسر پس از بررسی معیارهاي طرف مقابل ، وضعیت خود را با آن مقایسه کنید و در صورت هماهنگي تصمیم گيري نمایید. بدون توجه به شرایط خود انتخاب ایده آلي ننمایید.
- 7- در انتخاب همسر از پدر، مادر و خویشاوندان نظرخواهي کنید؛ ولي مواظب باشید که به علت عدم تخصص ممکن است نظر آنان تحت تأثیر معیارهاي خاص، مناسب نباشد. حتماً با یک مشاور واجد شرایط در این زمینه مشورت کنید.
- 8- براي شناخت همسر از هر دو روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده نمایید و حتماً قبل از خواستگاري به طور مستقیم از طریق مشاهده و گفت و شنود او را شناسايي کنید.
- 9- در انجام ازدواج، مراحل مختلف آن را ضمن پرهیز از هزینه هاي بي مورد و هرگونه اسراف انجام دهید.
- 10- در مورد مهریه، مراسم ازدواج و جهیزیه سختگيري نکنید؛ تا وضعي پيش نیاید که این امور مانع ازدواج شود و یا طرفین را به زحمت اندازد.
- 11- چون ازدواج یک قرارداد زندگي مشترک است ، بنابراین طرفین ازدواج باید هرگونه شرایطي را که در این قرارداد لازم مي دانند در عقد نامه ذکر کنند و در این مورد قبلاً توافق نمایند.
- 12- چون مسائل مربوط به ازدواج بسیار حساس و دقیق است و دانستن آنها در تشکیل زندگي شاد و سعادت مند نقش مؤثري دارد؛ لذا شرکت دختران و پسران در کلاس هاي توجیهي قبل از ازدواج ضرورت دارد.

13- برنامه های دوره آموزشی خانواده، قبل ازدواج باید دختر و پسر را با هدف ها، وظایف و حقوق زندگی مشترک زنشویی آشنا سازد. بنابراین لازم است چنین برنامه هایی حداقل به صورت فوق برنامه و حتی در برنامه های دبیرستان و دانشگاه گنجانده شود.

14- در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان وی نیز ضرورت دارد؛ بنابراین وضعیت اقوام و دوستان و بخصوص بستگان نزدیک را در همسر گزینی (تعداد خواهر و برادر) نباید نادیده گرفت.

15- سعی کنید صرفاً تحت تأثیر یک عامل شاخص و برجسته و گول زننده تصمیم گیری ننمایید. در این مورد با توجه به همه عوامل اقدام کنید.

## صدای مشاور" در رابطه با مشاوره خانواده لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و چهارم )



در قسمت قبل به توصیه ها و شرایط مشاور در امر ازدواج پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم:

یکی از اقدامات مهم سازمان بهزیستی، راه اندازی و توسعه برنامه "صدای مشاور" است. این برنامه که به مشکلات و مسائل مراجعان خود از طریق تلفن پاسخ می دهد؛ می تواند خدمات مفیدی در جهت کمک به خانواده ها ارائه نماید. " صدای مشاور" از تعدادی خط تلفن تشکیل شده که افرادی با تخصص های مختلف مشاوره، از طریق این تلفن ها پاسخگویی سؤالات و مشکلات مراجعان خود می باشند. این برنامه با این که بسیار مفید است، ولی نمی تواند جای مشاوره حضوری را بگیرد چون اصولاً یکی از **مشخصه های مشاوره رو در رو بودن آن است**. بنابراین در جهت تکمیل این برنامه لازم است مراکز مشاوره خانواده نیز در قسمت های مختلف شهر تشکیل شود و **مراجعات تلفنی** به مراکز مذکور ارجاع داده شوند. تشکیل این مراکز در برنامه سازمان بهزیستی قرار گرفته و تعداد محدودی از آنها نیز شروع به کار نموده اند و امید می رود که به تدریج تعداد آنها را افزایش یابد.

در **تماس تلفنی** ایجاد رابطه تنها از طریق بیان و ارتباط کلامی است؛ حال آنکه ارتباط های غیر کلامی بسیار مهمتر و گویاتر است. در مقابل این خصیصه گفته می شود که در برنامه "صدای مشاور" چون مسائل خانواده ها اکثراً جنبه محرمانه دارد، مراجعان به علت عدم حضور، مسائل و مشکلات محرمانه خود را راحت تر بیان می کنند. برای توضیح این مطلب باید گفت چنانچه مشاوره با توجه به اصول و فنون مربوط اجرا شود و رابطه حسنه برقرار گردد، مراجع با کمال راحتی و بدون هیچ شرم حضور مطالب خود را بیان خواهد نمود و مشاور با استفاده از ارتباط های کلامی و غیر کلامی و با کاربرد اصول و فنون مشاوره، حداکثر کمک را در زمینه رفع مشکل به مراجع خواهد نمود.

### مشاوره خانواده

اصول کلی مشاوره، جز آن که کاربرد آنها باید با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات خانواده انجام گیرد معتبر است. مشاوره از نظر تعداد مراجع دو نوع است: **مشاوره فردی و مشاوره گروهی**. در مشاوره خانواده از هر دو نوع مشاوره استفاده می شود؛ ولی اصل بر انجام مشاوره گروهی است، (مشاوره ای که تمام اعضای خانواده در آن شرکت داشته باشند) چون مشکلاتی که در خانواده وجود دارد غالباً به همه اعضا مربوط می شود، بنابراین باید کلیه اعضا از نظر تعیین نوع مشکل، و هدف های مشاوره، در جلسات مشاوره مشارکت داشته باشند و همکاری نمایند. گاه الزاماً مشاوره، "فردی" انجام می شود. مثل **دانشجویی** که از خانواده دور افتاده و به علت فراق و گرفتاری های مربوط به آن دچار ناراحتی و نگرانی است، در این مورد چون خانواده در دسترس نیست الزاماً مشاوره به صورت فردی انجام می گیرد؛ و سپس می توان از طریق تلفن، مکاتبه، دیدار با خانواده یا به صورت های دیگر با اعضای خانواده تماس برقرار کرد.



### مشکلاتی که در خانواده وجود دارد می تواند در ارتباط با افراد زیر باشد:

- 1- فرزندان؛
- 2- پدر و مادر؛
- 3- پدر بزرگ و مادر بزرگ؛
- 4- فامیل و سایر اعضای خانواده.

مشکل درباره هر یک از اعضای خانواده باشد مربوط به ساختار آن است، هر یک از اعضا در ایجاد و رفع مشکل، نقش دارند. بنابراین مشاور باید به انحاء مختلف همه اعضا را به جلسه مشاوره بکشاند، و مشکلات را در جلسات گروهی مطرح نماید.

## نمونه هایی از مسائل خانواده را می توان به شرح زیر برشمرد:

- فرزند عقب مانده ذهنی یا معلول جسمی و حرکتی؛
  - فرزند با رفتارهای انحرافی و ناهنجار ( دزدی ، خرابکاری ، ناسازگاری ، ولگردی ، گوشه گیری ، زورگویی و...) ؛
  - فرزند فراری از مدرسه ؛
  - فرزند بی علاقه به تحصیل و کار؛
  - ناهنجاری های رفتاری پدر و مادر؛
  - تضاد فکری والدین در امور معیشتی و تربیتی فرزندان؛
  - رفتارهای نادرست پدربزرگ و مادربزرگ در ارتباط با مسائل تربیتی فرزندان؛
  - بیماری و از کارافتادگی پدربزرگ و مادربزرگ و سایر افراد خانواده؛
  - امور مربوط به دید و بازدیدها و مهمانی های فامیل های مادر یا پدر ، و اختلاف نظر مادر یا پدر در این مورد؛
  - روابط ناهنجار مادرشوهر با عروس ، یا برعکس.
- گاهی اوقات مشکلات در ارتباط با حوادثی است که برای خانواده پیش می آید ؛ نظیر بیکار شدن پدر یا مادر، مرگ و میر اعضای خانواده ، بازنشستگی پدر و گرفتاری های مالی، بیماری غیر مترقبه ، متولدین جدید، عروس و داماد شدن فرزندان و نظایر آن. مشاوران باید هر یک از آسیب ها و مشکل ها را جداگانه بررسی نمایند و حتی الامکان در جلسات مشاوره از کلیه اعضای خانواده استفاده کنند.



## روش های مشاوره خانواده

دانستن اصول و روش های مشاوره خانواده به دلیل ساختار خاص و مشکلات و مسائل ویژه آن برای مشاورانی که در این زمینه کار می کنند، ضروری است. در اینجا به اهم روش ها اشاره می شود:

- 1- در نخستین مصاحبه بخصوص در مورد مشکلات کودکان، باید از اشخاص ذیربط از جمله والدین، معلمان و مشاور مدرسه دعوت به عمل آید. در مشاوره خانواده بویژه در جلسه مصاحبه ، حضور همه اعضا و افراد مربوط مورد تأکید است.

2- در مواردی که مشکل خانواده مربوط به فرزندان باشد و موضوع به جایی برسد که کودک باید تست شود؛ بهتر آن است که اعضای خانواده از پشت آینه یک طرفه نحوه اجرا و جریان آزمون را ببینند؛ تا در زمان تجزیه و تحلیل تست آشنایی بیشتری داشته باشند.

3- در مشاوره خانواده بعضی مراجعان اجباراً برای مشاوره ارجاع شده اند؛ نظیر مراجعانی که از طرف مدرسه یا دادگاه مدنی خاص ارجاع می شوند. در این موارد که غالباً مراجعان ناراحت و عصبانی هستند مشاور باید با ایجاد رابطه حسنه، آنان را برای مشاوره آماده نماید و در برخورد با آنان شرایط محیطی را نیز در نظر بگیرد.

4- مراجعانی هستند که مشکلشان در رابطه با خانواده است؛ ولی مایل نیستند اعضای خانواده درگیر مشاوره و درمان شوند. در این موارد مشاور نباید اجازه تصمیم گیری در انتخاب روش مشاوره و درمان را به مراجع بدهد؛ بهتر است او را نیز برای این که روش درمان را بپذیرد، آماده سازد.

5- مراجعانی که اصرار بر مشاوره انفرادی دارند، مصاحبه با آنان باید به تنهایی انجام شود؛ اما ادامه کار طولانی خواهد بود. گاه شروع با مصاحبه انفرادی، فراخواندن افراد ذیربط در جلسات بعدی مصاحبه را دشوارتر می کند و در نتیجه درمان کندتر خواهد بود. شرکت افراد بیشتر در مصاحبه درمان را سریع تر و مؤثرتر می نماید. این مطالب را باید با این قبیل مراجعان در میان گذاشت

## فرایند نخستین مصاحبه در ازدواج لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و پنجم )



در قسمت قبل به مبحث " صدای مشاور در رابطه با مشاوره خانواده " در ارتباط با مشاوره خانواده پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در نخستین مصاحبه ، معمولاً کلیه اعضای خانواده دعوت می شوند. فرایند این مصاحبه عبارت است از:

1- مرحله آشنایی؛

2- بیان و بررسی مشکل؛

3- تعامل ؛

4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب؛

### 1- مرحله آشنایی

در مرحله آشنایی مشاور باید با استفاده از تعارف های معمول ، رابطه حسنه برقرار نماید. ابتدا خود را معرفی کند و اسامی اعضای خانواده را بپرسد و به هر نحو ممکن جو خودمانی و دوستانه ایجاد نماید. ضمناً رعایت نکات زیر ضرورت دارد:

- مشاور باید تمامی رفتارها و نحوه نشستن و سخنان و عکس العمل های افراد گروه را مشاهده نماید تا بتواند به وضعیت **خانواده** و ترکیب اعضا پی ببرد.

- در مرحله آشنایی، چنانچه از طرف یکی از اعضا مشکل مطرح شود، باید به نحوی که به رابطه حسنه لطمه ای وارد نشود موضوع را متوقف نماید. مرحله بیان مشکل، باید پس از مرحله آشنایی و ایجاد رابطه حسنه انجام گیرد.

- در این مرحله مشاور ضمن مشاهده باید تشخیص دهد چه اعضایی با اکراه آمده اند؛ چه کسانی مصنوعاً خود را خوشحال نشان می دهند و نحوه رفتار اعضای گروه به ویژه رفتار با **کودکان** چگونه است؛ فرهنگ خانواده چه وضعی دارد. اینها مواردی است که در مشاهده باید مورد توجه قرار گیرد.

- نکته مهم و قابل توجه آن است که مشاور نباید نتایج مشاهدات خود را با خانواده در میان بگذارد.

### 2- مرحله بیان و بررسی مشکل

چون کلیه اعضای خانواده دقیقاً علت دعوت را نمی دانند، در این مرحله مشاور باید سبب تشکیل جلسه را روشن سازد. او باید بگوید، من نظر کلیه اعضای حاضر در جلسه را باید در مورد مشکل مورد نظر بدانم. او می تواند در این مورد با طرح یک پرسش از اعضای گروه بخواهد علت مشکل را بیان کنند، مثلاً بگوید:

مشکل شما چیست؟

از من چه انتظار دارید؟

علت حضور در این جلسه چیست؟

معمولاً مادر یا پدر خانواده در مقام پاسخ به صحبت می پردازند؛ در اینجا بحث بر این است که مشاور خطاب به چه کسی موضوع را مطرح سازد:

خطاب به مادر، پدربزرگ، فرزندان ،...؟

رفتار مشاور باید با توجه به فرهنگ خانواده و شرایط حاکم بر آن متفاوت باشد؛ ولی طرف خطاب باید فردی باشد که تمام خانواده او را به بزرگی قبول دارند و قدرت تصمیم گیری در دست اوست. در بعضی خانواده ها قدرت دست خانم **خانه** است، در بعضی خانواده ها پدر ، و در بعضی پدر بزرگ یا مادر بزرگ. آنکه قدرت **خانه** در دست او است و می تواند اعضا را در جلسه بعد به مشاوره بکشاند، باید در مورد بیان مشکل مورد خطاب واقع شود. اگر مشاور نداند و یا نتواند احساس کند که در خانه تصمیم گیرنده کیست، می تواند نگاهش را به طرف سقف یا زمین متوجه سازد و بگوید چه کسی می

تواند مشکل را بیان کند؟ که در این صورت آن که شروع به صحبت کند، سخنگوی خانواده خواهد بود.

در **مشاوره** ی گروهی خانواده، صحبت باید به نوبت انجام گیرد و اگر کسی بخواهد زیاد صحبت کند و به دیگران فرصت ندهد، باید مشاور به صورتی که طبیعی باشد، با رعایت نوبت، از دیگری درخواست کند که به صحبت بپردازد و اگر یکی صحبت دیگری را قطع کند و به بیان خود ادامه دهد، در نخستین فرصت صحبت را به نفر اول برگرداند. بهتر است صحبت از بزرگ خانواده شروع شود و به **فرزند** دشوار یا فردی که مشکل متناسب به اوست؛ خاتمه یابد. مشکل ، گاه در ارتباط با یک نفر است ، گاه دو، سه نفر و یا بیشتر. هرچه باشد از کلیه اعضای خانواده برای رفع مشکل باید استفاده شود و حتی الامکان همه افراد خانواده به اولین جلسه مشاوره ( یا در صورت ضرورت به تمام جلسات ) کشانده شوند.



### 3- تعامل

در فرایند تعامل، مشاور نقش ناظر و رهبر گروه را به عهده دارد و سعی دارد تا اعضای خانواده را به بحث و گفتگو با یکدیگر بکشاند. این مرحله مهم است که مشاور طوری جلسه را رهبری کند که همه اعضای خانواده با یکدیگر به گفتگو و اظهار نظر بپردازند. چنانچه بحث بین دو نفر به طول انجامید ، مشاور باید نفر سوم را داخل روند گفتگو کند، تا جریان گفتگو از سطح دو نفر خارج شود؛ مثلاً با خطاب به نفر سوم بگوید: نظر شما در مورد بحث این دو نفر چیست؟ بدین طریق مسیر بحث را به نفر بعدی تغییر دهد. مشاور باید ترتیبی دهد که همه اعضا به اظهار نظر بپردازند؛ از جمله به کودکی که احتمالاً مشکل خانواده است، فرصت داده شود تا در مورد مشکل خود و رفع آن اظهار نظر کند.

**مشاور خوب آن است که جلسه را طوری رهبری کند که در پایان جلسه در مورد انتظارات اعضای خانواده وحدت نظر به وجود آید، تا درمان به خوبی انجام گیرد.**

در بحث اعضای خانواده باید از به کار بردن اصطلاحاتی نظیر « **اسکیزوفرنی** » ، « اختلال هویت » و « ضعف نفس » خودداری شود. آنچه مورد بحث قرار می گیرد، رفتارها و ظواهری است که علایم مشکل هستند. به طور کلی می توان گفت مرحله « تعامل »

فرصت دادن به اعضای گروه است به منظور بحث با یکدیگر در مورد مشکل و انتظارات آنان؛ و نقش مشاور رهبري بحث است تا جايي که در نظرات، وحدت به وجود آورد و در نتیجه کار درمان تسهیل گردد.

#### 4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب

در این مرحله، هدف ادامه مصاحبه در جلسات بعد مشخص می شود. منظور از ایجاد هدف، ایجاد تغییرات مورد انتظاري است که با حصول آنها، مشکل رفع می گردد. اگر مرحله تعامل خوب اداره شده و بین انتظارات خانواده هماهنگی به عمل آمده باشد، تغییرات مورد نظر مشخص می گردد؛ در غیر این صورت به علت عدم همکاری کامل خانواده، شانس موفقیت کمتر خواهد بود. به عنوان مثال اگر تمام اعضای خانواده روي مشکل " دزدی یکی از بچه ها " هماهنگی داشته باشند در این صورت چنانچه تکلیفی از طرف مشاور به آنان داده شود همکاری خواهند کرد و موفقیت درمان بیشتر خواهد بود. نکته دیگر این که باید بین اعضای خانواده و مشاور نیز در مورد مشکل هماهنگی باشد و اعضای خانواده اطلاعات لازم را در اختیار مشاور قرار دهند. پس از تعیین هدف و انتظارات مورد نظر، جلسه مصاحبه با قرار جلسه بعد خاتمه می یابد. مشاور در فاصله دو مصاحبه ، تکلیف اعضای خانواده را مشخص می کند و در مورد غایبان جلسه که وجود آنها در جلسه بعد ضرورت دارد، از حاضران درخواست می کند تا آنان را برای حضور در جلسه بعد دعوت نمایند.



#### روان درمانی خانواده

پس از اجرای نخستین مصاحبه و طی مراحل چهارگانه آن یعنی انجام آشنایی، بررسی مشکل، تعامل و تعیین هدف و تغییرات مورد نظر در مصاحبه های بعدی، مسئله درمان مطرح می گردد. هدف درمان خانواده فقط ایجاد تغییر در یک عضو خانواده نیست، بلکه ایجاد تغییر در ساختار خانواده و تسلسل رفتار در بین اعضای آن است. چون درمان در مورد فرد و خانواده نسبت به فرد یا خانواده دیگر متفاوت است؛ و این خود نیاز به بحث مفصل دارد، لذا در این مجمل به ذکر مواردی که پرهیز از آنها ضرورت دارد بسنده می شود:

- مشاور باید از حمایت های مداوم دست بردارد. منظور این است که نباید مشاور در مقابل مرد از زن ، و یا از زن در مقابل مرد ، و از کودک در مقابل پدر و مادر حمایت کند. حمایت موارد خاصی دارد که آن هم به ضرورت و به ندرت انجام می گیرد.
- مشاور باید از بحث های فلسفی و کلی با مراجع احتراز کند. چنانچه مرد یا زنی ، مشاور را به بحث در مورد فلسفه زندگی کشیده اند، باید از آنان بخواهد که در



مورد رفتارهای ملموس و مسائل زندگی خود بحث کنند تا بتواند آنان را به طرف سازگاری بیشتر سوق دهد.

- **مشاور باید از کوچک و بزرگ کردن مشکلات پرهیز کند.** اگر برای تخفیف ناراحتی مراجع مشکل را کوچک کند، مراجع در می باید که او موضوع را درک نکرده؛ و چنانچه مشکل را دشوارتر مطرح کند تا **اضطراب** و ناراحتی مراجع را افزایش خواهد داد. هنر مشاور آن است که موضوع را آن طور که هست دریابد و برای درمان براساس واقعیت اقدام نماید.

- **زمانی که زن و شوهر روی مسائل گسترده و موضوع های کلی بحث می کنند.** مشاور باید آنان را از کلی گویی و طرح مسائل غیر ملموس، به طرح رفتارهای مشخص و ملموس سوق دهد، تا بتواند طرح درمانی و دستورات عمل اصلاحی ارائه و نسبت به رفع مشکلات آنان اقدام کند.

- **مشاور باید از درمان مشابه در مقابل مشکلات مشابه پرهیز کند.** گاهی مشکلات یکسان، ولی علل وجودی آنها متفاوت است. دو کودک که دزدی می کنند، ممکن است علت دزدی یکی، کمبود محبت و علت دزدی دیگری مشکلات مالی باشد؛ که درمان دو مورد متفاوت است. بنابراین چون "معلول مشابه" دارای "علل متفاوت" است؛ طرح های درمانی آنها نیز متفاوت خواهد بود.

- **مشاور باید در روان درمانی خانواده، هدف ها را مشخص سازد.** نامشخص ماندن آنها، راه رسیدن به مقصود را طولانی و گاه دشوار می سازد. بنابراین مشاور باید از ابهام و نامشخص ماندن هدف های درمانی پرهیز کند.

- **مشاور جوانی که خود ازدواج نکرده، نباید در مقابل زن و شوهری که مدت ها با هم زندگی کرده اند و در زناشویی تجربه های زیادی دارند با تکیه بر تخصص خود اظهارات خردمندانه غیر واقعی کند.** او باید خود را در مقابل آنان "فردی که اطلاعات تخصصی دارد"، معرفی کند و اظهار دارد که به عنوان یک مشاور در حد امکان به آنان کمک خواهد نمود.

## **مشاوره در ارتباط با حوادث خانوادگی** **لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و ششم )**



در قسمت قبل به **فرایند نخستین مصاحبه** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...  
خانواده ها معمولاً با حوادثی مواجه می شوند که آنان را آشفته و پریشان می کند. در پاره ای موارد چنانچه مورد حمایت و کمک قرار نگیرند، ممکن است بعضی از افراد خانواده را تا سر حد جنون سوق دهد. **حوادث و بحران هایی که احتمال دارد در خانواده پیش بیاید عبارت اند از:**

- مرگ پدر و مادر ؛
- مرگ پدربزرگ و مادربزرگ و سایر بزرگسالان فامیل ؛
- ازدواج فرزندان و رفتن آنان به شهرها یا کشورهای دیگر؛
- رفتن فرزندان پسر به نظام وظیفه ؛
- بازنشستگی؛
- عروس و داماد شدن فرزندان و تنها شدن زن و شوهر؛
- تغییر در تعداد اعضای خانواده ( افزایش فرزند، برگشت فرزندان بزرگسال مطلقه و بیوه) ؛
- وقوع بیماری حاد.

در این موارد مشاور باید اعضای خانواده را با این حقیقت مواجه سازد که مشکلات مذکور را نمی توان از زندگی خارج ساخت. باید آنها را پذیرفت و خود را با شرایط جدید، سازگار نمود. معمولاً اعضای خانواده در مواجهه با حوادث فوق به سرعت خود را تطابق می دهند ؟ زندگی عادی خود را ادامه می دهند. در مقابل حوادث بالا حوادثی وجود دارد که قابل پیش بینی نیست و اعضای خانواده برای وقوع آنها آمادگی ندارند، از جمله این حوادث عبارت اند از:

- مرگ فرزندان و جوانان خانواده بر اثر تصادف و رخدادهایی نظیر آن؛
- مبتلا شدن فرزندان و جوانان خانواده به بیماری های صعب العلاج و در نهایت فوت آنان؛
- شهید یا اعدام شدن اعضای خانواده؛
- گرفتاری های مالی نظیر اخراج یا بیکار شدن نان آور خانواده؛

- ورشکستگی؛

- خسارات مالی و جانی در اثر **حوادث طبیعی** نظیر زلزله، سیل و طوفان و یا خسارات ناشی از جنگ و غیره.

- مبتلا شدن اعضای خانواده به **اعتیاد**، انحراف های رفتاری نظیر دزدی، آدم کشی، خرابکاری و یا وارد شدن به گروهک های سیاسی و غیره.

در مواجهه با مراجعانی در ارتباط با حوادث و موارد بالا، چنانچه مشاوران ماهرانه و به موقع عمل نمایند، گاه مصیبت وارده به اندازه ای شدید است که احتمال دارد عضو یا اعضای از خانواده را به **خودکشی** یا جنون بکشاند.

روش و نحوه عمل در هر موردی با مورد دیگر متفاوت است، ولی مورد قابل ذکر آن است که باید اعضای خانواده را برای پذیرش وضعیت جدید آماده ساخت و بعد برای غلبه بر آن برنامه ریزی نمود. یکی از اصول **غلبه بر مشکلات**، پذیرفتن مشکل و تشخیص نوع آن است و اقدام بعدی پیدا کردن راه حل برای رفع آن. از جمله اقداماتی که در این مورد قابل طرح است، اشتغال فرد به کارهای مورد علاقه اش می باشد، تا فرصت برای تفکر در مورد حوادث پیش آمده نداشته باشد. این که فرد یا افراد خانواده دست از کار بکشند و در گوشه ای فکر خود را به حوادث مشغول کنند، شیوه ای است بسیار خطرناک، و سرانجام آن **اختلال های روانی** و ناهنجاری های رفتاری است. جبران حادثه و ایجاد فرصت برای عقده گشایی نیز از روش های دیگری است که مشاور می تواند از آن برای تخفیف ناراحتی ها استفاده نماید.

چون نحوه عمل در هر مورد وضعیت خاص خود را می طلبد و بحث در این زمینه مستلزم طرح مطالب مفصلي است که حجم آن، خود می تواند موضوع کتاب جداگانه ای باشد؛ لذا در این مقال به همین اشاره، اکتفا می شود.



### **دستورالعمل مشاوران در ارتباط با بهداشت روانی خانواده**

مشاوران برای حاکمیت جو مناسب در خانواده و تغییر رفتارهایی که موجب آشفتگی و پریشانی آن می شود، باید اطلاعات زیر را در اختیار مراجعان خود قرار دهند:

1- زن و شوهر باید بدانند که اکثر درگیری های آنان به علت سوء تفاهم و نگرش های منفی است؛ بنابراین **خوشبینی** در امور، حلال بسیاری از مشکلات می باشد.

2- توجه به جنبه های مثبت در ایجاد جو مناسب در خانواده اهمیت خاصی دارد ، بنابراین زن و شوهر باید از رفتارهای منفی یکدیگر به خاطر رفتارهای مثبت صرفنظر نمایند.

3- هر یک از زوجین باید دنیا را از دریچه چشم همسر خود ببیند ، تا توقعات و انتظارات او قابل توجیه باشد.

4- مصاحبت و معاشرت در ایجاد تفاهم و فضایی صمیمی و لذت بخش نقش مهمی به عهده دارد. بنابراین زن و شوهر باید با همه ی مشغله ای که دارند ، ترتیبی بدهند که بخشی از اوقات خود را در کنار یکدیگر بگذرانند.

5- در بحث و گفتگو ، از قطع کلام همسر خود پرهیز کنند و با دقت و توجه کامل به سخنان او گوش دهند.

6- به رفتارهای ناخوشایند گذشته و خاطرات بد نباید اشاره یا استناد شود ( چنین رفتارهایی ممکن است در اوایل ازدواج یا قبل و بعد از آن وجود داشته باشد).

7- در مقابل خواسته ها و اعمال نظر یکدیگر باید انعطاف پذیری نشان داد. جنگ قدرت و لجاجت ، روابط خانوادگی را آشفته می سازد.

8- جلسات خانوادگی تشکیل دهند و اختلافات خود را در این جلسات حل نمایند؛ در صورت ضرورت می توانند از یک مشاور نیز دعوت کنند.

و بالاخره دهها مورد دیگر که می تواند در روابط مطلوب خانواده مؤثر باشد، که ذکر کلیه آنها در این مقال نمی گنجد. رعایت این نکته ها، بهشتی در دنیای چهار دیواری خانه ایجاد خواهد نمود که خود می تواند رهنمودی به بهشت آخرت باشد.



### فنون مشاوره خانواده

در مشاوره خانواده از تمام اصول و روش های مشاوره استفاده می گردد ، ولی به علت طبیعت موضوع ، مشاوره خانواده خود دارای ویژگی هایی است که به مواردی از آنها اشاره می شود:

1- مشاور پس از برقراری رابطه حسنه برای شناخت مشکل، پدر، مادر، و سپس دیگر اعضای خانواده را مورد سؤال قرار می دهد و می پرسد " فکر می کنید مشکل اصلی خانواده شما چیست؟"

2- مشاور در جلسه جداگانه ای چگونگی آشنایی و انگیزه ها و علل ازدواج زن و شوهر را مورد بررسی قرار می دهد و ریشه اختلافات موجود را جستجو می کند.

3- مشاور می تواند ترتیبی بدهد که صحنه های مشاجره و رفتارهای ناهنجار کلامی و غیر کلامی خانواده را ضبط کند و از طریق نوار ویدئو آن را برای مشاهده اعضای خانواده نمایش دهد. این کار اعضای خانواده را متوجه زشتی رفتار و کردار آنان می سازد و پذیرش دستورالعمل های مشاور را تسهیل می نماید.

4- توجه به حال و آینده: با آن که از نظر بررسی حال و آینده ، گذشته مهم است؛ ولی تکیه زیاد بر آن، در مشاوره خانواده، گاه مشکلاتی ایجاد می نماید. در این مورد توجه به نکات زیر ضروری است:

4-1- در اولین مصاحبه یا ابتدای جلسه مصاحبه ، اطلاع و یادآوری مختصری از گذشته لازم است.

4-2- طرح گذشته زمانی مفید است که حاکی از وضعیتي باشد که خانواده مشکلي نداشته؛ و فضای صمیمی و گرمی بر خانواده حاکم بوده است. در این مورد یادآوری آن زمان می تواند انگیزه ای در تغییر وضع موجود باشد.

4-3- در غیر حالت های بالا، حتی الامکان باید از گذشته صرف نظر کرد و توجه را به حال و آینده معطوف ساخت.

5- نزاع بر سر قدرت: چنانچه مشکل زن و شوهر ، موضوع **نزاع** بر سر قدرت در خانواده باشد، مشاور نباید خود را درگیر این مسئله کند؛ زیرا موضوع ایجاب می کند که یکی از دو را رد ، و دیگری را حمایت نماید. مشاور باید نسبت به روشن شدن علت یا علل و ریشه یابی آن اقدام کند و نزاع و اختلاف را که معلول علل دیگری است، به طور ریشه ای حل نماید.

6- اتخاذ مواضع غیر قابل انعطاف: چنانچه زن یا شوهری موضعی اتخاذ کند که حاضر به تغییر آن نباشد؛ مشاور باید او را متوجه سازد که شرط **زندگی شاد** و صمیمی، گذشت و انعطاف است. او باید امکان مذاکره و شناخت راههای انعطاف پذیر و تغییر رفتار زن و شوهر را در جهت یک زندگی گرم و با نشاط بیابد و برای پذیرش آن از سوی اعضای خانواده تلاش کند. او باید متذکر شود که پافشاری روی موضوع خاص ممکن است منجر به خسارات غیر قابل جبران گردد.

7- اظهار انتظارات زن و شوهر: یکی از اموری که مشاور باید بدان توجه کند ، آن است که زن و شوهر را به اظهار انتظارات صریح از یکدیگر ترغیب نکند. در این مورد بهتر آن است که درخواست، به طور غیرمستقیم انجام گیرد. مثلاً به زن گفته شود که در خواست خود را طوری به شوهر خودتان ارائه کنید که منظور شما را پس از قدری تأمل درک کند؛ یا اظهار کنید چنانچه لوستر حال خانه از نوع A باشد زیبایی خاصی به آنجا می دهد. اظهار انتظارات به طور غیرمستقیم ضمن آن که **شوهر** را متوجه موضوع می کند ، به هیچ وجه موجب برانگیختن انگیزه های مقاومت و مخالفت نمی شود و چنانچه در حوزه قدرت وی باشد ، آن کار را انجام خواهد داد و زمینه ای برای ایجاد محیط صفا و صمیمیت ایجاد خواهد کرد.



### خدمات مشاور خانواده در زمینه ازدواج

خدماتی که مشاور در زمینه **انتخاب همسر** و تشکیل خانواده ارائه می نماید در مقالات گذشته ضمن بحث مطالب مختلف بیان شده است. بحث های مطروحه نشانگر آن است که مشاور خانواده در زمینه ازدواج خدمات متعددی ارائه می نماید.

#### مهمترین خدماتی که مشاور در این زمینه انجام می دهد عبارت اند از:

**1- کمک به شناسایی همسر:** مشاور در تمام مراحل که **پسر برای شناخت دختر** و خانواده وی، و دختر برای شناخت پسر و خویشاوندانش اقدام می کند به هر دو یاری می دهد.

**2- کمک به بررسی هماهنگی عوامل مؤثر در ازدواج:** مشاور **عوامل مؤثر در ازدواج** را در رابطه با دختر و پسر بررسی می کند و میزان هماهنگی و ناهماهنگی آنها را در مورد طرفین مشخص و نتایج حاصله را به آنان منتقل می کند. در بررسی هماهنگی ها نباید هیچ عاملی از قلم بیفتد.

**3- راهنمایی جهت انجام تست و تجزیه و تحلیل نتایج آن:** دختر و پسر در جریان مشاوره خانواده ممکن است به جایی برسند که برای شناخت خود در زمینه های مختلف از مشاور بخواهند که در مورد آنها آزمون اجرا کند. این تست ها ممکن است **تست شخصیت، رغبت و یا تست هوش** باشد. بنابراین اجرای تست از طرف مشاور زمانی انجام می شود که مراجعان برای این کار آماده باشند. زمانی است که مشاور اجرای آزمون را ضروری می داند. در این موقع باید هدف مشاوره آماده ساختن دختر یا پسر یا هر دوی آنها برای انجام این کار باشد و تا این آمادگی حاصل نشود، اجرای آزمون مفید فایده نخواهد بود. بدیهی است پس از اجرای آزمون نتایج آن باید توسط مشاور، تفسیر و با زبان ساده به مراجع یا مراجعان منتقل شود.

**4- ارجاع به متخصصان:** یکی از مواردی که مشاور می تواند به مراجع دختر یا پسر در زمینه **ازدواج** کمک کند؛ ارجاع آنان به متخصصان مربوط است. مواردی که مشاور، دختر یا پسر را به متخصص ارجاع می دهد عبارتست از:

- دختر یا پسری که در رابطه با **شناخت همسر** آینده خود از نظر شرعی محتاط و یا در جریان پیوند زناشویی پرسش هایی از نظر اعتقادی برای وی مطرح است، باید به روحانی واجد شرایط ارجاع داده شود.

- زمانی که دختر و پسر خویشاوند بخواهند **ازدواج** کنند و در این مورد مَصّر باشند، ارجاع آنان برای **مشاوره زنتیکی** ضروری است.

- در پاره ای موارد نیز برای شناخت **عوامل اخلاقی و روانی** یا بررسی های خانوادگی و فامیلی استفاده از روان شناس بالینی و مددکاری می تواند مفید باشد.

**5- خدمات اطمینان بخشی:** دختر و پسری هستند که مطالعه لازم را انجام داده و پیوند زناشویی را در مورد خود مناسب تشخیص داده اند. معذالک برای آن که نسبت به صحت تصمیم خود مطمئن شوند، به مشاور مراجعه می نمایند. مشاور باید بررسی های لازم را انجام دهد و در صورت تشخیص مناسب بودن امر، آنها را در تصمیمشان اطمینان بخشد. بعضی از **خانواده** ها با وجود شادی و نشاط و حاکمیت روابط صمیمی در خانواده، برای آن که از سلامت کامل روانی و روابط حسنه در خانواده خود مطمئن شوند، سالی یک یا دو نوبت به مشاور مراجعه می کنند. این مراجعان وضعیت خود را با متخصصان در میان می گذارند تا از هرگونه ناراحتی های بعدی پیشگیری نمایند و از سلامت کامل خود مطمئن شوند.

**6- خدمات باز دارنده:** چنانچه ازدواج از سوی پدر و مادر یا دیگران به دختر یا پسر تحمیل شود، یا **ازدواج با هدف های انحرافی** طرح ریزی شده و در شرف انجام است، در این موارد دختر یا پسر یا افراد وابسته به مشاور مراجعه می نمایند و برای جلوگیری از انجام ازدواج کمک می طلبند. مشاور پس از بررسی های لازم چنانچه پیوند زناشویی بین آنان را مناسب تشخیص ندهد؛ باید با دادن اطلاعات لازم به عواملی که در تصمیم گیری ازدواج دخیل هستند، آنان را از انجام امر باز دارد. بدیهی است حق تصمیم گیری با مراجع است و چنانچه با وجود دادن آگاهی های کافی باز هم آنان مَصّر به انجام **ازدواج** باشند، مشاور در این مورد وظیفه ای ندارد ولی چنانچه بعد از وقوع ازدواج با **مواجه شدن مشکلات** مجدد از او کمک بخواهند، باید آنان را در هر زمان در رفع مشکلات یاری دهد.

**7- خدمات حمایتی:** ازدواج هایی که با هدف های انحرافی یا به صورت تحمیلی انجام می شود؛ ممکن است یکی از **زوجین** دیر یا زود متوجه نامناسب بودن پیوند زناشویی شود و بخواهد تا دیر نشده نسبت به گسستن و جدایی خود اقدام کند. او برای آن که در چنین امری موفق شود به مشاور مراجعه می نماید؛ **مشاور** موضوع را بررسی می کند و چنانچه تصمیم مراجع را مناسب تشخیص دهد با اقدامات حمایتی او را در انجام امر یاری می دهد. در خدمات حمایتی ممکن است در مواردی از طریق وکیل دعاوی و یا از قوانین حمایتی نیز استفاده شود.

خدمات حمایتی در باره سایر اعضای خانواده که چنین مشکلاتی داشته باشند و یا در مواردی که بدون جهت به **فروپاشی خانواده** منجر می شود نیز اعمال می گردد.

گاه پدر و مادر و یا خویشاوندان در انجام ازدواج سختگیری می نمایند مشاور خانواده می تواند با تشکیل جلساتی آنان را برای قبول پیوند زناشویی و برگزاری مراسم آن در حد ضرورت آماده نماید و در برابر پدر و مادر و خویشاوندان از زوجین حمایت کند.

**ادامه دارد ...**

در قسمت بعد به لزوم شور و مشورت در خانواده می پردازیم.

منبع : « لزوم مشاوره در آستانه ی ازدواج »

تألیف : سید مهدی حسینی بیرجندی

## شور و مشورت در خانواده لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و هفتم )



در قسمت قبل به مشاوره در رابطه با حوادث خانوادگی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...

در فرایند پیوند زناشویی قول و قرارهایی که قسمتی کتبی و رسمی ، و بخشی ضمنی و اخلاقی است، گذاشته می شود. مواردی که برای دختر و پسر در زمان عقد مطرح است و براساس آن زندگی مشترک آغاز می گردد؛ عبارت اند از :

- زن و مرد در زمان عقد به هم دست بیعت داده و تعهد نموده اند که با وحدت و یگانگی زندگی شادی را تا پایان حیات بگذرانند و در این راه بکوشند.

- آنها تعهد کرده اند برای مصالح مشترک تلاش کنند، در جهت تأمین منافع خانواده بکوشند و در غم و شادی یکدیگر شریک باشند.

- احترام و حقوق یکدیگر را رعایت کنند و از هرگونه رفتار و کرداری که به محبت و الفت آنان لطمه بزند خودداری نمایند.

- در سلامتی و بیماری و گرفتاری ها به یکدیگر کمک کنند و یار و یاور یکدیگر باشند.

- فرزندان خود را در کمال دقت و سعی و کوشش پروراند و در تعلیم و تربیت آنان حداکثر اهتمام را مبذول دارند.

- در تمام امور با یکدیگر صادق و صمیمی باشند.



از آنجا که در هر مؤسسه یا نهادی یک نفر باید مسئولیت را به عهده بگیرد ، بنابراین فردی به عنوان رئیس خانواده انتخاب می شود. در جامعه ایرانی این سیمت به مرد واگذار شده است. رئیس خانواده باید طوری عمل کند که محیط خانواده به **محیط تفاهم** ، تعاون و همکاری تبدیل شود؛ رفتارها، اندیشه ها و موضع گیری ها براساس صفا و اخلاص باشد.

و نیز شرایطی فراهم گردد که فرزندان از نظر جسمی و فکری رشد کنند و افرادی مفید و مؤثر بار آیند. از جمله موضوعی که می تواند محیط خانواده را از نظر رشد و تکامل و شرایط انسانی محیطی مناسب سازد، مسئله شور و مشورت و صلاحدید از افراد خانه در امور مختلف زندگی است.

### **ضرورت مشورت در خانواده**



از آنجا که شوهر به عنوان رئیس خانواده برگزیده شده، بر سایر اعضای خانواده ولایت دارد. ممکن است او چنین احساس کند که می تواند هر کاری بخواهد بدون نظر دیگران در خانه انجام دهد. گاه ممکن است زن برای قدرت نمایی مرد را کنار بزند و زمام زندگی را به دست بگیرد و هر طور بخواهد عمل کند. در هر دو حالت ، خط مشی نامناسب است و اعضای خانواده احساس تعلق و مشارکت در زندگی نمی کنند. مشی صحیح آن است که چون اعضای خانواده سرنوشت مشترک دارند، کلاً باید در امور زندگی دخالت داده شوند؛ و کارها با شور و مشورت، صلاحدید و توافق انجام گیرد. در این صورت همه اعضای خانواده همکاری خواهند نمود و کلیه امور از روی نظم و دلسوزی انجام خواهد گرفت. عدم توجه به نظر افراد خانواده، آنان را در انجام کارها بی اراده و متکی بار می آورد و این نوع رفتار سبب اهانت و جریحه دار شدن احساس، ادراک و عواطف آنان خواهد شد. در نتیجه شرایط لازم برای رشد و پرورش فرزندان فراهم نمی آید و زندگی شاد و پرتفاهمی به وجود نخواهد آمد.

### **برای آن که ابعاد شور در خانواده مشخص شود؛ می توان مشورت اعضا را در ارتباط با یکدیگر به چهار دسته تقسیم نمود:**

**1- مشورت زوجین:** اداره امور خانه در حوزه وظایف پدر و مادر است. چنانچه آنها در امور خانه با یکدیگر مشورت نکنند، علاوه بر آن که کارها به خوبی انجام نمی گیرد، همکاری نیز انجام نخواهد شد و زندگی نشاط خود را از دست خواهد داد. در مواردی زن بیشتر می تواند صاحب نظر و کارآمد باشد ، در برخی موارد مرد در رفع مشکل مؤثرتر است. در امور مربوط به خانه داری ، "زن" و در رفع معضلات و پیچیدگی های زندگی "مرد" بهتر عمل می نماید؛ ولی شور و همفکری در همه امور ضروری است و علاوه بر

آن که راه حل های مناسب تری به دست می دهد ، به علت دخالت در تصمیم گیری همکاری بیشتری را موجب می گردد.

### **پاره ای از اموری که در خانه باید با مشورت زوجین انجام گیرد به شرح زیر است:**

- آموزش و پرورش فرزندان و نحوه برخورد با آنان در انجام تکالیف مدرسه ، ناهنجاری های رفتاری و غیره؛

- تزئین و آراستن خانه ؛

- سفرهای خانوادگی و برنامه های تفریحی ؛

- تهیه غذا و برگزاری میهمانی ها و معاشرت ها ؛

- خرید مایحتاج و وسایل خانه ؛

- تهیه لباس و نحوه پوشش و آرایش؛

- و بالاخره برنامه ریزی در کلیه امور زندگی.

مشورت در امور خانه بین زن و مرد به اندازه ای در زندگی اهمیت دارد که خداوند در قرآن مجید مسئله زمان از شیرگرفتن بچه را موكول به مشورت و رضایت والدین فرموده است:

فان آرآدآ قَصَالًا عَن تَرَاضِ مِئْمَهَا وَ تَشَاوُرِ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِمَا

اگر آن دو (پدر و مادر) با رضایت و مشورت یکدیگر تصمیم گرفتند؛ کودک را از شیر بگیرند اشکالی به رأی آنان نیست. (بقره / 233)



**2- مشورت مادر با دختر:** در فرایند تربیت ، مسائلی مشترکی بین دختر و پسر وجود دارند که پدر و مادر باید با توافق هم نسبت به حل آنها اقدام کنند، ولی برخی امور اختصاص به دختران دارد. در این موارد نزدیکترین فرد به دختر مادر است ، که باید با استفاده از روش های تعلیم و تربیت و با همفکری و ایجاد رابطه حسنه با دختر او را برای زن و مادر شدن آماده نماید. بعضی از این موارد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و قاعدگی؛

- مسائل شرعی ویژه دختران و زنان؛

- مسائل مربوط به غسل و طهارت و غیره؛

- رفتار و کردار با افراد محرم و نامحرم

- نحوه برخورد، معاشرت و انجام مراسم و حضور در مجامع مختلف؛

- مسئله خواستگاري و انتخاب همسر؛

- وارد شدن به دنياي زنان و حيات خاص آنان؛

- نحوه پوشش، آرايش و استفاده از زيور آلات و رعايت موازين شرعي در اين موارد؛

- و بالاخره دختر هميشه همراه و همكار مادر است و بايد از او زندگي خانوادگي، مادري و همسري را فرا گيرد. بنابراين لازم است مادر در نقش يك مشاور و محرم راز و نزديكترين فرد به دختر، او را از كليۀ ريزه كاري ها و حيات زنان و بانوان مطلع و در اين زمينه او را بصير گرداند.

**3- مشورت پدر با پسر:** مداخله پدر در مورد مسائل مربوط به پسران بايد به نحوي اعمال گردد كه پسر كليۀ مشكلات خود را بدون هيچ گونه رودربايستي با او در ميان بگذارد. پسران در سن بلوغ كمتر با دختران محشورند، و بايستي از حضور در مجامع مختلط پرهيز كنند. مواردی كه پدر بايد از طريق شور و به صورت همفكري و محرم راز، پسر را در جريان قرار دهد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و نوجواني؛

- مرحله رشد جنسي و احتلام و بهداشت رواني در اين زمينه ؛

- مسائل شرعي مربوط به غسل و طهارت و غيره؛

- رعايت موارد شرعي در ارتباط با دختران؛

- چگونگي حضور در جلسات ويژه مردان و زنان يا جلسات مختلط و نحوه برخوردها؛

- راهنمايي در مورد مسائل مربوط به ازدواج و كليۀ مراحل آن و رعايت معيارهاي شرعي؛

- نحوه رفت و آمد در خيابان ها و معاشرت ها و حوادثي كه احتمالاً ممكن است پيش پاي او قرار گيرد.

رابطه پدر و پسر بايد طوري باشد كه آن دو به عنوان دوست و طرف مشورت و محرم راز، يكديگر را پذيرند و پسر در تعامل با پدر، شيوه هاي زندگي ويژه مردان را بياموزد و ادامه حيات سالم و صالح را فراگيرد.

لازم به يادآوري است كه مادر از طريق پدر به مسائل خاص آنان مطلع خواهد شد و با مشورت يكديگر موجبات رشد و تكامل فرزندان را در زندگي فراهم خواهند ساخت.

**4- مشورت كليۀ اعضاي خانواده:** پدر به عنوان رئيس خانواده بايد مسائل را با حضور همه اعضاي خانواده و در محيطي گرم و صميمي مطرح نمايد، و نظر همه اعضا را بخواهد، و شيوه اي اتخاذ كند تا هر موضوعي پس از بحث و كنكاش، منجر به تصميم گيري شود.

**مشورت و توجه به نظرات كليۀ اعضاي خانواده موجب مي شود:**

- به شخصيت فرزندان توجه شود و آنان به تفكر در مسائل وادار گردند و از نظر ذهني رشد كنند.

- فرزندان دریابند در همه اعمال و رفتار آزاد نیستند ؛ بلکه باید در روابط و عملکردها، دیگران را هم به حساب آورند و تن به سازگاری اجتماعی دهند.
  - شور و مشورت ، جو خانواده را به صورت محیطی دوستانه در می آورد، و انس و الفت و نشاط بر آن حاکم می شود.
  - چون در تصمیم گیری ها همه سهیمند، بیشتر احساس تعلق به خانواده می کنند و در رعایت منافع آن دلسوزتر خواهند بود؛ و بدون آنکه تحمیلی احساس کنند وظایف و تکالیف خود را انجام خواهند داد.
  - چون موضوع از دیدگاه های مختلف بررسی می شود، تصمیمات متخذه بهتر و سنجیده تر خواهد بود.
  - بحث و بررسی و شور، اعضای خانواده ، به خصوص فرزندان را از نظر **سیاسی** اجتماعی رشد و تکامل خواهد بخشید.
- ادامه دارد....**

در قسمت بعد به توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی خواهیم پرداخت.

## **توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و هشتم )**



در قسمت قبل به **لزوم شور و مشورت در خانواده** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...  
**عشق** و محبت بین زن و شوهر از ارکان اصلی نظام خانواده است؛ اما با گذشت زمان و سپری شدن شور و شوق دوران نخستین ازدواج، گاه این فکر به ذهن همسران می آید که بعد از چند سال زندگی میزان علاقه آنان نسبت به هم چقدر تغییر کرده است. برخی از آنان، هنگامی که در زندگی مشترک خود خدشه ای ببینند چنان از کوره در می روند و پل های پشت سر خود را خراب می کنند که دیگر نمی توانند روابطشان را نسبت به دیگری ترمیم کنند.

هدف از ارائه توصیه های زیر، آموزش برای ارتقای سازگاری و توجه کردن به ویژگی های مثبت یکدیگر، **افزایش اعتماد به نفس**، **کاهش اضطراب** و تنش های موجود در جهت بهداشت و سلامت روانی است که موجب تداوم زندگی و جلوگیری از هم گسیختگی خانواده است.

**1. خانواده یک مجموعه است:** مجموعه ای شامل زن ، شوهر و فرزندان و در مرحله بعد اقوام و خویشاوندان. **خانواده زمانی موفق خواهد بود** که در آن هماهنگی وجود داشته باشد و همه اعضا در یک محفل انس با کمال صمیمیت و شادی زندگی کنند. چون وجود هر نوع مشکل و ناهماهنگی حتی از سوی یک عضو، کل خانواده را دچار ناراحتی می نماید؛ بنابراین از هر نوع رفتاری نظیر طعنه زدن، تحقیر، مقایسه کردن و... پرهیز کنید.

**2. زندگی مشترک، عرصه کمال است، نه صحنه پیکار؛** بنابراین در رفع بحران ها مانند یک تن واحد عمل کنید؛ یار و یاور هم باشید. کوشش نکنید بر دیگری تسلط یابید؛ با هم و در کنار هم باشید نه رو در روی هم! سعی کنید به قول «ابراهام مزلو» از «من واقعی» بگذرید تا به « مای واقعی» برسید.

**3. از ابراز محبت نسبت به یکدیگر دریغ نکنید؛** ابراز محبت به موقع در زندگی مشترک ، علاقه ، نشاط و طراوت به وجود می آورد. این امر فقط لازمه روزهای نخستین ازدواج نیست؛ بلکه با گذشت زمان نهال نوپای زندگی به درختی تناور تبدیل می شود که نیاز بیشتری به آبیاری دارد؛ با ابراز محبت و نشان دادن عشق و علاقه به هم، می توان این درخت تناور را برای همیشه با نشاط ، بارور و با طراوت نگه داشت.



**4. عاشقانه به هم نگاه کنید.** نحوه نگرستن هر یک از ما به دیگری به « چگونه بودن ما» بستگی دارد؛ نه به " چگونه بودن او". همسران ، تماشاچی زندگی یکدیگر نیستند؛ بلکه شریک مشاهده شده زندگی یکدیگرند.

زنی می گفت: " از زمانی که ازدواج کرده ام ، شوهرم بیشتر ترجیح می دهد که به جای مصاحبت با من ، برنامه ورزشی تلویزیون را تماشا کند؛ یک بار وقتی به او اعتراض کردم که «چقدر زولیده ای» ، پاسخ داد: تو «هم شلخته ای».

این بحث بیهوده و زیان آور نشانگر آن است که چگونه همسران به جای عشق ورزیدن به هم ، ممکن است در جستجوی برشمردن عیب های یکدیگر باشند. این یک طریق نگاه کردن به زندگی است؛ اما شیفتگی شما وقتی حاصل می شود که فکر کنید همسر شما فردی باشکوه ، ناب، صمیمی ، خوش خلق و باهوش است. این شیوه نگرش به زندگی به ما می آموزد به جای این که عشق را جستجو کنیم ، با عشق و محبت به زندگی نگاه کنیم. «زبان نگاه» زبان مؤثری است. شما با نگاه کردن به طرف مقابل، به او می فهمانید که به صحبت کردن با او علاقه مند هستید. اگر او سخن می گوید، شما با تبسم ، به صورت و چشم او نگاه کنید. این حالات شما، اثر معجزه آسای در ایجاد صمیمیت و عشق شما دارد.

میل به صمیمیت نه فقط جنبه جسمی ، که جنبه روانی نیز دارد. این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاصی به خلوت و تنهایی در نظر زوج ها جلوه گر می شود. علاوه بر این، اغلب در یک زوج عاشق شاهد به وجود آمدن زبانی رمزی و عبارت های محرمانه ای هستیم که افراد دیگر قادر به درک آن نیستند؛ و نیز شیطنت ها، اشاره ها و کنایه هایی که تنها عشاق آن را می فهمند.

**5. بر اشتباه خود پافشاری نکنید؛** وقتی یکی از شما اشتباه کردید؛ صادقانه و صمیمی به آن اعتراف کنید ؛ مراقب باشید که احساسات دیگری را جریحه دار نسازید. **صداقت** و اظهار پشیمانی و ندامت تنها علاج واقعه است؛ زیرا قبول نکردن اشتباه و نپذیرفتن خطا، اختلاف را دامن می زند؛ تا زمانی که به اشتباه خود معترف نشوید و صمیمانه از همسرتان پوزش نخواهید، رابطه زناشویی تان ترمیم نمی شود.

**6. نخست باید بدانید هر موضوعی را به نوعی خاص با همسر خود در میان بگذارید.** اگر فکر می کنید گفتن اسرار تان ضرورتی ندارد و نگفتن آن آینده شما را تهدید نمی کند؛ در بر ملا کردن آن اصرار نکنید. هنگام گفتن مسئله ای که در گذشته داشته اید ، ابتدا بخشی از آن را فاش نمایید؛ بدین معنی که از مسائل کوچکتر شروع کنید و اگر دیدید همسر تان ظرفیت پذیرش آن را دارد، به تدریج مسائل مهمتر را پیش بکشید.

**7. در مطرح کردن مسائل ناخوشایند، سعی کنید خود را هم دخالت دهید؛** مثلاً به جای این که بگویید، چرا با فلانی این طور برخورد کردی؟ بهتر است بگویید: "کاش با فلانی این طور برخورد نمی کردیم."



**8. هنگام طرح مسئله با همسر خود، هرگز جمله " تو با هیچ کس نمی توانی کنار بیایی" را به کار نبرید؛** چون تنها همین جمله باعث می شود، او دیگر هیچ وقت مسئله خود را با شما در میان نگذارد.

**9. به جای جستجو در اعمال و رفتار همسر تان و یا تجسس در اوراق شخصی وی، سعی کنید از خود او سؤال کنید؛** شاید شما در اشتباه باشید. گفتگو با همسر تان در مورد مسئله ای که شما را به شک و تردید می اندازد، موجب می شود مشکل آسان تر حل شود.

**10. اشتباهات یکدیگر را به رخ هم نکشید؛** زیرا پایه های زندگی مشترک را سست می کند و سپس ویران می سازد.

از اشتباهات خود پند بگیرید: هنگامی که جراحت اختلاف التیام یافت سعی کنید صمیمی باشید؛ اعتراف به گناه و عذرخواهی دلیل سعه صدر و پیشگیری از اشتباه مکرر است.

### **11. اگر خطایی از همسر خود دیدید، زود از کوره در نروید و سفره دلتان را نزد**

**هر کس باز نکنید.** به خصوص پیش پدر و مادر خود درد دل نکنید. زیرا این کار موجب سرافکنندگی همسران می شود و امکان آشتی را بسیار ضعیف می کند.

اگر رابطه شما با همسران تیره شد، سعی کنید آرامش خود را حفظ کنید؛ متین و خونسرد باشید و گرنه رفتارتان غیرمنطقی می شود؛ و ممکن است دست به کاری بزنید که موجب پشیمانی شما شود؛ سعی کنید **بر عصبانیت خود غالب شوید.**

### **12. اگر می خواهید عشق و علاقه خود را به همسران تداوم ببخشید؛ نخست**

باید یاد بگیرید که زمان کافی را برای با هم بودن و ابراز محبت اختصاص دهید. رابطه صمیمانه گذشته را تجدید کنید؛ به انگیزه عشق و ازدواجتان بیندیشید؛ با همسران درباره نخستین روزهای آشنایی و دوران خوش زندگی گفتگو کنید؛ زیرا یادآوری شادی ها و رویدادهای شیرین آن روزها، هم وجودتان را گرم می کند و هم تازگی و طراوت رابطه شما را با همسران حفظ خواهد کرد.

### **13. سعی کنید تلافی جو نباشید؛** این نکته مهمی است؛ اگر بخواهید به تلافی

اشتباه همسر خود، لجاجتی کنید، همه پل های رابطه با همسران را خراب کرده اید؛ حسادت چشم عقل را کور می کند. کینه جوئی انگیزه اشتباه های خطرناکی می شود که جبران ناپذیر است. در عوض، گذشت و فداکاری، فردی را که مرتکب اشتباه شده است، برای همیشه نسبت به همسرش مدیون می کند.

### **14. انعطاف پذیر باشید؛** انعطاف پذیری یکی از ویژگی های مهم برای ایجاد سازگاری

بیشتر و سلامت روانی است. با چشم پوشی و نرمش نسبت به برخی رفتارهای کودکانه و **لجاجتی** ها، نه تنها می توان از تنش های بی دلیل پیشگیری کرد؛ بلکه می توان بنیان خانواده را بیش از پیش مستحکم تر کرد. مسائل و موارد اختلاف را صرفاً به نیت رسیدن به دیدگاه مشترک طرح کنید، نه به تکرار و تثبیت کدورت و دشمنی.



**15. صبر و بردباري همسر خود را به عنوان وظیفه او قلمداد نکنید؛ بلکه متقابلاً در موارد مشابه ؛ با گذشت، متانت و نکته سنجي، قدرداني خود را نسبت به او ثابت کنید.**

**16. همسر آزرده، شریک خوبی برای زندگی نیست؛ یکدیگر را نیازارید؛ و نیز اجازه ندهید یکنواختی و کسالت، غبار غم بر زندگی شما بیافشانند. برای پیشبرد و تنوع و رونق زندگی هر روز قدمی هر چند کوچک بردارید.**

**17. نسبت به همسران احساس مسئولیت کنید.** احساس مسئولیت چیزی نیست که از خارج به فرد تحمیل شود. احساس مسئولیت، به معنای واقعی آن، امری کاملاً ارادی است؛ پاسخ آدمی است به نیازهای یک انسان دیگر، خواه این نیازها بیان شده باشد یا بیان نشده باشد. "احساس مسئولیت کردن" یعنی توانایی و آمادگی برای "پاسخ دادن". پاسخ به عشق دیگری و توجه به نیازهای روانی او.

**18. به همسران احترام بگذارید و احساسات او را درک کنید.** منظور از درک احساسات آن است که همسر خود را آن طور که هست بشناسید : از نظر خصوصیات اخلاقی، عقلی، ایمانی، ایده ها، آرزوها و بالاخره احساسات و عواطف. احترام گذاشتن به همسر عبارت است از پذیرش وی آن طور که هست و ارزش گذاشتن به شخصیت و کمالات او که مظاهر آن در گفتار و کردار در فرهنگ های مختلف متفاوت است. بنابراین همسران باید ضمن وحدت فرهنگی از مصادیق احترام در زمینه های مختلف تبعیت کنند و آنها را در مورد همسر خود به کار بندند.